



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

علوم اجتماعی

دانشگاه فردوسی مشهد

(نشریه علمی)

سال بیست و یکم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۹

ISSN: ۲۰۰۷-۱۳۸۳

۱ ■ تحلیل رابطه طرد اجتماعی با ظرفیت‌های کارآفرینی اجتماعی در ترک اعتیاد زنان و دختران معتاد
علی اکبر مجدی، سید علیرضا انوری

۲۹ ■ زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی اقبال زنان به الگوهای نودین‌داری (مطالعه موردی: دوره‌ها و کلاس‌های عرفانی،
موفقیت و یوگا در شهر تهران)
محمدتقی کرمی قهی، علی خانمحمدی، سمیرا نوری

۵۵ ■ آسیب‌شناسی سبک زندگی مددجویان بهزیستی و ارائه راهکارها (مورد مطالعه: مددجویان شهر دامغان)
شهرام باسیتی، منیره مرادی نسب

۸۷ ■ تأثیر کیفیت زندگی بر نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان (مورد پژوهش: کارفرمایان بخش خصوصی
شهر مشهد)
مسعود حاجی زاده میمندی، موسی افضلیان سلامی

۱۲۵ ■ تحلیلی بر شاخص‌های توسعه پایدار در محلات شهری (نمونه موردی: محلات ۱۴ گانه منطقه ۳ شهر اصفهان)
کورش مؤمنی، مهناز حسینی سیاه گلی، صفیه دامن باغ

۱۵۷ ■ مطالعه کیفی آسیب‌های فضای مجازی در دانش‌آموزان شهر اراک
سیداحمد میرمحمدتبار، مجتبی محمدی جلالی فراهانی، صمد عدلی‌پور

۱۸۷ ■ فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب در ایران
مهیا آزمایش آسیابسری، نادر مطیع حق‌شناس، ولی‌اله رستمعلی‌زاده

۲۱۵ ■ تبیین وضعیت عرفی‌شدن دبیران (متوسطه اول و دوم) آموزش و پرورش: مورد مطالعه شهر اصفهان
ناصر نظریان، سیدعلی هاشمیان‌فر، علی قنبری برزین



دانشگاه فردوسی مشهد
علوم اجتماعی
(نشریه علمی)

سال بیست و یکم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۹

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی - پژوهشی" به نشریه "علمی" تغییر نام یافتند.

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر حسین بهروان (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)

سردبیر: دکتر حسین بهروان (استاد دانشگاه فردوسی مشهد)

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر فاطمه گلایی، استاد دانشگاه تبریز (دکترای جامعه‌شناسی)	دکتر عبدالعلی لهسایی‌زاده، استاد دانشگاه شیراز (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر حسین بهروان، استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جامعه‌شناسی)	دکتر محسن نوغانی دخت بهمنی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر غلامرضا جمشیدیها، استاد دانشگاه تهران (دکترای جامعه‌شناسی)	دکتر منصور وثوقی، استاد دانشگاه تهران (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر سیدمحمد سیدمیرزائی، استاد دانشگاه شهید بهشتی (دکترای جمعیت‌شناسی)	دکتر علی یوسفی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر یعقوب فروتن، دانشیار دانشگاه مازندران (دکترای جمعیت‌شناسی)	دکتر محمود صدری، استاد دانشگاه زنان تگزاس (دکترای جامعه‌شناسی)
دکتر محمدتقی شیخی، استاد دانشگاه الزهرا (دکترای جامعه‌شناسی)	رافائل اسمورژینسکی، دانشیار جامعه‌شناسی، موسسه فلسفه و جامعه‌شناسی آکادمی علوم لهستان
دکتر رامپور صدر نوی، استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکترای اجتماعی)	

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی نویسنده اصلی به چاپ رسیده است.

مدیر داخلی: دکتر حسین میرزایی

ویراستار ادبی: زینب درویشی

ویراستار انگلیسی: مرکز ویراستاری انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی

حروفچین و صفحه‌آرا: محبوبه ایران‌پاک

کارشناس اجرایی دفتر مجله: زهرا بنی‌اسد

شمارگان: ۳۰ نسخه

نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۳، نمابر: ۳۸۸۰۷۰۶۰ (۰۵۱)

۳۸۸۰۵۱۹۴ (۰۵۱)، سردبیر: ۳۸۸۰۵۱۹۲ (۰۵۱).

خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا- سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها- سالانه)

نشانی اینترنتی مجله، ارسال مقاله و حاوی متن کامل تمام مقالات:

http://social.um.ac.ir Email: Jss@ferdowsi.um.ac.ir

شماره پرونده: ۳/۱۱/۵۴۳ - این مجله در نشست کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورخ ۸/۳/۲۳، رتبه علمی - پژوهشی دریافت نموده است.

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه استادی علوم جهان اسلام (ISC)
- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)

شماره پروانه انتشار از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۴/۶۰۷ مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر محمد ابراهیمی (استادیار گروه شهرسازی مجتمع آموزش عالی لارستان)
دکتر احمدرضا اصغرپور ماسوله (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر توکل آقایی هیر (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز)
دکتر حسین اکبری (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر ابوالفضل اکبری (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران)
دکتر حمید انصاری (دانشیار گروه برنامه ریزی اجتماعی، دانشگاه تهران)
دکتر مهدی امیرکافی (دانشیار بخش علوم اجتماعی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان)
دکتر مصطفی امیرفخریان (استادیارگروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر حسین بهروان (استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر فرهاد بیانی (استادیار جامعه شناسی و عضو گروه مطالعات علم و فناوری، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)
دکتر علی بوداقي (استادیارگروه علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز)
دکتر محمود تیموری (دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر غلامرضا حسنی درمیان (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر سید کمال الدین حسینی (دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید بهشتی مشهد)
دکتر محمدعثمان حسین بر (دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه سیستان و بلوچستان)
دکتر احسان رحمانی خلیلی (استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی)
دکتر هادی رازقی مله (دانش آموخته دکتری جامعه شناسی، دانشگاه کاشان)
دکتر مسعود زمانی پور (دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مریم سهرابی (دانش آموخته دکتری جامعه شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر بثول صیفوری طغralجردی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران)
دکتر صمد عدلی پور (دکتری جامعه شناسی، دانشگاه تبریز)
دکتر خیام عزیزی مهر (استادیار گروه برنامه ریزی اجتماعی، دانشگاه تهران)
دکتر مجید فولادیان (دانشیارگروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مجید کوششی (دانشیار گروه جمعیت شناسی، دانشگاه تهران)
دکتر محمد گنجی (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان)
دکتر علی اکبر مجدی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر حمید مسعودی (استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه بیرجند)
دکتر سید یعقوب موسوی (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا)
دکتر حسین میرزائی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر سیداحمد میرمحمدتبار (استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه اراک)
دکتر مجید موحد مجد (استاد گروه جامعه شناسی، دانشگاه شیراز)
دکتر محسن نوغانی دخت بهمنی (استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد)

۱. مقاله‌ها حداکثر در ۸۵۰۰ کلمه (با احتساب چکیده و منابع) از طریق پرتال مجله به آدرس <http://social.um.ac.ir> ارسال شوند. ذکر مشخصات نویسنده اصلی و ترتیب اسامی نویسندگان (رتبه علمی، گرایش تخصصی، محل خدمت، تلفن تماس و نشانی پست الکترونیکی) ضروری است.

۲. فاصله خطوط ۱، حاشیه از طرفین ۳ و از بالا ۵ سانتی متر و پایین ۴ سانتی متر، متن مقاله با قلم بی لوتوس ۱۳ و چکیده با قلم بی لوتوس ۱۲ باشد.

۳. ساختار مقاله: صفحه عنوان، چکیده فارسی به همراه لاتین آن (حداکثر ۳۰۰ کلمه)، کلیدواژه‌ها (حداکثر ۵ واژه)، متن مقاله، یادداشت‌ها، منابع.

– صفحه عنوان: نام مقاله به صورت کامل

نام نویسنده (رتبه علمی، رشته و محل خدمت)

ایمیل نویسندگان (در زیر نام هر نویسنده، ایمیل مربوط به آن نویسنده ذکر شود).

نویسنده مسئول و عهده‌دار مکاتبات مشخص شود.

– متن مقاله: در متن مقاله، رعایت و ذکر همه بخش‌های مقاله، شامل: مقدمه، مبانی نظری، روش تحقیق، یافته‌های پژوهش، بحث و نتیجه‌گیری الزامی است.

– ارجاعات مقاله، درون‌متنی و براساس APA نسخه عبادی (به راهنمای آن در سامانه نشریه مراجعه شود).

– در نقل قول‌ها (خواه مستقیم، خواه غیرمستقیم)، استناد به آرا و اقتباس از آثار دیگران، حتماً نام نویسنده/ نویسندگان و سال انتشار و در صورت لزوم شماره صفحه اثر داخل پرانتز در متن آورده شود. هرگاه نقل قول مستقیم باشد، شماره صفحه مطلب در اثر اصلی نیز همان‌جا در متن آورده شود.

نقل قول‌های مستقیم مفصل، به صورت جدا از متن، با تورفتگی از دو طرف و فونت ریزتر آورده شود. اسامی و واژه‌های غیرفارسی فارسی نیز به صورت فارسی نوشته شود و معادل لاتین آن‌ها در پاورقی بیاید.

– در نقل قول‌هایی که دو نویسنده دارد، در هر بار ارجاع، نام هر دو نفر ذکر شود و در نقل قول‌هایی که بیش از دو نویسنده دارد، اگر تعداد نویسندگان پنج نفر یا کم‌تر باشد، فقط در اولین بار ارجاع نام همه نویسندگان ذکر شود و در دفعات بعد، نام نویسنده اول و «دیگران» بیاید. همچنین در صورتی که تعداد نویسندگان شش نفر یا بیش‌تر باشد، تنها نام نفر اول و عبارت «و دیگران» ذکر شود.

– در پایان مقاله، تنها منابعی که در متن مقاله نام برده و ارجاع داده شده است، بیاید. منابع پایان مقاله براساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده/ نویسندگان به شرح زیر آورده شود:

– کتاب: نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). نام کتاب (ایتالیک). نام مترجم/ مصحح. محل نشر: نام ناشر.

- **مقاله:** نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). عنوان مقاله. نام مترجم. نام نشریه (ایتالیک)، دوره/ سال (شماره)، شماره صفحات اول و آخر مقاله.
- **مجموعه مقالات:** نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). عنوان مقاله. نام ویراستار یا گردآورنده. نام مجموعه مقالات (ایتالیک). محل نشر: ناشر.
- **همایش‌ها:** نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. (تاریخ انتشار داخل پرانتز). عنوان مقاله. زمان دقیق همایش (روز و سال و ماه). مکان همایش. شماره صفحات اول و آخر مقاله.
- **سایت‌های اینترنتی:** نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده/ نویسندگان. عنوان موضوع (ایتالیک)، نام و آدرس سایت/ اینترنتی (آخرین تاریخ و زمان تجدید نظر در سایت اینترنتی، شامل روز و ماه و سال).
- **رساله‌های تحصیلی:** نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده. (تاریخ نگارش داخل پرانتز). نام پایان‌نامه (ایتالیک). مقطع تحصیلی. نام دانشکده. نام دانشگاه، کشور.
- در موارد دیگر نیز انواع منابع به شیوه APA عمل شود.
۴. متن کامل مقاله نباید در هیچ‌یک از مجلات داخل یا خارج از کشور و یا در مجموعه‌مقاله‌های همایش‌ها چاپ شده باشد. نویسندگان/ نویسندگان موظفند در صورتی که مقاله آن‌ها در جای دیگر چاپ شده یا پذیرش چاپ آن اعلام شده باشد، موضوع را به آگاهی دفتر مجله برسانند.
۵. مدیریت مجله در ویراستاری ادبی مقاله، بدون تغییر محتوای آن، آزاد است.
۶. فایل الگوی نگارش مقاله مطابق قواعد پیش گفته در سامانه مجله موجود است.

فهرست مندرجات

۱-۲۷	▪ تحلیل رابطه طرد اجتماعی با ظرفیت‌های کارآفرینی اجتماعی در ترک اعتیاد زنان و دختران معتاد علی اکبر مجدی، سید علیرضا انوری
۲۹-۵۴	▪ زمینه‌های اجتماعی- فرهنگی اقبال زنان به الگوهای نوین‌داری (مطالعه موردی: دوره‌ها و کلاس‌های عرفانی، موفقیت و یوگا در شهر تهران) محمدتقی کرمی قهی، علی خانمحمدی، سمیرا نوری
۵۵-۸۵	▪ آسیب‌شناسی سبک زندگی مددجویان بهزیستی و ارائه راهکارها (مورد مطالعه: مددجویان شهر دامغان) شهرام باسیتی، منیره مرادی نسب
۸۷-۱۲۳	▪ تأثیر کیفیت زندگی بر نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان (مورد پژوهش: کارفرمایان بخش خصوصی شهر مشهد) مسعود حاجی زاده میمندی، موسی افضلیان سلامی
۱۲۵-۱۵۵	▪ تحلیلی بر شاخص‌های توسعه پایدار در محلات شهری (نمونه موردی: محلات ۱۴ گانه منطقه ۳ شهر اصفهان) کوروش مؤمنی، مهناز حسینی سیاه گلی، صفیه دامن باغ
۱۵۷-۱۸۶	▪ مطالعه کیفی آسیب‌های فضای مجازی در دانش‌آموزان شهر اراک سیداحمد میرمحمدتبار، مجتبی محمدی جلالی فراهانی، صمد عدلی‌پور
۱۸۷-۲۱۴	▪ فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب در ایران مهیا آزمایش آسیابسری، نادر مطیع حق‌شناس، ولی‌اله رستمعلی‌زاده
۲۱۵-۲۵۰	▪ تبیین وضعیت عرفی‌شدن دبیران (متوسطه اول و دوم) آموزش و پرورش: مورد مطالعه شهر اصفهان ناصر نظریان، سیدعلی هاشمیان‌فر، علی قنبری برزین

علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (نشریه علمی)

سال بیست و یکم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۹

Exploring the Relationship between Social Rejection and Social Entrepreneurship Capacities in Relation to Drug Withdrawal Among Addicted Women and Girls

Ali Akbar Majdi¹

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities,
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Seyed Alireza Anvari

Ph.D. in Economic Sociology and Development, Faculty of Literature and Humanities,
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 17 October 2022 Revised: 18 December 2022 Accepted: 14 March 2023

Abstract

This research investigates the relationship between social rejection and social entrepreneurship in relation to addiction withdrawal among addicted women and girls. The research method is a field survey and the statistical population consists of all addicted women and girls in Khorasan Razavi province. Sampling was conducted in the care centers of female addicts and the Association of Narcotics Anonymous. A sample size of $n=354$ people was calculated by Cochran's formula. Sampling was conducted randomly from the existing lists. The findings of the correlation table show that entrepreneurial capability is inversely related to social rejection such that social rejection drops as the entrepreneurial ability of the addicted women and girls improves. The regression analysis as the final model presented variables in the social rejection that deteriorated social entrepreneurship ability, which included insults suffered due to addiction, sarcasm for addiction, limited socialization, loss of a job, and break of social relationships. In this way, social entrepreneurship can offer a solution to help addicts overcome social exclusion and get on the path to addiction withdrawal. Hence, social entrepreneurial ability based on the social rejection index such as building social networks related to entrepreneurship for specific groups (addicted women and girls) helps overcome addiction by mitigating the effects of social rejection and isolation. An outcome of entrepreneurship is escaping isolation and social exclusion, and the strategy of social entrepreneurship to address the problem of social exclusion is to create a social network with an entrepreneurial approach for addicted women and girls. This network consists of a group of

1. Corresponding Author, Email: majdi@um.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Majdi, A. A. and Anvari, S. A. (2024). Exploring the Relationship between Social Rejection and Social Entrepreneurship Capacities in Relation to Drug Withdrawal Among Addicted Women and Girls. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 1-27. doi: 10.22067/social.2023.73597.1102

individuals and groups active in the field of entrepreneurship to lead addicted women and girls toward entrepreneurial activities and starting businesses.

Keywords: Women and Girls, Addiction, Social Rejection, Social Entrepreneurship, Khorasan Razavi

تحلیل رابطه طرد اجتماعی با ظرفیت‌های کارآفرینی اجتماعی در ترک اعتیاد زنان و

دختران معتاد

علی اکبر مجدی (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد،

ایران، نویسنده مسئول)

majdi@um.ac.ir

سید علیرضا انوری (دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی

مشهد، مشهد، ایران)

ali.anvary@yahoo.com

چکیده

تحقیق حاضر رابطه طرد اجتماعی با کارآفرینی اجتماعی در ترک اعتیاد زنان و دختران معتاد را بررسی می‌کند. روش تحقیق پیمایشی و جامعه آماری کلیه زنان و دختران معتاد در استان خراسان رضوی هستند. نمونه‌گیری از مراکز نگهداری معتادان زن و انجمن معتادان گمنام انجام شده است. حجم نمونه ۳۵۴ نفر بر اساس فرمول کوکران به دست آمد. شیوه نمونه‌گیری به شکل تصادفی از روی لیست‌های موجود انجام شد. یافته‌های جدول هم‌بستگی نشان می‌دهد که توانمندی کارآفرینی با طرد اجتماعی رابطه معکوس دارد و با افزایش میزان طرد اجتماعی توانمندی کارآفرینی در بین زنان و دختران معتاد کاهش می‌یابد. در تحلیل رگرسیون به‌عنوان مدل نهایی متغیرهایی که در شاخص طرد اجتماعی به‌طور هم‌زمان باعث کاهش توانمندی کارآفرینی اجتماعی می‌شوند، شامل توهین‌شنیدن به خاطر اعتیاد، طعنه‌شنیدن به خاطر اعتیاد، کم‌شدن معاشرت، از دست دادن شغل و قطع رابطه اجتماعی به دلیل اعتیاد است. به این ترتیب، کارآفرینی اجتماعی می‌تواند یکی از راهکارهایی باشد که برای غلبه بر طرد اجتماعی به افراد معتاد کمک کرده تا در مسیر ترک اعتیاد قرار بگیرند. در نتیجه‌گیری ظرفیت‌های کارآفرینی اجتماعی بر اساس شاخص طرد اجتماعی شامل ایجاد شبکه‌های اجتماعی مرتبط با کارآفرینی برای گروه‌های خاص (زنان و دختران معتاد) با کاهش تأثیرات طرد و انزوای اجتماعی به ترک اعتیاد آنها کمک می‌کند. نتیجه کارآفرینی خارج‌شدن از انزوا و طرد اجتماعی است و مسیر کارآفرینی اجتماعی برای کمک به حل مشکل طرد اجتماعی ایجاد شبکه اجتماعی با رویکرد کارآفرینی برای زنان و دختران

معتاد است. این شبکه از مجموعه‌ای از افراد و گروه‌های مرتبط با کارآفرینی تشکیل می‌شود تا زنان و دختران معتاد را به سمت فعالیت‌های کارآفرینی و راه‌اندازی کسب‌وکار کمک کند.

واژگان کلیدی: زنان و دختران، اعتیاد، طرد اجتماعی، کارآفرینی اجتماعی، خراسان رضوی.

۱. مقدمه

اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یک اختلال مزمن شناخته می‌شود که فرد معتاد در صورتی که به مواد مخدر دسترسی نداشته باشد، دچار عوارض و احساسات ناخوشایندی شده و بدون اراده و ناخواسته به سمت مصرف مواد مخدر می‌رود. اگرچه فرد معتاد به مواد وابسته است، اما در بسیاری از جنبه‌های این وابستگی تفاوت‌های جنسیتی زیادی وجود دارد (ژو و چانگلین^۱، ۲۰۱۴: ۱۶۳).

بر اساس آمار جهانی، اعتیاد در زنان عوارض خطرناک‌تری نسبت به مردان ایجاد می‌کند؛ برای مثال فاصله زمانی نخستین تجربه مصرف مواد مخدر و روان‌گردان تا تزریق در زنان، به طور متوسط دو سال به طول می‌انجامد؛ درحالی‌که این زمان در مردان حدود هشت سال است و با این حساب زنان ۶ سال زودتر از مردان به وابستگی شدید، که درمان آن سخت‌تر و عوارض جسمی، روانی و اجتماعی آن نیز به مراتب بیشتر است، کشیده می‌شوند (گراه و کانمولاج^۲، ۲۰۲۰: ۲۲۵). این در حالی است که در مطالعات انجام شده به دلیل در نظر گرفتن تمایزات جنسیتی طی سال‌های گذشته بیشتر به جنبه مردانه توجه شده است (آنزل و آنزل، ۱۳۹۴: ۴۰). این بی‌توجهی به مطالعات جنسیتی اعتیاد در شرایطی است که اعتیاد زنان در جامعه امروز شتاب زیادی گرفته است، به گونه‌ای که در دهه گذشته تعداد مصرف‌کنندگان زن از کل معتادان کشور از ۵ درصد به ۱۰ درصد افزایش یافته است (هاشم زهی، محسن‌زاده و معدنی، ۱۳۹۷: ۵۶).

اعتیاد زنان آسیب‌های اجتماعی بزرگتر و متفاوت‌تری نسبت به اعتیاد مردان دارد و در این زمینه مطالعات نشان می‌دهد که زنان معتاد در مقایسه با مردان معتاد عملکرد ضعیف‌تری در

1. Zhou Chenglin

2. Groh & Cunmulaj

جنبه‌های مختلف زندگی مثل سلامت جسمی و روانی یا ارتباطات اجتماعی و ثبات اقتصادی خواهند داشت (شایگان، ۱۳۹۰: ۳۲). با این وجود، در جامعه زنان معتاد بیشتر همچون افرادی در نظر گرفته می‌شوند که فقیر و بی‌سواد هستند و به همین علت واقعیت اجتماعی اعتیاد آنها تحت تأثیر کلیشه‌های رایج اجتماعی کمتر بازتابی می‌شود و در نتیجه، به پیامدهای اعتیاد آنها و توجه به راهکارهای اساسی برای حل آن توجه کمی شده است (رایبو^۱، ۲۰۱۶: ۶۲۷).

در نتیجه این بی‌توجهی، این گروه از زنان آسیب‌دیده به دلیل محرومیت‌های ارتباطی و اقتصادی از بسیاری از خدمات و امکانات اجتماعی محروم بوده یا با حداقل امکانات مواجه هستند و به تدریج دچار انزوا و گوشه‌نشینی می‌شوند. طرد اجتماعی یکی از پیامدهای مهمی است که در زنان بسیار بیشتر از مردان معتاد دیده می‌شود و به همین دلیل زنان دارای اعتیاد و خانواده‌هایشان ترجیح می‌دهند که پیامدهای اعتیاد آنها علنی نشود و این پنهان‌ماندن اعتیاد مانعی مهم برای عدم حضور آنها در محیط‌های تخصصی و اجتماعی برای درمان آنها به حساب می‌آید (ابراهیمی مقدم، ۱۳۹۵: ۱۴۵). همچنان‌که در صورت اقدام به درمان به دلیل عدم توانایی برای مقابله با فشارهای اجتماعی و فرهنگی امکان ابتلای آنها به اعتیاد مجدد بسیار زیاد است (گروسی و محمدی دولت آبادی، ۱۳۹۰: ۷۲).

با وجود اینکه اعتیاد در بین زنان و دختران با تمکن مالی بالا به اندازه زنان طبقات محروم رواج دارد، عوارض اجتماعی ناشی از اعتیاد مثل طرد اجتماعی یا طرد خانوادگی به تدریج زنان را از هر طبقه یا قشری دچار مشکلات مختلف اقتصادی و اجتماعی می‌کند. این عوارض در بین مردان معتاد نیز وجود دارد؛ اما تفاوت مهم آن عوارض و حاشیه‌های بیشتر برای زنان است که باعث می‌شود زنان در معرض آسیب‌های اجتماعی بیشتری قرار گیرند (جردن، ماتیس و جسیکا^۲، ۲۰۲۰: ۴۸۷). در اینجا نقش کارآفرینی و چگونگی تأثیر آن در جامعه زنان معتاد در پیشگیری از اعتیاد اهمیت می‌یابد. با توجه به افزایش اعتیاد در بین زنان و دختران به تدریج برنامه‌های مختلف پیشگیری از اعتیاد در حوزه زنان توسعه پیدا کرده است. این اقدامات در

1. Rubio

2. Jordan, Mathis & Jessica

زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و قانونی انجام شده و سازمان‌ها و نهادهای حمایتی در ارتباط با مسائل زنان و ازجمله آسیب‌های اجتماعی مرتبط با آنها وظایف مختلفی را تعریف کرده‌اند (جاکوبز و کانجیانو^۱، ۲۰۱۸: ۷۳۱).

برخی مطالعات انجام‌شده در حوزه اعتیاد نیز تأثیر برنامه‌های کارآفرینی و ایجاد اشتغال را در پیشگیری و یا جلوگیری از تکرار اعتیاد در بین گروه‌های مختلف در معرض آسیب مثل زنان نشان داده که ارتباط بین اعتیاد با کارآفرینی را روشن می‌کند (آزانگار^۲، ۲۰۱۹: ۱۱۴). اهمیت توجه به کارآفرینی زنان به این دلیل است که آنها با کارآفرینی می‌توانند تواناییهای خود را آشکار کنند و موانعی که در بروز شخصیت خود دارند رفع کرده و زمینه حضور مؤثرتر در اجتماع را فراهم کنند (گلرد، ۱۳۸۴: ۱۳۱). اما با وجود اینکه کارآفرینی به‌عنوان عامل مهمی در افزایش توانمندی و کاهش آسیب‌ها و پیامدهای آن مثل طرد اجتماعی است، به دلیل مشکلات موجود در حوزه کارآفرینی برای زنان به‌تدریج باعث سوق‌دادن نگرش‌ها به سمت کارآفرینی اجتماعی به‌منظور کمک به حل مسائل اجتماعی زنان شده است. در زمینه کارآفرینی اجتماعی می‌توان گفت در مقابله با مسائل اقتصادی-اجتماعی چهار الگوواره: دولت، بازارآزاد، خیریه‌ها و کارآفرینی اجتماعی^۳ مطرح شده است؛ اما با تداوم مسائل و افزایش محرومیت‌های اجتماعی نشان می‌دهد که بخش دولت، بازار و سازمان‌های غیرانتفاعی قادر به حل این مسائل نبوده‌اند. امروزه مؤثرترین و پایدارترین راه حل توسعه، کارآفرینی اجتماعی است (دابل^۴، ۲۰۱۲: ۱۲).

پرنسکی (۲۰۰۵) کارآفرینی اجتماعی را فرایندی تلقی می‌کند که از طریق آن سازمان‌ها برنامه‌های جدیدی برای حل مسائل اجتماعی طراحی و ارائه می‌کنند. می‌توان گفت کارآفرینی اجتماعی با توجه به نقش حمایتی و توجه به حل مسائل اجتماعی نسبت به برنامه‌های کارآفرینی در حوزه زنان مؤثرتر است. بسیاری از طرح‌های بزرگ کارآفرینی اجتماعی مثل طرح گرامین بانک که توسط محمد یونس در بنگلادش اجرا شد نیز با هدف رفع فقر بود که یکی از گروه‌های

1. Jacobs & Cangiano

2. ozsungur

3. Social Entrepreneurship

4. Dobeles

هدف آن در بین زنان روستایی اجرا شده است (روسکا، آگراوال و بریم^۱، ۲۰۲۰: ۶۷). به این ترتیب، رابطه بین کارآفرینی اجتماعی و حوزه آسیب‌های اجتماعی مربوط به زنان بیشتر آشکار می‌شود.

با توجه به مطالب گفته‌شده می‌توان گفت با رشد سریع اعتیاد در بین زنان به تدریج شاهد پدیده زنانه‌تر شدن اعتیاد هستیم و مسائل جدیدی در جامعه شکل گرفته است که با افزایش ورود زنان به عرصه‌های اجتماعی در آینده دور، زنانه‌شدن اعتیاد نیز دور از تصور نخواهد بود. یکی از مهم‌ترین پیامدهای اعتیاد زنان طرد اجتماعی بوده که خود زمینه‌ساز گسترش سوء مصرف در بین زنان می‌شود. از طرفی کارآفرینی همچون یک فعالیت مؤثر اقتصادی و اجتماعی باعث جلوگیری از انزوا و طرد زنان شده و به پیشگیری و تکرار اعتیاد کمک می‌کند؛ اما وجود مشکلات زیاد در حوزه کارآفرینی زنان باعث پایین‌بودن تمایل آنها به حضور فعال در این زمینه است و به همین دلیل توجه به ظرفیتهای کارآفرینی اجتماعی برای کمک به حل مسئله اجتماعی اعتیاد مؤثر خواهد بود.

اگرچه برنامه‌های کارآفرینی اجتماعی نسبتاً جدید و بیشتر در حوزه رفع فقر هستند، ظرفیتهای گسترده‌ای در زمینه حل سایر مسائل اجتماعی مانند اعتیاد دارند. به این ترتیب، تحقیق حاضر با هدف شناسایی رابطه بین طرد اجتماعی با ظرفیتهای کارآفرینی اجتماعی در پیشگیری از تکرار اعتیاد در بین زنان و دختران انجام می‌شود.

سؤالهای تحقیق شامل موارد زیر است:

- ارتباط بین کارآفرینی اجتماعی با طرد اجتماعی در پیشگیری از تکرار اعتیاد زنان چیست؟
- مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از تکرار اعتیاد زنان بر اساس کارآفرینی اجتماعی چیست؟

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. چهارچوب مفهومی

۲.۱.۱. طرد اجتماعی

نظریه‌های جامعه‌شناختی در حوزه اعتیاد به‌طور کلی به بررسی ساختارهای اجتماعی و رفتارهای اجتماعی می‌پردازند. بنابراین، مصرف مواد را در یک بافت اجتماعی مطالعه می‌کنند و دیدگاه‌های اجتماعی اغلب مصرف مواد را محصول وضعیت‌ها و روابط اجتماعی می‌دانند که باعث ایجاد ناامیدی، ناکامی، محرومیت و احساس از خود بیگانگی در میان بخش‌های آسیب‌پذیر جمعیت می‌شوند. در نتیجه، در مطالعات مربوط به مصرف‌کنندگان، به‌خصوص نوجوانان و زنان، رویکردهای درمانی به این مسئله اشاره دارند که عضویت یا فعالیت آنها در شبکه‌های مختلف اجتماعی و وجود شبکه‌های حمایتی باعث برگشت بیشتر آنها از اعتیاد می‌شود (ابادینسکی، ۱۳۸۴: ۲۰۶).

نظریه‌های جامعه‌شناختی طرد اجتماعی: طرد اجتماعی به‌عنوان محرومیتی طولانی تعریف شده که باعث جدایی فرد از جریان اصلی زندگی اجتماعی می‌شود. طرد اجتماعی معمولاً زمانی رخ می‌دهد که افراد و گروه‌ها دچار مسائلی مثل بیکاری، فقر، تبعیض، انحرافات و بزهکاری، بیماری و ازهم‌پاشیدگی خانوادگی و امثال آن می‌شوند. به این ترتیب، طرد را می‌توان محرومیتی چندبعدی دانست که برای فهمیدن و سنجش رابطه افراد با بخش‌های مختلف جامعه به کار می‌رود (نصر اصفهانی، ۱۳۹۰: ۵۰). با افزایش جرم و بزهکاری در جامعه یکی از عوامل مؤثر بر طرد اجتماعی برجستگی است که فرد بابت جرم یا انحراف دریافت می‌کند که ناشی از ذهنیت جامعه برای طردکردن رفتارهای بزهکارانه است. مفهوم طرد اجتماعی در نظر دورکیم ناشی از گسیختگی در روابط اجتماعی و نبود نهادهای ادغام‌گر است. به نظر دورکیم گذر از جامعه کشاورزی به صنعتی باعث بی‌نظمی‌های اجتماعی و تضعیف هم‌بستگی اجتماعی و در نتیجه تضعیف پیوندهای فرد با جامعه شد. به نظر وی هرگاه وجدان جمعی و نظام هنجار بخش رفتار سست شوند و نتوانند تمایلات انسان‌ها را راهنمایی و هدایت کنند، ناهنجاری اجتماعی گسترش

می‌یابد و باعث تضعیف روابط فرد با جامعه می‌شود (کوزر، ۱۳۹۳: ۱۹۳). در نظر آمارتیاسن^۱ طرد اجتماعی ناشی از عدم توجه به آزادی فرد در توانایی وی برای کسب چیزهایی است که برای وی اهمیت دارند. چون توانمندی‌های فرد در دستیابی به عملکردهای ارزشمند است که زندگی وی را شکل می‌دهد و طرد اجتماعی باعث ممنوعیت استفاده از این توانمندی‌ها در عرصه اجتماع است (غفاری، ۱۳۹۴: ۴۶). گرانووتر^۲ روابط افراد در جامعه را به پیوندهای شبکه ای قوی و ضعیف دسته‌بندی می‌کند. پیوندهای قوی شامل روابط متراکم با بستگان و دوستان نزدیک و صمیمی است که باعث ایجاد حس تعلق و هویت مشترک به افراد و گروه‌ها می‌شود. روابط صمیمی بیشتر در محافل کوچک اجتماعی و بسته حضور دارند. در مقابل پیوندهای ضعیف شامل روابط افراد با آشنایانی می‌شود که شبکه‌ای با تراکم پایین است. ادغام افراد در جامعه بیشتر مرتبط با پیوندهای ضعیف و روابط بین گروهی است که فراتر از روابط صمیمی هستند. از نظر گرانووتر مهم‌ترین منبع پیوندهای ضعیف تقسیم کار است که با افزایش تخصصی شدن و گسترش وابستگی متقابل باعث متنوع شدن روابط براساس نقش‌های تخصصی می‌شود (هال، ۱۳۹۲: ۶۵). در نتیجه، در فرایند طرد اجتماعی مهم‌ترین بخشی که فرد در آن دچار اختلال می‌شود، ارتباطات شغلی است. نظریه انزوایابی مرتن نیز شکل دیگری از نظریه بی‌هنجاری است و با نظریه پیرامون‌گرایی که اخیراً رواج گسترده‌ای یافته، مشابه است. طبق این نظریه، چون جوامع مدرن اغلب به موفقیت فردی اصالت داده و کسب آن در گرو مشارکت فعال اجتماعی، داشتن کار مفید، بهره‌مندی مناسب از ثروت مادی، سواد مناسب با موفقیت اجتماعی فرد و غیره است، محرومیت از هر یک از اینها به پیرامونی شدن و انزوایابی فرد منجر می‌شود و در چنین شرایطی یا در شرایطی که فرد خود را با نگرش‌ها، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه بیگانه می‌یابد و یا حداقل خود را با آنها یگانه نمی‌یابد، از جامعه جدا شده و در انزوایابی بیشتر قرار می‌گیرد. این قبیل افراد عموماً کسانی هستند که یا قادر به تطابق خود با محیط نیستند و یا از تطبیق محیط با خود ناتوانند و بنابراین برای گریز از این موقعیت به مصرف مواد مخدر و

1. Amartya Sen

2. Granovetter

مشروبات الکلی روی می آورند. در ادامه، همین راه فرار خود عامل مهم در تقویت پیرامونی شدن این افراد است؛ چرا که یکی از مهم ترین دلایل انزوای طلبی تغییر برداشت خود از واقعیت از طریق مصرف این گونه مواد است و معمولاً مصرف داروهای روان گردان را یکی از راه های فرار از واقعیت مطرح می کنند (مظفر، ذکرایی و ثابتی، ۱۳۸۸: ۳۳).

طرد اجتماعی و اعتیاد: یکی از عوامل مهمی که می تواند با پیامدهای منفی مختلف مربوط به اعتیاد و مصرف مواد مخدر مثل آسیب شناسی روانی، خودزنی و رفتارهای خود زیان بخشی ارتباط داشته باشد، طرد اجتماعی^۱ است (کوپیتز^۲ و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۷۶). طرد اجتماعی بیشتر به مسائل مربوط به روابط اجتماعی مثل: تضعیف پیوندهای اجتماعی، عدم تعلق، انزوا و ازهم گسیختگی شبکه ها و حمایت های اجتماعی است (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۹: ۹۳). طرد اجتماعی در بین گروه هایی مثل زنان اثرات عمیقی روی رفتار آنها دارد. زنانی که دچار تجربه طرد می شوند، معمولاً احساس می کنند که مورد پذیرش و محبت خانواده و اطرافیان نیستند و از محرومیت هایی که مستقیم یا غیر مستقیم دچار می شوند آسیب زیادی می بینند. طرد آنها از خانواده و عدم دسترسی به فرصت های اجتماعی باعث تشدید گرایش زنان به فعالیت های بزهکارانه مثل اعتیاد و عود مجدد آن می شود (کول، لوگان و والکر^۳، ۲۰۱۱: ۱۳). مطالعات مختلف درباره طرد اجتماعی در بین زنان معتاد نشان داده است که در میان زنان معتاد (و نه مردان) طرد اجتماعی باعث افزایش سایر انحرافات به خصوص انحرافات جنسی بوده است (کوپیتز و همکاران، ۲۰۱۴: ۳۷۶) و اینکه در زنان معتاد با افزایش مصرف مواد مخدر تحمل درد کاهش یافته و طرد اجتماعی آنها افزایش می یابد (بینا و همکاران، ۲۰۱۵). در نهایت، اعتیاد به الکل و مواد مخدر منجر به طرد اجتماعی در بین زنان معتاد شده است (منزینی و بوفو^۴، ۲۰۱۵: ۲۷).

1. social rejection

2. Kopetz

3. Cole, Logan & Walker

4. Mannarini & Boffo

۲.۱.۲. کارآفرینی اجتماعی

مفهوم و تعاریف: مفهوم کارآفرینی اجتماعی از تعاملات انسانی و کنش و واکنش بشری نشئت گرفته است. کارآفرینی از زمان پیدایش مؤسسات و بنگاه‌هایی که به رسمیت شناخته شده‌اند، مطرح شده و کارآفرینان روش‌های کارآمد و مؤثری را برای اجرای مأموریت‌های اجتماعی خود جست‌وجو می‌کنند. اکثر کارآفرینان اجتماعی با سازمان‌های غیر انتفاعی برای کسب سود و درآمد شروع به کار می‌کنند و صاحبان کار و سرمایه نیز با جذب آنان مسئولیت اجتماعی خود را به کارآفرینان اجتماعی واگذار می‌کنند.

بنا به تعریف هیبرت، هگ و همکاران^۱ کارآفرینی اجتماعی عبارت است از استفاده از رفتار کارآفرینانه برای اهداف اجتماعی در مقابل اهداف سودجویانه که در آن از سودهای جمع‌آوری شده برای بهبود شرایط نامساعد اجتماعی استفاده می‌شود (سیلس و مایر، ۲۰۰۴). آلود، برون^۲ می‌گوید که کارآفرینی اجتماعی به دنبال راه‌حل‌های ابتکاری با استفاده از ایده‌های مختلف برای حل مسائل اجتماعی است (مایر و مارتی^۳، ۲۰۰۶: ۳۶).

کارآفرینان اجتماعی افرادی هستند که تغییراتی را در خدمات اجتماعی از طریق موارد ذیل برای دستیابی به ارزش اجتماعی به وجود می‌آورند:

- تبیین و تعریف فرایندهای جدید خدمات، تولیدات با روش‌های منحصر به فرد عملیاتی که با نوآوری همراه است؛
- ایجاد ظرفیتهایی برای ماندگاری و گسترش فعالیت؛
- توجه به ایجاد سرمایه و ارزش اجتماعی؛
- به‌کارگیری نگرش‌های بازار مدار برای حل مسائل اجتماعی؛
- یافتن بازارها و فرصت‌های جدید برای مأموریت غیر سودآور یا زمینه‌های حمایت نشده توسط نیروهای بازار (آقایی و زارع نیا، ۱۳۹۰: ۱۳۴)

1. Hibbert, Hogg et. Al

2. Alvord, Brown

3. Mair & Marti

رویکردهای کارآفرینی اجتماعی: کمتر از سه دهه از پیدایش ادبیات کارآفرینی اجتماعی می‌گذرد؛ اما صاحب‌نظران توانسته‌اند در این مدت به ارائه رویکردها، تعاریف و مفاهیم و نوع‌بندی کارآفرینی اجتماعی بپردازند. در ادبیات کارآفرینی به‌طور واضح دو رویکرد وجود دارد: رویکرد کیفی کارآفرینان اجتماعی: این رویکرد بر شناخت ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان اجتماعی تمرکز دارد. برخی از این ویژگی‌ها به شرح زیر است:

۱- مأموریت‌گرایی (برای حفظ ارزش‌های اجتماعی به جای ارزش‌های شخصی همواره در پی انجام مأموریت‌های اجتماعی هستند) ۲- پشتکاری (تعقیب توقف‌ناپذیر در شناسایی فرصت‌های جدید برای تحقق مأموریت‌ها) ۳- سازگاری (قرارگرفتن در چرخه نوآوری، سازگاری و یادگیری مستمر) ۴- جسارت (عمل جسورانه و مجاب‌کننده، بدون ترس از محدودیت منابع) ۵- مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی (پذیرفتن پیامدهای حاصل از تفکر و حساب پس‌دهی داوطلبانه).

رویکرد کارکردی کارآفرینی اجتماعی: این رویکرد بر این تأکید دارد که کارآفرینان اجتماعی چه کارهایی انجام می‌دهند. ایجاد یک سازمان یا کسب‌وکار جدید نمونه آن است. به‌طورکلی، کارآفرینان اجتماعی را شایسته و دارای قابلیت برای: تحلیل‌گری، آینده‌نگری، همدلی، شور و شوق داری، طرفداری و میانجیگری و توانمندسازی در مسائل و نیازهای اجتماعی دانسته‌اند. شبکه کارآفرینی اجتماعی استرالیا (SEN)، کارآفرینان اجتماعی را افرادی می‌داند که دارای ایده‌ای نوآور برای تغییر اجتماعی و قابلیت و شور و شوق برای خودشکوفایی‌اند و بهترین مدیریت، خطرپذیری و مهارت‌ها را برای یافتن راه‌حل‌های مسائل اجتماعی به کار می‌برند (آقای و زارع نیا، ۱۳۹۰: ۱۳۵).

۲. ۱. ۳. کارآفرینی زنان

یکی از مسائلی که نتیجه مطالعات متعدد در کشورهای مختلف است، پایین بودن نرخ کارآفرینی زنان در مقایسه با مردان است. این مطلب از این رو اهمیت دارد که نزدیک به نیمی از جمعیت کشورها را زنان تشکیل می‌دهند و در عین حال به واسطه تحولات گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فنی، زنان آمادگی بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی

پیدا کرده‌اند. بنابراین، هر گونه افزایش در نرخ کارآفرینی زنان می‌تواند در نهایت به شتاب‌گیری توسعه کارآفرینی منجر شود (آقایی و زارع نیا، ۱۳۹۰: ۱۸۸).

ضرورت توسعه کارآفرینی خصوصاً کارآفرینی زنان: امروزه جوامع با تحولات و تهدیدات گسترده بین‌المللی روبه‌رو هستند. تحولات و دگرگونی‌های نظام اجتماعی-اقتصادی عصر حاضر، ناشی از پیشرفت‌های شگرف علمی و تکنولوژیک است که به نوبه خود منجر به دیدگاه‌ها، ضرورت‌ها و نیازهای جدیدی شده است. برای پاسخ به این نیازها و همراهی با تحولات و دگرگونی‌ها دیگر نمی‌توان به روش‌ها و فرایندهای موجود اکتفا کرد. از این رو، تضمین و تداوم حیات و بقای جوامع نیازمند تأمین راه‌ها و روش‌های جدید برای مقابله با مشکلات است. بنابراین، نوآوری، ابداع، خلق محصولات، فرایندها و روش‌های جدید بیش از پیش ضرورت می‌یابد. برای استفاده بهینه از توانایی‌های زنان و دستیابی به توسعه اقتصادی، سیاست‌مداران با کمک اقتصاددانان و کارگزاران به دنبال ارائه الگویی هستند که نقش کارآفرینی زنان را در توسعه همه‌جانبه به‌ویژه اقتصاد تقویت کنند (شیخان، ۱۳۹۰: ۲۵۹).

مطالعات نظری انجام‌شده نشان می‌دهد که یکی از پیامدهای مهم اعتیاد، به‌خصوص در بین زنان، طرد اجتماعی است. با افزایش زمان اعتیاد به تدریج فرد در جامعه برچسب معتاد می‌خورد و به همین دلیل از طرف خانواده و جامعه طرد می‌شود که باعث می‌شود وی از جریان اصلی زندگی اجتماعی دور شده و باعث تشدید انواع انحرافات، به‌خصوص اعتیاد می‌شود. تمام موارد طرد اجتماعی برای زنان شدیدتر است. در این میان کارآفرینی یکی از مواردی است که با فعال‌سازی حوزه روابط اجتماعی به افراد معتاد کمک می‌کند تا بعد از ترک اعتیاد دوباره بازگشت نداشته باشند؛ البته به دلیل مشکلاتی که در مسیر کارآفرینی وجود دارد، نظریه‌های مربوط به کارآفرینی اجتماعی برای کمک به فعالیت و جلوگیری از طرد اجتماعی زنان پیشنهاد شده است. مهم‌ترین هدف کارآفرینی اجتماعی کمک به حل مسائل اجتماعی به‌خصوص اعتیاد از مسیر کارآفرینی است. طی سال‌های گذشته جوامع دچار تحولات گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شده‌اند و آمادگی بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی پیدا کرده‌اند. بنابراین، زمینه فعالیت زنان نیز در حوزه کارآفرینی گسترده‌تر شده است و در نتیجه، در حوزه

اعتیاد نیز می‌توان از حضور گسترده زنان در فعالیت‌های کارآفرینی برای کمک به حل مسائل زنان معتاد با عنوان کارآفرینی اجتماعی استفاده کرد.

۲.۲. پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه اعتیاد زنان با مردان تفاوت دارد، هدف تحقیق قادری، سراج‌زاده، گلچین و سلیمانی (۱۳۹۷) فهم عمیق‌تر اعتیاد زنان به عنوان چرخه‌ای از شرایط، تعاملات و پیامدها از دیدگاه شهروندان عادی و زنان معتاد مراجعه‌کننده به کمپ‌های ترک اعتیاد است. یافته‌ها نشان داد دیدگاه مردم عادی و زنان معتاد درباره چرخه اعتیاد به هم نزدیک است و اشتراک تفسیری و معنایی در این حوزه بین دو گروه وجود دارد. یافته‌های این پژوهش ذیل ۱۵ مقوله عمده و با محوریت شرایط زمینه‌ای، شرایط علی، شرایط مداخله، تعامل و پیامدها دسته‌بندی شدند و آشکار شد که اعتیاد زنان برآمده از نابسامانی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی است و کنشی برای فرار از فشارها و مواجهه‌شدن با انبوهی از عواقب تلخ و دردناک از جمله: داغ ننگ و طرد اجتماعی و نگاه حذفی محسوب می‌شود.

در زمینه کارآفرینی در حوزه زنان نیز تحقیق شکوهی، رئیسی شهری و یعقوبی (۱۳۹۷) شناسایی و اولویت‌بندی استراتژی‌های توسعه کارآفرینی اجتماعی در حوزه زنان سرپرست خانوار است. ۳۷ استراتژی در قالب ۷ عامل شامل: عامل سیاستی، نهادی و قانونی، عامل آموزش کارآفرینی و خودکفایی، عامل تسهیلات کسب‌وکار، عامل شبکه‌ها و سازمان‌های غیر دولتی، عامل صندوق‌ها و کانون‌ها، عامل حمایت‌های مشاوره‌ای و عامل خدمات رفاهی، بررسی شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عوامل سیاستی، نهادی و قانونی از دید خبرگان در رتبه نخست عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی اجتماعی زنان سرپرست خانوار است و عامل تسهیلات کسب‌وکار در رتبه دوم قرار گرفته است. همچنین، از ۳۷ استراتژی تعیین‌شده، استراتژی‌های بیمه زنان سرپرست خانوار، پشتیبانی و خدمات بازاریابی محصولات و ارائه تسهیلات اشتغال به زنان خانوار، به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم قرار گرفته است.

ترکیبی از عوامل اعتیاد زنان بر اساس روابط نامناسب اجتماعی، طرد اجتماعی و مشکلات اقتصادی در تحقیق دانش، ملکی و نیازی (۱۳۹۲) بوده که عوامل مؤثر بر اعتیاد زنان معتاد زندانی

در زندان مرکزی اصفهان را تحلیل و بررسی می‌کنند. نتایج به دست آمده بیان‌کننده این است که سابقه مصرف مواد در خانواده، نوع منطقه محل سکونت، تنش در زندگی و ارتباط با دوستان معتاد، از شرایط علی اثرگذار و وجود فرزند، پایگاه اقتصادی اجتماعی و روابط نامناسب خانوادگی از شرایط میانجی مؤثر بر پدیده مصرف مواد مخدر در زنان است. پیامدهای حاصل از این پدیده بر زنان معتاد شامل: اشتغال به کار در مشاغل پایین و کم درآمد، ارتکاب انحرافات اجتماعی، نامناسب شدن روابط خانوادگی، مشکلات جسمی و روحی و مجازات زندان به دنبال انجام انحرافات اجتماعی بوده است که هر کدام پیامدهای فردی و اجتماعی بسیاری به همراه خواهد داشت.

همچنین، مشکلات طرد اجتماعی در زنان معتاد و فقر ناشی از آن و حمایت‌های مورد نیاز در تحقیق رحیمی، ملایری خواه لنگرودی، دلبرپوراحمدی و امین اسماعیلی (۱۳۹۰) با هدف بررسی نیازهای ویژه زنان مصرف‌کننده مواد در درمان اعتیاد انجام شده تا به تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌ها برای ارائه بهتر خدمت به این گروه کمک کند. یافته‌ها نشان داد بیشتر زنان انگ اجتماعی، تحقیر و طرد شدن از خانواده و جامعه و فقر شدید را به عنوان اساسی‌ترین مشکل خود بیان کردند. بیش از یک چهارم آنها بی‌خانمان بودند و بیش از نیمی از آنها سوء استفاده فیزیکی و جنسی را تجربه کرده بودند. کمبود پزشک زن، مشاور و آموزش‌های بهداشتی، محیط ناامن و شرایط نامناسب بهداشتی و رفاهی مهم‌ترین محدودیت‌ها بود. هر دو مرکز با کمبود خدمات روانی-اجتماعی از جمله پناهگاه برای نگهداری زنان معتاد، اشتغال‌زایی و نگهداری و حمایت از فرزندان روبه‌رو بودند. نتیجه عنوان می‌کند که گسترش خدمات اختصاصی هماهنگ با نیازهای زنان، به‌ویژه خدمات روانی-اجتماعی برای افزایش موفقیت درمان اعتیاد زنان به‌شدت ضرورت دارد. نظارت و ارتباط تنگاتنگ سازمان‌های متولی با مراکز درمانی موجود در بهبود کیفیت خدمات مؤثر است.

اهمیت توجه به کارآفرینی اجتماعی در بین زنان را می‌توان در تحقیق آگراوال، لنک، ساین، آگراوال و آناند^۱ (۲۰۲۰) شناسایی کرد که با هدف توجه به عوامل مهم توسعه پایدار کارآفرینی

1. Agarwal, Lenk, Singh, Agrawal, & Anand

اجتماعی در بین زنان در کشور هند انجام شده است و نشان می‌دهد که زنان کارآفرین از توانایی‌ها و مهارت‌های استثنایی مانند نوآوری و خلاقیت، ویژگی‌های رهبری، آگاهی از خود و آگاهی اجتماعی، توانایی شناسایی فرصت‌ها، ظرفیت پذیرش ریسک، توانایی تجاری‌سازی منابع از طریق تولید کالا و خدمات برای تأمین نیازهای فعلی بازار برخوردار هستند. روش جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق هفت زن کارآفرین (WE) از مناطق منتخب اوتار پرداش و اوتاراخند هند، انجام شده است. تجزیه و تحلیل عوامل تحقیق نشان می‌دهد که هر سه حوزه عوامل فردی، اجتماعی و محیطی بر توسعه یادگیری و صلاحیت‌های توسعه کارآفرینی اجتماعی تأثیرگذار و برای موفقیت زنان کارآفرین اجتماعی بسیار مهم است. یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌کند در حوزه سیاست‌گذاری در حوزه سیاسی اقدامات لازم انجام شود و برنامه‌های تشویق و توسعه کارآفرینی اجتماعی از طریق ابزارهای جدید مثل شبکه‌های اجتماعی و اینترنت تسهیل شود.

در زمینه لزوم توجه به مداخلات اجتماعی در آسیب‌های اعتیاد در بین زنان تحقیق مالینا، سیز، گیل، کوانکا و گولدسبی^۱ (۲۰۲۰) مطالعه‌ای کیفی درباره مداخلات روانی اجتماعی در بین معتادان در بین گروه‌های آسیب‌پذیر مثل زنان یا جوانان است و نشان می‌دهد آسیب‌پذیر بودن مصرف‌کنندگان مواد مخدر در درمان‌های دارویی سبب افزایش طرد اجتماعی آنها شده است و به همین منظور، مداخلات روانی اجتماعی با هدف کمک به حل یا به حداقل رساندن خطرات ترک اعتیاد و افزایش یک‌پارچگی اجتماعی برای افراد تحت درمان انجام می‌شود. بر اساس نتایج برای معتادان در معرض آسیب مثل زنان، برنامه‌های بهبود اجتماعی مؤثر نبوده و ضرورت افزایش مداخلات روانی اجتماعی در برنامه‌های بهبود محور ضروری است. به همین منظور، برنامه‌های اجتماعی مرتبط با گروه‌های پرخطر باید بازنگری شده و متخصصان مداخلات روانی اجتماعی باید نقش فعال‌تری در این برنامه داشته باشند. برای کمک به حل مشکل طرد اجتماعی در بین این گروه‌ها توجه به آموزش‌های بهداشتی، تشخیص زودهنگام و توجه به عناصر سلامت

1. Molina, Saiz, Gil, Cuenca, & Goldsby

اجتماعی مثل ادغام مجدد اجتماعی و شغلی و دسترسی مناسب به خدمات اجتماعی و اقتصادی پیشنهاد شده است.

به طور مشابه، در تحقیق توماس و بال^۱ (۲۰۱۸) به ضرورت توجه به تفاوت‌های جنسیتی در استفاده از مواد مخدر و وجود الگوهای جدید استفاده از مواد مخدر اشاره می‌کند. این تحقیق که مصرف مواد مخدر در بین زنان در کشور استرالیا را بررسی می‌کند، به دو حوزه عمده تأثیر مواد مخدر در زندگی زنان می‌رسد. یکی استفاده از مواد مخدر و تأثیری که در زندگی زنان باردار معتاد دارد و دیگری تأثیری که مواد مخدر بر سلامت اجتماعی و روان زنان از جمله طرد اجتماعی و آسیب‌های روانی گذاشته است. به این ترتیب، به مشکلات ناشی از مواد مخدر در بین زنان باید توجه بیشتری شود و سیاست‌گذاری‌ها به گونه‌ای باشد که مشخص کند مصرف مواد مخدر به طور دقیق چه مشکلاتی درباره آسیب‌های اجتماعی در زنان ایجاد می‌کند و راه‌هایی برای جبران کمبودهای اجرایی و نظری در این حوزه وجود دارد.

تحقیق دیگری در زمینه طرد اجتماعی ناشی از اعتیاد توسط فرناندز^۲ (۲۰۱۴) انجام شده که به دنبال راه‌هایی است که با افزایش حمایت‌های اجتماعی درباره گروه‌های در معرض طرد اجتماعی به آنها کمک کند تا بیشتر در فرایند فعالیت‌های اجتماعی قرار بگیرند. شرکت‌کنندگان شامل زنان معتاد، مهاجران، افراد دارای معلولیت و اقلیت‌های قومی بودند که از خدمات مربوط به برنامه اقدام اجتماعی استفاده می‌کردند. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که همچنان که فقر و حاشیه‌نشینی که ناشی از کمبودهای اقتصادی هستند و در نتیجه با اقدامات اقتصادی به دنبال حل این مسائل هستند درباره طرد اجتماعی بیشتر ناشی از کمبودهای اجتماعی است و باید با برنامه‌های اجتماعی محور به دنبال کاهش طرد اجتماعی از جامعه هدف باشند. یکی از این اقدامات، شناسایی و آموزش مهارت‌ها به گروه‌های در معرض خطر برای ورود به بازار کار برای توسعه ارتباطات اجتماعی است. به‌طور کلی، آموزش و مهارت‌های کسب‌شده در این حوزه نقش مهمی دارند.

1. Thomas & Bull

2. Fernández

تحقیق بیکویست^۱ (۲۰۰۶) نیز سوء مصرف مواد مخدر و تفاوت‌های آن را بین زنان و مردان در کشور سوئد بررسی می‌کند. نتیجه تحقیق نشان‌دهنده آن است که تفاوت معنی‌داری بین جنسیت در استفاده از مواد مخدر وجود دارد، به گونه‌ای که به‌طور کلی زنان کمتر از مردان دچار سوء مصرف هستند؛ ولی میانگین سن زنان مصرف‌کننده از مردان کمتر است. زنان بیشتر از مواد تریقی و یا آرام‌بخش‌ها استفاده می‌کردند. همچنین، زنان معتاد نسبت به مردان دارای درجه بیکاری و حاشیه‌نشینی و طرد اجتماعی بالاتری بودند؛ در حالی که مردان نسبت به زنان سابقه طولانی‌تری در استفاده از مواد مخدر داشته و تعداد بیشتری از آنها از مهاجران بودند. معمولاً هم مردان و هم زنان برای تأمین مخارج اعتیاد از راه‌های غیر قانونی استفاده می‌کردند؛ اما زنان به‌طور کلی بیشتر از خانواده یا جامعه طرد شده بودند.

۳. روش پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر به مطالعه و بررسی رابطه بین طرد اجتماعی با کارآفرینی اجتماعی در بین زنان معتاد می‌پردازد، روش پیمایشی برای انجام آن انتخاب شده است. در این روش به‌طور معمول، برای کسب اطلاع درباره دیدگاه‌ها، نظرات، رفتارها یا مشخصات گروهی از اعضای یک جامعه آماری انجام می‌شود و بر ساختن فرضیه و آزمایش آن و روابط بین متغیرها توجه دارد.

۳.۱. جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق، همه زنان و دختران معتاد استان خراسان رضوی هستند. نمونه‌گیری از مراکز نگهداری معتادان زن و زنان معتادی که توسط انجمن معتادان گمنام معرفی می‌شوند انجام می‌شود که این زنان، ترک‌کرده یا در حال ترک هستند.

۳.۲. شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه

برای محاسبه حجم نمونه بر اساس لیست‌های موجود در مراکز اشاره‌شده اقدام می‌شود. شیوه نمونه‌گیری به شکل تصادفی از روی لیست‌های موجود و حجم نمونه در نهایت ۳۵۴ نفر

1. Byqvist

بر اساس فرمول کوکران است. نمونه‌گیری از لیست‌های مراکز ترک اعتیاد و انجمن معتادان گمنام به دست آمده است. توزیع نمونه در شهر مشهد و شهرستان‌ها بر اساس جدول است. تعداد افراد نمونه در هر شهر بر اساس جامعه آماری یعنی تعداد زنان معتاد شهر مورد نظر انتخاب شده‌اند.

جدول ۱. توزیع نمونه در شهرهای استان خراسان رضوی

منبع: مطالعه حاضر

نام شهر	تعداد نمونه	درصد
مشهد	۲۷۰	۷۶.۳
تربت جام	۱۱	۳.۱
تربت حیدریه	۱۳	۳.۷
سبزوار	۱۶	۴.۵
قوچان	۱۷	۴.۸
گناباد	۹	۲.۵
نیشابور	۱۸	۵.۱
جمع کل	۳۵۴	۱۰۰.۰

۳.۳. ابزار گردآوری داده‌ها

پرسش‌نامه محقق‌ساخته بر اساس شاخص‌های به دست آمده از مرور تحقیقات و نظریات مرتبط در حوزه اعتیاد و نظریات کارشناسان و صاحب‌نظران اعتیاد و کارآفرینی استفاده می‌شود.

۳.۴. عملیاتی‌کردن متغیرهای تحقیق

بعد از شناسایی شاخص‌های اصلی تحقیق در بخش‌های نظریات و پیشینه برای سنجش مفاهیم پرسش‌نامه تحقیق آماده‌سازی شده است.

جدول ۲. متغیرهای نهایی استفاده شده در تحقیق

منبع: مطالعه حاضر

نام شاخص	تعریف	سنجش عملیاتی
طرد اجتماعی	قطع یا کاهش ارتباط و احترام فرد معتاد با اعضای جامعه به دلیل داشتن اعتیاد	برای سنجش طرد اجتماعی از ۸ گویه و پاسخ‌ها از نمره ۱ خیلی کم تا نمره ۵ خیلی زیاد است.
توانمندی	در صورت مهیا شدن شرایط امکان	برای سنجش کارآفرینی از ۷ گویه و پاسخ‌ها از
کارآفرینی	تبدیل شدن به فرد کارآفرین را دارد.	نمره ۱ کاملاً مخالفم تا نمره ۵ کاملاً موافقم است.

۳.۵. روایی و پایایی تحقیق

پایایی سازه‌ها از طریق آلفای کرانباخ گویه‌های هر سازه انجام می‌شود.

جدول ۳. ضریب آلفای شاخص‌های تحقیق

منبع: مطالعه حاضر

نام متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا
توانمندی کارآفرینی	۷	۰.۷۶۸
طرد اجتماعی	۸	۰.۸۸۶

ضرایب آلفای محاسبه شده برای شاخص‌های تحقیق نشان می‌دهد که ضرایب آلفا برای همه شاخص‌ها مناسب بوده و شاخص‌ها از روایی سازه مناسبی برخوردار هستند. با توجه به مناسب بودن آلفای شاخص‌ها مناسب بودن سؤال‌ها و ابعاد شاخص‌ها مشخص می‌شود. برای افزایش ضریب روایی محتوا از طریق بررسی و انطباق گویه‌های مورد بررسی با تعاریف مفهومی مرتبط و همچنین بررسی گویه‌ها بر اساس نظرات کارشناسان انجام شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱. توصیف وضعیت پاسخ‌گویان

۲۵.۷ درصد پاسخ‌گویان ازدواج نکرده، ۵۴ درصد متأهل و ۲۰.۳ درصد از همسر خود جدا شده‌اند. ۵۵.۹ درصد پاسخ‌گویان قبل از اعتیاد دارای شغل و ۴۴.۱ درصد فاقد شغل بوده‌اند.

۵۵.۱ درصد پاسخ‌گویان از مهارت خود کسب درآمد کرده و ۴۴.۹ درصد کسب درآمد نکرده‌اند. ۵۶.۲ درصد پاسخ‌گویان زیر ۳۵ سال و حدود ۴۴ درصد بیشتر از ۳۵ سال سن دارند. ۸۳ درصد پاسخ‌گویان دیپلم و زیر دیپلم هستند. ۳۹.۸ درصد پاسخ‌گویان با همسر و ۴۱.۸ درصد در منزل والدین سکونت دارند. ۱۳.۸ درصد نیز به تنهایی زندگی می‌کنند.

۲.۴. مقایسه میانگین گویه‌های شاخص توانمندی کارآفرینی (دامنه ۵-۱)

جدول ۴- مقایسه میانگین گویه‌های شاخص توانمندی کارآفرینی

منبع: مطالعه حاضر

میانگین	گویه‌های شاخص توانمندی کارآفرینی	
۳.۸۶	یادگرفتن تجربیات جدید	۱
۳.۷۳	داشتن ایده‌های کاری	۲
۳.۷	توانایی کارکردن	۳
۳.۵۸	لذت‌بخش بودن تجربه کارها	۴
۳.۳۲	ریسک‌کردن در کار	۵
۳.۳	تمایل به گسترش ارتباطات	۶
۲.۷۹	دنبال‌کردن اخبار و اطلاعات اقتصادی	۷

مقایسه گویه‌های شاخص توانمندی کارآفرینی نشان می‌دهد که بیشترین میانگین مربوط به گویه یادگرفتن تجربیات جدید و داشتن ایده‌های کاری و کمترین مربوط به دنبال‌کردن اخبار و اطلاعات اقتصادی است.

۳.۴. مقایسه میانگین گویه‌های شاخص طرد اجتماعی (دامنه ۵-۱)

جدول ۵. مقایسه میانگین گویه‌های شاخص طرد اجتماعی

منبع: مطالعه حاضر

میانگین	گویه‌های شاخص طرد اجتماعی	
۳.۷۹	کم‌شدن معاشرت به دلیل اعتیاد	۱
۳.۷۳	توهین شنیدن به خاطر اعتیاد	۲

میانگین	گویه‌های شاخص طرد اجتماعی	
۳.۷۱	بی‌احترامی به خاطر داشتن اعتیاد	۳
۳.۶۲	ضعیف شدن روابط خانواده به دلیل اعتیاد	۴
۳.۵۵	از دست دادن شغل به دلیل اعتیاد	۵
۳.۴۷	قطع رابطه به دلیل اعتیاد	۶
۲.۹۵	کم شدن علاقه به دلیل اعتیاد	۷
۲.۸۱	طعنه‌شنیدن به خاطر اعتیاد	۸

مقایسه گویه‌های شاخص طرد اجتماعی نشان می‌دهد که بیشترین میانگین مربوط به گویه کم شدن معاشرت و روابط با دوستان و فامیل و گویه شنیدن توهین به خاطر اعتیاد و کمترین میانگین مربوط به طعنه‌شنیدن به خاطر اعتیاد است.

۴.۴. مقایسه میانگین شاخص‌های تحقیق

جدول ۶. مقایسه میانگین شاخص‌های تحقیق

منبع: مطالعه حاضر

میانگین	شاخص‌های تحقیق	
۳.۴۶	توانمندی کارآفرینی	۲
۳.۴۵	طرد اجتماعی	۳

مقایسه گویه‌های شاخص‌های تحقیق نشان می‌دهد میانگین شاخص توانمندی کارآفرینی بیشتر از شاخص طرد اجتماعی و ۳.۴۶ است.

۴.۵. تحلیل هم‌بستگی

جدول ۷. ماتریس هم‌بستگی متغیرهای تحقیق

منبع: مطالعه حاضر

طرد اجتماعی	توانمندی کارآفرینی		
-0.208**	1	پیرسون R	توانمندی کارآفرینی
۰.۰۰		Sig	
۳۵۴	۳۵۴	تعداد پاسخ‌گویان	

شماره سوم تحلیل رابطه طرد اجتماعی با ظرفیتهای کارآفرینی ... ۲۱			
طرد اجتماعی	پیرسون R	توانمندی کارآفرینی	طرد اجتماعی
	Sig		
	تعداد پاسخ‌گویان		
		۰.۰۰	۱
		۳۵۴	۳۵۴

**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

یافته‌های جدول هم‌بستگی نشان می‌دهد توانمندی کارآفرینی با طرد اجتماعی رابطه معکوس دارد و با افزایش توانمندی کارآفرینی در بین زنان و دختران معتاد میزان طرد اجتماعی آنها کاهش می‌یابد.

۴.۶. تحلیل رگرسیون

برای ساخت مدل‌های مناسب به گونه‌ای که تأثیر هر متغیر بر متغیر وابسته در کنار بقیه متغیرها بررسی شود، از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده می‌شود.

جدول ۸. گام آخر رگرسیون چندگانه تأثیر ابعاد شاخص طرد اجتماعی بر توانمندی کارآفرینی با روش گام به گام

منبع: مطالعه حاضر

آماره‌های آزمون رگرسیون				
معناداری	تحلیل واریانس	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	(ضریب هم‌بستگی) R
۰.۰۰	۴۰.۶۴	۰.۲۵۲	۰.۲۵۸	۰.۵۰۸
رگرسیون گام به گام در مرحله آخر				
B	ضریب بتا	مقدار t	سطح معنی‌داری متغیرها	
۴.۱۳۱		۵۳.۴۲۹	۰.۰۰	مقدار ثابت
-۰.۲۷۸	-۰.۴۶۲	-۹.۷۷۶	۰.۰۰	توهین‌شنیدن به خاطر اعتیاد
-۰.۲۲۷	-۰.۳۷۷	-۶.۹۶۷	۰.۰۰	طعن‌شنیدن به خاطر اعتیاد
-۰.۲۱۴	-۰.۳۵۴	-۶.۱۴۶	۰.۰۰	کم‌شدن معاشرت به دلیل اعتیاد
-۰.۱۵۹	-۰.۲۸۴	-۴.۵۹۲	۰.۰۰	از دست دادن شغل به دلیل اعتیاد
-۰.۱۲۱	-۰.۲۱۷	-۳.۰۱۳	۰.۰۰	قطع رابطه به دلیل اعتیاد

ضریب تعیین رگرسیون ۰.۲۵۲ است؛ یعنی فقط ۰.۲۵ تغییرات متغیر وابسته توانمندی کارآفرینی به وسیله شاخص طرد اجتماعی تبیین می شود و بقیه ضریب تعیین به وسیله سایر متغیرهای دیگر باید بررسی شود. متغیرهایی که در گام آخر وارد مدل رگرسیون شده اند، تأثیرگذارترین متغیرهای تبیین کننده توانمندی کارآفرینی هستند که در کنار هم متغیر وابسته را تبیین می کنند. متغیرهایی که به عنوان مدل نهایی در شاخص طرد اجتماعی به طور هم زمان باعث کاهش توانمندی کارآفرینی اجتماعی می شوند، شامل توهین شنیدن به خاطر اعتیاد با ضریب بتای ۰.۴۶۲-، طعنه شنیدن به خاطر اعتیاد با ضریب ۰.۳۷۷-، کم شدن معاشرت با ضریب ۰.۳۵۴-، از دست دادن شغل با ضریب ۰.۲۸۴- و قطع رابطه به دلیل اعتیاد با ضریب ۰.۲۱۷- هستند.

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج تحقیق بر اساس شاخص های میانگین نشان می دهد که بیشترین میانگین از شاخص طرد مربوط به گویه کم شدن معاشرت بعد از اعتیاد است و نشان دهنده این است که افرادی که اعتیاد را تجربه می کنند، به تدریج اقوام و نزدیکان و سایر افرادی که با آنها در ارتباط هستند، از این مسئله مطلع می شوند و معمولاً اولین واکنش اکثر افرادی که با آنها ارتباط دارند، طرد و ترک کردن فرد معتاد است. این امر به خصوص درباره خانم ها شدت بیشتری دارد، هم به دلیل فرهنگ خاصی که اعتیاد و مصرف مواد را برای زنان به شدت نفی می کند و هم به خاطر موقعیت و وضعیت اجتماعی خانم ها معمولاً اعتیاد یک زن طرد بیشتر و شدیدتری را به خصوص از طرف نزدیکان در پی دارد. به همین دلیل یکی از مهم ترین معضلاتی که افراد معتاد از ابتدا با آن درگیر می شوند، طرد و انزوای اجتماعی است. این مسئله در تمام زندگی فرد معتاد گسترش پیدا می کند و در نتیجه، با قطع شدن ارتباط تدریجی با محیط اجتماعی و خانوادگی، فرد معتاد بیشتر به سمت اعتیاد سوق پیدا می کند. به طور مشابه در تحقیق قادری، سراج زاده، گلچین، و سلیمانی، (۱۳۹۷)، دانش و همکاران (۱۳۹۲)، رحیمی و همکاران (۱۳۹۰)، توماس و بال (۲۰۱۸)، بیکویست (۲۰۰۶) این مسئله بررسی شده است.

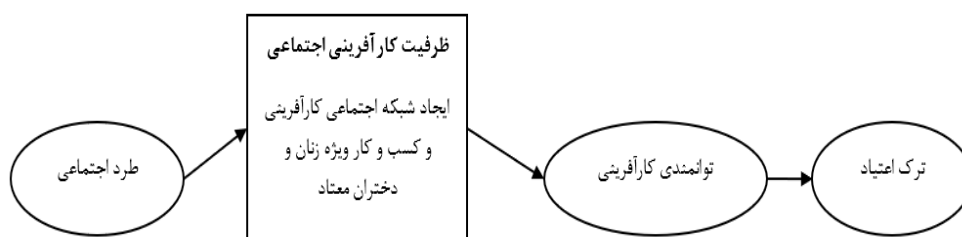
می‌توان گفت که زنان معتادی که اعتیاد را ترک کرده یا قصد ترک داشته‌اند، در صورتی که به سمت فعالیت‌های شغلی یا کارآفرینی هدایت شده یا به دلیل علاقه‌مندی شخصی خود اقدام به کارآفرینی کرده‌اند، در اکثر موارد دیگر به سمت اعتیاد نرفته‌اند. طرد اجتماعی فرد معتاد به‌خصوص برای زنان بیشتر جنبه عاطفی داشته‌است؛ اما اقدام به کارآفرینی باعث شده زنان به دلیل اهدافی که داشته‌اند، با اراده قوی‌تری در جامعه فعالیت کنند و در نتیجه، موفق به ارتباط مجدد و مناسبی با اجتماع شده‌اند و چون کارآفرینی جنبه پذیرش اجتماعی فرد را افزایش داده با افزایش اعتماد به نفس، موفقیت بیشتری در ترک اعتیاد به دست آورده‌اند. توجه به مسئله کارآفرینی و اعتیاد در تحقیقات شکوهی و همکاران (۱۳۹۷)، آگراوال و همکاران (۲۰۲۰)، مالینا و همکاران (۲۰۲۰) و فرناندز (۲۰۱۴) بررسی شد.

به این ترتیب، کارآفرینی از مسیر کارآفرینی اجتماعی می‌تواند یکی از راهکارهایی باشد که برای غلبه بر طرد اجتماعی به افراد معتاد کمک کرده تا در مسیر ترک اعتیاد قرار بگیرند. طرد اجتماعی از خانواده و دوستان شروع شده و به تدریج گروه‌های مختلف اجتماعی فرد را ترک می‌کنند. وجود شبکه‌هایی در حوزه کارآفرینی که در هنگام اعتیاد، جایگزین ارتباطات از دست رفته فرد معتاد شده و به وی برای بازگشت به خانواده و جامعه کمک کند، یکی از راهکارهایی است که با در نظر گرفتن تأثیر کارآفرینی بر ترک اعتیاد مؤثر است. معمولاً شبکه‌های روابط شغلی یا کارآفرینی به‌خصوص برای گروه‌های خاص اجتماعی مثل معتادان یا سایر گروه‌های در معرض آسیب باعث می‌شود افراد بدون نگرانی از مشکلات خود ارتباط مؤثری با این شبکه‌ها برقرار کنند. ضمن اینکه وجود شبکه‌های ذکر شده نیز چون ویژه این گروه‌هاست، مشکلات و مسائل آنها را درک کرده و به حل آنها کمک می‌کند. در حال حاضر شبکه‌های مختلفی در زمینه کارآفرینی و اشتغال در جامعه وجود دارد که تجربیات بسیار خوبی دارند و از این تجربیات می‌توان برای مسئله اعتیاد استفاده کرد.

در نتیجه‌گیری شاخص طرد اجتماعی می‌توان گفت:

ایجاد شبکه‌های اجتماعی مرتبط با کارآفرینی برای گروه‌های خاص (زنان و دختران معتاد) با کاهش تأثیرات طرد و انزوای اجتماعی به ترک اعتیاد آنها کمک می‌کند.

بر اساس تحلیل رابطه بین طرد اجتماعی با توانمندی کارآفرینی اجتماعی می توان گفت زمانی که فرد دچار اعتیاد می شود روابط وی با اطرافیان و جامعه کم رنگ شده و به تدریج دچار انزوا و گوشه نشینی می شود. نتیجه کارآفرینی خارج شدن از انزوا و طرد اجتماعی است و مسیر کارآفرینی اجتماعی برای کمک به حل مشکل طرد اجتماعی ایجاد شبکه اجتماعی با رویکرد کارآفرینی برای زنان و دختران معتاد است. این شبکه از مجموعه ای از افراد و گروه های مرتبط با کارآفرینی تشکیل می شود تا زنان و دختران معتاد را به سمت فعالیت های کارآفرینی و راه اندازی کسب و کار کمک کند. شبکه کارآفرینی، خاص زنان و دختران معتاد بوده و با رعایت الزامات و مراقبت های لازم مربوط به گروه فعالیت می کند. بر این اساس، مدل پیشنهادی ارائه می شود.



شکل ۱. مدل استفاده از ظرفیتهای کارآفرینی اجتماعی برای ترک اعتیاد بر اساس شاخص طرد اجتماعی
منبع: مطالعه حاضر

کتابنامه

۱. آقایی فیشانی، ت.، و زارع نیا، م. (۱۳۹۰). کتاب جامع کارآفرینی و کسب و کار (رویکرد سیستمی بر مفاهیم، فرآیندها، مدل ها و کاربردها) (چاپ اول) قزوین: کتاب طلایی جامع.
۲. آنژل، س.، آنژل، پ. (۱۳۹۴). خانواده و اعتیاد (ح. حسینی، مترجم) تهران: علمی و فرهنگی.
۳. ابادینسکی، ه. (۱۳۸۴). مواد مخدر، نگاهی اجمالی (م. زکریایی، م. دهقان کاظمی، ج. کریمی، و ع. قراخانی، مترجمان) تهران: جامعه و فرهنگ.
۴. ابراهیمی مقدم، ح. (۱۳۹۵). سبب شناسی، پیشگیری و درمان اعتیاد به مواد مخدر، محرک و اینترنت (چاپ اول) تهران: فارابی.

شمارهٔ سوم	تحلیل رابطه طرد اجتماعی با ظرفیتهای کارآفرینی...	۲۵
۵.	دانش، پ.، ملکی، ا.، و نیازی، ز. (۱۳۹۲). نظریهٔ زمینه‌ای دربارهٔ علل اعتیاد زنان معتاد زندانی در زندان مرکزی اصفهان. <i>مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی</i> ، ۱(۴)، ۱۴۵-۱۲۵.	
۶.	رحیمی موقر، آ.، ملایری‌خواه لنگرودی، ز.، دلبرپوراحمدی، ش.، و امین اسماعیلی، م. (۱۳۹۰). بررسی کیفی نیازهای زنان برای درمان اعتیاد. <i>روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)</i> ، ۱۷(۲)، ۱۱۶-۱۲۵.	
۷.	شایگان، ا. (۱۳۹۰). تأثیر اعتیاد زنان باردار بر جنین و نقش پلیس زن در درمان آنان. <i>مطالعات پلیس زن</i> ، ۱(۱۴)، ۳۰-۴۲.	
۸.	شکوهی، ج.، ریسی شهری، ح.، و یعقوبی، ن. (۱۳۹۷). شناسایی و اولویت‌بندی استراتژی‌های توسعه کارآفرینی اجتماعی در حوزهٔ زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: استان سیستان و بلوچستان). <i>زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)</i> ، ۹(۳)، ۲۶۹-۲۴۵.	
۹.	شیخان، ن. (۱۳۹۰). برنامه‌های ترویج کارآفرینی زنان در کشورهای منتخب. <i>رفاه اجتماعی</i> ، ۱۱(۴۰)، ۲۵۹-۲۸۶.	
۱۰.	غفاری، غ.، و امیدی، ر. (۱۳۹۴). چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه مطرودیت اجتماعی. <i>برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی</i> ، ۱(۴)، ۳۵-۶۶.	
۱۱.	فیروزآبادی، سو. ا.، و صادقی، ع. (۱۳۸۹). مطالعه ابعاد طرد اجتماعی زنان روستایی سرپرست خانوار در رابطه با وضعیت اشتغال و اقامت. <i>زن در توسعه و سیاست</i> ، ۱(۲)، ۹۳-۱۱۴.	
۱۲.	قادری، ص.، سراج‌زاده، س. ح.، گلچین، م.، و سلیمانی، س. (۱۳۹۷). اعتیاد زنان: شرایط، تعاملات و پیامدها؛ ترسیم مدل پارادایمی. <i>پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده</i> ، ۶(۲)، ۱۵۹-۱۸۱.	
۱۳.	کوزر، ل. (۱۳۹۳). <i>زندگی و اندیشهٔ بزرگان جامعه‌شناسی</i> (م. ثلاثی، مترجم). تهران: علمی.	
۱۴.	گروسی، س.، و محمدی دولت‌آباد، خ. (۱۳۹۰). تبیین تجربهٔ زیستهٔ زنان وابسته به مواد مخدر از پدیدهٔ اعتیاد. <i>زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)</i> ، ۲(۱)، ۷۴-۵۵.	
۱۵.	گلرد، پ. (۱۳۸۸). خانواده و راهکارهای توسعه کارآفرینی زنان ایرانی. <i>زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)</i> ، ۱۷(۲)، ۱۳۱-۱۴۹.	
۱۶.	مظفر، ح.، ذکریایی، م.، و ثابتی، م. (۱۳۸۸). آئومی فرهنگی و اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان ۲۸-۱۳ ساله شهر تهران. <i>پژوهشنامه علوم اجتماعی</i> ، ۳(۴)، ۳۳-۵۴.	

۱۷. نصر اصفهانی، آ. (۱۳۹۰). ریشه‌های طرد اجتماعی، مطالعه کارتن‌خوابی در تهران با استفاده از روش تئوری مبانی. (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی)، دانشگاه تهران، ایران.
۱۸. هاشم‌زهی، ن.، محسن‌زاده، ط.، و معدنی، س. (۱۳۹۷). تحلیل نسبت جنسیت و درمان اعتیاد. *مطالعات جنسیت و خانواده*، ۶(۱)، ۷۸-۵۵.
۱۹. هال، آ.، و میجلی، ج. (۱۳۹۲). *سیاست اجتماعی و توسعه* (م. ابراهیمی، و ع. صادقی، مترجمان) تهران: جامعه‌شناسان.

20. Agarwa. S, Lenk. U, Singh. K, Agrawal. V, & Agrawal Anand. M. (2020). A qualitative approach towards crucial factors for sustainable development of women social entrepreneurship: Indian cases. *Journal of Cleaner Production*, 274: 123135.
21. Angele, S., & Angel, P. (2015). *Family and addiction* (H. Hosseini, translator) Tehran: Science and Culture Publication.
22. Byqvist. S. (2006). Drug-Abusing Women in Sweden: Marginalization, Social Exclusion and Gender Differences. *Journal of Psychoactive Drugs*, 38(4), 427-440.
23. Cole, J., Logan, T. K., & Walker, R. (2011). Social exclusion, personal control, self-regulation, and stress among substance abuse treatment clients. *Drug and alcohol dependence*, 113(1), 13-20
24. Dobeles, L. (2012). Social Entrepreneurship Problems and Solutions: a Case Study of Latvia. *West East Journal of Social Sciences* 1(1), 11-25.
25. Fernández. O. (2014). Training or Social Exclusion: Competences for the Social Inclusion of Groups at Risk, *Procedia. Social and Behavioral Sciences*, 132(1), 154-159.
26. Groh Carla, J., & Cunmulaj. J. (2020). Women, addiction, and grief: A quality improvement initiative. *Archives of Psychiatric Nursing*, 34(4), 224-229.
27. Jacobs Alicia, A., & Cangiano, M. (2018). Medication-Assisted Treatment Considerations for Women with Opiate Addiction Disorders. *Primary Care: Clinics in Office Practice*, 45(4), 731-742.
28. Jordan, A., Mathis, M., & Jessica, I. (2020). Achieving Mental Health Equity. *Addictions*, 43(3), 487-500.
29. Kopetz, C., Pickover, A., Magidson, J. F., Richards, J. M., Iwamoto, D., & Lejuez, C. W. (2014). Gender and social rejection as risk factors for engaging in risky sexual behavior among crack/cocaine users. *Prevention Science*, 15(3), 376-384.

30. Mair. J, & Marti. I. (2006). Social Entrepreneurship Research a Source of Explanatation, Prediction and Delight. *Journal Of World Business*, 41(1), 36-44.
31. Mannarini, S., & Boffo, M. (2015). Anxiety, bulimia, drug and alcohol addiction, depression, and schizophrenia: what do you think about their aetiology, dangerousness, social distance, and treatment? A latent class analysis approach. *Social psychiatry and psychiatric epidemiology*, 50(1), 27-37.
32. Molina, A., Saiz, J., Gil, F., Cuenca, M. L., & Goldsby, T. (2020). Psychosocial Intervention in European addictive behaviour recovery programmes: A qualitative study. In *Healthcare*, 8(3), 268.
33. Ozsungur. F. (2019). A research on women's entrepreneurship motivation: Sample of Adana Province. *Women's Studies International Forum*, 74(1), 114-126.
34. Rosca, E., Agarwal, N., & Brem, A. (2020). Women entrepreneurs as agents of change: A comparative analysis of social entrepreneurship processes in emerging markets. *Technological Forecasting and Social Change*, 157(1), 67-120.
35. Rubio, M. (2016). A Phenomenological View of Opioid-addicted Women Entering Methadone Treatment. *The Journal for Nurse Practitioners*, 12(9), 622-628.
36. Thomas. N, Bull. M. (2018). Representations of women and drug use in policy: A critical policy analysis. *International Journal of Drug Policy*, 56, 30-39.
37. Zhou a, Y., & Chenglin Zhou a, R. (2014). Sex differences in exercise and drug addiction: A mini review of animal studies. *Journal of Sport and Health*, 1(3), 163-169.

The Sociocultural Contexts for Women's Inclination Toward Emerging Patterns of Religiosity (Case study: Mysticism, Success and Yoga Classes in Tehran)

Mohammad Taghi Karami Ghahi

Professor, Department of Women's Studies, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Ali Khanmohammadi¹

Ph.D. Candidate, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Samira Nouri

M.A. in Cultural Studies, Department of Cultural Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Received: 29 April 2023

Revised: 6 July 2023

Accepted: 10 July 2023

Abstract

Religiosity represents one of the most significant dimensions of women's lived experiences. This realm is exceedingly shaped by the transformative wave of global cultural shifts, encompassing the revolution in information technology, individualism, secularization, religious radicalism, social differentiation, integration into global culture, the rise of new lifestyles, and widespread migration. These changes have given rise to novel patterns of religiosity. The everyday life of Iranians, from antiquity to the present, has been intertwined with Abrahamic religions, Zoroastrianism, Manichaeism, and various mystical traditions. This pluralistic religious culture has been influenced by global cultural transformations. Women living in Iran's metropolises are among the most devout demographic groups. This study employs the grounded theory method with Strauss's approach to map the religiosity of women in Tehran during this era of change. The analysis focuses on four components of the coding paradigm, underlined by the positivist psychology and Buddhist spirituality in these emerging patterns of religiosity. Causal conditions include religious behavior, social identity, tolerance, psychological types, and peaceful pathways or places. Contextual and intervening conditions included the

1. Corresponding Author, Email: ali1992khanmohammadi@gmail.com



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Karami Ghahi, M. T. , Khanmohammadi, A. and Nouri, S. (2024). The Sociocultural Contexts for Women's Inclination Toward Emerging Patterns of Religiosity (Case study: Mysticism, Success and Yoga Classes in Tehran). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 29-54.
doi: 10.22067/social.2023.82155.1340

cultural background of families, participants' use of cultural products, and their leisure activities. The strategy Tehran women adopt—attending virtual courses and classes—often stems from encouragement by close friends and family and serves as a response to medical or social risks. The anticipated outcomes reported by interviewees include self-improvement, self-awareness, enhanced resilience, patience, success, tranquility, spirituality, and positive thinking. Through mechanisms of “innovation” and “heresy,” Tehran women engage in reconstructing or rethinking their identities, particularly in confronting challenges such as illness.

Keywords: Emerging patterns of religiosity, Positivist psychology, Reconstructing, Rethinking, Risk.

زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی اقبال زنان به الگوهای نودین‌داری (مطالعه موردی: دوره‌ها و کلاس‌های عرفانی، موفقیت و یوگا در شهر تهران)

محمدتقی کرمی قهی (استاد گروه مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران)

karami@atu.ac.ir

علی خانمحمدی (دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

ایران، نویسنده مسئول)

ali1992khanmohammadi@gmail.com

سمیرا نوری (کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، گروه مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه

علامه طباطبائی، تهران، ایران)

sanouri.sn@gmail.com

چکیده

دین‌داری یکی از مهم‌ترین جلوه‌ها و مظاهر دنیای زنان است. این دنیا تحت تأثیر موج تغییرات فرهنگی جهانی است. این موج از فرایند انقلاب فناوری اطلاعات، فردگرایی، عرفی‌گرایی، افراط‌گرایی دینی، تمایزبایی و ادغام اجتماعی در فرهنگ جهانی، ظهور سبک‌های زندگی جدید و مهاجرت‌های گسترده تشکیل شده است. الگوهای نودین‌داری یکی از ثمره‌های این تحولات است. زندگی روزمره ایرانیان از دوره کهن تا امروز با ادیان ابراهیمی، زرتشتی و مانوی و فرقه‌های عرفانی مختلف گره خورده است. این فرهنگ دینی متکثر از این موج تغییرات فرهنگی جهانی در امان نبوده است. زنان در کلان‌شهرهای ایران همواره جزء اقلیت با بالاترین میزان دین‌داری بودند. مقاله کنونی با به‌کارگیری روش زمینه بنیاد با رویکرد اشتراوسی برای فهم نقش دین‌داری زنان تهرانی نگاشته شده است. مؤلفه‌های چهارگانه کدگذاری الگوواره‌ای بر مبنای محوری بودن روان‌شناسی مثبت‌گرا و معنویت بودیسم در الگوهای نودین‌داری بررسی شد. رفتار مذهبی، هویت اجتماعی، رواداری و تساهل، تیپ‌های روان‌شناختی و طرق و اماکن آرامش‌بخش شرایط علی محسوب می‌شوند. وضعیت فرهنگی خانواده‌ها، وضعیت مصرف فرهنگی و فراغت مصاحبه‌شوندگان را می‌توان شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر دانست. حضور آنان در دوره و کلاس‌ها به صورت مجازی با آشنایی و تشویق دوستان صمیمی و خانواده را باید یک راهبرد دانست. راهبرد زنان تهرانی در مواجهه با یک مخاطره پزشکی یا اجتماعی است. پیامدهای مورد انتظار مصاحبه‌شوندگان خودسازی و خودشناسی،

افزایش استقامت، صبر و تحمل، موفقیت، آرامش، خدانشناسی و مثبت‌اندیشی است. زنان تهرانی بررسی شده از طریق سازوکار «بدعت»، به «برساختن» یا «بازاندیشی» خویشتن بالاخص در مواجهه با مخاطراتی چون مواجهه با بیماری دست می‌زنند.

واژگان کلیدی: الگوهای نودین‌داری، روان‌شناسی مثبت‌گرا، بازاندیشی، برساختن، مخاطره.

۱. مقدمه

طبق تحقیقات مختلف، زنان از دیرباز تا کنون جزء گروه‌های پرتعداد مقید به دین‌داری سستی محسوب می‌شوند، سنخی که نه تنها در مکان و کنش‌های جمعی، بلکه توسط یک مرجعیت و منبع معنا می‌یافت؛ اما امروزه دین‌داری آنان از گسست‌هایی عمیق چون موج‌های انقلاب اطلاعاتی، گسترش فردگرایی تأثیر گرفته است و فرایندهای دنیاگرایی‌سازی^۱ و تغییرات اخلاقی تسریع شده است (حیدری، ۱۳۹۹؛ میرسپاسی، ۱۳۹۸؛ حیدری، ۱۳۹۷؛ توکلی طرقي، ۱۳۹۶؛ فاضلی، ۱۳۹۴؛ آزاد ارمکی، نبوی ۱۳۹۲؛ میلانی، ۱۳۸۷؛ نجفی و همکاران، ۱۳۸۷؛ توکلی طرقي، ۱۳۷۹).

یکی از نشانه‌های مهم عرفی‌گرایی کاهش حضور و شرکت در آیین‌ها و مراسم‌های جمعی دینی است. عبادات فردی همچون: نمازخواندن، روزه‌گرفتن، دعاخواندن و نذرکردن در میان زنان ایرانی رو به افزایش؛ اما شرکت و حضور در مناسک مذهبی جمعی در حال کاهش است. از طرفی، پیوند دین‌داری به عرف‌های اخلاقی نوین مانند: ارتباط آزاد دختر و پسر، آزادی‌های اوقات فراغتی متنوع و الگوهای حجاب و پوشش بدن رشد کمی داشته است. به همان‌سان، بخشی از عرف‌های اخلاقی سستی همچون: ارزشمندبودن معنویت‌گرایی، لزوم خیرخواهی و کمک به دیگران رو به افزایش است و به نظر می‌رسد که با نوعی دوقطبی‌شدن در گرایش به اخلاقیات دینی مواجه هستیم (عالم زاده، رستگاری، ۱۳۹۳؛ کلاکی، نیازخانی، ۱۳۸۹؛ مهدوی، ادیسی، رحمانی، خلیلی، ۱۳۸۹؛ اعظم‌آزاده، توکلی، ۱۳۸۶؛ توسلی، مرشدی، ۱۳۸۵؛ سراج‌زاده، ۱۳۷۷).

مرجعیت‌یافتن روان‌شناسی، روان‌پزشکی و پزشکی به‌علاوه این فرآیند دوقطبی‌ساز در ترویج

الگوهای نودین‌داری^۱ سهم چشم‌گیری داشتند (حیدری، ۱۳۹۶؛ فوکو، ۱۳۹۲؛ فوکو، ۱۳۸۷). این الگوها گزینشی از آموزه‌های عرفانی چون بودایی (دالای لاما)، اکنکار، پائولو کوئیلو، اشو، ساتیا سایی بابا، رام الله، آیین ذن، شیطان‌پرستی باورهای علمی-پیراروان‌شناختی چون روان‌درمانی، معنویت و آرامش روان، موفقیت، درمان‌های مذهبی، هستی‌شناسی، تکنولوژی فکر، ریکی، فنگ‌شویی تا معنویت‌های نو چون عرفان حلقه کیهانی و ادیان ابراهیمی است (دانیالی، آقائی، ۱۳۹۹؛ باستانی، شریعتی، خسروی، ۱۳۹۷؛ حمیدیه، ۱۳۹۲؛ شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۶؛ شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۸).

علاقه جدید به معنویت با تأکید بر سوژه فردی، خودپروری و درک متمایزی از روان‌شناسی انسانی همراه است. معنویت به صورت کوششی برای رشد حساسیت به خود، دیگران، آفرینش غیرانسانی و به خدا وصف شده است یا به صورت کاوش در آنچه در انسان دخیل است؛ یعنی جست‌وجویی برای رسیدن به انسانیت کامل (هینلز، ۱۳۸۶: ۵۷۶؛ حمیدیه، ۱۳۹۲: ۹-۳۸).

روان‌شناسی مثبت‌گرا^۲ به صورت رشته علمی با عنوان روان‌شناسی اسلامی (گرایش روان‌شناسی مثبت‌گرا) دارای نشریه، انجمن علمی و سهمیه پذیرش دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه‌های ایران شده است (سازمان سنجش کشور، ۱۳۹۸؛ اساسنامه انجمن روان‌شناسی اسلامی، ۱۳۹۸؛ دوفصلنامه پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ۱۳۹۸). این امر به معنای به رسمیت شناختن این علم در ایران است.

پدیده‌هایی نوظهور سر برآورد و عرفان‌های نوظهور در کنار روان‌شناسی مثبت‌گرا، تکنیک‌های شادکامی، موفقیت، مدیریت خود، مثبت‌اندیشی و ... مبدل به کدهایی فراگیر شدند و صدر تا ذیل حیات فرهنگی را دربرگرفتند. این مجموعه کدها و الگوها تا حدی در فضای عمومی ریشه دوانده‌اند که به جرئت می‌توان آنها را رژیم‌های حقیقت‌ناמיד که عدم پیروی از آنها به مثابه گونه‌ای اختلال روانی، بیماری و مرض یا بزهکاری شناسایی می‌شود و در سه فضای بیمارستان، تیمارستان و زندان توزیع می‌شوند (حیدری، ۱۳۹۶: ۱۲).

زنان تهرانی هم متأثر از این موج‌های عظیم با گزینش برخی از شعار و باورهای دینی شیعه،

1. New patterns of religiosity

2. Positive psychology

روان‌شناسی مثبت‌گرا و عرفانی رنگین، زیست دینی می‌کنند. با این وجود، روان‌شناسی مثبت‌گرا و معنویت بودیسم به مؤلفه‌هایی تأثیرگذار در پژوهش‌های جامعه‌شناسی دین در ایران بدل نشده است. تحقیقات قبلی این حوزه در ایران به گسترش این دو نوع پدیده توجه نکرده‌اند (طالبی، رضائی تمیجانی، ۱۳۹۵؛ حسن‌پور، معمار، ۱۳۹۴؛ طالبی، ۱۳۹۲؛ حمیدیه، ۱۳۹۲؛ طالبی دارابی، ۱۳۹۱؛ شجاعی‌زند، ۱۳۹۵؛ شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۶؛ شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۸). پس با نگاهی عمیق به روایت‌های آنان از زندگی خود، به سؤال‌های زیر پاسخ می‌دهیم.

۱. بازتعریف خویش‌شن زبانه در میان زنان تهرانی که به الگوهای نو دین‌داری گرایش دارند چگونه

است؟

۲. زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی اقبال زنان به الگوهای نو دین‌داری چیست؟

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. چهارچوب مفهومی

پیچیدگی زیست جهان شهری حاصل تقسیم کار یک اقتصاد فناورانه است. تکثرگرایی درحقیقت به معنای درگیرشدن در شهری کردن دائمی آگاهی است. تکثرگرایی درواقع ذاتی این فرایند است. این فرایند از راه اطلاعات، ذهن فرد را باز می‌کند (کلنر، برگر، برگر، ۱۳۸۱: ۷۹-۷۸). برگر از این وضعیت با عنوان تکثرگرایی ارزشی^۱ یاد می‌کند که به موازات رشد تدریجی چندگانگی، فرد به ناگزیر با دیگرانی مرتبط می‌شود که به باورهای او اعتقادی ندارند و معانی، ارزش‌ها و اعتقادات متفاوت و گاهی متضاد بر زندگی آنها حاکم است؛ یعنی فرد با تکثرگرایی معرفتی^۲ ناشی از برخورد با «دیگران ناهم عقیده» روبه‌رو می‌شود (برگر، ۱۹۸۰: ۱۳۳).

زنان در یک زیست جهان‌شهری متأثر از هر دو نوع تکثرگرایی دست به گزینش بخش‌هایی از ادیان می‌زنند. درحقیقت درون یک مذهب نیز دست به انتخاب می‌زنند. برخی آموزه‌ها را از یک مذهب و آموزه‌هایی را از مذاهب دیگر می‌گیرند. در این زیست، زمینه‌های اجتماعی معنای پدیده بدعت را تغییر داده‌است. دنیای جدید دنیای بی‌ثباتی‌ها است و به‌طور اتفاقی ساخت‌های ناپایدار

1. Value Pluralism

2. Cognitive Pluralism

تأییدات مذهبی، گاهی جلوی این بی‌ثباتی‌ها قرار می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، بدعت برای یک انسان ماقبل مدرن یک امکان دوردست بود، درحالی‌که برای انسان مدرن به یک ضرورت بدل شده است (برگر، مویر، ۱۹۸۰: ۲۸-۳۰).

هویت در اثر فرآیندهای اجتماعی تشکیل می‌شود. پس از متبلورشدن، باقی می‌ماند، تغییر می‌کند، یا حتی در نتیجه روابط اجتماعی از نو شکل می‌گیرد (برگر، لاکمن، ۱۳۷۵: ۲۳۵). از طرفی، «فردیت» حاصل زیست جهان کنونی است. در نتیجه، به جای آنکه با اصطلاحاتی کلی از «فرد»، «خود» یا حتی «هویت فردی» به عنوان عوامل مشخص‌کننده مدرنیته از فرایند سه‌گانه بیرونی، عینی و درونی شدن «هویت» سخن می‌گوییم. با تمام این احوال، آن چه فرد را می‌سازد وابسته به اعمال و رفتارهای سازنده‌ای است که فرد در پیش می‌گیرد و اینها درواقع چیزهایی بیش از آن است که در ساخت و بازساخت مفهومی منسجم و نتیجه‌بخش برای هویت شخصی نقش دارد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۱۲).

در دنیای مدرنیته خطر نه تنها به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زیست جهان، بلکه در تمامی فعالیت‌های روزانه بشر نهادینه شده است. با وجود اینکه منشأ خطرات در این جهان متفاوت است؛ در چنین شرایطی نظام‌های آگاهی‌پیشین و فعلی از پاسخ‌گویی به این خطرات ناتوان هستند. در کنار اینکه تمامی نظام‌های آگاهی چه دانش مذهبی و جادویی و چه علم ناتوان در رسیدن به «قطعیت» هستند، این مسائل از «کاستی‌های دانش» نشئت می‌گیرد. در نتیجه، هیچ نظام تخصصی در باره پیامدهای اقتباس اصول تخصصی نمی‌تواند ادعای آگاهی کامل را اثبات کند. در چنین روزگاری، این زنان برای متحقق‌ساختن «خویشتن» بین فرصت‌جویی و خطرکردن به تعادل رسیدند. برای رسیدن به تعادل گذشته را رها کرده و به یاری تکنیک‌های گوناگون از قید عادت‌های عاطفی آزادکننده خلاص شدند. در نتیجه، فرصت‌های متنوعی برای توسعه شخصیت برای خودشان پدید آوردند. درحقیقت، دنیا پر از راه و روش‌های گوناگون برای هستی و عمل کردن می‌شود (ویگ شریدر-کروز، ۱۹۸۷؛ گیدنز، ۱۳۸۵). عاملیت آنان در انتخاب اینکه چه راهی را و چگونه برگزینند، متبلور شد. این زنان برای برقراری ارتباطی مهم و مؤثر با زیست جهان مسیری خاص برای زندگی انتخاب کردند. نقاط مرجع و اصلی مسیر آنان در «کنه وجود»شان وجود داشته است و قواعد آن این است که فرد تاریخچه زندگی خود را چگونه می‌سازد یا بازسازی می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۵).

۲.۲. پیشینه پژوهش

در حوزه «الهیات» پژوهش‌های فراوانی درباره الگوهای نودین‌داری در ایران انجام شده؛ اما در «جامعه‌شناسی دین» مطالعات زیادی در این باره انجام نشده است (شجاعی‌زند، ۱۳۹۵؛ طالبی، رمضانی تمیجانی، ۱۳۹۵؛ حسن‌پور، معمار، ۱۳۹۴؛ طالبی، ۱۳۹۲؛ ریاحی، ۱۳۹۲؛ طالبی دارابی، ۱۳۹۱؛ مظاهری سیف، ۱۳۹۰؛ کریمی، عالم زاده، رستگاری، ۱۳۹۳؛ اعظم آزاده، توکلی، ۱۳۸۶؛ توسلی، مرشدی، ۱۳۸۵). در ادامه چند پژوهش مرتبط با موضوع این مقاله و با نگاه جامعه‌شناختی را معرفی می‌کنیم:

کتاب چالش‌های دین و مدرنیته (مباحثی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولارشدن) (۱۳۸۵) به قلم سیدحسین سراج‌زاده یکی از اولین منابعی به زبان فارسی است که به مسئله دنیاگرایی‌سازی پرداخته و در فصل هفتم این کتاب یک پژوهش در ایران هم تشریح شده است. شریعتی مزینانی در یک رشته مقالات با همکاری باستانی و خسروی به مطالعه دوره‌ها، کلاس‌ها و اشیاء مربوط به معنویت‌های جدید قبل از همه‌گیری ویروس کرونا پرداخته‌اند (شریعتی مزینانی، باستانی، خسروی، ۱۳۸۶؛ باستانی، شریعتی، خسروی، ۱۳۸۹؛ باستانی، شریعتی، خسروی، ۱۳۹۷).

پژوهش‌های علمی حول محور دین‌داری با اهداف سنجش و شاخص‌سازی از آن چون طرح‌های ملی سنجش و نگرش ایرانیان و جوانان و طرح‌های منشعب از آن در چندین موج صورت گرفته و مقالاتی در تحلیل‌های آن نگارش شده است (گودرزی، ۱۳۹۳؛ غفاری و همکاران، ۱۳۹۳؛ مرکز مطالعات جوانان دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۹؛ موسوی، ۱۳۸۶؛ مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۶؛ مرکز مطالعات کودکان، نوجوانان و جوانان دانشگاه الزهرا (س)، ۱۳۸۶؛ مرکز پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، ۱۳۸۳؛ موسسه میثاق دانش روز، ۱۳۸۲؛ گودرزی، و همکاران، ۱۳۸۲؛ موسسه میثاق دانش روز، ۱۳۸۱؛ مصداقی، ۱۳۷۹؛ مصداقی، ۱۳۷۸؛ مصداقی، ۱۳۷۶؛ شیبانی، و همکاران، ۱۳۸۸؛ فرجی، کاظمی، ۱۳۸۸؛ طالبان، ۱۳۸۸).

در مقاله‌ها و پژوهش‌های ملی نسبت به طرح و مطالعه الگوهای نودین‌داری غفلت شده است. شاید علت این غفلت تازگی پدیده و عدم پرداخت نظری به موضوع در زمان اجرای این پژوهش‌ها

بوده‌است. در مقالاتی که به این بحث پرداخته‌اند، به روان‌شناسی مثبت‌گرا و معنویت بودیسم به‌عنوان مؤلفه‌های تعیین‌کننده توجه نشده است.

۳. روش پژوهش

در مقاله کنونی بر اساس رویکرد اشتراوسی به روش زمینه‌بنیاد در سه مرحله با پانزده مصاحبه به اشباع نظری رسیدیم. بر مبنای نمونه‌گیری نظری نمونه‌هایی از کلاس‌ها و دوره‌های مؤسسه‌های مناطق ۳، ۲، ۵ و ۸ شهر تهران را بررسی کردیم، زیرا در این مناطق بیشترین تعداد کلاس‌های موفقیت و یوگا برگزار می‌شود. نمونه‌گیری دوره‌های عرفانی با توجه به ممنوعیت قانونی و رازدار بودن اجتماع آنان با روش گلوله برفی از طریق معرف آغاز و در ادامه با روش هدفمند نمونه‌گیری نظری نمونه‌های بعدی جمع‌آوری شده است. اطلاعات جمع‌آوری شده در فرایند مقایسه دائم^۱ برای دستیابی به طرح نظری کدگذاری باز یک‌به‌یک مصاحبه‌ها انجام شد. در این مرحله بیش از دو هزار مضمون کشف و مصاحبه‌های بعدی برای نمونه جدید برای چالش طرح اولیه برگزیده شده‌اند. برای ادامه این روند بر مبنای الگوواره کدگذاری^۲ و نگاه به یافته‌ها و تجارب پژوهشی قبلی کدگذاری محوری^۳ انجام شد. در مرحله آخر بر مبنای حساسیت نظری^۴ که همان بدعت^۵، مخاطره و تیپ‌های روان‌شناختی-ارتباطی کدگذاری گزینشی (انتخابی) است اقدام شده است. این مقاله چندضلعی‌نگری^۶ میان داده‌های پژوهش‌های پیشین، پژوهش‌های پهن‌دامن فرهنگی اجتماعی، مقایسه دائم و کنترل روایی بین محققان و داده اعتباریابی شده است.

-
1. Constant Comparison
 2. Coding Paradigm
 3. Axial Coding
 4. Theoretical Sensitivity
 5. Heresy
 6. Triangulation

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

منبع: مطالعه حاضر

شماره	وضعیت تاهل	سن	تحصیلات	محل سکونت
۱.	متاهل	۲۸	کارشناسی ارشد	منطقه ۹
۲.	مطلقه	۳۳	کاردانی	منطقه ۲
۳.	مجرد	۲۴	کارشناسی ارشد	منطقه ۳
۴.	مجرد	۳۷	کارشناسی	منطقه ۱۱
۵.	مجرد	۳۱	کارشناسی ارشد	منطقه ۶
۶.	مجرد	۲۹	کارشناسی ارشد	منطقه ۲
۷.	مجرد	۲۹	کارشناسی	منطقه ۲
۸.	مجرد	۳۰	کارشناسی ارشد	منطقه ۶
۹.	مجرد	۳۰	کارشناسی ارشد	منطقه ۲
۱۰.	مجرد	۳۱	کارشناسی ارشد	منطقه ۱۱
۱۱.	متاهل	۵۳	دیپلم	منطقه ۵
۱۲.	متاهل	۵۹	دیپلم	منطقه ۵
۱۳.	متاهل	۶۲	سیکل	منطقه ۱۲
۱۴.	مجرد	۲۷	کارشناسی	منطقه ۸
۱۵.	مجرد	۲۹	کارشناسی	منطقه ۴

۴. یافته‌های پژوهش

در فرایند تشکیل نظریه‌ای دربارهٔ زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی الگوهای نودین‌داری زنان تهرانی به پدیدهٔ محوری «بازتعریف خود جنسیتی» دست یافتیم. بازتعریف خود جنسیتی با کدگذاری گزینشی (انتخابی) دارای مؤلفه‌های شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهای مورد انتظار است. این مؤلفه‌ها را می‌توان در جدول ۲ جمع‌بندی کرد.

جدول ۲. کدگذاری محوری

منبع: مطالعه حاضر

عناصر	کد
شرایط علی	رفتار مذهبی / هویت اجتماعی / رواداری و تساهل / تیپ‌های روان‌شناختی / آرامش بخشی
شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر	وضعیت فرهنگی خانواده / وضعیت فرهنگی و فراغت زنان / سن / قومیت / تحصیلات / حادثه یا مخاطره پزشکی و اجتماعی
راهبردها	آشنایی از طریق دوستان صمیمی و یا اعضای خانواده / مشوقین دوستان صمیمی و خانواده
پیامدهای مورد انتظار	خودسازی و خود عزت نفسی / افزایش استقامت و صبر / موفقیت / آرامش / خداشناسی / مثبت‌اندیشی

۴.۱. شرایط علی

در بررسی کنونی محورهای رفتار مذهبی، هویت اجتماعی، رواداری و تساهل، تیپ‌های روان‌شناختی و آرامش بخشی جزء مؤلفه‌های شرایط علی است.

۴.۱.۱. رفتار مذهبی

رفتار مذهبی در میان مصاحبه‌شوندگان گرایش به دین‌داری گزینشی و تسلط بدعت اجتماعی حرکت کرده است. می‌توان این نوع دین‌داری را به دو سنخ اجتماعی تقسیم کنیم.

الف) دین‌داری اسلام-معنویت‌های نو، نوعی از دین‌داری گزینشی با محوریت شعائر اسلامی است. در ادامه به چند نمونه از مصاحبه‌ها اشاره می‌کنیم. انجام اعمال مذهبی از نظر شخصی واجب. اعمالی که از نظر خودم واجب است انجام می‌دهم، قرآن می‌خوانم، نماز می‌خوانم (مصاحبه ۱۱: ۱)؛ هر زمانی که حال معنوی داشته باشند. برخی شعائر مذهبی بالاخص قرآن را می‌خواند. به صورت مرتب انجام نمی‌دهم نماز می‌خوانم ولی هر روز و وقتی که حس داشته باشم نماز را می‌خوانم. هر وقت که احساس نیاز کنم نماز می‌خوانم (مصاحبه ۱۲: ۱).

ب). دین‌داری معنویت‌های نو-اسلام، دین‌داری گزینشی با محوریت شعائر معنویت‌های نو است. مصادیقی از مصاحبه‌ها ارائه می‌شود. شعائر مذهبی قدیمی هستند و راه‌های متنوع و جدیدی برای دین‌داری وجود دارد. انجام نمی‌دم، ولی یک زمانی که تنها هستم با خداوند مراوده می‌کنم و حرف می‌زنم (حالت مدیتیشن). قبلاً نماز می‌خوندم ولی الان نه. به نظر من الان زمان این حرف‌ها نیست.

برای زمان قدیم بود. من فکر می‌کنم انجام ندهم به نفعم است، انجام دادنش باعث روحیه منفی می‌شود (مصاحبه ۷: ۱). به خواندن قرآن بسیار باور دارند. اعتقادات و باورهای مذهبی شخصی است و روزه برای کنترل تغذیه است و احساس مذهبی به آن ندارد. نماز می‌خوانم، روزه می‌گیرم ولی احساس مذهبی به روزه ندارم، حس و حالی به روزه ندارم. برای کنترل تغذیه انجام می‌دهم. قرآن می‌خوانم و خیلی قبولش دارم (مصاحبه ۱۰: ۱). از اماکن مقدس و مذهبی انرژی می‌گیرند. سفر مشهد (زیارت) انجام می‌دهم. این‌طور نیست که بگوییم وقتی به مشهد می‌روم سفت و سخت اعتقاد دارم. بیشتر جنبه تحقیق و تفحص دارد. انرژی می‌دهد از کلیسا بیشتر انرژی می‌گیرم (مصاحبه ۳: ۱). نگاه ارزشمند مصاحبه‌شوندگان به خیرخواهی و کمک‌رسانی یکی از مؤلفه‌های گرایش به اخلاق دینی سنتی است؛ اما رواج راه‌های غیرمادی کمک‌رسانی که جزء راه‌های سنتی نبوده است، از نوع دین‌داری کنشگران هم تأثیر گرفته‌است و نه تنها ارزشمندی کمک به دیگران کاهش نیافته است، بلکه راه‌های جدید هم به آن اضافه شده‌است. همه این موارد نشانگر تغییرات عمیق نگرش و باورهای اجتماعی-فرهنگی ایرانیان پس از انقلاب اسلامی است. نگاه آنان با چندین گزاره قابل تقسیم‌بندی است: ۱. کمک به مستمند می‌تواند غیرمادی و مثلاً کارآفرینی باشد. کمک به مستمند مهم است. می‌تواند پولی یا غیر پولی باشد. آدم‌ها جدا از هم نیستند و مانند اعضاء بدن هستند و شرایط آدم‌ها روی یکدیگر تأثیر دارد. اگر یکی فقیر باشد حتماً روی زندگی من اثر دارد. یک وظیفه مهم می‌دانم. به نظر من کمک به مستمند یک بعدی نباید باشد. باید به کسی که نان شب و وسایل منزل ندارد کمک مالی کرد؛ ولی بعضی‌ها به کمک مالی نیاز ندارند و بهتر است کار آفرینی شود و فرد را توانمند کرد (مصاحبه ۸: ۱-۲)، ۲. کمک به مستمند مهم است. من هر سال مقداری پول خرج مستمندان می‌کنم. البته کمک می‌تواند کارهای غیرمادی باشد؛ مثلاً تدریس به کودکان فقیر (مصاحبه ۱۵: ۱).

۴. ۱. ۲. هویت اجتماعی

هویت اجتماعی شامل زیرمفهوم‌های: اولویت اول مصاحبه‌شوندگان، تصویر ذهنی از زن امروزی، اولویت یک زن در جامعه کنونی ایران و کمک به مستمندان است. اولویت مصاحبه‌شوندگان عبارتند از: ۱. اولویت اول، فرزندان هستند. اولویت من در زندگی‌ام اول فرزندانم هستند. تمام فکر و ذکر من بچه‌هایم و بعد پدر و مادر و بعد پول است (مصاحبه ۴: ۱). ۲. اولویت اول کار در زمینه مورد

علاقه‌ام است. اولویت اول زندگی‌ام کار کردن در زمینه مورد علاقه‌ام است، هنر و نقاشی (مصاحبه ۶ : ۱). ۳. اولویت اصلی رشد شخصی است. اولویت اول من، رشد شخصی خودم است، بعد خانواده‌ام و روابطم (مصاحبه ۸ : ۱). پس می‌توان این موارد را به دو دسته کلی رشد شخصی و فرزند تقسیم کرد.

تصویر ذهنی از زنِ امروزی در بین مصاحبه‌شوندگان، تصویر فردی آگاه، مستحکم و مستقل از نظر مالی و پایبند به اخلاق در زمانه بی‌اخلاقی و چهارچوبی است. این تصویر را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد: ۱. زنِ امروزی سرسخت و جنگجو باشد و از قالب زن خارج شود. یک زنِ امروزی باید مبارز و جنگجو باشد و در عین حال آگاهی‌اش زیاد باشد و باید خیلی قوی و سرسخت باشد؛ هر چند که از قالب زن خارج شود (مصاحبه ۳ : ۱). ۲. زنِ امروزی باید اعتماد به نفس و آرامش خاطر داشته باشد. زنِ امروزی باید آرامش خاطر و اعتماد به نفس بالایی داشته باشد (مصاحبه ۱۲ : ۱). ۳. زنِ امروزی باید مستقل باشد بالاخص از نظر مالی. زنِ امروزی باید مستقل باشد، باید شغل داشته باشد، باید پول در بیاورد به هیچ روی محتاج نباشد (مصاحبه ۱۵ : ۱). ۴. زنِ امروزی باید پایبند به اخلاق باشد و امروزی بودن مساوی با بی‌اخلاقی نیست. زنِ امروزی باید تحصیلات و شعور اجتماعی داشته باشد، پایبند به اخلاقیات باشد، لباس پوشیدن آنها موجه و نجیبانه باشد. طرز حرف زدن مؤدبانه باشد و ... (مصاحبه ۱۱ : ۲).

اولویت یک زن در جامعه کنونی ایران از نگاه اغلب مصاحبه‌شوندگان کار و تحصیل است. نگاه مصاحبه‌شوندگان با چندین گزاره کلی قابل دسته‌بندی است: ۱. یک زن باید تعادل میان کار، تحصیل و فرزند برقرار کند. همه چیز لازمه زندگی است. یک زن تحصیلات خوبی داشته باشد، مادر خوبی می‌شود، مگر کار با بچه منافات دارد؟ و خداوند می‌گوید وقتی یک بنده‌ای یک کار را انجام می‌دهد یعنی می‌تواند. وقتی یکی هم می‌تواند هم کار و تحصیل و هم بچه و هم همسر پس مهم می‌تواند. شرایط خود من همین‌طور بود (مصاحبه ۱۲ : ۱-۲). الان جامعه طوری نیست که خانواده اولویت داشته باشد و کمبود جمعیت داشته باشیم. به نظر من شرایط ایجاب می‌کند به درس و کار اولویت بدهم ولی الان که فکر می‌کنم نیاز به رابطه عاطفی دارم. روابط عاطفی زیر سایه کار و شغل شکل

می‌گیرد (مصاحبه ۸: ۱). ۲. یک زن باید کار و تحصیل اولویت وی باشد. به نظر من اولویت با کار و تحصیل است (مصاحبه ۱۵: ۱).

۴. ۱. ۳. رواداری و تساهل

رواداری و تساهل از مهم‌ترین مفاهیم شرایط علی است که در دو سویه ارتباط با نامسلمان‌ها، ارتباط با بی‌خدا و نادین‌ها بررسی شده‌است. در سویه اول ارتباط با نامسلمان‌ها، به بررسی دو زیرمؤلفه پرداختیم، اول) تصور مصاحبه‌شوندگان از نامسلمان‌ها پرسیده شد که با دوانگاری^۱ درستکار و نادرستکار یا متحجر برخوردیم. اغلب مسیحیان و آرامنه از دسته‌ی اول هستند: خیلی برخورد نزدیک نداشتم ولی در نزدیکی ما چند یهودی هستند که بسیار کاسب‌کار هستند و مکرکارانه کاسبی می‌کنند. خیلی دنبال پول هستند. ارمنی‌ها را دوست دارم چند باری در همدان چند ارمنی دیدم خیلی محترم بودند. سنی‌ها خیلی زن‌ها را تحقیر می‌کنند، مخصوصاً کردهای سنی (مصاحبه ۱۲: ۲). باورها و عقاید ادیان دیگر برایم جالب است. نظر خوبی دارم نسبت به آنها. دوست دارم با آنها حرف بزنم و از عقایدشان به من بگویند. من با کره‌ای‌ها کار می‌کنم. البته عده‌ای از آنها ابتدا بودایی بودند، سپس مسیحی شدند. این تغییر دین برای من جالب است (مصاحبه ۹: ۲).

سطوح ارتباط با نامسلمان‌ها را به دو سنخ اجتماعی می‌توان تقسیم کرد:

الف) تعامل میانه: همان مراوده کمتر و محدود با نامسلمان‌هاست. دبیرستان یک دوست ارمنی داشتم... می‌شود همکار شد، ازدواج نمی‌شود به مشکل برمی‌خورد. در ازدواج، اعتقاد مذهبی زن و شوهر باید یکی باشد، باید با هم کفو باشند (مصاحبه ۴: ۲). در کل با آنهایی که ایرانی نیستند خیلی راحت می‌توانم کار و دوستی کنم. با ایرانی‌ها همیشه دچار تعریف حد و مرز می‌شوم. می‌شود با غیرمسلمان‌ها کار کرد، همسایگی می‌شود کرد، ازدواج بین دو فرهنگ مختلف خیلی سخته، باید یک سری چیزها را فهمید و درک کرد و بستگی دارد که هر دو نفر این موضوع واقف باشند و بخواهند همدیگر را بهتر بشناسند. فرهنگ مشترک باعث می‌شود کمتر سوء تفاهم ایجاد شود (مصاحبه ۹: ۲).

ب) تعامل حداکثری: در حقیقت مراوده نامحدود با نامسلمان‌هاست. همکار غیرمسلمان داشتم، دو تا همکار ارمنی داشتم خیلی خوش اخلاق و برخورد بودند. می‌شود کار کرد، همسایگی نکردم، می‌شود همسایگی کرد. ازدواج هم می‌شود کرد با آنها (مصاحبه ۷: ۲) با مسیحی و بهایی کار کردم. معنا ندارد بگویم چون مسلمان نیستند کنار من نیایند. من مسلمان آنقدر مثبت باشم که بهایی را جذب کنم نه با کینه. درس‌های بزرگی از یک همکار زرتشتی گرفتم. برای من انسانیت مهم است نه دین و مذهب؛ دین، یک مرام که توسط محل تولد و جغرافیا تعیین می‌شود [تلیخیص و تصحیح مصاحبه‌گر]. می‌شه با غیر مسلمان کار کرد، همسایگی هم می‌شود کرد. همه را خدا خلق کرده‌است. ازدواج هم می‌شود کرد با غیر مسلمان در صورت تفاهم اخلاقی (مصاحبه ۱۲: ۲).

در سویه دوم ارتباط با بی‌خدا و نادین‌ها به بررسی دو زیرمؤلفه پرداختیم. اول) تصور آنان از بی‌خدا و نادین پرسیده شد که با دو گونه دیگر برخوردیم: یکی بی‌اخلاق، چهارچوب و بند و بار و زندگی پر از خلاء، بستگی دارد که کسی که دین ندارد و خدا را قبول ندارند آیا اخلاقی زندگی می‌کند یا نه. اگر دین ندارد ولی باید در زندگی چهارچوب داشته باشد نباید زندگی‌اش دچار هرج و مرج شود. معمولاً کسانی که دین ندارند، چهارچوب را ندارند (مصاحبه ۹: ۲). نادین و بی‌دین کسی است که دیگران از دستش در امان نباشند، صداقت نداشته باشد و دروغگو باشد (مصاحبه ۱۳: ۱)، بی‌خدا و نادینی را تجربه کرده است و باعث خلاء در زندگی آنان می‌شود. من خودم بی‌خدا و دینی را تجربه کردم آنها را درک می‌کنم و فکر می‌کنم یک خلاءهایی در زندگی آنها به وجود می‌آید (مصاحبه ۸: ۳-۲)؛ سنخ دوم، متفاوت، ملایم، غیر تندرو، بعضی عقاید آنها که جنبه خشن و رادیکال‌شدن ندارد جذاب است. جالب است بدانم درباره‌اش ولی این‌طور نیست که خودم جذب آن بشوم (مصاحبه ۳: ۲).

سطوح ارتباط با بی‌خدا و نادین‌ها که با دو سنخ اجتماعی مواجه شدیم. الف) تعامل میانه که تعامل به جز ازدواج با آنان را امکان‌پذیر می‌دانند. من دوستانی این‌چنین داشتم و من از یک جایی به بعد نتوانستم با آنها رفاقت کنم، کار می‌شود کرد، همسایگی هم می‌شود، ازدواج نمی‌شود کرد کلاً ارتباط نزدیک با این آدم‌ها برآیم سخت است (مصاحبه ۱۰: ۳). من دوستانی این‌چنین داشتم ولی همکار نداشتم. یکی از دوستانم این‌چنین است که بهترین دوستم است که خیلی هم دختر خوبی

است و او را قبول دارم. می‌شود کار کرد با چنین آدمی که شرطی که چهارچوبی داشته باشد، مخصوصاً در رابطه‌هایش، همسایگی هم می‌شود کرد به همان شرط قبلی و اخلاقی زندگی کردن، برای ازدواج هم روی چهارچوب تأکید دارم. آدم‌های مذهبی به دلیل خدا ترس بودن ممکن است خیلی کارها را نکند. من خودم در خانواده چهارچوب‌دار بزرگ شدم (مصاحبه ۹: ۲). ب) تعامل حداقلی که تعامل فقط در سطح همکاری را با آنان امکان‌پذیر می‌دانند: نه کار نکردم، ولی احتمالاً تجربه‌ی کار با آنها می‌تواند جذاب باشد. (مصاحبه ۳: ۲) بلکه کار کردم ولی خیلی راحت جذب کردم و مسلمان شدند. به همه فحش می‌داد ولی الان مسلمان شده است، می‌شه کار کرد، همسایگی می‌شود، ازدواج در صورت تفاهم می‌شود (مصاحبه ۱۲: ۲).

۴.۱.۴. تیپ‌های روان‌شناختی

تیپ‌های روان‌شناختی از مفهوم‌های علوم ارتباطات و روان‌شناسی است. در بررسی کنونی دو سنخ اجتماعی قابل تشخیص است. یک) درون راهبر که شخصیتی درون‌گرا، کم‌حرف و علاقه‌مند به پیدا کردن راه حل مشکلات توسط خویش است: بیشتر دوست دارم تنها باشم. دوست ندارم درباره مشکلات با کسی حرف بزنم؛ مگر این‌که مشکلی باشد که بقیه مثلاً همسر را درگیر کند که در آن صورت سعی می‌کنم با همسر مطرح کنم. اگر مشکلات راجع به فرزندم باشد با شوهرم حتماً مشورت می‌کنم (مصاحبه ۱: ۱). دو) دگرراهبر^۱ که شخصیتی برون‌گرا و علاقه‌مند است و نیازمند پیدا کردن راه حل مشکلات توسط دیگران که بیشتر خانواده و دوستان هستند: جمع‌های خوب و بگو بخند داریم. دوست دارم راجع به مشکلات با مادر و خواهر و دخترم حرف بزنم. اون‌ها هم از مشکلاتشان بهم می‌گویند (مصاحبه ۴: ۱). هر دو را دوست دارم اگر کسی نباشد، حالم بد می‌شود. تفریح جمعی باشد. یک مدت درباره مشکلاتم با کسی حرف نمی‌زدم ولی الان وارد گروه‌های عرفانی شدم، من به صحبت کردن تشویق می‌شوم. در دبیرستان کمتر حرف می‌زدم ولی الان نه (مصاحبه ۸: ۱).

۴.۱.۵. آرامش بخشی

طرق و اماکن آرامش‌بخشی در میان مصاحبه‌شوندگان به سه دسته قابل تقسیم‌بندی است. دسته اول سنتی، طریقه آرامش‌بخشی با انجام فرایض دینی، گوش دادن به موسیقی سنتی، حضور در اماکن مقدس، قبور درگذشتگان و طبیعت روی می‌دهد: خیلی دوست دارم بروم حرم امام رضا، اهل امام‌زاده رفتن نیستم. عاشق امام رضا هستم. بیشتر به حضرت فاطمه توسل می‌جویم. همیشه حضرت فاطمه کمک کرده مرا. هر وقت تنها و درمانده باشم، حضرت زهرا دستم را می‌گیرد. قرآن را برای آرامش زیاد نخواندم ولی چند آیه از قرآن خیلی آرامم می‌کند. گاهی یک آیه به ذهنم می‌رسد و آن لحظه حس می‌کنم که خداوند می‌خواهد من را کمک کند. نماز حاجت و نذر آرامم می‌کند، روزه نمی‌گیرم. برای آرامش بیشتر موسیقی سنتی شجریان گوش می‌دهم (مصاحبه ۱: ۳). من وقتی درونم آرام باشد همه‌جا احساس آرامش می‌کنم؛ اما در صورتی که آرام نباشم مکان‌هایی مثل حسینیه خودمان، حرم امام رضا و سایر امام‌زاده‌ها به‌طور کلی تمامی اماکن مقدس و عبادتگاه‌ها، طبیعت، شهرهایی و بافت‌های قدیمی و باستانی آرامم می‌کند. در مواقع اضطراب و مشکل تا به حال این‌گونه بوده که ابتدا کمی نگران و هول می‌شوم. بعد سعی می‌کنم آرامشم را حفظ کنم، با خودم ذکر را تکرار می‌کنم و از خدا و امام علی (ع) و یا سایر امامان کمک می‌خواهم، برای حل مسئله در نهایت با توکل دست به عمل می‌شوم. قرآن‌خواندن، دعاکردن، توسل به ائمه، نمازخواندن آرامم می‌کند. روزه‌گرفتن را تربیتی برای نفسم می‌دانم نه آرامش برای روحم. پیش آمده مواقعی که موسیقی‌های سنتی مثل شجریان باعث آرامش بیشترم شده (مصاحبه ۱۴: ۴-۳).

دسته دوم گزینشی، اصلی‌ترین روش آن زیارت اماکن مقدس و قبور درگذشتگان، گوش دادن به موسیقی در ژانرهای مختلف عمده‌ترین روش‌های آرامش‌بخشی مصاحبه‌شوندگان است: به بخشی از خانم‌ها انرژی خوبی دارد آنجا احساسی آرامش می‌کنم. حرم امام رضا هم آرامش می‌دهد. برای افزایش احساس آرامش با خودم خلوت می‌کنم و کارهایی را که دوست دارم انجام می‌دهم. به گل‌هایم می‌رسم. چون به خدا اعتقاد دارم، وقتی مشکل دارم با خدا راز و نیاز می‌کنم. قرآن می‌خوانم، قرآن به من حس قدرت می‌دهد، قرآن خواندن به من آرامش می‌دهد. در جملات قرآن چیزهایی را پیدا می‌کنم که به من آرامش می‌دهد. اهل توسل نیستم. بستگی به حال دارد. گاهی با موسیقی کلاسیک گاهی با پاپ آرام می‌شوم؛ ولی بیشتر موسیقی بی‌کلام آرامم می‌کند. (مصاحبه ۱۰: ۳) و

دسته سوم روش های نو، با انتخاب راه های متعدد آرامش بخشی در کنار همدیگر است. آره احساس آرامش می کنم مثلاً در بهشت زهرا، جای زیارتی هم آرامش می دهد. موزیک گوش می دهم، عکاسی، نقاشی، سرم را مثلاً با کتاب گرم می کنم. سعی می کنم تمرکز کنم در اضطراب و مشکل به دقت چیزها را آنالیز کنم. پیش اومده آرامم کند قرآن خواندن و توسل و دعا و غیره ولی کار همیشگی ام نیست. خیلی کم پیش می آید نماز و روزه هم گاهی باعث می شود آرام بشوم (در کل کم). راک بیشتر از همه آرامم می کند، بعضی پاپ ها آرامم می کنند. بیشتر این مهم است که ترانه به حال من نزدیک باشد (مصاحبه ۳: ۳). در این دسته حتی روش های غیر مذهبی هم روش هایی برای رسیدن به آرامش محسوب می شوند. من در کنار خانواده ام احساس آرامش می کنم. البته اینکه در اتاقم تنها باشم هم آرامش دارم. اماکن مذهبی و قبور برای من آرامش بخش نیست. وقتی با خواهرزاده ام هستم خیلی آرامش بیشتر می شود. در اضطراب و مشکل با خودم خلوت می کنم و سعی می کنم به مشکلم فکر کنم و راهی برای حل آن پیدا کنم. قرآن، دعا، توسل به ائمه، نماز، نذر و روزه آرامم نمی کند. موسیقی پاپ ملایم را برای آرامش دوست دارم. موسیقی سنتی تلفیقی با پاپ را دوست دارم (مصاحبه ۱۵: ۳). البته آثار محمدرضا شجریان از عمده موسیقی های آرامش بخش از نظر مصاحبه شوندگان است.

۲.۴. شرایط زمینه ای و مداخله گر

مؤلفه های شرایط زمینه ای و مداخله گر در مقاله فعلی را در چهار طبقه: وضعیت فرهنگی خانواده، وضعیت فرهنگی و فراغت زنان، حادثه یا مخاطره پزشکی و اجتماعی و ویژگی جمعیت شناختی می توان تحلیل کرد.

۲.۴.۱. وضعیت فرهنگی خانواده

وضعیت فرهنگی خانواده های زنان مصاحبه شده به سه سنخ اجتماعی تقسیم می شود:

الف) خانواده سنتی، خانواده هایی که بر حجاب و نماز دخترشان تأکید دارند: ارتباطم با خانواده صمیمی نیست ولی بد هم نیست. سازگار هستم با آنها ولی حالت ایده آل نیست، احترام هست. ولی باید با پدر و مادرم حالت دوری و دوستی باشد. نمی توانم پدر و مادرم را وارد جریان زندگی ام کنم. من هم وارد جریان زندگی نمی شوم. خانواده ام مذهبی محسوب نمی شوند. نماز می خوانند ولی همه

دین را مورد به مورد رعایت نمی‌کنند. خانواده‌ام برای انجام امور دینی سخت‌گیری نمی‌کردند مگر حجاب حتی سر آن در خانواده جنگ داشتم، سر رژ لب از پدرم کتک خوردم (مصاحبه ۱: ۱).
 ب) خانواده مذهبی، خانواده‌هایی که بر الزام انجام تمامی شعائر مذهبی تأکید دارند: خانواده‌ام مثل خودم اعتقاد مذهبی درونی دارند تا بیرونی. مادر و پدرم نماز می‌خوانند و معتقدند و روزه می‌گیرند. خانواده‌ام حتی برای یک‌بار هم باری امور دینی به من سخت نگرفتند. مادر و پدرم و دایی‌ها و خاله‌هایم مذهبی بودند. کسی از آنها چیزی به من تحمیل نکردند. سر هیچ مسئله مذهبی‌ای دعوا و بحث نداشتیم (مصاحبه ۱۱: ۱).

ج) خانواده سهل‌گیر، خانواده‌هایی که در ارتباط با جنس مخالف سهل‌گیر هستند و بر انجام شعائر مذهبی مقید نیستند: خوبه ارتباطم با خانواده، خانواده‌ام مذهبی نیستند، هیچ‌گاه برای انجام امور دینی سخت‌گیری نکردند همیشه به خواست خودم بودم (مصاحبه ۷: ۱).

۲.۲.۴. وضعیت فرهنگی و فراغت زنان

وضعیت فرهنگی و فراغت زنان مصاحبه‌شده را می‌توان به دو سنخ اجتماعی طبقه‌بندی کرد:
 الف) طریقه سنتی، علاقه‌مندی به کتاب، اشعار سنتی، سفر به شهرهای قدیمی، فراگیری هنرهای سنتی و مصرف کالاهای سنتی را شامل می‌شود: ترجیح می‌دهم اول سفر داخلی کنم. اول شیراز و اصفهان بعد اروپا، جای طبیعی و بکر و سرسبز را به جای مدرن ترجیح می‌دهم. شعر سنتی دوست دارم و بیشتر حافظ می‌خوانم، شعر نو می‌خوانم، سهراب را ولی در کل شعر سنتی را ترجیح می‌دهم. به چیزهای ماوراءالطبیعه خیلی علاقه دارم. هنر سنتی را دوست دارم، قالیبافی را دوست دارم. کالای سنتی دوست دارم ولی تا به حال رویم نشده یک مانتو طرح سنتی یا مليله‌دوزی بخرم، خجالت می‌کشم (مصاحبه ۲: ۱-۲).

ب) طریقه تلفیقی، علاقه‌مندی به رمان، اشعار نو، سفر به شهرهای مدرن و طبیعت، رفتن به سینما، کافه، تئاتر، عضویت فعال در شبکه‌های اجتماعی و فراگیری هنرهای جدید و مصرف کالاهای مدرن را شامل می‌شود: گشتی در مطالب اینترنتی، تخیل می‌کنم، نقاشی، عکاسی، کافه‌نشینی، کتاب می‌خوانم. در برابر شهرهای مدرن مثل شانگهای و پاریس من اصفهان و شیراز ترجیح می‌دهم. طبیعت‌گردی را ترجیح می‌دهم. عضو هستم در اینستاگرام، فیسبوک، تلگرام، واتس‌اپ، بیشتر در

اینستاگرام فعالم، نه دوست ندارم چون هنر یک چیز آوانگارد و رو به جلو است. دوست ندارم ساکن بمانم. بته جقه دوست دارم. کلا ساده می پوشم. لباس های سنتی هم اگر خاص باشند می پسندم (مصاحبه ۳: ۲). با وجود این سنخ ها اغلب مصاحبه شونده گان به خواندن دیوان حافظ و اشعار مولانا و طبیعت گردی علاقه مندی نشان دادند.

۳.۲.۴. حادثه یا مخاطره پزشکی و اجتماعی

مواجهه با یک مخاطره پزشکی یا اجتماعی یکی از علل گرایش به این دوره ها و کلاس هاست. چون ماحصل آن یک بحران فردی یا خانوادگی برای مصاحبه شونده است که این دوره و کلاس ها را می توان نوشدارو برای آن تلقی کرد. مشکل اوتیسم پسرم باعث شد که به کلاس های موفقیت بروم (مصاحبه ۱: ۳). یه زمانی بود که خیلی استرس داشتم و عصبی بودم و کمرم مشکل داشت. یکی از دوستانم که از چهارده سالگی یوگا کار می کرد به من پیشنهاد یوگا را داد. دکترها می گفتند باید عمل شود ولی یوگا من را خوب کرد (مصاحبه ۷: ۳). من اولین بار دوستم به این کلاس ها می رفت. حرف هایی که می زد برایم جذاب بود. بعد پیش آمد که خودم رفتم و اثرش را دیدم و یک جاهایی بعداً دیدم که به عرفان نیاز دارم و بدون آن انرژی ام خیلی پایین می آید و حالات روحی ام بالا و پایین می شود (مصاحبه ۸: ۳).

۴.۲.۴. ویژگی جمعیت شناختی

زنان مصاحبه شده در سنین ۲۴ ساله تا ۶۲ ساله، متولدین شهرهای تهران، یزد، لاهیجان، رشت، آذرشهر و دارای اصالت های ترک، عرب، قمی، لر و گیلکی بودند و تحصیلات آنان از سیکل تا کارشناسی ارشد و در زمینه های فنی و مهندسی و علوم انسانی در رشته های الهیات، جامعه شناسی و حسابداری داشتند.

۳.۴. راهبردها

راهبردها در اظهارات مصاحبه شونده گان را در دسته های: مشوقین، طریقه آشنایی و موضع اطرافیان بررسی کردیم.

مشوقین آنان اغلب دوستان صمیمی و خانواده بودند: خانواده همسر سابقم مخالف بودند، همسرم چون درگیر کار بود خیلی برایش اهمیت نداشت که چه کار می کنم، خانواده ام مخالفتی نداشتند.

مشوقم خانواده بودند، به‌ویژه خواهرم و بعد مادر و پدرم، یکی از دوستانم مشوق بود و حتی جلسات یوگا در خانه من برگزار می‌شد (مصاحبه ۲: ۳).

طریقه آشنایی توسط آشنایان و دوستان بوده‌اند: خانواده‌ام اول نظری نداشتند ولی بعداً همراهی کردند. حس کردند راه خوبی است، کسی تشویق نمی‌کرد (مصاحبه ۸: ۳). موضع اطرافیان در مقابل شرکت در دوره و کلاس‌ها اغلب مخالف نبوده‌است. هیچ مخالفتی نداشتیم. مادرم و همسر برای یوگا تشویق می‌کردند. دوستانم هم تشویق می‌کردند. تعداد کمی از دوستانم یوگا کار می‌کنند، خیلی‌ها ماندگار نیستند. الان هفت نفر دوست یوگا کار دارم (مصاحبه ۴: ۳).

از طریق دوستان صمیمی و یا اعضاء خانواده با این دوره و کلاس‌ها آشنا شدند. طبق مصاحبه‌های بالا عدم مخالفت همسر و اعضاء خانواده برای حضور و ادامه این کلاس‌ها و دوره‌ها یا موارد اندک مخالفت به چشم می‌خورد.

۴.۴. پیامدهای مورد انتظار

پیامدهای مورد انتظار آنان، بیشتر فردی است؛ از جمله: ۱. خودسازی و خودشناسی: اینکه آدم به خودسازی برسد که محیط اطراف و انرژی‌های منفی روی من اثر نگذارد، باید من مسلط باشم به اوضاع نه برعکس، تحملم برود بالا، تمرکزم برود بالا (مصاحبه ۳: ۳)؛ ۲. افزایش استقامت، صبر و تحمل: فکرم را باز کرد، اعتماد به نفس مرا بالا برد، قشنگی زندگی به همین مشکلات است. یک روز شادی و یک روز غم است. زندگی بالا و پایین دارد. دید مرا عوض کرد. یاد گرفتیم کسانی که مریض می‌شوند، مثلاً سرطان، وجود هر کس پنجاه و دو چشمه دارد، یکی از آنها درگیر می‌شود که سرطان می‌گیریم. باید اول فکر را باز کنیم. فکر را کوچک نکنیم (مصاحبه ۴: ۴)؛ ۳. موفقیت: خودشناسی و موفقیت (مصاحبه ۵: ۳). ۴. آرامش است. از یوگا تمرکز بیش از حد زیاد به دست آوردم، با آن همه کاری می‌شود انجام داد. آرامش هم به دست آوردم. قدرت و استقامت هم بدست آوردم (مصاحبه ۷: ۴)؛ ۵. خداشناسی: خیلی چیزها به دست آوردم، توانایی‌های خاص به دست آوردم. چون خدا را پیدا می‌کنیم. ظرفیت‌سازی می‌شود و مشکلات ما را به هم نمی‌ریزد. توکل به خدا می‌یابیم. اشراق پیدا می‌کنیم (مصاحبه ۱۲: ۳). هر کجا عمل صالح باشد، گفته‌های قرآن پیاده شود راه خدا و توحید هست (مصاحبه ۱۳: ۱). ۶. مثبت‌اندیشی: انرژی مثبت از این کلاس‌ها

می گیریم. قبل از شروع هر کاری، حس می کنم حتماً در انجام آن موفق خواهم شد. درباره همه چیز مثبت فکر می کنم. همین فکر مثبت باعث می شود که بتوانم امور زندگی را با موفقیت بگذرانم. شعار من در زندگی این است که هر کاری را که بخوام، می توانم انجام بدهم (مصاحبه ۱۵: ۴). مرحله آخر، برای دستیابی به طرح نظری نیازمند فهم پدیده محوری هستیم. برای تحقق این امر شکل زیر همان مدل الگوواره ۱ ترسیم شده است.



شکل ۱. مدل الگوواره

منبع: مطالعه حاضر

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

زنان تهرانی با شرکت کردن در دوره ها و کلاس های یوگا، موفقیت و عرفانی در تلاش بازتعریف خود هستند. در این راه به دو فرایند مهم «بدعت» و «برساختن» یا «بازاندیشی» خود بالانحص در مواجهه با مخاطرات اجتماعی و پزشکی دست می زنند. در حقیقت رابطه ای پیکار^۲ میان منابع آگاهی و سوژگی زنان در نحوه دین داری تأثیرگذار است. رفتار مذهبی مصاحبه شونده ها در شهر تهران به

1. Paradigm

2. Dialectic

سمت گرایش به دین‌داری گزینشی و تسلط بدعت اجتماعی حرکت کرده است. پس دو نوع دین‌داری اسلام-معنویت‌های نو و معنویت‌های نو-اسلام به چشم می‌خورد. بالطبع رواج راه‌های غیر مادی کمک‌رسانی که جزء راه‌های سنتی نبوده، متأثر از الگوهای جدید دین‌داری است. از یک طرف، رواداری و تساهل در ارتباط با نامسلمان‌ها با دوگانه‌انگاری و با بی‌خدا و نادین‌ها با دوری‌گزینی مواجه هستیم. از طرفی دیگر، گزینشی‌شدن در گروهی‌ترین تا فردی‌ترین سطوح کنش فرهنگی زنان نفوذ کرده است. پس وضعیت فرهنگی خانوادگی تا تیپ‌های روان‌شناختی، طرق و اماکن آرامش‌بخشی و وضعیت مصرف فرهنگی و فراغت زنان هم گزینشی شده است. سوژگی زنان هم از این فرایند در امان نیست. پس همچون یک واقعیت اجتماعی در پیکار بیرونی‌شدن، عینی‌شدن و درونی‌شدن است. سوژگی آنان در هر لحظه مسیر در حال شدن^۱ را می‌پیماید.

در این فرآیند سه‌گانه، زنان در حال بازتعریف خویش هستند. هویت یکی از اجزای اصلی واقعیت ذهنی است و مانند هرگونه واقعیت ذهنی، در رابطه‌ای پیکاری با جامعه قرار دارد. زن امروزی در نگاه مصاحبه‌شوندگان بازاندیشی می‌شود، هم باید آگاه، مستحکم و مستقل از نظر مالی و پایبند به اخلاق باشد و هم بین کار، تحصیل و فرزند تعادل برقرار کند.

دوره‌ها و کلاس‌های یوگا، موفقیت و عرفانی فرصتی برای خودسازی و خودشناسی قلمداد می‌شوند. آنان به «بازتعریف خویش زنانه» دست می‌زنند. درحقیقت این زنان با «برساختن» خویش در مقابل مخاطرات و با راهبرد «بازاندیشی» خویشتن زیست‌تکثرگرایی را تجربه می‌کنند. این امور با سازوکار^۲ بدعت تحقق می‌یابد. اما این ساز و کار «بازتعریف خویشتن زنانه» قطعاً توسط بافتار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کنونی ما مجاز شمرده می‌شود. زمینه‌های مجازشمردن آن از مقال این مقاله خارج است.

۶. پی‌نوشت و یادداشت‌ها

تضاد منافع میان نویسندگان وجود ندارد. نویسندگان از منابع مالی هیچ سازمانی برای پیشبرد پژوهش بهره نبرده‌اند.

1. Becoming
2. Mechanism

کتابنامه

۱. آزاد ارمکی، ت.، و نبوی، س. ح. (۱۳۹۲). نخستین صورت سازه فرهنگی «غرب» و «تجدد» در ایران معاصر. *مسائل اجتماعی ایران*، ۴(۱)، ۷-۳۱.
۲. اعظم آزاده، م.، و توکلی، ع. (۱۳۸۶). فردگرایی، جمع گرایی و دینداری. *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۳(۹)، ۱۰۱-۱۲۶.
۳. انجمن روان‌شناسی اسلامی. (۱۳۹۸). *بیانیه ماموریت و اهداف*. بازیابی در ۱۸ آبان ۱۳۹۹، از http://islamicpa.com/?page_id=5915#
۴. باستانی، س.، شریعتی مزینانی، س.، و خسروی، ب. (۱۳۸۹). مروجان رفتارهای دینی (مطالعه موردی جمع‌های با رویکرد روان‌شناسی و عرفان). *نامه علوم اجتماعی*، ۱۷(۳۶)، ۸۷-۱۲۳.
۵. باستانی، س.، شریعتی، س. و خسروی، ب. (۱۳۹۷). مصرف کالاهای معنوی، راهی برای افزایش سرمایه‌ی فرهنگی (نگاهی دیگر به معنویت‌های جدید در ایران). *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۵(۲)، ۲۶۹-۳۰۳.
۶. برگر، پ.، و لاکمن، ت. (۱۳۷۵). *ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت)* (چاپ اول) (ف. مجیدی، مترجم) تهران. علمی و فرهنگی.
۷. توسلی، غ. ع.، و مرشدی، ا. (۱۳۸۵). بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان مطالعه‌ی موردی (دانشگاه صنعتی امیر کبیر). *جامعه‌شناسی ایران*، ۷(۴)، ۹۶-۱۱۸.
۸. توکلی طرقي، م. (۱۳۹۶). *تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ (ویراست دوم)* تهران: پردیس دانش.
۹. حسن‌پور، آ.، و معمار، ث. (۱۳۹۴). مطالعه وضعیت دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دینداری خودمرجع (ارائه یک نظریه زمینه‌ای). *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۸(۳)، ۹۹-۱۳۱.
۱۰. حمیدیه، ب. (۱۳۹۲). جنبش‌های نوپدید معنوی: دین یا عرفان؟ ادیان و عرفان، ۴۶(۱)، ۲۹-۵۰.
۱۱. حیدری، آ. (۱۳۹۶). روانشناسی، حکومت‌مندی و نولیبرالیسم. *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)*، ۲۴(۱)، ۹-۳۹.
۱۲. حیدری، آ. (۱۳۹۷). *تنظیمات ایرانی حکومت‌مندی و برآمدن دولت مدرن در ایران. جامعه‌شناسی ایران*، ۱۹(۱)، ۱۴۸-۱۲۶.
۱۳. حیدری، آ. (۱۳۹۹). *واژگونه‌خوانی استبداد ایرانی*. تهران: مانیا هنر.

۱۴. دانیالی، ع.، و آقائی، خ. (۱۳۹۹). جوهرزدایی: تقلیل دین به عرفان‌های نوظهور (مطالعه موردی: تحلیل گفتمان انتقادی برنامه‌های پرگار از شبکه بی‌بی‌سی فارسی). *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۲۱ (۴۹)، ۶۷-۹۲.
۱۵. دوفصلنامه پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی. (۱۳۹۸). درباره نشریه. بازیابی در ۱۸ آبان ۱۳۹۹، از <http://psychology.riqh.ac.ir/journal/about>
۱۶. ریاحی، م. ا. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان گرایش به عرفان‌های نوظهور در بین جوانان. *مطالعات معنوی*، ۱ (۷)، ۳۹-۷۰.
۱۷. سازمان سنجش کشور. (۱۳۹۸). *دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۱۳۹۸. کدرشته محل های تحصیلی گروه علوم انسانی. مجموعه روانشناسی (کد ضریب ۱)*. تهران: سازمان سنجش کشور.
۱۸. سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۱). وضعیت، نگرش و مسایل جوانان ایران. تهران: سازمان ملی جوانان.
۱۹. سراج‌زاده، س. ح. (۱۳۷۷). نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان و دلالت آن بر سکولارشدن. *نماینه پژوهش*، ۱ (۷۸)، ۱۱۸-۱۰۵.
۲۰. سراج‌زاده، س. ح. (۱۳۸۵). چالش‌های دین و مدرنیته (مباحثی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولارشدن). تهران: طرح نو.
۲۱. شجاعی‌زند، ع. ر. (۱۳۹۵). مدلی برای مطالعه «دین‌گریزی» در ایران. *راهبرد فرهنگ*، ۹ (۳۵)، ۷-۳۰.
۲۲. شریعتی‌مزیانی، س.، باستانی، س.، و خسروی، ب. (۱۳۸۶). جوامعی در نوستالژی اجتماع نگاهی به پدیده معنویت‌های جدید در ایران (از خلال مطالعه موردی دو نمونه از جمع‌های عرفانی-روانشناسی). *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۳ (۸)، ۱۹۵-۱۷۷.
۲۳. شیانی، م.، موسوی، م. ط.، و مدنی قهفرخی، س. (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی جوانان در ایران. *جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰ (۳)، ۸۴-۵۷.
۲۴. طالبان، م. ر. (۱۳۸۸). چارچوبی مفهومی برای پیمایش دین‌داری در ایران. *اسلام و علوم اجتماعی*، ۱ (۲)، ۷-۲۸.
۲۵. طالبی، ا. (۱۳۹۲). معنویت‌گرایی نوین به مثابه گفتمان. *علوم اجتماعی*، ۲۰ (۶۲)، ۲۵۲-۲۱۳.

۲۶. طالبی، ا. و رمضانی تمیجانی، ص. (۱۳۹۵). گونه‌شناسی معنویت‌گرایان جدید. *راهبرد فرهنگ*، ۹(۳۵)، ۲۰۳-۲۳۳.
۲۷. عالم‌زاده، م. و رستگاری، ث. (۱۳۹۳). دین‌داری جوانان، ایده‌آل‌ها و واقعیت‌ها بررسی محدودیت‌های گفتمان‌های دینی در تحلیل دین‌داری جوانان (شهر تهران). *مطالعات جامعه‌شناختی* (نامه علوم اجتماعی سابق)، ۲۱(۲)، ۱۵۹-۱۸۸.
۲۸. غفاری، غ. ر. (۱۳۹۳). سنجش سرمایه اجتماعی کشور. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد.
۲۹. فاضلی، ن. ا. (۱۳۹۴). *تجربه تجدید (رویکردی انسان‌شناختی به امروزی‌شدن فرهنگ ایران)*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳۰. فرجی، م. و کاظمی، ع. (۱۳۸۸). بررسی وضعیت دین‌داری در ایران (با تأکید بر داده‌های پیمایش‌های سه دهه گذشته). *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۲(۲)، ۷۹-۹۵.
۳۱. فوکو، م. (۱۳۸۷). *مراقبت و تنبیه (تولد زندان)* (ن. سرخوش، و ا. جهان‌دیده، مترجمان) تهران: نی.
۳۲. فوکو، م. (۱۳۹۱). *تولد زیست سیاست (درس‌گفتارهای کلژ دوفرانس ۷۹-۱۹۷۸)* (ر. نجف‌زاده، مترجم) تهران: نی.
۳۳. فوکو، م. (۱۳۹۲). *تولد پزشکی بالینی* (ف. ولیانی، مترجم) تهران: ماهی.
۳۴. کلاکی، ح. و نیازخانی، م. (۱۳۸۹). مدل اندازه‌گیری دینداری جوانان. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۱(۱۲)، ۸۹-۱۲۳.
۳۵. کلنر، ه.، برگر، ب. و برگر، پ. (۱۳۸۱). *ذهن بی‌خانمان (نوسازی و آگاهی)* (م. ساوجی، مترجم) تهران: نی.
۳۶. گودرزی، م. (۱۳۹۳). *موج دوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. تهران: شورای سیاست‌گذاری پژوهش‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۷. گودرزی، م. (۱۳۸۲). *موج دوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۳۸. گیدنز، آ. (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیت* (چاپ اول) (م. ثلاثی، مترجم) تهران: مرکز.
۳۹. گیدنز، آ. (۱۳۸۵). *تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)* (چاپ چهارم) (ن. موفقیان، مترجم) تهران: نی.

۴۰. مرادی، ف.، رهبر، ع.، و توی، خ. (۱۳۹۹). پزشکی و قدرت از عهد ناصری تا دوره رضاخان؛ تبارشناسی سوژه ایرانی. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۵ (۳)، ۷۲-۱۴۱.
۴۱. مرکز پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه. (۱۳۸۳). *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان*. تهران: سازمان ملی جوانان.
۴۲. مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق علیه السلام. (۱۳۸۶). *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان*. تهران: سازمان ملی جوانان.
۴۳. مرکز مطالعات جوانان دانشگاه علامه طباطبائی. (۱۳۸۹). *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان*. تهران: وزارت ورزش و جوانان.
۴۴. مرکز مطالعات کودکان، نوجوانان و جوانان دانشگاه الزهرا (س). (۱۳۸۶). *پیمایش ملی بررسی وضعیت، مسائل و مشکلات دختران و زنان جوان*. تهران: سازمان ملی جوانان.
۴۵. مصداقی، ژ. (۱۳۷۶). *گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۵*. تهران: دفتر طرح‌های ملی. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۴۶. مصداقی، ژ. (۱۳۷۸). *گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۶*. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۴۷. مصداقی، ژ. (۱۳۷۹). *گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۷*. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۴۸. مظاهری سیف، ح. ر. (۱۳۹۰). *جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور* (جلد ۱). قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴۹. مؤسسه میثاق دانش روز. (۱۳۸۱). *گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۷۹*. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۵۰. مؤسسه میثاق دانش روز. (۱۳۸۲). *گزارش فرهنگی کشور در سال ۱۳۸۰*. تهران: دفتر طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۵۱. موسوی، م. (۱۳۸۶). *سنجش سرمایه اجتماعی جوانان در ایران*. تهران: سازمان ملی جوانان.
۵۲. مهدوی، س. م.، ادیسی، ا.، و رحمانی خلیلی، ا. (۱۳۸۹). *شناسایی میزان دین‌داری و مقایسه آن در گروه‌های متفاوت شهروندان تهرانی*. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۱ (۱)، ۱۶۵-۱۳۹.

۵۳. میرسپاسی، ع. (۱۳۹۸). تأملی در مدرنیته ایرانی (بحثی درباره گفت‌وگوهای روشنفکری و سیاست مدرنیزاسیون در ایران). تهران: ثالث.

۵۴. میلانی، ع. (۱۳۸۷). تجدد و تجدیدستیزی در ایران (مجموعه مقالات). تهران: اختران.

۵۵. نجفی، م.، نعیمیان، ذ.، رمضان‌نرگسی، ر.، مصباح، ع.، مشکى، م.، و سلمانیان، ح. (۱۳۸۷). تشیع و مدرنیته در ایران معاصر. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

56. Berger, P. L. (1980). Facing up to Modernity. *Philosophy and Phenomenological Research*, 40(4), 600-602.

57. Berger, P. L., & Muir, R. (1980). *The heretical imperative: Contemporary possibilities of religious affirmation*. New York: Anchor Press.

58. Tavakoli Targhi, M. (2001). *Refashioning Iran: Orientalism, Occidentalism and historiography*. London: Palgrave Macmillan.

Exploring the Harms of Lifestyle Among Welfare Organization's Help-Seekers and Presentation of Solutions (Case study: Help-seekers in Damghan County)

Shahram Basy¹

Associate Professor of Anthropology, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

Monireh Moradinasab

Lecturer in Sociology, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 29 August 2023

Revised: 23 November 2023

Accepted: 7 December 2023

Abstract

Identifying the lifestyle harms of the help-seekers and providing solutions for their mitigation is one of the most important goals of the present study, which was conducted using a qualitative method and narrative analysis. To achieve this goal, first, all staff and female heads of households of help seekers supported by the Welfare Organization of Damghan were selected as the statistical population. Then, the purposive sampling method was adopted to select the samples. The sample included 20 female heads of households of help seekers and 10 staff of the Welfare Organization. Data collection was conducted using a semi-structured interview and the findings suggest that physical harms, as a ground for risks, have affected the lives and lifestyles of the help seekers. They face serious psychological injuries including psychological pressure, stress, depression, loneliness, suicide, and low self-confidence, which have overshadowed their lifestyles. In parallel, harms and a lack of skills to deal with them, as well as cultural issues and cultural impoverishment of the families have intensified their social and cultural instability. Inadequate welfare pension and unemployment were the main economic factors identified. The help-seekers acknowledged the institutional and functional weakness of the Welfare Organization. The results reveal an unsustainable lifestyle at the social, economic, and cultural levels. In this regard, solutions are presented to improve lifestyle and alleviate harms, including counseling and education, coordination and cooperation

1. Corresponding Author, Email: basity@pnu.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Basy, S. and Moradinasab, M. (2024). Exploring the Harms of Lifestyle Among Welfare Organization's Help-Seekers and Presentation of Solutions (Case study: Help-seekers in Damghan County). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 55-85. doi: 10.22067/social.2023.84162.1414

of institutions, employment creation, increasing pensions, and positive representation of the lifestyle of the help-seekers.

Keywords: Lifestyle, Narrative analysis, Welfare Organizations' help seekers, Damghan County

آسیب‌شناسی سبک زندگی مددجویان بهزیستی و ارائه راهکارها (مورد مطالعه: مددجویان شهر دامغان)

شهرام باسیتی (دانشیار مردم‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

basity@pnu.ac.ir

منیره مرادی نسب (مربی جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

moradinasab@pnu.ac.ir

چکیده

شناسایی آسیب‌های سبک زندگی مددجویان و ارائه راهکارها برای کاهش آنها مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر بوده که به روش کیفی و با استفاده از تحلیل روایت و روایتگری اجرا شده است. برای تحقق این هدف ابتدا کلیه کارکنان و زنان سرپرست خانواده مددجویان زیرمجموعه اداره بهزیستی شهر دامغان به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شدند. سپس اقدام به انتخاب نمونه‌های مورد نظر آن هم به صورت هدفمند از بین آنان شده است. تعداد نمونه‌های انتخاب شده شامل ۲۰ نفر زن سرپرست خانواده مددجویان و ۱۰ نفر از کارکنان در حوزه مددکاری هستند. گردآوری داده‌ها با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شده و یافته‌ها حکایت از آن دارند که آسیب‌های جسمی به عنوان زمینه آسیب‌ها، زندگی و سبک زندگی مددجویان را تحت تأثیر قرار داده است. مددجویان با آسیب‌های جدی روانی از جمله فشار روانی، استرس، افسردگی، تنهایی، خودکشی، کاهش اعتماد به نفس مواجه شده و این امر سبک زندگی آنها را تحت تأثیر قرار داده است. به موازات آن نیز آسیب‌های اجتماعی و کمبود مهارت‌های مواجهه با آنها و همچنین مسائل فرهنگی و ذیل آن فقر فرهنگی خانواده‌ها وجود دارد که سطحی از ناپایداری اجتماعی و فرهنگی را برای آنها رقم زده است. کفاف‌دادن مستمری بهزیستی و نبود شغل مهم‌ترین مقولات استخراج شده در بحث اقتصاد بود. مددجویان بر ضعف نهادی و عملکردی نهاد بهزیستی اذعان نمودند. نتایج حاکی از سبک زندگی ناپایدار در سطح اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است که در این راستا، راهکارهایی برای ارتقای سبک زندگی و کاهش آسیب‌ها از جمله مشاوره و آموزش، هماهنگی و همکاری نهادها، ایجاد اشتغال، افزایش مستمری و بازنمایی مثبت از سبک زندگی مددجویان ارائه شد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، تحلیل روایت، مددجویان بهزیستی، شهر دامغان.

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست‌ویکم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۹، صص ۸۵-۵۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۹/۱۶

۱. مقدمه

در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی، در جوامع اروپایی و امریکایی، مفهوم سبک زندگی برای تبیین و توضیح تغییر و تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی‌ای به کار گرفته شد که از ورود نسل جوان دوران انفجار جمعیت و خرده‌فرهنگ‌های نوظهور به جامعه لیبرال و مصرفی ناشی می‌شد. اکنون در ایران پس از جنگ تحمیلی، ما نیز در حال تجربه شرایطی هستیم که تبیین برخی تحولات، ما را نیازمند به‌کارگیری مفاهیم و سازه‌های تئوریک می‌کند تا به صورتی بسنده و کارا از عهده آن برآییم. در عرصه فراملی مواجهه با پدیده‌هایی چون جهانی شدن، گسترش فزاینده رسانه‌های جمعی و اینترنت، شکل‌گیری فضاها و گروه‌های مجازی، مصرف‌گرایی، فردگرایی و دنیوی شدن، ظهور سیاست زندگی و پیگیری هویت شخصی، و همچنین در حوزه ملی، دگرگونی فرهنگی و اقتصادی پس از جنگ تحمیلی، ایجاد تغییرات در ترکیب جمعیتی، جوان‌گرایی و ظهور نسل ایکس، تغییر فرهنگ پوشش، تفریح و گذران اوقات فراغت، تغییر در حجم و روابط خانواده، افزایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، رشد مشارکت اجتماعی بانوان و گروه‌های نوگرا و مواردی از این دست، سبب ایجاد تحولات بنیادین در شکل و محتوای حیات اجتماعی شده است که جا دارد با عنوان تغییر سبک زندگی از آن یاد شود (ربیعی و سدیدپور، ۱۳۹۷: ۲۲).

به اعتقاد اندیشمندان عرصه اجتماعی و روان‌شناسی، عوامل متعددی بر شکل‌گیری و چگونگی سبک زندگی اعضای جامعه تأثیر می‌گذارند. هریک از این عوامل، در وضعیت و موقعیت‌های گوناگون می‌تواند منجر به بروز و ظهور سبک‌های زندگی گوناگون در میان اقشار و گروه‌های متفاوت جامعه شود. صاحب‌نظران، طبقه و عوامل اقتصادی، ارزش‌ها و تحول ارزشی، تحصیلات، جنسیت، سن و دوره عمر، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی را مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سبک زندگی برشمرده‌اند. اولین مورد، «طبقه و عوامل اقتصادی» است که از دیرباز اصلی‌ترین مرز تفکیک اقشار و سطوح مختلف نظام اجتماعی قلمداد شده و به تبع آن، اشکال متعدد سبک زندگی به وجود می‌آیند. ارزش‌ها و تحول ارزشی دومین عاملی است که

مورد توجه پژوهشگران حوزه سبک زندگی قرار گرفته است. بسیاری از محققان ارزش‌ها را اصلی‌ترین منبع شکل‌گیری سبک زندگی دانسته و تأکید دارند که شناخت ساختار ارزش‌های فردی اصلی‌ترین وظیفه برای درک سبک زندگی افراد است. عامل دیگری که بر چگونگی سبک زندگی اعضای جامعه تأثیر می‌گذارد، تحصیلات است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۸۸-۸۷).

نشانه‌های فراوانی از وقوع تغییرات فرهنگی در جوامع و ازجمله جامعه ما خبر می‌دهند. نوع معماری، نحوه پوشش، ظهور مشاغل جدید، تنوع رسانه‌ها و افزایش جمعیت شهرنشین از این نشانه‌هاست. در منظری جامعه‌شناختی، کاهش نظارت‌های اجتماعی چهره‌به‌چهره، تنوع خاستگاه‌های منطقه‌ای و قومیتی، کاهش وابستگی‌های انتسابی فرهنگی، خانوادگی و مکانی، امکان‌های گسترده‌تر دسترسی به فرهنگ‌های متنوع، دزدگی و بی‌قراری انسان در شهرها و نیاز وی به نظام‌ها و سازوکارهای تسلی‌بخش و ... ازجمله عوامل گسترش تنوع فرهنگی و سبک زندگی در شهرهاست.

در ایران تغییر سبک زندگی بیش از آنکه تحت تأثیر عوامل درونی و زیسته‌های فرهنگی باشد، متأثر از عوامل بیرونی و به‌صورت دستوری بوده است. به این صورت که ارتباطات، شهرنشینی، افزایش حاشیه‌نشینی، مصرف‌گرایی و ... سبب شده است که در میان اقشار جامعه سبک‌های مختلفی ایجاد شود. امروزه با توجه به پیچیدگی مسائل خانواده‌ها، به‌ویژه در مناطق فقیرنشین و حاشیه‌ای شهرها، مسائل جدید و مهمی شکل گرفته است که سبک زندگی آنها را تحت تأثیر قرار داده است. این سبک با توجه به وضعیت زندگی، متأثر از آسیب‌هایی است که بررسی آنها می‌تواند گره بسیاری از مشکلات خانوارها را باز کند و به زندگی آنها ارتقاء بخشد. بنابراین، اطلاع از وضعیت سبک زندگی مددجویان، با استفاده از تحلیل روایت خودشان و کسانی که از زیست جهان آنها مطلعند، نقطه عطف این پژوهش است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. چهارچوب مفهومی

در ادبیات جامعه‌شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت وجود دارد، یکی مربوط به دهه ۱۹۲۰ میلادی که سبک زندگی معرف ثروت، موقعیت اجتماعی افراد و به‌عنوان شاخص تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است و دوم به‌عنوان شکل اجتماعی نوینی که در متن تغییرات مدرنیته، جهانی‌شدن و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (گیدنز،^۱ ۱۳۷۸؛ بوردیو،^۲ ۱۳۹۰). در این پژوهش، با استفاده از آراء و نظریات بوردیو و گیدنز به تشریح این مفهوم می‌پردازیم.

بوردیو با استفاده از مجموعه‌ای از مقولات نظری، که در نظریه خود به آنها استناد می‌کند، سعی در تبیین مفهوم سبک زندگی دارد. سبک زندگی از دیدگاه بوردیو شیوه‌ای است که آگاهانه یا ناآگاهانه برای تمایزبخشی استفاده می‌شود. در نظریات بوردیو در بین انواع سرمایه، سرمایه فرهنگی جایگاه ویژه‌ای دارد. امروزه در تحقیقات سبک زندگی، به سرمایه فرهنگی بیش از دیگر مفاهیم بوردیو توجه شده است. توضیحی که او در مورد منش، ارائه می‌کند چنین است که افراد بنابر موقعیت‌های ساختاری، طرز عمل خاصی را که قاعده‌مند است در پیش می‌گیرند. فرد بر اساس ساختارها، به شیوه خاصی عمل می‌کند و در عین حال، به بازتولید ساختارها می‌پردازد؛ البته اعمالی که انجام می‌شود ممکن است آگاهانه نباشند. در نظر بوردیو، امر نمادین قادر است مادی‌بودن خود را پنهان کند. نظام‌های نمادین با دانش و قدرت و بازتولید نظم اجتماعی ربط وثیق دارند. بوردیو قریحه را بر مبنای ترجیحات افراد در حوزه مصرف در نظر می‌گیرد (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۷).

از دیدگاه بوردیو، سبک زندگی دارایی‌هایی است که اشغال‌کنندگان موقعیت‌های مختلف، خود را به قصد تمایز یا عدم قصد آن از دیگران تمایز می‌بخشند (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۰۷). از نظر گیدنز، شیوه زندگی اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربردی ندارد؛ چون ملازم با نوعی انتخاب از میان تعداد کثیری از امکان‌های موجود است و در عمل، نه فقط از

1. Giddens

2. Bourdieu

نسل گذشته تحویل گرفته نمی‌شود، بلکه پذیرفته می‌شود. شیوه‌های زندگی در صورت عملکردهای روزمره ظاهر می‌شوند. عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیط‌های مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می‌یابند؛ ولی این امور روزمره، در پرتو ماهیت متحرک هویت شخصی به گونه‌ای بازتابی در برابر تغییرات احتمالی باز و پذیرا هستند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۲۰). از نظر او، سبک زندگی آماده‌کردن مدلی برای روایت خود است. بدیهی است که در پس هر دسته از سبک‌های زندگی، نظام ارزشی و جهت‌گیری‌های خاصی را می‌توان یافت و اینها همه از پیامدهای مدرنیته‌اند. از منظر گیدنز به دلیل بازبودن زندگی اجتماعی امروز، کثرت یافتن زمینه‌های کنش و تعدد مراجع مقتدر، انتخاب سبک‌های زندگی برای ساختن هویت خویش و در پیش گرفتن فعالیت‌های روزانه اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد. گیدنز بیش از همه بر کارکرد هویت‌بخش سبک زندگی تأکید کرده و معتقد است، زندگی روزانه بیشتر بر اساس بازی دیالکتیکی امر محلی و امر جهانی شکل می‌گیرد و بیشتر افراد مجبور می‌شوند تا از میان مجموعه انتخاب‌ها، چیزهایی را گزینش کنند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۱).

گیدنز برای فهم بیشتر سبک زندگی، از مفهوم عاملیت و ساختار استفاده می‌کند. او توضیح می‌دهد که ساختار و عاملیت دو مقوله جدا از هم نیستند و به یکدیگر وابسته‌اند. ساختار بدون کنش وجود ندارد؛ زیرا این کنش است که مجدداً ساختار را بازتولید میکند و بالعکس. از نظر او، یک عامل، یک موضوع (سوژه) ذهنی مستقل از عمل نیست؛ بلکه فردیتی است که رفتار اجتماعی را بر ساخته می‌کند. رفتار در ساختار ظاهر می‌شود و در وضعیت ثبات یا تغییر ساختار نقش ایفا می‌کند.

بنابراین، ساختارها از طریق کنش اجتماعی بسط و شکل داده می‌شوند؛ زیرا ساختارها هم هدف و هم نتیجه کنش‌ها هستند. آنها شامل قلمروهای دوگانه‌اند. ساختارها در یک زمان هم عینی محدودکننده و هم ذهنی تواناساز هستند. سبک‌های زندگی نیز می‌توانند با ماهیت دوگانه‌ای در دیدگاه گیدنز به تصویر کشیده شوند. سبک‌های زندگی، الگوهای ساختاری از رفتارهایی هستند که با هنجارها و ارزش‌ها همراهند و از طریق بازخورد فرایندهای عاملان اجتماعی که

آنها را بازتولید و یا انتقال می دهند و همچنین از طریق مردمی که آنها را عملیاتی می کنند، بازتولید می شوند.

۲.۲. پیشینه پژوهش

هر پژوهشی با توجه به اهداف و سؤال های آن، نیازمند مرور نظری و تجربی است. این امر برای به کارگیری و استفاده از نتایج و یافته ها، نقد و بررسی آنها و یا ادامه روند انجام کار آنها انجام می شود. استفاده از سبک زندگی، به عنوان مفهومی که در چند دهه اخیر در مطالعات علوم اجتماعی و روانی در ایران، به کار رفته است، توضیح دهنده وضعیت و شرایط شیوه زندگی گروه ها و طبقات اجتماعی است.

پژوهش احمدی، گنجی و محمدی (۱۳۹۸) با عنوان «فراتحلیل مطالعات سبک زندگی در پژوهش های ایرانی» به فراتحلیل پژوهش های انجام شده درباره سبک زندگی در سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ پرداخته و به این نتایج می رسند که نظریات بوردیو، گیدنز، وبلن و زیمل بیشترین کاربرد را در تحقیقات ایرانی مرتبط با سبک زندگی داشته اند. همچنین، در میان مقالات، سبک زندگی مدرن تظاهری-مصرفی بیشترین کاربرد را در مقالات داشته است و در تقابل با سبک زندگی سنتی، شبه سنتی و سبک زندگی دینی به کار برده شده است. در نهایت، آنها نتیجه می گیرند که مفهوم سبک زندگی در تحقیقات داخلی تا حدی از مبنای نظری خود کنده شده و به عنوان مفهومی خنثی، کاربردی و عام تر بهره برداری شده است.

ربیعی و سدیدیپور (۱۳۹۶) در مقاله «فراتحلیل مطالعات مرز با تأکید بر سبک زندگی در کردستان»، با روش کیفی فراتحلیل انجام داده اند. یافته های تحقیق حکایت از گسترش فزاینده تغییرات در ابعاد گوناگون سبک زندگی و هویتی کنشگران در این استان دارد که در اکثر موارد با ساختار فرهنگی سنتی استان کردستان در تضادی بنیادین است. همچنین، با توجه به روند حاکم بر سبک زندگی کردستان ساخت حاکم از یک سو سنت های موجود را بازتولید می کند و از سوی دیگر مدرنیته را از مسیر رسانه ها به جامعه کردستان معرفی می کند و کنشگران نیز دو

گروه می‌شوند: مردان و سنت‌ورزان به دنبال حفظ سنت‌ها و زنان و گروههایی که در ساخت قبلی احساس سرخوردگی دارند به دنبال کسب حقوق جدید خود هستند.

یوسف‌نیا و حقیقتیان (۱۳۹۵) در پژوهش «بررسی عوامل مؤثر بر سبک زندگی در نواحی روستایی ایران (مطالعه موردی: نواحی روستایی شهرستان‌های خواف و رشتخوار)»، به عوامل تأثیرگذار فرهنگی بر سبک زندگی روستاییان می‌پردازند و به ارائه راهکارهایی ازجمله: هدفمندکردن تغییرات سبک زندگی در نواحی روستایی، تولید و پخش برنامه‌های ویژه و متناسب با سبک زندگی روستایی، به‌کارگیری دانش بومی، استفاده مناسب از فناوری‌های پیشرفته ارتباطی و مشارکت ساکنان در طرح‌های فرهنگی و اجتماعی می‌پردازند.

سپیلاتبرگ و ول^۱ (۲۰۱۴) در «دانشنامه کیفیت زندگی و تندرستی» بخشی را به مفهوم سبک زندگی اختصاص داده‌اند. در این بخش بیان می‌کنند که مفهوم سبک زندگی، مربوط به جوامع مدرن توسعه‌یافته است و می‌توان آن را به‌عنوان الگوهای رفتاری در زمینه‌های فعالیت‌های اوقات فراغت، سلیقه فرهنگی، ارزش‌های اساسی قابل مشاهده و نمایش وجوه خاصی از شرح حال یک شخص بیان کرد. در این بخش همچنین بیان می‌کنند که ویژگی‌های سبک زندگی عمدتاً حاصل از طبقه اجتماعی، تجربیات زندگی و جهت‌گیری‌های ارزشی است. افزایش تنوع شغلی، خانواده و انواع آن، فعالیت‌های اوقات فراغت، و عادات مصرفی باعث شده است که در طول دهه گذشته به اقتضای این تنوعات مدل‌های طبقاتی و قشربندی‌های متفاوتی ایجاد شود. ویل^۲ (۲۰۰۱) به تحقیقی با عنوان «فراغت، فرهنگ و سبک زندگی» پرداخته است. او در این پژوهش به بررسی رابطه الگوی گذران اوقات فراغت، سطح فرهنگی کنشگران و درنهایت چگونگی شکل‌گیری سبک زندگی در انگلیس پرداخته است. نتایج به دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که ساختارهای تأثیرگذاری از قبیل طبقه اجتماعی، امروزه تأثیرات خود را در شکل‌دهی به رفتارهای فراغتی حفظ کرده‌اند. از نظر او عمده‌ترین اختلاف‌ها در رفتارهای مربوط

1. Spellerberg and Woll

2. Veal

به گذران اوقات فراغت هنوز هم به وسیله سن، جنس و با طبقه اجتماعی تبیین می شود. سن و جنس و همچنین پارامترهای اقتصادی-اجتماعی در شکل دهی آشکار به سبک های زندگی افراد جامعه تأثیرات قابل توجهی دارند. این متغیرها علل اختلاف به وجود آمده در تنوعات سبک زندگی را توضیح می دهد.

با توجه به تحقیقات در حوزه سبک زندگی در ایران، بیشتر مطالعات درباره سبک زندگی طبقه متوسط و اقشاری بوده است که سبک زندگی متفاوت و درعین حال، قابل شناسایی را داشته اند و کمتر به سبک زندگی طبقات پایین جامعه پرداخته اند. این پژوهش با دستاویز قراردادن یافته ها، نتایج نظری و تجربی مطالعات پیشین، به سبک زندگی مددجویان تحت پوشش بهزیستی به عنوان کسانی که در طبقات پایین جامعه قرار داشته و بیشتر در معرض آسیب ها قرار دارند، پرداخته است.

۳. روش پژوهش

یکی از روش های مرسوم در تحقیق کیفی، روش «تحلیل روایت» است که از مطالعه اظهارات و اعمال افراد در متن موضعی شروع می کند. پس تحلیل روایت با شکل خاصی از نظم زنجیره ای آغاز می شود. عبارت منفردی که قصد تفسیر آن را دارید، پس از آنکه مشخص شد جزئی از روایت است تحلیل می شود. روایت ها به وسیله مصاحبه روایی تهیه و گردآوری می شوند تا بتوان بر اساس آنها فرایند زندگی افراد را بازسازی کرد (فلیک،^۱ ۱۳۸۷: ۳۶۸).

روش های مختلفی برای تحلیل مصاحبه روایی پیشنهاد کرده اند. اولین گام تحلیل (تحلیل صوری متن) عبارت است از حذف تمامی عبارت های غیرروایی و سپس تقطیع متن روایی «پالایش شده» به منظور تحلیل صوری آن. در مرحله بعدی توصیف ساختاری محتویات انجام می گیرد که بخش های مختلف و تقطیع شده روایت را با استفاده از حروف ربط مانند «و آنگاه» یا وقفه هایی به یکدیگر پیوند می زند. انتزاعی کردن تحلیل -به منزله مرحله سوم- از جزئیات

1. Flick

مقاطع زندگی فاصله می‌گیرد. هدف از آن تشریح تبدیل «زندگینامه به یک کل است؛ یعنی تشریح چهارچوب تجربیات زندگی فرد مطابق با توالی تاریخی از ابتدا تا به امروز». تنها پس از بازسازی الگوهای فرایندی است که اجزاء غیرروایی مصاحبه به تحلیل افزوده می‌شود. سرانجام، تحلیل‌های موردی که به این ترتیب انجام شده‌اند با یکدیگر مقایسه و مقابله می‌شوند. هدف بیشتر بازسازی «روابط متقابل جریان‌های فرایندی واقعی» است تا بازسازی تفسیرهای شخصی راوی از زندگی‌اش (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۶۹).

به لحاظ تکنیک نیز، از تکنیک تحلیل تماتیک (مضمونی) استفاده می‌شود. در این نوع تکنیک تحلیلی، سعی بر برکشیدن مضامین یا گد از طریق گدگذاری محتوای مصاحبه‌های انجام شده است (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۰۳-۲۲۷؛ فلیک، ۱۳۸۷: ۳۲۹).

با توجه به موقعیت و ماهیت پژوهش حاضر از ابزار مصاحبه استفاده می‌شود و راهبرد مصاحبه در این پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساخت یافته است. زمان مصاحبه‌ها از ۶۰ دقیقه تا ۹۰ دقیقه متغیر بوده و محقق سعی در ترغیب در تشریح تجربیات خود از وضعیت سبک زندگی مددجویان برآمده است.

روش‌های نمونه‌گیری در این پژوهش عبارتند از: نمونه‌گیری هدفمند، نمونه‌گیری نظری و نمونه‌گیری با حداکثر تنوع. نمونه‌ها با توجه به هدف پژوهش انتخاب شده‌اند. مددجویان زنی که عضو بهزیستی شهرستان هستند و از اقدامات و برنامه‌های بهزیستی مطلعند و با این سازمان در ارتباط و تعامل هستند، مدنظر قرار گرفته شده‌اند. از شیوه پردازش داده‌ها استفاده می‌کنیم؛ به این صورت که سندی را تحلیل می‌کنیم و این تحلیل ما را به صراحت مفهومی می‌اندازد که آن مفهوم مستلزم مرور متون و منابع نظری برای ارتقای حساسیت نظری است و در نتیجه، متن مصاحبه‌های قبلی را از نو محل تأمل و تحلیل قرار می‌دهیم یا حتی بار دیگر با کسی به گفت‌وگو نشسته تا اطلاعات تکمیل شود و به اصطلاح به اشباع برسد (گلاسر^۱، ۲۰۰۰).

همچنین، سعی شد که نمونه‌گیری با حداکثر تنوع در نظرات ارائه شود. این امر به دلیل رسیدن به گستردگی و جامع‌بودن یافته‌ها درباره موضوع انجام شده است. در این تحقیق با ۲۰ زن سرپرست خانوار مددجوی تحت پوشش بهزیستی شهر دامغان، که در دسترس بودند و تعامل و ارتباط با بهزیستی داشتند، مصاحبه شد. زنان به این دلیل بررسی شدند که بیشترین آمار مددجویان را دربرمی‌گیرند. آنها آگاهی و اطلاع زیادتری نسبت به سبک زندگی خانواده خود داشته و زمانی زیادی را نیز توانستند به مصاحبه اختصاص بدهند. همچنین، با ۱۰ کارشناس بهزیستی که در حوزه مددکاری و امور مددجویان کار می‌کردند نیز مصاحبه شد. مصاحبه‌ها در بهزیستی شهرستان انجام شده و به صورت گروهی و گاهی تک‌نفره مصاحبه انجام شده است. راهبرد مصاحبه در این پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساخت یافته است. در مصاحبه نیمه‌ساخت یافته سؤال‌ها از قبل بر اساس موضوع پژوهش ساخته می‌شود؛ اما از نوشتن دقیق سؤالات خودداری می‌شود. به این ترتیب، دست پژوهشگر برای انجام مصاحبه باز است و مصاحبه‌شونده نیز محدودیتی برای پاسخ‌دادن ندارد. مشخصات مصاحبه‌شوندگان به قرار زیر است.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

منبع: مطالعه حاضر

کد مصاحبه‌شونده	سن	نام و نام خانوادگی / اسم مستعار	سابقه عضویت	شغل	زمان مصاحبه (دقیقه)
۱	۴۵	ح. ن	۵	بی‌کار	۳۵
۲	۳۰	ا. م	۴	حوزه کودک و تربیت مربی کودک	۴۰
۳	۳۶	ر. ز	۴	کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی	۴۰
۴	۴۶	ف. م	۱۰	خیاطی	۳۸
۵	۶۰	ا. م	۱۲	نظافت‌چی	۶۰
۶	۴۴	ا. م	۵	خانه‌دار	۳۰

کد مصاحبه شونده	سن	نام و نام خانوادگی /اسم مستعار	سابقه عضویت	شغل	زمان مصاحبه (دقیقه)
۷	۳۰	ه. ت	۲	خانه دار	۳۵
۸	۳۲	ی. س	۳	خانه دار	۳۰
۹	۵۱	ب، ا	۱۲	بی کار	۳۵
۱۰	۳۵	ک. ر	۵	بی کار	۴۰
۱۱	۳۱	ف. م	۲	مغازه دار	۳۸
۱۲	۶۰	ق. م	۱۵	خانه دار	۵۰
۱۳	۴۳	ه. م	۶	خانه دار	۴۵
۱۴	۴۹	ت. ر	۵	خانه دار	۴۰
۱۵	۵۱	ه. م	۵	خانه دار	۴۵
۱۶	۵۱	ه. م	۱۰	خانه دار	۴۰
۱۷	۴۷	س. م	۱۰	خانه دار	۳۸
۱۸	۵۰	س. ح	۱۲	خانه دار	۴۵
۱۹	۳۷	ح. ه	۸	خانه دار	۳۰
۲۰	۳۰	س. ر	۳	خانه دار	۴۰
کارشناسان					
-	سن / سابقه	نام و نام خانوادگی /اسم مستعار	مدرک تحصیلی	سمت	مدت مصاحبه
۲۱	۵۳	م. ر	کارشناسی ارشد روانشناسی	کارمند، روان شناس	۶۰
۲۲	۴۳	ا. س	کارشناسی	کارمند مددکار.	۳۵
۲۳	۳۲	ا. م	کارشناسی	روانشناس	۴۵
۲۴	۴۰	ف. م	مربی	مددکار	۵۰
۲۵	۵۰	ن. ه	کارشناسی	کارمند	۳۸
۲۶	۳۶	ک. ه	کارشناسی	کارمند	۳۰
۲۷	۴۲	ل. م	کارشناسی	کارمند	۳۶

کد مصاحبه شونده	سن	نام و نام خانوادگی / اسم مستعار	سابقه عضویت	شغل	زمان مصاحبه (دقیقه)
۲۸	۵۶	ف. ر	کارشناسی	کارمند	۴۱
۲۹	۴۴	ک. ح	کارشناسی	کارمند	۴۵
۳۰	۵۵	م. م	کارشناسی	کارمند	۵۰

۴. یافته‌های پژوهش

با توجه به مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها و دسته‌بندی آنها در قالب مقوله‌های اولیه می‌توان مقوله‌های ثانویه را معیار تفسیر و تبیین کرد. برای این مهم، لازم است به نقل قول‌های مصاحبه‌ها هم پرداخته شود.

جدول ۲. مفاهیم، مقوله‌های اولیه، ثانویه و هسته‌ای مستخرج از مصاحبه‌ها

منبع: مطالعه حاضر

مفاهیم	مقوله‌های اولیه	مقوله‌های ثانویه	مقوله‌های اصلی
معلولیت، افزایش بیماری، کهولت سن، افزایش مصرف دارو، افزایش مراجعین بیمارهای خاص، افزایش هزینه‌های معلولیت، بالا رفتن تعداد مراجعین معلول، افزایش تعداد معلولین، مراجعه به بهزیستی برای حمایت دائمی، افزایش هزینه‌های مراقب از معلولین، افزایش مشکلات روانی و جسمی، نبود کار برای معلولین، افزایش قطع عضو، کمبود مشارکت معلولین، کاهش تسهیلات به معلولین، نبود سرگرمی و فراغت برای معلولین، کمبود توجه به ازدواج معلولین، افزایش هزینه‌های دارو، افزایش هزینه‌های ویزیت، افزایش بیماریها،	قطع عضو	بیماری‌های جسمی	آسیبهای جسمی به عنوان زمینه آسیبها
	افزایش مریضی		
	افزایش هزینه‌های معلولیت،	معلولیت جسمانی	
	افزایش مراجعین معلول		
عدم تعادل در سن ازدواج، مجرد بالا در میان دختران، کاهش سرمایه‌های اجتماعی و ضعف پیوند بین نسلی، شکاف سنی، رشد فردگرایی، اولویت ارزشهای مادی، الگو شدن مجرد قطعی، افزایش	تنهایی و افسردگی	گسست از جامعه	لادروانی آسیبهای
	ناامیدی		

مفاهیم	مقوله‌های اولیه	مقوله‌های ثانویه	مقوله‌های اصلی
تجردهای قطعی، افزایش زنان و مردان مطلقه، افزایش کودکان طلاق، غالب شدن الگوی تربیتی نادرست، افزایش زنان بی سرپرست یا بدسرپرست فاصله اجتماعی زوجین، کودک همسری و کودک آزاری، افزایش مهریه، افزایش هزینه ازدواج، رواج روسپیگری، خیانت و مسائل جنسی، افزایش روابط دختر پسر، کاهش نظارت اجتماعی و ایجاد بستر برای روابط نامشروع، نبود هدف یا اهداف واضح در ازدواج کردن، ترس از ازدواج و اعتماد، ناامیدی، مجرد جوانان بالای سی سال، رواج روابط دوست پسر دوست دختری، زوجین، مبادله ای شدن ازدواج، افزایش سن جوانان، نبود انگیزه برای ازدواج، تحصیلات و انتظارات زیاد، افزایش هزینه های ازدواج و خرید وسایل و جهیزیه، بالا رفتن انتظارات، انتظارات مالی، عادی شدن طلاق، افسردگی، تنهایی، افزایش فشار روانی، افزایش اعتیاد همسران، آسیبهای اعتیاد، تنهایی مددجویان، شیوع بیماری های روانی مانند پارانوید، افزایش فشارهای روانی شیوع بیماریهای جنسی و خشونت های جنسی به زنان، خشونت فیزیکی و کلامی در خانواده ها خشونت مالی نسبت به زنان	افزایش فشار روانی	افسردگی	
	آسیبهای روانی طلاق		
	آسیب‌های اعتیاد همسران		
تبعیت از فرهنگ‌های دیگر، ورود ارزش‌های متضاد، فضای مجازی و تلگرام و واتساپ، ضعف ارتباط برقرار کردن، نبود انگیزه، طرد اجتماعی، طرد اجتماعی، فحش و ناسزا، افزایش طعنه و بدگویی، افزایش دخالت اطرافیان، دوری از اجتماع، طلاق، آسیبهای طلاق، افزایش وابستگی به بهزیستی بعد از طلاق، فضای مجازی و آسیبهای آن، دغدغه برای ازدواج مجدد، افزایش زنان بی سرپرست، افزایش زنان بدسرپرست، کمبود و ضعف سرمایه اجتماعی، کمبود مهارت های زندگی، کمود مهارت خشم، افزایش کودکان بی سرپرست، نبود خانه بعد از طلاق، افزایش مشکلات اجتماعی، اعتیاد و افزایش وابستگی به مواد، ضعف مهارت های نه گفتن،	افزایش طلاق و آسیب‌های آن	طرد اجتماعی ناشی از طلاق	آسیب‌های اجتماعی و مهارت زندگی
	آسیب‌های فضای مجازی	کمبود مهارت های زندگی	
	افزایش زنان بی سرپرست و بدسرپرست		

مفاهیم	مقوله‌های اولیه	مقوله‌های ثانویه	مقوله‌های اصلی	
ناتوانی در تصمیم‌گیری، افزایش مشکلات زندگی، کمبود مشاوره و نبود هم‌صحبتی،	ضعف ارتباطات			
پایین آمدن سن آسیب دیدگان مسائل اجتماعی، طلاقهای زودهنگام و شیوع مسائل جنسی خانواده‌ها، آسیبهای فضای مجازی، شکل-گیری اجتماعات مجازی، دوست‌یابی مجازی، هویت‌یابی جدید، استرس و افسردگی، مجرد بالا در میان جوانان، طلاق و پیامدهای آن، خیانت، افزایش سن ازدواج، وجود احساس مجرد قطعی در میان افراد سی سال به بالا، بالارفتن سطح تحصیلات، عدم تمایل به ازدواج، ازدواج مانع پیشرفت، افزایش هزینه‌های مهریه، افزایش هزینه ازدواج، خرج زیاد در عروسی، وجود دستی با جنس مخالف، افزایش افزایش مشغله‌ها و نبود اعتماد به نفس در جوانان، مشکلات جنسی و فیزیکی در رابطه با گروه‌ها و تامین خلا عاطفی در پسران و دختران، نبود مشوق ازدواج، مانع‌های زیاد ازدواج، افزایش توقع‌ها، ناهمخوانی ازدواج‌ها، بالارفتن سن دختران و مجرد قطعی، افزایش سن ازدواج دختران در شهرها به خاطر توقع و تحصیلات، جوانان، نبود کیس مناسب برای ازدواج، نبود امکانات فراغتی، کمبود برنامه‌های آموزشی و سرگرمی سالم، کاهش مراجعه به مشاوره، کمبود مطالعه و آگاهی در مورد مسائل، تعارض ارزش‌های اسلامی و غربی، افزایش مصرف‌گرایی و تاثیر منفی بر مددجویان، فرهنگ نادرست چشم و هم‌چشمی و قناعت نکردن در زندگی، توقعات بی‌جا،	ارزش‌های سستی سبک‌های نوین زندگی	ارزش‌های متعارض فرهنگی	آسیب‌های فرهنگی و فقر فرهنگی	
	فراغت ناسالم	فقر فرهنگی		
	تغییرات فرهنگی			
	فقر فرهنگی			
نبود شغل، کمبود مالی شدید، عدم کفاف مستمری بهزیستی، افزایش هزینه‌ها، افزایش توقعات، نبود درآمدهای جانبی، افزایش وابستگی به مالی به بهزیستی، افزایش تعداد مراجعین، خواسته‌های نابجای مالی، کاهش ارائه وام به مددجویان، عدم توانمندسازی اقتصادی، افزایش بیکاری، نبود کار برای زنان بی سرپرست، عدم کفاف درآمد، افزایش هزینه‌های تحصیل فرزندان، ترک تحصیل، افزایش نیاز مالی	کمبود مالی شدید	عدم کفاف مستمری بهزیستی	آسیب‌های اقتصادی	
	افزایش هزینه‌ها			
	نبود کار برای زنان	نبود شغل		

مفاهیم	مقوله‌های اولیه	مقوله‌های ثانویه	مقوله‌های اصلی
و متوسل شدن به کارهای ناپسند، افزایش هزینه های دارو و درمان ، افزایش سطح توقعات عدم استقلال زنان، وابستگی شدید مالی به بهزیستی، انتظارات مالی زیاد،	کمبود تسهیلات		
کمبود حمایت مالی، عدم تسهیلات ، نبود انگیزه برای مراجعه به بهزیستی، عدم درک کارمندان از وضعیت معلولین ، بی تأثیری کلاس های آموزشی، نبود کارگاه های مناسب و مداوم، کاهش همکاری نهادها برای حل مشکلات، کاهش حمایت بهزیستی، پرداخت نکردن هزینه های تحصیل مددجویان دانشگاهی، کاهش حمایت در بخش های درمانی، کاهش پیگیری مداوم وضعیت مددجویان ، نبود شغل برای زنان، کمبود حمایت های وام و تسهیلات، کاهش معرفی مددجویان به کار، وابستگی به مستمری، عدم رغبت به آموزش های توانمندسازی، کاهش برگزاری کلاس های آموزشی برای شغل،	کمبود واریزی	کمبود حمایت های مالی	ضعف نهادی و عملکردی
	عدم درک کارمندان از وضعیت معلولین	کاهش همکاری و هماهنگی نهادها	
	کاهش همکاری نهادها		

۴.۱. آسیب‌های جسمی به‌عنوان زمینه آسیب‌ها

یکی از مهم‌ترین آسیب‌هایی که مددجویان با آن مواجه هستند و تأثیر زیادی بر سبک زندگی آنها داشته است، داشتن مشکلات جسمانی به‌ویژه برای معلولین است. با توجه به اینکه درصد بالایی از مراجعین به بهزیستی و کسانی که عضو بهزیستی هستند معلولند، توجه به سبک زندگی و مشکلات آنها در این زمینه لازم و ضروری است.

مشکلات جسمانی ازجمله مشکلاتی است که زندگی مددجویان را تحت تأثیر قرار داده و موجب شده روند زندگی آنها با اختلال مواجه شود. این امر آنها را آسیب‌پذیر کرده است. مصاحبه‌شوندگان از وضعیت جسمانی و مشکلاتی که برای خانواده و دیگران ایجاد کرده‌اند و تأثیر آن بر سبک زندگی خود می‌گویند:

من کمردردهای شدید دارم دیگر واقعاً نمی‌توانم. پسرم خیلی واقعا در این قضیه نقش دارد. می‌خواهد که به من کمتر آسیب برسد. اون خودش بیشتر تلاش می‌کند خیلی سخت است؛ ولی

خوب می‌گوید نه دوست ندارم مادرم آنقدر مثلاً با این سن و سال بخواهد کاری کند. خیلی تأثیر دارد و دختر من خیلی قانع است الان این خیلی کمک می‌کند (کد مصاحبه؛ ۴).

از عواملی که این آسیب‌پذیری را حادث کرده است، طرد اجتماعی آنها در جامعه، توجه ناکافی نهادها به آنها، کمبود و ضعف مالی، افزایش هزینه‌ها به‌ویژه هزینه‌های دارو و درمان است. با توجه به افزایش تورم و هزینه‌های بالای اقتصادی این قشر از جامعه به‌طور مضاعف در معرض تهدید و آسیب قرار گرفته‌اند. آنها از وضعیت اقتصادی بیشترین آسیب را دیده‌اند. به دلیل نبود پشتوانه مالی و کمبود حمایت‌های نهادی، مددجویان بیشتر به مستمری بهزیستی وابسته شده‌اند. آنها به دلیل افزایش هزینه‌ها مجبور شده‌اند که از خیلی از هزینه‌های جاری خود صرف نظر کنند تا بتوانند دارو و درمان خود را پوشش دهند. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

آسیب زندگی من دخترم در ۱۷ سالگی بیماری ام اس گرفت، نمونه بود از درس، از خوشکلی، تک و نمونه بود. دخترم تحت پوشش بهزیستی ۲۵ ساله از سال ۷۷ این بیماری رو گرفت این دکتر اون دکتر گیاهی انرژی درمانی دکتر سنتی از وقتی که شوهرم زنده بودکلاً من دنبال درمونش بودم (کد مصاحبه؛ ۵).

با وجود مشکلات جسمانی که سبک زندگی مددجویان را تحت تأثیر قرار داده است، برطرف کردن و کاهش این نوع از مشکلات را می‌توان مهم‌ترین اقدام به حساب آورد. بنابراین، آسیب‌های جسمی، آسیب‌های روانی را نیز به وجود آورده یا بر آنها تأثیر می‌گذارند. آسیب‌های جسمی از مهم‌ترین مشکلات مددجویان و دلیلی برای عضویت آنها در بهزیستی است. در کنار برطرف کردن آسیب‌های این حوزه باید به مسائل و مشکلات آنها در زمینه‌های دیگر نیز توجه شود.

۲.۴. آسیب‌های حاد روانی

ازجمله مهم‌ترین آسیب‌های مددجویان که سبک زندگی آنها را تحت‌الشعاع قرار داده است، مشکلات، آسیب‌ها و بیماری‌های روانی آنهاست. افرادی که به بیماری‌های جسمی مبتلا هستند،

غالباً استرس عاطفی و درد مزمن را تجربه می‌کنند. از طرفی استرس و درد مزمن با بروز افسردگی و اضطراب همراه هستند. شواهد نشان می‌دهد هرچه وضعیت جسمی یک فرد بدتر باشد، احتمال بروز مشکلات روانی در او بیشتر است. به همین علت بیشتر بیماران جسمی به بیماری‌های روانی مبتلا می‌شوند. عوامل اجتماعی نیز می‌تواند بر سلامت ذهن و روان فرد تأثیر بگذارد. بیمارانی که در فقر زندگی می‌کنند، در معرض خطر ابتلا به بیماری‌های روانی هستند و ممکن است برای درمان بیماری خود با مشکلات زیادی روبه‌رو شوند.

مصابحه‌شوندگان با در نظر گرفتن فشار روانی‌ای که بر آنها هم از سوی جامعه و اطرافیان وارد است و هم به دلیل مشکلات اقتصادی و معیشتی که با آن مواجه هستند، آسیب‌های این حوزه را شدیدتر می‌دانند و به مصرف قرص و داروهای روانی متوسل می‌شوند. یکی از مصابحه‌شوندگان در این باره چنین اظهار نظر می‌کند:

پیامدها بیشتر روحی روانی هستن حالا جسمی که می‌تونه باشه غذا خوردن، نوع تغذیه ولی بیشتر پیامدهای این نوع از سبک زندگی فشارهای روحی و روانی هست که مضاعف و چندین برابر می‌شه. وقتی سبک زندگی دچار ایراد باشه وقتی یک آسیبی توش وجود داشته باشه قطعاً روی رفتار من روی نوع حل مشکل من و اینکه بیشتر توی اون مشکل دست و پا بزنم و غرق بشم مسلماً اثر خیلی زیادی می‌تونه داشته باشه (کد مصاحبه؛ ۲۷).

سبک زندگی پیش‌بینی‌کننده اضطراب و استرس افراد هم می‌تواند باشد. افراد هر جامعه با انتخاب سبک زندگی برای ارتقای سلامتی خود و جلوگیری از بیماری‌ها، اقدام به انجام فعالیت‌هایی می‌کنند که مهم‌ترین آنها رعایت رژیم غذایی مناسب، خواب و فعالیت ورزشی، حفظ وزن بدن، مصرف نکردن سیگار و الکل و مواد مخدر و حفاظت در برابر بیماری‌ها است. در مقابل، سبک زندگی ناسالم با درپیش گرفتن عادات نامطلوب از جمله خوردن غذاهای ناسالم،

عدم فعالیت جسمی، مصرف سیگار و الکل و رفتارهای جنسی پر خطر باعث گسترش انواع بیماری‌ها و اختلالات جسمی روانی می‌شود (تایلر^۱ و رو^۲، ۲۰۱۱).

از نظر فکری بالا هستیم، از لحاظ اجتماعی خودم را همسطح دیگران می‌بینم، در اجتماعی که من رفت و آمد می‌کنم افراد اون اجتماع از نظر من هیچ فرقی با من نمی‌کنند ولی آنها خودشان را بالاتر از من می‌بینند و این نقطه ضعفشان است که خطرناک است. به بهزیستی صد در صد وابسته نیستم، شاید پنجاه الی هفتاد درصد به بهزیستی وابسته باشم. بیشتر به خودم متکی بودم و تنهایی من باعث شد که به بهزیستی وابسته باشم (کد مصاحبه: ۱).

یکی از مهم‌ترین دلایل مشکلات روانی که بارها مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند، بحث طلاق و آسیب‌های آن است. طلاق سلامت روانی آنها را به خطر انداخته و موجب آسیب‌های روانی و اجتماعی به‌ویژه در زنان شده است. آنها برای باارزش شدن زندگی بعد از طلاق و در مواردی از جمله اعتیاد همسران صحبت به میان می‌آورند. برخی از محققان وجود ارزش و احساس معنا در زندگی را مانند کلیدی می‌دانند که گره‌گشای مشکلات زندگی است و باعث می‌شود تا افراد رفتارها و کنش‌های مثبتی داشته باشند. به همین دلیل، اغلب زندگی ارزشمند و معنادار را از عوامل مهم سلامت روان‌شناختی می‌دانند (اسنایدر و فیلدمن^۴، ۲۰۰۵) که در مواجهه با تنش‌ها و مشکلات جسمی و روانی به فرد کمک مؤثری می‌کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان با بیان اینکه طلاق بدترین آسیب زندگی او بوده چنین می‌گوید:

این بدترین آسیبی بود که توی ۲۶، ۲۷ سالگی به من وارد شد. طلاق با دو بچه ۹ و ۷ و نیم ساله اتفاق افتاد. حضانت اصلی با پدرشان است؛ ولی نگهداری با من است. حتی یه آدم سالم

1. Taylor

2. Rew

3. Rew et al

4. Feldman & Snyder

هم در خانه می‌نشیند ۲۴ ساعت، بلاخره خواه ناخواه مریض می‌شود. باعث افسردگی می‌شود و فشار رویش می‌آید (کد مصاحبه؛ ۳).

آسیب‌های روانی شدید و حاد در برخی از مصاحبه‌شوندگان وجود داشت که به مراتب موجب آسیب بیشتر و شدید و تأثیر آن بر سبک زندگی خود و اطرافیانش شده است. با توجه به مصاحبه‌ها، می‌توان گفت که سلامت روانی خانواده‌ها رو به خطر است و نمودهای آن آسیب‌هایی است که وجود دارد و روزبه‌روز هم در حال اضافه شدن هستند. مصاحبه‌شوندگان، بر این امر تأکید می‌کنند که عامل بسیاری از آسیب‌های روانی، فقر و مشکلات اقتصادی است. مصاحبه‌شوندگان با توجه به ضعف آموزش، کمبود فضاهای آموزشی و تفریحی در استان، بی‌توجهی به مسائل خانواده از جانب نهادها و رسانه‌ها، ضعف مهارت‌های زندگی و ارتباطی و همچنین آسیب‌هایی چون طلاق، طلاق عاطفی، خیانت و... وضعیتی را تصویر می‌کنند که حاکی از کاهش سلامت روانی افراد جامعه است.

۳.۴. آسیب‌های اجتماعی و مهارت زندگی

آسیب‌های اجتماعی مسئله‌ای نگران‌کننده و جزء موضوعاتی است که زیرساخت‌های جامعه را هدف قرار داده است. آسیب‌هایی چون اعتیاد، حاشیه‌نشینی، طلاق، همگی می‌توانند اساس جامعه را دچار اشکال و تنش کنند. آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌ها ناهنجاری‌ها و آسیب‌هایی نظیر بی‌کاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و ... همراه با علل و شیوه‌های پیشگیری و درمان آنها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی است. مددجویانی که با آنها مصاحبه شد، تفسیر متفاوتی از آسیب‌های اجتماعی پیش روی خود دارند. آنها با تأکید بر طرد اجتماعی خود به‌ویژه زنان بی‌سرپرست یا بدسرپرست و همچنین معلولان، آسیب‌های اجتماعی را ناشی از بی‌کاری، اعتیاد و فقر و طلاق قلمداد می‌کنند و آنها را آسیب‌های ماندگار و همیشگی خود میدانند. یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره آسیب‌های اجتماعی پیش روی آنها می‌گوید:

ببینید طلاق یکی اینکه مشکلات جامعه اعتیاد زیاد شد جوان هامون بی کار بودن حالا نمی دونم سر بی کاری رو آوردن به اعتیاد. برای خودشون درست کردن و یک سری خانواده ها خب نتونستن تحمل کنن باعث جداییشون و طلاقشون شد (کدمصاحبه؛ ۱۳).

امروزه آسیب های اجتماعی که به سرعت در حال گسترش است، بزرگترین ضربه و خطر برای هر جامعه ای محسوب می شود و نمی توان از کنار آنها به راحتی گذشت. آسیب های اجتماعی پدیده های واقعی متغیر قانونمند و قابل کنترل و پیشگیری هستند (جوکار، حسینی و جوکار، ۱۳۹۶) و در اکثر جوامع وجود دارند و تأثیر خود را می گذارند. آسیب های اجتماعی به سبک زندگی افراد نیز مرتبط است. کسانی که در مناطق فقیر و حاشیه زندگی می کنند، یا کسانی که توانایی مالی برای تأمین مخارج زندگی را ندارند بیشتر درگیر این آسیب ها هستند و در نتیجه، توانایی حل آنها برای برطرف کردن این آسیب ها کمتر است.

امکان داره ارتباطات اجتماعی مثلاً مددجویان ما با افرادی که در ارتباط هستند خب می تونن تأثیر بگیرن یا مثلاً فضای مجازی امکان داره که تأثیرگذار باشه در آسیب ها یا همان مثلاً سطح اقتصادی افراد وقتی توان مالی رو ندارند باعث می شه که به سمت و سوی این آسیب ها برن یا مثلاً بی کاری باعث می شه افراد وقتی بی کارن هیچ کاری رو ندارند انجام بدن فکر می کنن بهترین راه اینه که به سمت اعتیاد برن و می رن به سمت اعتیاد (کدمصاحبه؛ ۲۶).

یکی از مهم ترین مسائل اجتماعی به ویژه برای زنان مطلقه و مددجویان که عضو بهزیستی هستند، انگ بهزیستی بودن و طرد اجتماعی آنهاست. این طرد ممکن است با دلسوزی همراه باشد. طرد، کنار گذاشتن از جریان عام زندگی اجتماعی است. دلایل متکثری برای طرد وجود دارد؛ اما همیشه با دیگری سازی از گروه های مورد طرد همراه است. افراد هرچند به صورت ناملموس به دو یا چند گروه اقلیت و اکثریت تقسیم شده، گروهی خود را متمایز، جدا و دارای حق و حقوق بیشتری می داند و گروهی به عنوان طرد شده از اکثریت قلمداد می شوند. این فرایند دوگانه متمایز کردن، خط کشی و مرزبندی است که به وسیله آن، خط بین ما/ آنها، به دیگری سازی ای می انجامد که ارتباط تنگانی با فرایندهای اجتماعی ای همچون: کلیشه سازی،

لکه‌دار کردن و طبقه‌بندی دارد و این دیگری‌سازی در وهله اول پیامدهایی در بُعد اجتماعی به همراه دارد که منجر به به‌حاشیه‌راندن و سرکوب آنها و یا محروم‌کردنشان از امکانات ساختاری، رفاهی و فضای مختلف می‌شود. این طردشدگی بسته به فرایند شکل‌گیری و چگونگی طرد، ابعاد و زوایای آن و همچنین شدت و درجه طرد، متفاوت است؛ البته تولید و بازتولید توسط هر دو طرف یعنی طردکنندگان و طردشدگان نیز باید مد نظر قرارگیرد؛ اما آنچه مهم و حائز اهمیتی دو چندان است، شرایط و ساختارهای دخیل در این فرایند است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

سازمان بهزیستی، به حس بد بهتون دست می‌دهد. مثلاً با یک خانواده‌ای وصلت کنی و بگی تحت پوشش بهزیستی یا کمیته امداد هستی یک حس خوبی به آدم دست نمی‌دهد. دامغان هنوز فرهنگش جا نیفتاده است. کسی که تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد است را خیلی در سطح پایین می‌بینند. به جوری می‌بیند که اگر مثلاً فلان چیزی بخری می‌گویند یعنی تحت پوشش بهزیستی هست و زندگیش را تأمین می‌کنند. در صورتی که اینطور نیست (کدام‌صاحبه؛ ۲).

۴.۴. آسیب‌های فرهنگی

یکی از مواردی که بارها درباره آن بحث شده، تعارض ارزش‌های سنتی بوده است. این امر با توجه به اینکه ارزش‌های سنتی فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی حاکم بوده است، اما به واسطه تغییرات و تحولات در دنیای کنونی این ارزش‌ها کم‌رنگ شده و آنها هم تغییر کرده‌اند. این تغییرات با افزایش ارتباطات، تکنولوژی، غالب‌شدن ارزش‌های غربی، مدگرایی و شکاف نسلی و تغییرات در سبک زندگی و ... اتفاق افتاده است. روایت مصاحبه‌شوندگان از این امر چنین است:

ما با یک تغییرات اساسی مواجه هستیم. به نظر من خیلی چیزا تاثیر داره از رسانه و فضای مجازی گرفته تا شیوه معیشت و تحصیلات و مدگرایی و تفاوت‌های بین نسلی و ... متأسفانه ما برنامه‌ای برای این وضعیت نداشته‌ایم و آسیب‌های زیادی خورده‌ایم. الان جوانان ما را نگاه کنید که چقد سردرگم هستند و هویت خودشون رو پیدا نمی‌کنند (مصاحبه ۲۲).

با توجه به غلبه فرهنگ غربی و رواج مصرف‌گرایی و مدگرایی، ارزش‌های فرهنگی دچار تغییر شده‌اند و دیگر از کارآیی برای هم‌گرایی و انسجام و هویت‌سازی برخوردار نیستند. لذا، این امر با توجه به تسلط فرهنگ غربی روزه‌روز در حال جا بازکردن در میان خانواده‌هاست. این امر با روش‌های مختلفی انجام می‌شود که رسانه نقش اساسی در این باره دارد.

از نظر گیدنز همه فرهنگ‌ها در امور روزمره انتخاب‌هایی را برای افراد قائلند. به عقیده او روشن است که هیچ فرهنگی انتخاب را به‌طورکلی از زندگی روزمره حذف نمی‌کند و همه سنت‌ها درحقیقت انتخاب‌هایی میان انبوهی از الگوهای رفتاری ممکن هستند. با این وصف، سنت یا عادات و رسوم جاافتاده، بر حسب تعریف، زندگی را در محدوده کانال‌هایی تقریباً از پیش تعیین‌شده به جریان می‌اندازند؛ اما تجدد، فرد را رودروی تنوع غامضی از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد و به دلیل آنکه دارای کیفیتی غیر شالوده‌ای است، چندان کمکی به فرد ارائه نمی‌دهد تا وی را در گزینش‌هایی که باید انجام دهد یاری کند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۹).

می‌توان گفت که نمود بارز کم‌رنگ شدن ارزش‌های سنتی (ملی و اسلامی) و همچنین شکاف نسلی زیاد ایجادشده را می‌توان هم‌راستا با تغییرات اساسی‌ای دانست که در جامعه ما حادث شده است. این تغییرات را می‌توان در مواجهه با فرهنگ غربی نشان داد. رسانه‌ها تأثیر زیادی بر ایجاد این فضا دارند. در کنار اینترنت، شبکه‌های ماهواره‌ای نیز قادرند ضمن شکل‌دهی به ادراک افراد از واقعیت‌های پیرامون خود با تأثیرگذاری بر افکار و روان مخاطبان، نوع دیدگاه، سلیقه و حتی توقعات مردم را تغییر دهند. این رسانه قدرتمند امروزه بیش از پیش جایگاه ویژه‌ای نزد خانواده‌های ایرانی پیدا کرده است. این مشکلات و آسیب‌های جدید در درون خانواده‌ها به‌عنوان آسیب پنهان شناخته می‌شود که مشاوران از شیوع آنها نگران هستند (هدایت و باسیتی، ۱۳۹۹: ۱۶۷).

در دهه‌های اخیر، کاربرد مفهوم سبک زندگی مطابق با تحولات فرهنگی و اجتماعی تغییر کرده است. تا پیش از جنگ جهانی دوم، مفهوم سبک زندگی چندان اهمیتی نداشت و اصولاً با این نام از آن یاد نمی‌شد. پس از جنگ جهانی دوم و با گسترش پایه‌های دولت رفاه و

به وجود آمدن امکان عملی تولید و مصرف انبوه کالاها، به‌ویژه کالاهای فرهنگی سبب شد که شیوه‌های زندگی تنوع بسیار بالایی بیابند. این امر سبب فاصله از فرهنگ بومی و گرایش به فرهنگ غربی نزد افراد جامعه شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

سبک زندگی غربی باعث شده که آسیب‌ها چند برابر مشکل‌دارتر دیده بشن بخاطر اینکه اون چیزی که با دین و باور و اعتقاد ما کاملاً متضاد هست ما الان شاهد تضاد این فکر و اعتقاد و باور توی جوان‌های ما با نوع سبکی که الان توی جامعه ما حاکمه، با جامعه ما فاصله گرفته فرهنگ غربی نقش خودشو خیلی خوب ایفا می‌کنه و این تضاد باعث شده مشکل جامعه ما خب چندین برابر شه، سبک زندگی غربی با اینکه مصرف‌گرا هستند و اعتقاد و باورهایشون اصلاً حالا از نظر انسان دوستانه و اسلامی با ما مطابقت نداره به نظرم آسیب‌زاست (کد مصاحبه؛ ۲۷).

۴.۵. آسیب‌های اقتصادی، فقر اقتصادی شدید

مصاحبه‌شوندگان [مددجویان] با برجسته کردن آسیب‌های اقتصادی، آن را مهم‌ترین دلیل برای آسیب‌های مربوط به سبک زندگی می‌دانند. آنها فقر و نبود شغل را ذیل مسئله اقتصادی، مهم‌ترین دغدغه خود دانسته و بر این امر تأکید دارند که تا مسئله معیشتی و اقتصادی آنها حل نشود، سبک زندگی آنها بدتر می‌شود و آسیب‌های ناشی از آن نیز روزبه‌روز بیشتر خواهد شد. یکی از مصاحبه‌شوندگان با بیان اینکه شغل مهم‌ترین راه ارتقاء جایگاه و سبک زندگی است، بر این آسیب و پیامدهای آن اشاره دارد:

مهمترین آسیب من در حال حاضر فاقد شغل بودن هست. اگر بتوانم یک شغلی داشته باشم به نظر خودم خیلی بهتر می‌توانم از این شرایطی که دارم دریابم. من چون مشکل جسمی حرکتی دارم وقتی خب توی خانه باشم و در محیط سربسته باشم و در اجتماع نباشم روزبه‌روز بدتر می‌شوم و بیشتر به خودم آسیب می‌رسد. اگر شغل داشته باشم و توی جامعه باشم، بیشتر فعالیت می‌کنم و از اعضای بدن بیشتر کمک می‌گیرم (کد مصاحبه؛ ۳).

تأثیر بسیار زیاد بی‌کاری و افزایش هزینه‌های خرید کالا مددجویان را با «فقر معیشتی»^۱ روبه‌رو کرده است. مصاحبه‌شوندگان بر نبود شغل و درآمد کافی و عدم کفاف مستمری بهزیستی تأکید دارند. یکی از مصاحبه‌شوندگان با توجه به تورم و افزایش هزینه‌های خرید کالا، به کمبود و ناچیزبودن مستمری دریافتی از نهاد بهزیستی چنین اشاره دارد:

به نظر من بهزیستی کاری نمی‌کند که آدم آسیب کم بشود بخواند مثلاً به عنوان حقوق ۵۰۰ هزار تومان واریز کند که آن ۵۰۰ هزار تومان هم اصلاً دردی از زندگی دوا نمی‌کند و حمایت دیگری هم حالا مثلاً اگر بخواند سالی یک سبد کالا که آن هم صرفاً اقتصادی است و روی آن حساب نمی‌شود باز کرد (کد مصاحبه؛ ۲).

فقر با بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی از جمله: بیماری‌های روحی و روانی، افزایش مرگ‌ومیر، شکست تحصیلی، انواع هنجارشکنی‌ها و قانون‌گریزی‌ها، خشونت، پرخاشگری، اعتیاد، جرم و مصرف دارو ارتباط دارد. وقتی جامعه‌شناسان و کارشناسان مسائل اجتماعی به بررسی علل و عوامل بروز آسیب‌های اجتماعی در جامعه می‌پردازند، در نهایت به فقر می‌رسند و آن را مادر آسیب‌ها می‌دانند. به‌طور کلی باید در نظر داشت که فقر با بسیاری مسائل و آسیب‌های اجتماعی از جمله: ضعف، تندرستی، افزایش مرگ‌ومیر، بیماری روانی، شکست تحصیلی، جرم و مصرف دارو ارتباط معناداری دارد. از این رو، شاید بتوان گفت که فقر به‌طور ذاتی یک مشکل و آسیب است؛ اما بدین معنا نیست که تمام افرادی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، افرادی نابسامان و مشکل‌ساز برای اجتماع هستند؛ به عبارت ساده‌تر فقر زمینه‌ساز بروز آسیب‌های اجتماعی است؛ اما خود به معنی آسیب اجتماعی نیست چرا که بسیاری از افراد فقیر در جامعه زندگی می‌کنند که نه تنها آسیبی برای جامعه نیستند، بلکه تأثیرات مثبتی در پیشبرد اهداف اجتماعی بر عهده دارند.

۱. این مفهوم مأخذ و تعبیری متفاوت از ایده‌های مجید رهنما (۱۳۸۵) است که در مطالعات خود نشان داده است. او از سه نوع فقر فقر خودخواسته، هم‌زیستانه و مدرن یا همان «بینوایی» نام می‌برد.

۶.۴. ضعف نهادی و عملکردی

کمبود حمایت‌های مالی و کاهش همکاری و هماهنگی نهادها از مهم‌ترین مقوله‌هایی هستند که از مصاحبه مددجویان و کارشناسان اخذ شدند دو مقوله کمبود حمایت مالی و عدم درک کارمندان از وضعیت معلولین، از مقوله کاهش همکاری نهادها استخراج شده‌اند و نشان از ضعف عملکردی نهادها درباره مددجویان دارند. مصاحبه‌شوندگان با توجه به خدمات ارزشمند بهزیستی در راستای تحقق اهداف و ارتقای زندگی آنها به نقد ضعف‌های آن و سایر نهادهای دیگر اشاره دارند.

مصاحبه‌شوندگان [کارشناسان]، به نقش کم و ضعیف بهزیستی درباره شغل معلولین، حمایت مؤثر از آنها در ارائه تسهیلات، توانمندسازی آنها و ... پرداختند و به برخورد و عدم درک کارکنان آن با معلولین اشاره کردند:

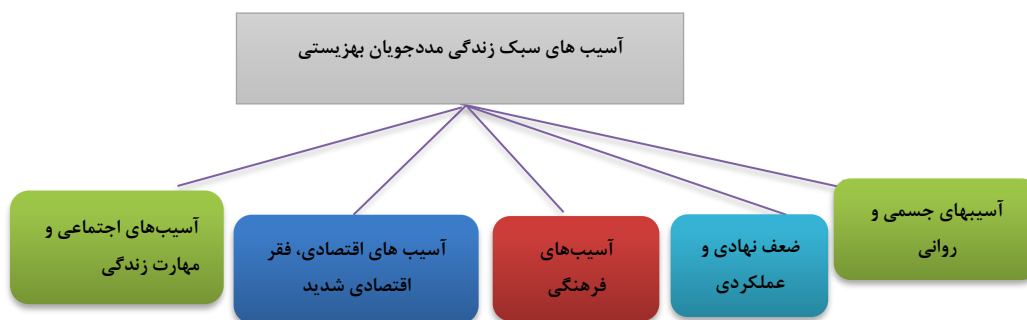
بهزیستی خیلی مؤثر نبوده، حتی می‌توانم بگویم درکی که افراد بیرون از بهزیستی از معلولیت دارند از کارکنان بهزیستی بیشتر است. افراد خارج از اداره بهزیستی بیشتر از کارمندان بهزیستی توانایی افراد معلول را قبول دارند. برخورد اداره‌جات دیگر با معلولان بهتر از کارمندان بهزیستی است. بهزیستی برخلاف شعاری که می‌ده اصلاً افراد معلول را توانمند نمی‌بیند (کدامصاحبه؛ ۲۱).

مصاحبه‌شوندگان [مددجویان]، از کمبود حمایت مالی و ارائه تسهیلات به آنها می‌گویند و با توجه به مراجعه‌های مکرر آنها به بهزیستی، بهزیستی در جواب از کمبود اعتبار و تخصیص بودجه می‌گوید. با وجود این، بیشتر مصاحبه‌شوندگان [مددجویان] از ناکافی بودن مستمری‌ها و تسهیلات از طرف سازمان ناراضی هستند و از عملکرد ضعیف آنها در این زمینه صحبت می‌کنند. بیشتر می‌گویند بودجه نیست چون بیشتر مالی است. حتی وقتی که نیاز به مشاوره داریم باز هم باید بودجه داشته باشند که حالا پرداخت کنند. مشاوران هم سخت نوبت می‌دهند (کدامصاحبه؛ ۲).

در عوض، بسیاری از کاشناسان، بر اقدامات مؤثر سازمان اشاره داشته و آنها را مثبت ارزیابی می‌کنند. با وجود مشکلات، کمبود بودجه و اعتبار، آنها از حمایت‌های مکرر و بی‌دریغ سازمان می‌گویند. کارشناسان اقدامات حمایتی و مالی، مشاوره، فرهنگ‌سازی، کمک‌های معیشتی و اقدامات تسهیل‌گری و آموزشی را مهم‌ترین اقداماتی می‌دانند که بهزیستی انجام داده است. در این باره یکی از کارشناسان می‌گوید:

بهزیستی تمام تلاش خودش رو برای بالابردن سطح مهارت‌ها و پیشگیری داره انجام می‌ده و حتی درمانش. ما تو هر سه تا حوزه پیشگیری، درمان، معیشتی و اقتصادی حمایتی داریم فعالیت می‌کنیم. تو حوزه پیشگیری طرح‌هایی داریم. پیشگیری از بیماری‌ها، پیشگیری از اعتیاد توی حوزه امور اجتماعیمون داریم از لحاظ اقتصادی به خانواده‌ها خیلی کمک می‌کنیم که خب اقتصاد تو خانواده باعث می‌شه که از لحاظ خورد و خوراک، پوشاک، تحصیل اینها خب سازمان تلاش زیادی داره می‌کنه، داره کمک می‌کنه خانواده‌ها رو (کدمصاحبه؛ ۲۵).

با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان مدل زیر را ارائه کرد:



شکل ۱. مدل حاصل از یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فارغ از خاستگاه روانشناختی، جامعه‌شناختی یا میان‌رشته‌ای مفهوم سبک زندگی، این پدیده مقوله‌ای اساساً سیال، لغزنده، غیر قطعی و تا حدودی وابسته به زمینه‌های فرهنگی است که در

اثر تحول در اندیشه و چرخش فرهنگی دنیای معاصر و اهمیت یافتن موضوعی به نام فرهنگ اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. عواملی همچون «طبقه و عوامل اقتصادی»، ارزش‌ها و تحول ارزشی و تحصیلات، بیشترین تأثیر را بر سبک زندگی دارند؛ اما عواملی دیگری نیز می‌توانند تعیین‌کننده آن باشند. با وجود این، این مفهوم با توجه به شرایط و وضعیت هر جامعه‌ای و هر گروه و طبقه‌ای متفاوت تفسیر می‌شود.

در پژوهش حاضر، به آسیب‌شناسی سبک زندگی مددجویان بهزیستی پرداخته شد. پرداختن به این مسئله با توجه به شرایط زندگی آنها می‌تواند به ارتقای زندگی و شناسایی آسیب‌ها و مشکلات آنها منجر شود. امری که پژوهش حاضر از طریق روایت مددجویان زن سرپرست خانوار و کارشناسان بهزیستی در پی تحلیل و ارائه راهکارهای آن بوده است. با توجه به یافته‌های پژوهش به آسیب‌های سبک زندگی در زمینه‌های جسمی و روانی، اجتماعی و مهارت زندگی، فرهنگی و ضعف نهادی عملکردی بهزیستی پرداخته شد. مصاحبه‌ها نشان داد که آسیب‌های جسمی زمینه بسیاری از مشکلات و آسیب‌ها را برای مددجویان ایجاد کرده است و در نتیجه، سبک زندگی آنها را تحت تأثیر قرار داده است. این امر همچنین در یک رابطه مستقیم با آسیب‌های روانی قرار داشته که زنان به دلایل تنهایی، طلاق و مشکلات معیشتی دچار آن شده‌اند. آسیب‌های اجتماعی ناشی از موقعیت و طبقه زندگی در میان مددجویان به عنوان یکی از آسیب‌هایی قلمداد می‌شود که بیشترین تأثیر را بر سبک زندگی آنها گذاشته است و به فراخور این موقعیت و طبقه اجتماعی، مهارت‌های زندگی ضعیفی را در مواجهه با آسیب‌ها دارند. این نتیجه هم‌راستا با نتایج پژوهش ربیعی و سدیدپور (۱۳۹۶) و یوسف‌نیا و حقیقتیان (۱۳۹۵) است که بر تأثیرات آسیب فرهنگی و اجتماعی بر سبک زندگی صحنه می‌گذارد. آسیب‌های فرهنگی از جمله فقر فرهنگی ناشی از ضعف تحصیلات و آموزش، نیز تأثیر زیادی بر سبک زندگی مددجویان گذاشته است؛ اما مهم‌ترین تأثیر، مربوط به فشار اقتصادی و ناتوانی مالی مددجویان در تأمین نیازهای خود است. مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین آسیب‌ها، از این امر ناشی شده است و کمک‌ها و حمایت‌های بهزیستی نیز در این مورد ناچیز بوده و نتوانسته مشکلات

آنها را رفع کند. ضعف عملکردی در ارائه تسهیلات و حمایت‌ها، عملکرد ضعیف کارکنان و کمبود آموزش نیز حاکی از این امر است.

امروزه توجه به سبک زندگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا با استفاده از این مفهوم می‌توان به مفاهیم و شاخص‌های دیگری از جمله کیفیت زندگی، میزان رضایت از زندگی، داشتن امکانات و رفاه، درک فرهنگ و تجربیات زیسته و ... پی برد. این امر مهم برای نهادهایی که متولی حمایت و کمک به مددجویان خود هستند، لازم به نظر می‌رسد. آنها می‌توانند از این طریق به شناخت از وضعیت معیشتی آنها دست یابند. همچنین، می‌توانند کمبودها و مشکلات آنها را بهتر حل کنند. در این جهت، پژوهش حاضر با توجه به یافته‌ها و دانش نظری و تجربی پژوهشگران و مطالعات در این زمینه راهکارهای عملی زیر را پیشنهاد می‌دهد:

— **افزایش مستمری:** یکی از مهم‌ترین مسائل و آسیب‌ها که سبک زندگی مددجویان را تحت تأثیر قرار داده است. مربوط به فشار اقتصادی و ناتوانی مالی آنها است. کمک‌ها و مستمری‌ها کفاف هزینه‌های درمان، معیشت و امورات زندگی آنها را نمی‌دهد. بنابراین، لازم است با توجه به تورم اقتصادی و ناتوانی مالی آنها در تامین مایحتاج، مستمری‌ها هم به‌صورت ماهانه باشد و افزایش یابد.

— **افزایش تسهیلات، توانمندسازی و ایجاد مشاغل:** افزایش توانمندسازی با ارائه کارگاه‌های آموزشی و مهارت‌افزایی، به‌ویژه برای کسانی که قابلیت بازپروری و بازتوانی دارند باید در اولویت قرار گیرد. استقلال مالی و اقتصادی از مهم‌ترین خواسته‌های مددجویان به‌ویژه زنان بود که اگر این امر متحقق شود، می‌توان شاهد بالارفتن سطح زندگی آنها شد و از افزایش آسیب‌های زندگی جلوگیری کرد.

— **ارائه مشاوره‌ها، کارگاه‌های آموزشی به‌صورت عمومی و تخصصی مداوم و مؤثر برای بالابردن مهارت‌های زندگی:** مصاحبه‌شوندگان [مددجویان] بر کمبود مشاوره‌های مداوم و مؤثر سازمان انتقاد می‌کردند و آن را نقطه ضعف می‌دانستند. با توجه به اینکه بسیاری از مسائل اجتماعی و فرهنگی با ارائه آموزش و مشاوره‌ها و کارگاه‌های عمومی و تخصصی مداوم و مؤثر

قابل حل یا کاهش است، ارائه آموزش‌های مداوم و مؤثر با توجه به زمان، مکان، تعداد شرکت‌کننده و نوع مشاوره، موضوعات مورد مشاوره و همچنین سن و جنس مددجویان با کارشناسان مجرب ارائه و اجرا شود.

— **بازنمایی مثبت سبک زندگی مددجویان در صدا و سیما:** بازنمایی مثبت سبک زندگی مددجویان در صدا و سیما یکی از دغدغه‌های مهم به‌ویژه زنان بود. آنها با توجه به انگ‌زنی اجتماعی در عضویتشان در بهزیستی، طرد اجتماعی و کاهش ارتباط با جامعه، این امر را بازنمایی منفی صدا و سیما در برنامه‌ها، سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی می‌دانند و معتقدند باید چهره‌ای مثبت از سبک زندگی مددجویان ارائه شود تا آنها تشویق شوند و وضعیت خود را تغییر دهند.

— **افزایش هماهنگی و هم‌کاری نهادها:** با توجه به گستردگی و حجم کار سازمان و همچنین فراگیربودن مشکلات و مسائل مددجویان، لازم است هماهنگی و هم‌کاری سازمان بهزیستی با سازمان‌های دیگر از جمله، آموزش و پرورش، صدا و سیما، بنیاد مسکن، کمیته امداد، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و... افزایش یابد. همچنین، برای کاهش هزینه‌ها، انتخاب رویه مناسب و بالابردن میزان مشارکت مددجویان و عدم تداخل اقدامات این هماهنگی و هم‌کاری باید صورت بگیرد.

— **افزایش و بالابردن عملکرد اداری و بالابردن درک کارکنان در مواجهه با معلولین:** یکی از مهم‌ترین مسائلی که بارها توسط مددجویان بیان شد، عدم درک کارکنان از وضعیت مددجویان به‌ویژه زنان مطلقه و معلولین است. آنها از برخوردهای کارکنان، دستورالعمل‌ها و بخش‌نامه، رفتارهای کارکنان و ... صحبت به میان می‌آورند که بدون بالابردن میزان آگاهی و فهم از وضعیت مددجویان قابل حل نیست. تخصیص کارکنان با توجه به سطح کاری و حرفه‌ای، تعهد اخلاقی و شخصیت‌شناسی آنها باید انجام شود. همچنین، ارائه آموزش و توصیه‌های مکرر در این حوزه لازم است.

کتابنامه

۱. احمدی، ی.، گنجی، م.، و محمدی، م. (۱۳۹۸). فراتحلیل مطالعات سبک زندگی در پژوهش‌های ایرانی، جامعه‌شناسی و مدیریت سبک زندگی، ۱۴(۱)، ۳۷-۱.

۲. بورديو، پ. (۱۳۹۰). *نظريه کنش: دلايل عملي و انتخاب عقلاني*، (م. مردی‌ها، مترجم) تهران: نقش و نگار.
۳. جوکار، غ.، حسینی، ف.، و جوکار، ب. (۱۳۹۶). نقش رسانه‌ها در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، همایش ملی علوم انسانی، تهران، <https://civilica.com/doc/653412>
۴. ربیعی، م.، سدیدپور، س. (۱۳۹۶). فراتحیل مطالعات مرز با تأکید بر سبک زندگی در کردستان، همایش ملی جامعه‌شناسی مرز: سیاست‌های توسعه و حیات اجتماعی مرزنشینان، سنندج.
۵. فاضلی، م. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. تهران: صبح صادق.
۶. فاضلی، م. (۱۳۸۶). *تصویری از سبک زندگی فرهنگی جامعه دانشجویی. تحقیقات فرهنگی*، ۱(۱)، ۱۷۵-۱۹۸.
۷. فلیک، ا. (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی* (ه. جلیلی، مترجم) تهران: نشر نی.
۸. گیدنز، آ. (۱۳۸۵). *تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید* (ن. موفقیان، مترجم) تهران: نشر نی.
۹. محمدپور، ا. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش*. تهران: جامعه‌شناسان.
۱۰. مهدوی کنی، م. (۱۳۸۶). *مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی. تحقیقات فرهنگی*، ۱(۱)، ۱۹۹-۲۳۰.
۱۱. هدایت، ع.، و باسیتی، ش. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر کاهش زیست‌پذیری اجتماعی-اقتصادی در روستاهای مرزی شهرستان بانه. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۱۰ (۳۷)، ۱۲۹-۱۵۲.
۱۲. یوسف‌نیا، م.، و حقیقتیان، م. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر سبک زندگی در نواحی روستایی ایران (مطالعه موردی: نواحی روستایی شهرستان‌های خواف و رشتخوار). *پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۵(۴)، ۴۸-۵۹.

13. Feldman, D. B., & Snyder, C. R. (2005). Hope and the meaningful life: Theoretical and empirical associations between goal-directed thinking and life meaning. *Journal of social and clinical psychology*, 24(3), 401-421.
14. Spellerberg, A., & Woll, T. (2014). Dwellings and generational change in owner communities. *Town Planning Review*, 8(3), 341-361.

15. Taylor, J. L., & Rew, L. (2011). A systematic review of the literature: workplace violence in the emergency department. *Journal of clinical nursing*, 20(7-8), 1072-1085.
16. Veal, A. J. (2001). Leisure, culture and lifestyle. *Loisir et société/Society and Leisure*, 24(2), 359-376.

The Effect of Quality of Life on Attitude Towards Qualifications of Graduates (Case study: Private Sector Employers in Mashhad)¹

Masoud Hajizadeh Meymandi²

Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Social science, University of Yazd, Yazd, Iran

Musa Afzalyan Salami

PhD Candidate in Economic Sociology and Development, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Yazd, Yazd, Iran

Received: 14 November 2023

Revised: 1 January 2024

Accepted: 2 January 2024

Abstract

In recent years, the expansion of universities and the ease of admission have prompted a surge in the number of graduates in most fields of study in Iran. Along with this quantitative growth of graduates, the skills and competencies of graduates have been raised as a key challenge. It appears that one of the common problems of the educational system in Iran is the low level of skills and practical knowledge of university graduates. The aim of the research is to explore the effect of the quality of life on the attitude towards graduates' competencies among the employers of Mashhad. In this applied research, a field survey method has been adopted. The statistical population of the research comprised the private sector employers in Mashhad, from whom a sample of 350 people was selected from a wide range of managers through judgmental sampling method using Cochran's formula. SPSS and Amos software were used for data analysis. According to the findings, the graduates' quality of life has a significant effect on the attitude towards competencies among university graduates in Mashhad. Accordingly, the model variables can explain 19% of variance in the graduates' attitude towards competences. The standard estimation of the structural equation model regarding the effect of graduates' quality of life on their attitude towards qualifications was estimated at 0.541. According to the findings, it can be concluded that by improving the quality of life, especially the quality of education at universities and paying greater attention to the practical and practical aspects of students' education, their professional and vocational skills could be enhanced. In addition, the relevant organizations, especially the alumni

1. This paper is extracted from a PhD dissertation submitted by Musa Afzalyan Salami to the Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Yazd.

2. Corresponding Author, Email: masoudhajizadehmeymandi@gmail.com



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Hajizadeh Meymandi, M. and Afzalyan Salami, M. (2024). The Effect of Quality of Life on Attitude Towards Qualifications of Graduates (Case study: Private Sector Employers in Mashhad). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 87-123. doi: 10.22067/social.2024.85345.1448

associations, need to build up the students' skill training and develop their expertise relative to the demands of the society after graduation.

Keywords: Quality of life, Qualifications of graduates, Job skills, Ethical-behavioral, Private sector employers

تأثیر کیفیت زندگی بر نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان (مورد پژوهش: کارفرمایان بخش خصوصی شهر مشهد)^۱

مسعود حاجی زاده میمندی (دانشیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران، نویسنده مسئول)

masoudhajizadehmeymandi@gmail.com

موسی افزلیان سلامی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران)

m.afzalyansalami@gmail.com

چکیده

در چند سال اخیر، گسترش دانشگاه‌ها و تسهیل ورود به آنها موجب افزایش دانش‌آموختگان در بیشتر رشته‌های تحصیلی در کشور شده است. همسو با افزایش کمی تعداد دانش‌آموختگان، بحث کیفیت و شایستگی آنها نیز به‌عنوان یک چالش مطرح می‌شود. به نظر می‌رسد یکی از مشکلات شایع نظام آموزشی در کشور ما، پایین بودن سطح مهارت‌ها و دانش عملی در بین دانش‌آموختگان دانشگاهی است. هدف پژوهش تعیین تأثیر کیفیت زندگی بر نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان در بین کارفرمایان شهر مشهد است. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش، کارفرمایان بخش خصوصی در شهر مشهد که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری قضاوتی و از طبقات مختلف مدیران انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و Amos استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده تأثیر معنادار کیفیت زندگی فارغ‌التحصیلان بر نگرش به شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شهر مشهد است. یافته‌ها نشان داد که متغیرهای وارد شده به مدل در مجموع ۱۹ درصد از واریانس نگرش به شایستگی فارغ‌التحصیلان را تبیین کردند. مقادیر برآورد استاندارد مدل معادله ساختاری کیفیت زندگی فارغ‌التحصیلان بر نگرش به شایستگی‌های تحصیل‌کردگان به مقدار ۰/۵۴۱ برآورد شد. با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که با ارتقای کیفیت

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری موسی افزلیان سلامی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد است.

زندگی و به خصوص کیفیت تحصیلی در دانشگاه‌ها و توجه بیشتر به جنبه‌های عملی و کاربردی آموزش‌های دانشجویان، صلاحیت‌های شغلی و حرفه آنان را می‌توان بالا برد. ضمن اینکه سازمان‌های متولی به‌ویژه کانون‌های فارغ‌التحصیلان بایستی پس از فارغ‌التحصیلی دانشجویان، همواره مهارت‌آموزی و افزایش تخصص و تسلط آنها را با توجه به نیاز روز جامعه افزایش دهند.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، شایستگی‌های دانش‌آموختگان، مهارت‌های شغلی، اخلاقی - رفتاری، کارفرمایان بخش خصوصی

۱. مقدمه

جهان مدرن در حال گذر از یک نقطه عطف بزرگ در تاریخ خود است. ما در عصر گسترش جهانی‌شدن و تقویت ارتباطات زندگی می‌کنیم؛ به این معنی که شیوه زندگی، گفتار و آگاهی ما را تغییر داده و نیازهای خاصی را می‌طلبد. سیستم آموزشی آینده به توانایی، درک، پذیرش مفاهیم جدید، انتخاب و یادگیری بستگی دارد. عصر جدید برای سازگاری نسل جوان با شرایط متغیر در طول زندگی جایگزین‌های سختگیرانه‌ای برای فرصت‌های جدید ایجاد کرده است (نگنگا، رابرتز، کامبوتو و جیمز^۱، ۲۰۲۰: ۸۰). در حال حاضر هدف آموزش در جهان، برآوردن نیازهای اقتصاد و الزامات جامعه مدرن است. در این زمینه، بیشترین شایستگی‌های رایج، توانایی افراد در آگاهی از اقتصاد جدید در حال ظهور، توانایی کسب دانش، استفاده کاربردی و عملی و کسب مهارت‌های تخصصی از آن است. چنین درک جدیدی از مفهوم آموزش، اصطلاحات «صلاحیت» و «شایستگی» را عملیاتی می‌کند (آلتنی، بیسنبایوا، دانا، المیرا، سالتانات^۲، ۲۰۱۳: ۷۱۱).

فعالیت‌های انجام‌شده در زمینه توسعه رویکرد نظام مبتنی بر شایستگی در حوزه منابع انسانی و تأثیری که این فعالیت‌ها بر کارکردهای مختلف مدیریت منابع انسانی در دهه‌های اخیر از خود بر جای گذاشته‌اند، باعث شده است که این امر یکی از اهداف و مقاصد راهبردی در حوزه مدیریت منابع انسانی سازمان‌ها به حساب آید و سازمان‌ها به تدریج بر ضرورت و اهمیت

1. Nganga, Roberts, Kambutu, & James.

2. Altynai, Bissenbayeva, Dana, Elmira & Saltanat.

شناسایی شایستگی‌های مورد نیاز منابع انسانی و تدوین هدفمند و سریع الگوهای شایستگی از خود توجه نشان دهند (رضایت، یمنی دوزی و کیامنش، ۱۳۹۰: ۵۲). در این میان، فهرست‌های متنوع و گسترده‌ای از شایستگی‌های دانش‌آموختگان، به‌ویژه شایستگی‌های شغلی مورد نیاز برای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در سطح جهانی منتشر شده است. مهم‌ترین این شایستگی‌ها عبارتند از: مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های تخصصی، دانش فنی مهارت‌های تحلیل، مدیریت اطلاعات، مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های تصمیم‌گیری، مهارت‌های تعامل اجتماعی و رهبری (پرپور، اندرسون، نومبز و هامفریس^۱ و همکاران، ۲۰۱۷: ۳).

از طرف دیگر، امروزه نیز چالش‌های پیش روی دانشگاه‌ها باعث پیدایش این انگیزه در ذی‌نفعان شده است که علاوه بر توجه به جنبه‌های فنی شایستگی‌های دانش‌آموختگان، به فکر توجه به موضوعات اخلاقی-رفتاری (از قبیل صداقت، اعتماد، دلسوزی و سایر موارد) در آموزش عالی باشند؛ زیرا حاکم‌شدن چنین شرایط و جوی در آموزش عالی باعث کاهش سودگرایی می‌شود (قموشی، پورکریمی و عزتی، ۱۳۹۸: ۳۲). به‌گونه‌ای که در سال (۲۰۰۹) نتایج گزارش یونسکو درباره شایستگی‌های آموزش عالی حاکی از آن بود، در حال حاضر چالش‌های مهم (اخلاقی-رفتاری، معنوی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی) در آموزش عالی مطرح شده است. از این رو، آموزش عالی باید شایستگی‌های جامعی را برای جامعه امروز به ارمغان آورد. همچنین، آموزش عالی با استفاده از شایستگی‌ها باید به تربیت دانش‌آموختگان مجهز به اصول اخلاقی اقدام کند (الایتا^۲، ۲۰۱۷: ۳۱۴).

درباره شایستگی‌های دانش‌آموختگان، تغییری که نقشی اساسی در ارتقای شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان و دانشجویان ایفا می‌کند، کیفیت زندگی است. کیفیت زندگی، عرصه‌های مختلف زندگی همچون وضعیت مالی، کار، عشق، مذهب و همچنین سلامت جسمی، روانی و اجتماعی را در بر دارد و نیز در حفظ اعتماد به نفس و حس سالم‌بودن و نیز تجربه یک زندگی دلپذیر

1. Pryor, Anderson, Toombs & Humphreys.

2. Olaeta

دارای اهمیت است (لهتو، اوجنان و کالوکامپیو^۱، ۲۰۱۵: ۸۰۸). همچنین، کیفیت زندگی مطلوب باعث رضایت از زندگی می‌شود که شامل: سلامتی خوب، مسکن مناسب، اشتغال، امنیت شخصی و خانوادگی، آموزش و اوقات فراغت است (ترکوم، کزیتاس و بیک و یمینیجی^۲، ۲۰۱۵: ۱۲۴). بنابراین، طرح مفهوم کیفیت زندگی به عنوان متغیری مهم و تأثیرگذار در نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان دانشگاهی است. دانش‌آموختگان به عنوان برون‌داد سیستم دانشگاهی دارای اهمیت زیادی هستند و سنجش میزان شایستگی دانش‌آموختگان می‌تواند راه‌گشای بسیاری از موانع و مشکلات پیش روی دانشگاه‌ها باشد.

بررسی نمایه‌های جهانی نشان می‌دهد که ایران در میان ۱۴۵ کشور جهان از نظر جذب دانش، اشاعه دانش، خلاقیت و نوآوری و اخلاقی به ترتیب رتبه‌های ۱۲۵، ۱۳۸، ۱۲۷ و ۱۲۰ را دارد (کاوناق، بارستون، سافکامب و بارترام^۳، ۲۰۱۹: ۲۷۹). این مسائل باعث شده است بهره‌وری نیروی کار در سطح نازل باقی بماند. بررسی نماگرهای بین‌المللی نشان می‌دهد که ایران از نظر بهره‌وری نیروی کار در میان ۱۴۸ کشور جهان رتبه ۱۳۰ را دارد (دبلیو ای پی او و انسید^۴، ۲۰۱۸).

با توجه به وضعیت نامناسب ایران در رتبه‌بندی بهره‌وری نیروی کار انجام پژوهش‌هایی برای عرضه‌یابی در این زمینه اساسی به نظر می‌رسد؛ به‌خصوص آنکه نقش دانش‌آموختگان دانشگاهی و آموزش عالی در کیفیت بهره‌وری نیروی کار مورد توجه است. همچنین، نقش کیفیت زندگی چه در سطح خانواده و یا سطح دانشگاه برای ارتقاء شایستگی‌های دانش‌آموختگان ضروری است. از این رو، در شایستگی و موفقیت دانش‌آموختگان دانشگاهی، کیفیت زندگی نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند که موفقیت یا شکست در اعمال تحصیلی و شغلی می‌تواند ناشی از کارکردهای سالم یا ناسالم کیفیت زندگی باشد.

1. Lehto, Ojanen, & Kellokumpu-lehtinen.
2. Türküm, Kiziltas, Biyik & Yemenici.
3. Cavanagh, Burston, Southcombe & Bartram.
4. WIPO & Cornell University and INSEAD

در یک نگاه کلی می‌توان گفت، مسئله شایستگی تحصیل‌کردگان دانشگاهی تا حد بسیار زیادی ریشه در کمیت و خصوصاً کیفیت زندگی دارد. با توجه به مطالب ذکر شده و با هدف بررسی نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان دانشگاه‌های شهر مشهد از دیدگاه کارفرمایان بخش خصوصی این سؤال مطرح می‌شود که تحصیل‌کردگان دانشگاهی تا چه حد در مهارت‌های عمومی، دانش شغلی، مهارت‌های شغلی و اخلاقی و رفتاری شایستگی دارند؟ و تأثیر کیفیت زندگی بر شایستگی‌های دانش‌آموختگان دانشگاهی به چه میزان است؟

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. چهارچوب مفهومی

۲.۱.۱. مفهوم و تعریف شایستگی

شایستگی به سطح دقت داشتن در انجام کارها، تعهد، دانش، بینش، مهارت، قدرت درک سریع مسائل و تندآموزی شخص اطلاق می‌شود که به او جلوه برجسته داده و منجر به عملکرد شغلی بهتری می‌شود. شایستگی و توانمندی، از ویژگی‌های زیربنایی اشخاص است که با عملکرد برتر در یک شغل، رابطه مستقیم دارد. شایستگی شغلی به دو دسته طبقه‌بندی می‌شود: (۱) شایستگی‌های پایه‌ای مطابق مهارت‌های ضروری برای سطح حداقل استاندارد عملکرد در پیشبرد کارها یا انجام وظایف مشخص است. (۲) شایستگی‌های تکمیلی که شخص می‌تواند نتایج بالاتر از میانگین و عملکرد بهتری از خود نشان دهد (طاهری، حمیدی زاده، یزدان پناه و کاوش، ۱۴۰۱: ۲۳۸).

شایستگی به‌طور خاص با حرفه‌آموزی مرتبط است. این موضوع با حوزه دانش فنی جدید با اعمال مسئولیت یا نقش مرتبط است. توانایی آموختن سریع درباره مفاهیم و فناوری، خلاقیت، دیدگاه گسترده جهانی، توانایی نوآوری، توانایی برقراری ارتباط، توانایی گسترش روابط فردی، توانایی کارکردن در یک تیم، خودکنترلی عواطف، توانایی هدایت به موقعیت‌های جدید و غیر معمول، توانایی گذر از عدم اطمینان و ابهام، ابتکار عمل و تصمیم‌گیری، توانایی التزام خود به

اهداف سازمانی، توانایی ایجاد نتایج مؤثر، توانایی های کارآفرینی، اینها شایستگی هایی هستند که بیشتر بر روی فرد و نقش فرد متمرکز است (خورشیدی و فرخی، ۱۳۹۱: ۱۳۴).

شایستگی ادغام کارکردهای چندگانه و هماهنگی قابلیت هاست؛ برای مثال یک شایستگی در توسعه محصول جدید در یک بخش از شرکت ممکن است نتیجه ادغام قابلیت های سیستم مدیریت اطلاعات، قابلیت بازاریابی، قابلیت تحقیق و توسعه، قابلیت تولید در داخل آن بخش باشد (هانگر و ویلن^۱، ۱۳۹۱: ۳۶). ایجاد و توسعه شایستگی ها و مهارت ها در رابطه با آموزش های رسمی و غیر رسمی و حرفه آموزی همواره مطرح است. اغلب شایستگی را با مهارت اشتباه می گیرند و آن را تقابل رقابت و همکاری می دانند. یعنی موضوع شایستگی ها مورد مناقشه است و عمدتاً دیدگاه ها و نظرات متناقضی در این موضوع وجود دارد. شایستگی در یک موضوع، نیازمند به رسمیت شناسی توسط فرد دیگری است؛ به همین دلیل شایستگی نسبی است. برای اینکه فردی شایسته باشد، نیاز دارد که توسط فرد دیگری به رسمیت شناخته شود و سطح شایستگی او را اعتبار دهد یا گواهی نماید. مهارت ها فقط بیانی از شایستگی هستند (گادوتی^۲، ۲۰۰۹: ۲۰).

شایستگی های دانش آموختگان از آن جهت اهمیت دارند که بتوانند قابلیت های زیر را در فرد ایجاد کنند: (۱) توان بهره گیری از دانش (۲) شخصیت رشد یافته (۳) قدرت تعامل شخصیت با ساختار (۴) قدرت فراتر رفتن از شرایط انضمامی (۵) توانایی ایفای نقش های اجتماعی گوناگون (جانعلی زاده، خاکزاد و مرادی، ۱۳۹۲: ۷۸). جوهره اصلی این شایستگی دانش آموختگان، ایجاد همین پنج خصیصه است. اینها عواملی در سطح خردند؛ به تعبیری، فرد است که خود را به مثابه کنشگر به این قابلیت ها مجهز می کند؛ لیکن درنهایت، تعامل میان کنشگر و ساختار یا به بیان دیگر مقابله توان شخص با محدودیت های ساختاری است که تعیین کننده میزان اشتغال است (بابکوک و استریکلند^۳، ۲۰۱۹: ۳۱۶).

1. Hunger & Wheelen

2. Gadotti

3. Babcock Roberson, & Strickland.

با این اوصاف، تحقیق درباره نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان ابعاد متفاوتی می‌یابد. در درجه اول باید دید که این شایستگی‌ها تا چه میزان در دانش‌آموختگان نظام آموزش عالی موجود است. در مرتبه دوم می‌توان بر مبنای نتایج به دست آمده به تحلیل صورت و محتوای شایستگی تحصیل‌کردگان دانشگاهی پرداخت و بررسی کرد. درنهایت، باید گفت بحث شایستگی‌های دانش‌آموختگان افق‌های گسترده‌ای پیش روی پژوهش در آموزش عالی و مبحث اشتغال می‌گشاید. بررسی همه این افق‌ها نیازمند تحقیقات گسترده‌تر است. در تحقیق حاضر، صرفاً بررسی نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموخته‌های دانشگاهی از دیدگاه ذی‌نفعان بیرونی (خانواده‌ها در شهر مشهد) مد نظر بوده است؛ به عبارتی تنها یک گام برداشته می‌شود. هدف این است که بدانیم این شایستگی‌ها تا چه حد در دانش‌آموختگان آموزش عالی موجودند.

۲.۱.۲. کیفیت زندگی

از نظر واژه به معنی چگونگی زندگی است و دربرگیرنده تفاوت‌های آن است که برای هر فرد منحصر به فرد بوده و با دیگران متفاوت است. شوماخر کیفیت زندگی را در این امر می‌داند که افراد از زندگیشان رضایت داشته باشند؛ به عبارت دیگر، کیفیت زندگی معادل احساس رضایت کلی یعنی از زندگی خودشان ارزیابی مثبتی داشته باشند. در دوران جدید کسانی چون کییر کگارد^۱، ژان پل سارتر^۲، مازلو و دیگران در بحث درباره حالت‌های درونی اشخاص به آن توجه کرده‌اند (ودایع و رضایی، ۱۳۹۵: ۲۳۳).

کیفیت زندگی مفهومی چندبعدی است که دربرگیرنده ابعادی چون سلامت بدنی، سلامت روانی، شرایط اقتصادی، باورهای شخصی و تعامل با محیط است. کیفیت زندگی مفهومی است که وضعیت زندگی بشری را تعریف می‌کند. با توجه به اینکه این وضعیت با چند عامل و ویژگی قابل انعکاس است، معمولاً کیفیت زندگی مترادف با رفاه، امکانات، رضایت زندگی، شکوفایی،

1. Kierkegaard

2. Sartre

تحقق نیازها، قدرت زندگی، توسعه قابلیت‌ها، فقر، فقر انسانی، استانداردهای زندگی و توسعه به کار می‌رود (روندون گارسیا، و رامیرز ناوارو، ۱، ۲۰۱۸: ۳).

علی‌رغم تمامی اختلاف نظرهایی که در باب مفهوم کیفیت زندگی وجود دارد، اکثر محققان به وجود یک سری اصول و ویژگی‌ها اعتقاد دارند که وجود همین ویژگی‌ها سبب شده است که با تعاریف گوناگون در باب کیفیت زندگی مواجه باشیم: ۱- بعد جسمی: به دریافت فرد از توانایی‌هایش در انجام فعالیت‌های روزانه که نیاز به صرف انرژی دارد اشاره می‌کند و می‌تواند شامل مقیاس‌هایی همچون تحرک، توان، انرژی درد و ناراحتی، خواب و استراحت و ظرفیت توان کاری باشد. ۲- بعد روانی: جنبه‌های روحی مانند افسردگی، ترس، عصبانیت، خوشحالی و آرامش تصویر از خود. ۳- بعد اجتماعی: به توانایی فردی ارتباط با اعضای خانواده، همسایگان، همکاران و سایر گروه‌های اجتماعی و نیز وضعیت شغلی و شرایط اقتصادی مربوط می‌شود (مهدی، ۱۳۹۴: ۸). ۴- بعد معنایی: درک فرد از زندگی و هدف و معنای زندگی را دربرمی‌گیرد. ۵- بعد علایم مربوط به بیماری یا تغییرات مربوط به درمان مواردی مانند درد و تهوع و استفراغ را شامل می‌شود.

۲. ۱. ۳. کیفیت زندگی و نگرش به شایستگی دانش‌آموختگان دانشگاهی

یکی از نظریه‌های مهمی که درباره ارتباط کیفیت زندگی و نگرش به شایستگی فارغ‌التحصیلان می‌توان به آن توجه کرد، نظریه عاملیت و ساختار گیدنز است. هدف گیدنز از مبحث عاملیت و ساختار، پیوند دادن ایده کنش انسانی با تبیین ساختاری در تحلیل اجتماعی است. در فلسفه‌های اجتماعی، کنش و ساختار واژه‌های متضادی قلمداد می‌شوند که گیدنز سعی کرده است آنها را به هم ربط داده و نظریه متعادل نوینی ارائه دهد. از نظر گیدنز نمی‌توان ادعا کرد که ساختار، کنش را تعیین می‌کند یا بالعکس (گیدنز، ۱۳۸۴: ۶۷).

رویکرد عاملیتی، برای عاملیت تحصیل‌کردگان دانشگاهی نقش محوری قائل بوده و معتقد است که از یک طرف، کیفیت زندگی بیشتر ناظر بر ذهنیات، قابلیت‌ها و توانمندی‌های

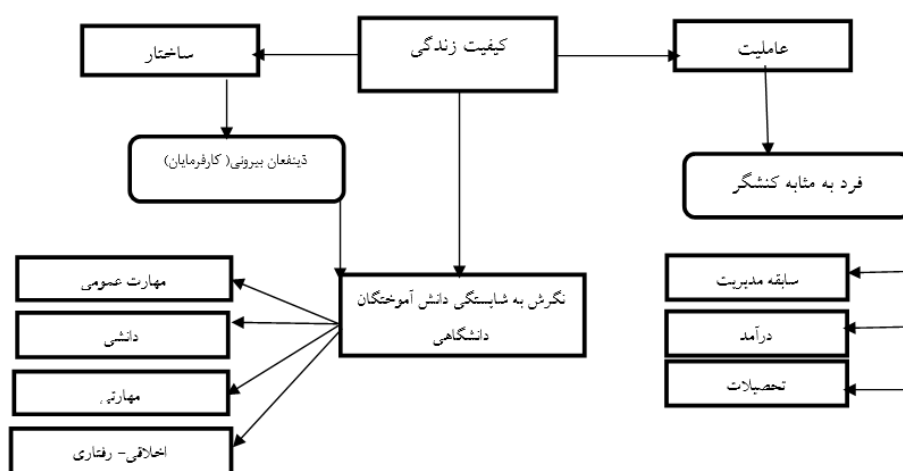
دانش‌آموختگان و از طرف دیگر حمایت‌های اجتماعی از لحاظ فراهم آوردن امکانات و شرایط برای شکوفایی قابلیت‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموختگان است. در رویکرد عاملیت انسانی، رویکردهای نیازمحور در حوزه مطالعات کیفیت زندگی بسیار رایج است. نظریه نیازهای انسانی (فارغ‌التحصیلان) برای مطالعه کیفیت زندگی فارغ‌التحصیلان جامعیت و تناسب بیشتری دارد. نظریه نیازهای انسانی، سطح بالاتری از تأمین نیازهای انسانی است.

از دیدگاه بوردیو، افرادی که در طبقه‌ای گروه‌بندی شده‌اند که از جهت خاصی بر ساخته شده است، علاوه بر ویژگی‌های اصلیشان که به کمک آنها طبقه‌بندی شده‌اند، ویژگی‌های ثانویه‌ای را نیز با خود حمل و پنهانی وارد مدل تبیینی ما می‌کنند. مقصود این است که یک طبقه یا پاره طبقه نه فقط بر اساس موقعیت خود در روابط تولید تعریف می‌شود، که با شاخص‌هایی همچون شغل، درآمد یا حتی سطح تحصیل مشخص می‌شود، بلکه بر اساس نسبت جنسی یا توزیع معینی در مکان جغرافیایی و همچنین بر اساس کل مجموعه ویژگی‌های فرعی و ثانویه‌ای نیز تعریف می‌شود که در قالب مقتضیات ضمنی ممکن است به عنوان اصول واقعی انتخاب یا طرد عمل کنند بی آنکه هرگز صریحاً یا ضمناً به زبان آیند (ماکرای و بودنهاوسن، ۲۰۰۱: ۱۱۴).

در واقع، آنچه در هر حوزه معینی نقش تعیین‌کننده دارد، هیئت یا منظومه خاص مجموعه خصوصیات است که در بر ساختن یک طبقه به کار رفته‌اند و به کمک کل مجموعه عواملی که در همه حوزه‌های عمل درکارند -حجم و ساختار سرمایه که به صورت هم‌زمان و در زمان تعریف می‌شود، جنس، سن، وضع تأهل، محل سکونت و از این قبیل- به شیوه‌ای کاملاً نظری تعریف می‌شود. منطق خاص هر میدان و آنچه موضوع نزاع و کشمکش است و نوع سرمایه لازم برای شرکت در این مسابقه خصوصیتی را تعیین می‌کند که رابطه میان طبقه و عمل از طریق آنها برقرار می‌شود (بوردیو، ۱۳۹۱: ۱۷۸).

با توجه به آنچه تا کنون بیان شد، می‌توان دریافت که با توجه به تغییراتی که در محیط پیرامونی دانشگاه و به‌ویژه در سازمان‌های اقتصادی و بازار کار ایجاد شده است، باید علاوه بر کارکرد سنتی دانشگاه‌ها در انتقال دانش، مهارت‌هایی به دانشجویان آموخته شود تا به وسیله آنها بتوانند بر چالش‌های ناشی از تغییرات محیطی پیرامونی غلبه کنند؛ زیرا امروزه سازمان‌ها و

بنگاه‌های اقتصادی به جای سرمایه‌گذاری و آموزش کارکنان خود، که به زمان و هزینه زیادی نیاز دارد، سعی می‌کنند کمبود شایستگی‌های شغلی را با استخدام و جایگزینی دانش‌آموختگان شایسته دانشگاهی جبران کنند. به همین دلیل است که بسیاری از دانش‌آموختگان در نتیجه عدم برخورداری از شایستگی‌های شغلی با بی‌کاری و ازدست‌دادن فرصت‌های شغلی مواجه هستند. این در حالی است که نتایج تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که وضعیت برخورداری دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی کشور از شایستگی‌های مرتبط با انواع مشاغل مناسب نیست و اغلب یکی از عوامل بی‌کاری جوانان تحصیلکرده نیز، بی‌بهره‌بودن آنها از شایستگی‌های شغلی گزارش شده است. همسو با نقش دانشگاه در شایستگی‌های دانشجویان و دانش‌آموختگان، بحث کیفیت زندگی خانواده نیز مطرح می‌شود. به خصوص آنکه باید به کیفیت زندگی به عنوان پیش‌نیاز موفقیت تحصیل‌کردگان دانشگاهی در عرصه تحصیلی و شغلی نگاه کرد.



شکل ۱. الگوی تحلیلی پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش، پیشینه تحقیق و مدل مفهومی ارائه‌شده، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر مطرح می‌شود:

- ۱- بین کیفیت زندگی فارغ‌التحصیلان و نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان از دیدگاه کارفرمایان بخش خصوصی رابطه معناداری وجود دارد.
- ۲- بین درآمد کارفرمایان و نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان از دیدگاه کارفرمایان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین سابقه مدیریت کارفرمایان و نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان از دیدگاه کارفرمایان رابطه معناداری وجود دارد.
- ۴- بین نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان به تفکیک تحصیلات از دیدگاه کارفرمایان بخش خصوصی تفاوت معناداری وجود دارد

۲.۲. پیشینه پژوهش

بررسی مطالعات انجام‌شده میان سایت‌های مختلف علمی نشان می‌دهد که پژوهش‌های متعددی در زمینه نگرش به شایستگی فارغ‌التحصیلان انجام شده و هرکدام از پژوهشگران با رویکردهای مختلف عوامل مؤثر بر نگرش به شایستگی فارغ‌التحصیلان را بررسی کرده‌اند؛ اما جست‌وجوهای پژوهشگران نشان داد پژوهشی که به بررسی رابطه کیفیت زندگی با نگرش به شایستگی فارغ‌التحصیلان باشد ملاحظه نشد. با توجه به اینکه کیفیت زندگی هم در بعد ذهنی و هم عینی متغیری مهم در نگرش به شایستگی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از دیدگاه افراد سرپرست خانوار و کارفرمایان بخش خصوصی است، پژوهش حاضر می‌تواند طرح موضوعی از رویکردی متفاوت در نگاه به این پدیده اجتماعی باشد.

جدول ۱. خلاصه پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون نگرش به شایستگی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

نام نویسنده و سال انجام پژوهش	موضوع	روش	یافته‌های پژوهش
کریمی و همکاران (۱۴۰۱)	ارایه مدل شایستگی اختصاصی استادان دانشگاه	تحلیل محتوای استقرایی	نتایج پژوهش ضمن تاکید بر توسعه آموزش‌های مهارتی فردی، بیشتر شایستگی‌های حوزه مهارت‌های فکری، اندیشه و توانمندی‌های ذهنی را در اولویت قرار می‌دهد.

نام نویسنده و سال انجام پژوهش	موضوع	روش	یافته‌های پژوهش
طاهری و همکاران (۱۴۰۱)	الگوی برندسازی شخصی مبتنی بر شایستگی‌های فردی و اشتغال فارغ‌التحصیلان	گراندد تئوری	نتایج نشان داد که شایستگی‌های فردی با ابعاد ویژگی‌های شخصیتی و تطبیق با شرایط و همچنین کیفیت اشتغال با ویژگی‌های شغل، خانواده، میزان تحصیلات، پاداش و درآمد، بر برندسازی شخصی با ابعاد ویژگی‌های فرهنگی، نوع زندگی و مهارت، تأثیر بارز داشته و افراد با تمرکز بر توسعه شایستگی‌های فردی و تلاش‌گری در صداقت شغلی، برند خود را در مسیر ترقی حرفه‌ای با هدف افزایش اعتبار در جامعه کاری، افزایش شهرت، افزایش درآمد و شأن و منزلت اجتماعی، ارتقا می‌بخشند.
رضوی و همکاران (۱۳۹۹)	شناسایی و ارزیابی شایستگی‌های کانونی شغلی دانشجویان و دانش - آموختگان تربیت - بدنی و علوم ورزشی	سندی- تحلیلی و پیمایشی	نشان داد هفت شایستگی کانونی شغلی شامل شایستگی‌های (انتخاب شغل، دستیابی به شغل، حفظ شغل، تحصیلی، توسعه فردی، اخلاقی و رفتاری) برای دانشجویان و دانش‌آموختگان شناسایی گردید. در بخش دوم نتایج نشان داد وضعیت شایستگی‌های کانونی شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان کشور به طور معناداری در وضعیت پایین‌تر از حد مطلوب قرار داشته است.
فرزانه و همکاران (۱۳۹۷)	بررسی شایستگی‌های پایه در بین دانش آموختگان در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران از نظر خانواده‌های شهر تهران	روش ترکیبی (کیفی- کمی)	نشان داد که وضعیت مهارت زبان انگلیسی در حد کمتر از میانگین و شایستگی‌های اخلاق حرفه‌ای، نگرشی، ویژگی‌های روان‌شناختی و روابط انسانی بالاتر از میانگین بودند. نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان داد که در بین دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران تفاوت معناداری از نظر وضعیت شایستگی‌های پایه وجود نداشت.
زارع‌شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷)	نقش عوامل خانوادگی در میزان شایستگی فارغ- التحصیلان	کمی (پیمایشی)	نقش عوامل خانوادگی در خانواده شامل: همگامی، همفکری، هم بختی، همدلی و همچنین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده شامل: تحصیلات والدین، شغل پدر، درآمد و وضعیت مالکیت مسکن

نام نویسنده و سال انجام پژوهش	موضوع	روش	یافته‌های پژوهش
	دانشگاهی از نظر خانواده‌های یزدی		خانواده، در میزان شایستگی دانش آموختگان تأیید شد.
چنج و یاماشیتا ^۱ (۲۰۲۳)	انتظارات کارفرمایان از فارغ التحصیلان دانشگاه انتقال به محل کار	نظر سنجی آنلاین و مصاحبه گروه متمرکز	یافته‌ها نشان می‌دهد که کارفرمایان علاوه بر مهارت‌های نرم، ویژگی‌ها و کیفیت‌های شخصی را نیز در زمان استخدام به همان اندازه مهم می‌دانند.
پاراجولی ^۲ و همکاران (۲۰۲۰)	بهبود عملکرد دانش آموختگان دانشگاهی در ویتنام	گزارش توصیفی بانک جهانی	فرهنگ اشتغال‌زایی باید اصلی‌ترین نتیجه عملکرد آموزش عالی باشد.
اریکو ^۳ و همکاران (۲۰۲۰)	مدلی از رضایت و وفاداری فارغ التحصیلان در آموزش عالی گردشگری: نقش اشتغال‌پذیری	تحلیلی و پیمایشی	نتایج نشان داد که وجود قابلیت اشتغال‌نقشی اساسی در شکل‌گیری انگیزه در دانش آموختگان آموزش عالی دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که خلق تجارب یادگیری در محیط واقعی کار سهم شایان توجهی در شکل‌گیری قابلیت اشتغال دانش آموختگان دارد. یادگیری در حین کار بیشترین سهم را در توسعه مهارت‌های قابلیت اشتغال دانش آموختگان دارد.
ساکي و کانووی ^۴ (۲۰۲۰)	مهارت‌های نرم برای افزایش قابلیت اشتغال فارغ‌التحصیلان: مقایسه ادراکات دانشجویان و کارفرمایان	نظر سنجی و مصاحبه گروه متمرکز (ترکیبی)	نتایج نشان داد شان داد که شرکت‌ها و مؤسسات آموزش عالی نخست باید برای افزایش آگاهی دانش آموختگان از مهارت‌های نرم بهره ببرند و در ادامه برای راهنمایی دانش آموختگان در مسئولیت‌پذیری فردی برای حضور فعال در صنعت به صورت مداوم با یکدیگر همکاری کنند.
کاواناق ^۵ و همکاران (۲۰۱۹)	کمک به درک فارغ التحصیل محور از	کیفی (مصاحبه)	نشان داد که مهارت‌های آمادگی برای شغل در قالب برنامه‌های توسعه قابلیت اشتغال از طریق

1. Cheang & Yamashita
2. Parajuli et al
3. Eurico et al.
4. Succi & Canovi
5. Cavanagh et al

نام نویسنده و سال انجام پژوهش	موضوع	روش	یافته‌های پژوهش
	آمادگی کار: یک مطالعه اکتشافی در مورد ادراکات دانشجویان مقطع کارشناسی استرالیا از قابلیت اشتغال آنها		افزایش توسعه مهارت‌های مرتبط، قادر است سبب هدایت یادگیری فعال دانش‌آموختگان شود. دولت‌ها، کارفرمایان و سیاست‌گذاران با توجه به سطح مهارت و شایستگی‌ای که دانش‌آموختگان در آموزش عالی کسب می‌کنند و با در نظر گرفتن استانداردهای خاص اقدام به استخدام دانش‌آموختگان می‌کنند. از جمله راه‌های ایجاد انگیزه در دانش‌آموختگان کارآموزی در محیط دانشگاه جهت کسب تجربه آمادگی کار و استخدام دانش‌آموختگان است.
براون ^۱ و همکاران (۲۰۱۶)	نقشه برداری روابط خارجی و شایستگی‌های بهداشت عمومی جهانی: به سمت یک مدل شایستگی برای دیپلماسی بهداشت جهانی	مقایسه و مدل‌سازی	نشان داد که هفت شایستگی از دیدگاه مدیران معرفی شدند که عبارت بودند از: مهارت‌های رهبری، مهارت‌های مدیریتی، مهارت‌های بین فردی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های تسلط بر زبان خارجه، مهارت‌های فکری و دانش اساسی است.

جمع‌بندی حاصل از پژوهش‌های انجام‌شده را می‌توان در دو بخش روش‌شناسی و نظری ارائه کرد. به لحاظ روش‌شناسی، پژوهش‌های داخلی عمدتاً با روش‌های توصیفی، کمی، کیفی و ترکیبی انجام شده است؛ اما پژوهش‌های خارجی با تأکید بیشتر بر مقایسه، تحلیل و مدل‌سازی انجام شده است. تأکید پژوهش‌های خارجی عمدتاً بر مهارت‌های فردی و اجتماعی، یادگیری فعال، فرهنگ اشتغال‌زایی و ویژگی‌های شخصیتی است؛ درحالی‌که پژوهش‌های داخلی عمدتاً بر نقش عوامل خانوادگی، شایستگی‌های شغلی و فردی و توانمندی‌های ذهنی تأکید دارند.

1. Brown, et al.

پژوهش حاضر که به منظور تأثیر کیفیت زندگی و نگرش به شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی انجام شده است، اولاً تلاش داشته که با رویکرد جامعه‌شناختی به این مقوله بپردازد و بدین ترتیب فتح بابی در بررسی رابطه متغیرهای جامعه‌شناختی (مانند کیفیت زندگی) با موضوع نگرش به شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، انجام داده است و ثانیاً این پژوهش با توجه به وضعیت خیل عظیم دانش‌آموختگان و بحث اشتغال آنان، به دیدگاه کارفرمایان بخش خصوصی به عنوان یکی از مهم‌ترین متقاضیان پذیرش مهارت‌های دانش‌آموختگان در صنعت و بازار توجه می‌کند. بنابراین، از این لحاظ پژوهش حاضر، دارای نوآوری و ارزش است.

۳. روش پژوهش

بررسی پدیده‌های اجتماعی در علوم اجتماعی با روش‌های مختلفی انجام می‌شود. موضوع پژوهش حاضر «تأثیر کیفیت زندگی بر نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان از دیدگاه کارفرمایان بخش خصوصی» است. با توجه به اینکه مطالعه حاضر توصیفی و تبیینی است، از روش کمی مبتنی بر فن پیمایش استفاده شد. جامعه آماری پژوهش را کارفرمایان بخش خصوصی در سه بخش عمده (کشاورزی، صنعت و خدمات) در شهر مشهد تشکیل می‌دهد که از بین آنها ۳۵۰ نفر از کارفرمایان و مدیران با روش نمونه‌گیری قضاوتی و از طبقات مختلف مدیران انتخاب شدند. ابزار سنجش اطلاعات پرسش‌نامه بود و برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار SPSS و همچنین برای سنجش الگوی مفهومی از مدل معادلات ساختاری و از نرم‌افزار Amos استفاده شد.

۳.۱. تعریف متغیرهای پژوهش

۳.۱.۱. کیفیت زندگی

تعریف مفهومی: کیفیت زندگی به عنوان ادراک افراد از موقعیتشان در زندگی در حوزه‌های فرهنگی و نظام ارزشی که در آن زندگی می‌کنند و در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها و نگرانی‌هایشان تعریف می‌شود. پس کاملاً فردی بوده و توسط دیگران قابل دیدن نیست و به

درک افراد از جنبه‌های گوناگون زندگی‌شان استوار است (ماسام^۱، ۲۰۰۲: ۱۴۸). این تعریف مفهومی با دامنه وسیع است که به شیوه پیچیده‌ای با سلامت فیزیکی، وضعیت روان‌شناختی، سطح استقلال، روابط اجتماعی افراد و رابطه آنها با خصوصیات برجسته محیطشان در آمیخته است. از اشتراکات کیفیت زندگی را میتوان در شکستن انحصار رویکردهای اقتصادی به جامعه و مشاهده این مفاهیم از رویکردهای متفاوت‌تری دید، جایی که هر دو مفهوم در زمان شکل گیری تا حدود زیادی واکنشی به رویکردهای اقتصادمحور مسلط در نظریات و تحلیل‌های جامعه‌شناختی بودند که البته به یکباره شکل نگرفته است.

تعریف عملیاتی: مطابق با نظریه گیدنز رویکرد عاملیتی، برای عاملیت تحصیل‌کردگان دانشگاهی نقش محوری قائل بوده و معتقد است که از یک طرف، کیفیت زندگی بیشتر ناظر بر ذهنیات، قابلیت‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموختگان و از طرف دیگر حمایت‌های اجتماعی از لحاظ فراهم آوردن امکانات و شرایط برای شکوفایی قابلیت‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموختگان است. برای سنجش نگرش به کیفیت زندگی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های شهر مشهد از ۱۲ گویه به‌صورت یک طیف ۵ گزینه‌ای استفاده شد. در طراحی گویه‌های کیفیت زندگی، به تأثیر جنبه‌های سلامت فیزیکی، سلامت روانی، روابط اجتماعی، سلامت محیط و کیفیت آموزشی دانشگاه در شایستگی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از دیدگاه کارفرمایان بخش خصوصی که شامل مدیران بخش‌های مختلف در حوزه‌های صنعت، خدمات و کشاورزی توزیع شده و کارفرمایان نظر خود را در خصوص کیفیت زندگی در نگرش به شایستگی فارغ‌التحصیلان اعلام کرده‌اند.

۳. ۱. ۲. شایستگی

تعریف مفهومی: شایستگی به سطح دقت داشتن در انجام کارها، تعهد، دانش، بینش، مهارت، قدرت درک سریع مسائل و تندآموزی شخص اطلاق می‌شود که به او جلوه برجسته داده و منجر به عملکرد شغلی بهتری می‌شود. شایستگی و توانمندی، از ویژگی‌های زیربنایی اشخاص است که با عملکرد برتر در یک شغل، رابطه مستقیم دارد. شایستگی شغلی به دو دسته طبقه‌بندی می‌شود: (۱) شایستگی‌های پایه‌ای مطابق مهارت‌های ضروری برای سطح حداقل استاندارد

عملکرد در پیشبرد کارها یا انجام وظایف مشخص است. ۲) شایستگی‌های تکمیلی که شخص می‌تواند نتایج بالاتر از میانگین و عملکرد بهتری از خود نشان دهد (طاهری، حمیدی زاده، یزدان پناه و کاوش، ۱۴۰۱: ۲۳۸). شایستگی دامنه وسیعی از مشخصات و ویژگی‌ها شامل دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، صفات، نگرش‌ها و برخوردها، انگیزه‌ها و رفتارهاست که می‌تواند فرد را قادر کند تا کار و وظیفه خود را به طور اثربخش و نتیجه‌بخشی به پایان برساند و این خصیصه و ویژگی‌ها می‌تواند بر اساس معیارها و استانداردهای عملکرد قابل قبول اندازه‌گیری شود (هوا، ۲۰۰۹: ۱۷۶۸).

تعریف عملیاتی: از دیدگاه گادوتی برای اینکه فردی شایسته باشد، نیاز دارد که توسط فرد دیگری به رسمیت شناخته شود و سطح شایستگی او را اعتبار دهد یا گواهی نماید. مهارت‌ها فقط بیانی از شایستگی هستند (گادوتی، ۲۰۰۹: ۲۰). او بایستی به ۵ خصیصه مجهز باشد. ۱) توان بهره‌گیری از دانش؛ ۲) شخصیت رشدیافته؛ ۳) قدرت تعامل شخصیت با ساختار؛ ۴) قدرت فراتر رفتن از شرایط انضمامی؛ ۵) توانایی ایفای نقش‌های اجتماعی گوناگون. بنابراین، از دیدگاه کارفرمایان آنها با استخدام دانش‌آموختگان مهر تأییدی بر مهارت‌ها و توانایی آنها خواهند زد. در این پژوهش، برای سنجش نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان دانشگاه‌ای شهر مشهد از ۴ بعد شامل: مهارت‌های عمومی ۱۴ گویه، دانش شغلی ۸ گویه، مهارت‌های شغلی ۱۰ گویه و اخلاقی-رفتاری ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت کارفرمایان بخش خصوصی شامل مدیران بخش‌های مختلف در حوزه‌های صنعت، خدمات و کشاورزی و کارفرمایان نظر خود را درباره نگرش به شایستگی فارغ‌التحصیلان شهر مشهد اعلام کردند.

۳.۱.۳. سنجش اعتبار (روایی) و قابلیت اعتماد (پایایی)

برای حصول اطمینان از روایی سؤال‌ها و سنجه‌های پرسش‌نامه از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و نیز برای تعیین هم‌بستگی درونی عناصر شاخص‌ها و تحلیل عاملی اکتشافی برای کنترل کفایت نمونه از اعتبار سازه استفاده شد.

تحلیل عاملی اکتشافی برای شناسایی مجموعه‌ای از عامل‌ها برای کشف پیوند با عامل‌ها انجام می‌شود. پیش از انجام تحلیل عاملی، به منظور اطمینان از کافی بودن تعداد نمونه‌ها از معیار کایرز-میر-آلکین^۱ و از آزمون بارتلت^۲ برای شناسایی ماتریس هم‌بستگی بین متغیرها استفاده شد. مقدار شاخص کایرز-میر-آلکین ۰/۷۱۱ برآورد شد که حاکی از کفایت نمونه‌گیری است و مقدار معنی‌داری آزمون بارتلت کمتر از ۵ درصد است، که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار الگوی عاملی مناسب است.

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان می‌دهد متغیر نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان از ۴ بُعد مهارت عمومی، دانش شغلی، مهارت‌های شغلی و ابعاد اخلاقی و رفتاری تشکیل می‌شود. بُعد مهارت عمومی، ۶۸/۲۵۷ درصد از واریانس شایستگی‌های دانش‌آموختگان را تبیین می‌کند. بُعد دانش شغلی، ۶۴/۸۱۵ درصد، مهارت‌های شغلی، ۷۰/۳۵۶ درصد و بُعد ابعاد اخلاقی و رفتاری، ۶۷/۶۱۵ درصد از واریانس نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان را تبیین می‌کند. در کل، ۶ عامل پنهان منتج از تحلیل عاملی، ۷۲/۶۴۳ درصد از واریانس کل نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان را تبیین می‌کنند (جدول ۱).

جدول ۱. نتایج تحلیل عاملی پس از چرخش نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان

منبع: مطالعه حاضر

ابعاد	عامل‌ها	بار عاملی
مهارت‌های عمومی	توانایی تصمیم‌گیری درست و به موقع	۰/۶۱۱
	توانایی اولویت بندی امور و وظایف محوله	۰/۵۳۲
	توانایی تشخیص و تحلیل مشکلات مربوط به فعالیت‌های شغلی	۰/۴۸۴
	توانایی به کارگیری دانش‌های دانشگاهی در حل مسئله	۰/۴۵۵
	توانایی مدیریت نیروی انسانی در جهت رسیدن به هدف و اجرایی کردن یک ایده	۰/۶۳۷
	داشتن روحیه بالا و توان تحمل شکست	۰/۴۴۳
	توانایی ارائه ایده‌های فکری نو و جدید	۰/۶۲۱

1. Kaiser- Meyer-Oklin measure of sampling adequacy

2. Bartlett's Test

ابعاد	عوامل	بار عاملی
	درک ضرورت محیط‌های جدید کاری و تطبیق با شرایط و تغییرات به وجود آمده، براساس قرار گرفتن وی در محیط کاری جدید	۰/۶۱۵
	توانایی ایجاد ارتباط مؤثر (شفاهی، نوشتاری، تصویری) با همکاران و ارباب‌رجوع	۰/۶۴۱
	توانایی نقد و ارزیابی دیدگاه‌های دیگران	۰/۴۳۲
	چگونگی کیفیت بازخورد دانش‌آموختگان (شامل پذیرش دیدگاه‌ها و انتقادات)	۰/۶۸۵
	توانایی دانش‌آموختگان در هماهنگ‌کردن خلاقیت فردی با خلاقیت جمعی	۰/۵۹۲
	توانایی دانش‌آموختگان برای خارج کردن یک وضعیت از حالت تنش و در موقع لزوم انرژی دادن به افراد	۰/۴۱۵
	توانایی دانش‌آموختگان در زمینه انتخاب محتوای مناسب در یک جلسه کاری، برای صحبت کردن در جمع	۰/۵۸۲
	میزان آشنایی دانش‌آموختگان با فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات	۰/۷۳۳
دانش شغلی	میزان تخصص دانش‌آموختگان در حوزه کاری خود	۰/۷۳۲
	میزان اطلاع داشتن دانش‌آموختگان و پابندی وی به عوامل غیرشخصی مثل ارزش‌های سازمانی مشترک، هنجارهای عمومی برای محاورات، مکانیزم‌های نظارتی، سوابق، قراردادهای، قوانین و نقش‌ها، اهداف و...	۰/۷۸۰
	برخورداري از دانش‌های پایه‌ای و تخصصی روزآمد رشته خود (نظریه‌ها و روش‌های مدرن یافته‌های علمی در فعالیت‌های شغلی و ...)	۰/۷۸۳
	کارآمد بودن در انجام وظیفه با وجود محدودیت امکانات	۰/۷۲۳
	میزان جدیت و تلاش دانش‌آموختگان در گذراندن دوره‌های آموزشی حین خدمت	۰/۴۸۳
	میزان صلاحیت علمی دانش‌آموختگان برای جذب در بازار کار	۰/۵۳۲
	میزان شناخت دانش‌آموختگان در مورد مسائل سیاسی و اقتصادی روز کشور مانند تحریم‌ها و مانند آنها	۰/۴۸۷
	میزان برخوردار بودن دانش‌آموختگان از مهارت‌های در ارتباط با نیازهای اداره شما	۰/۵۴۴
مهارت شغلی	مهارت کاربرد اصول و فنون رشته خود	۰/۵۷۵
	استفاده از ابزارهای ارتباطی (موبایل) و عضویت در شبکه‌های اجتماعی	۰/۵۳۱
	میزان مهارت مدیریت مسائل	۰/۵۷۵
	انعطاف‌پذیری سازمانی و انجام دادن چند وظیفه همزمان	۰/۵۷۶
	مهارت استفاده از کامپیوتر و اینترنت و اتوماسیون اداری	۰/۶۴۲
	مهارت تصویر کردن مشکل و حل مسئله و رفع نیاز	۰/۴۹۷
	مهارت انجام دادن مکاتبات اداری	۰/۵۳۶

ابعاد	عوامل ها	بار عاملی
اخلاقی و رفتاری	مهارت انجام دادن کار انفرادی در ضمن کار گروهی	۰/۸۲۴
	میزان توانایی دانش‌آموختگان در نقش یک برنامه‌ریز به روز	۰/۸۱۵
	احساس مسئولیت در حین کار	۰/۸۶۳
	توانایی سازگاری دانش‌آموختگان با استرس‌های موجود در محیط شغلی	۰/۸۲۳
	جدیت در به نتیجه رساندن امری که به او محول شده	۰/۹۵۰
	میزان حضور به موقع در جلسات و داشتن ظاهر آراسته دانش‌آموخته	۰/۵۶۶
	تسلط بر راهبردهای یاددهی، به خصوص روش‌های مبتنی بر مشارکت	۰/۵۱۴
	پذیرش اشتباهات خود و کوشش در جهت رفع آنها	۰/۶۰۶
	علاقه مندی به بهبود و درک زندگی کارکنان از طریق ارائه خدمات تخصصی رشته خود	۰/۸۸۱
	میزان اعتماد به نفس دانش‌آموختگان در انجام امور محوله به آنها	۰/۸۰۶
	میزان شوخ طبعی دانش‌آموختگان در حین انجام کار	۰/۸۴۷
	میزان ریسک‌پذیری و شجاعت دانش‌آموختگان در کار	۰/۸۰۸
	پرهیز از پرخاشگری و ستیزه‌جویی و مجادله	۰/۷۹۸
	پاسخگو بودن نسبت به ارباب رجوع، مشتری و مافوق	۰/۸۳۵
	عمل به ارزش‌های اخلاقی مانند رعایت حق مردم و احترام گذاشتن به حقوق دیگران و...	۰/۸۹۹
	توانایی دانش‌آموختگان در نقد و تفکر انتقادی	۰/۶۲۱
	داشتن میزان نظم فردی و سازمانی دانش‌آموختگان	۰/۷۷۳

برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ (a) پس از انجام پیش‌آزمون پرسش‌نامه اولیه و تدوین پرسش‌نامه نهایی استفاده شد. در همه تحلیل‌های ارائه‌شده در این مقاله مقدار آلفای کرونباخ بیش از ۰/۷ محاسبه شده است و نشان از پذیرفتنی بودن پایایی شاخص‌ها و سنجه‌ها دارد. جدول شماره (۲).

جدول ۲. نتایج تحلیل پایایی متغیرهای پژوهش

منبع: مطالعه حاضر

متغیرها	ابعاد	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ	کل
نگرش به شایستگی‌ها	مهارت‌های عمومی	۱۴	۰/۸۸۶	۰/۹۱۱
	دانش شغلی	۸	۰/۷۸۱	
	مهارت‌های شغلی	۱۰	۰/۸۳۱	
	اخلاقی و رفتاری	۱۵	۰/۸۹۱	
کیفیت زندگی فارغ‌التحصیلان	-	۱۲	-	۰/۸۳۱

۴. یافته‌های پژوهش

از کل ۳۵۰ نفر پاسخ‌گو، ۷۲/۹ درصد مرد، ۲۱/۴ درصد زن و ۵/۷ درصد به این گزینه جواب ندادند. در ارتباط با تحصیلات پاسخگویان، ۱۱/۲۱ درصد دیپلم، ۸/۱۸ فوق دیپلم، ۴۵/۴۵ درصد لیسانس، ۲۷/۳۰ درصد فوق لیسانس و ۷/۸۶ درصد دکتری بودند. همچنین، ۲۰/۰۶ درصد مدیران درآمد زیر ۱۹ میلیون تومان، ۷۴/۹۹ درصد مدیران درآمد بین ۲۰ تا ۳۹ میلیون تومان و ۴/۹۵ درصد درآمد بالای ۴۰ میلیون تومان داشتند. در خصوص ترکیب سمت مدیران، ۹/۱۷ درصد مدیران اجرایی، ۱۴/۹۸ درصد مدیران اداری، ۱۱/۳۱ درصد مدیر پروژه، ۱۵/۳۰ درصد مدیر تولید، ۶/۷۲ درصد مدیر بازرگانی، ۱۵/۳۰ درصد مدیر عملیات، ۹/۴۸ درصد مدیر مالی، ۱۱/۳۱ درصد مدیر منابع انسانی و ۶/۳۲ درصد را مدیران عامل تشکیل می‌دهد. در خصوص گزینه سابقه مدیریت، ۲۸/۶۱ درصد زیر ۹ سال، ۵۳/۷۶ درصد بین ۱۰ تا ۱۹ سال و ۱۷/۶۳ درصد بالای ۲۰ سال سابقه مدیریت دارند.

نتایج به دست آمده از تحلیل توصیفی متغیرهای تحقیق نشان داد که: میانگین کیفیت زندگی فارغ‌التحصیلان ۳۸/۳۷ از ۴۷ است. بیشینه کیفیت زندگی در یک طیف ۵ گزینه‌ای ۴۷ و کمینه آن ۱۲ بود. این مقدار حاکی از آن است که نقش کیفیت زندگی در نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان در سطح زیاد است. با توجه به میانگین می‌توان گفت کیفیت زندگی نقش تعیین‌کننده‌ای در شایستگی دانش‌آموختگان ایفا می‌کند.

میانگین بُعد مهارت‌های عمومی ۳۶/۲۷ از ۶۳ است. بیشینه این متغیر در یک طیف ۵ گزینه‌ای ۶۳ و کمینه آن ۱۵ است. مقدار میانگین با توجه به دامنه تغییرات نشان می‌دهد که از نظر کارفرمایان بخش خصوصی، مهارت‌های عمومی دانش‌آموختگان در سطح متوسط قرار دارد. میانگین بُعد دانش شغلی ۲۹/۸۴ از ۴۰ است. بیشینه این متغیر در یک طیف ۵ گزینه‌ای ۴۰ و کمینه آن ۱۳ است. مقدار میانگین با توجه به دامنه تغییرات نشان می‌دهد که از نظر کارفرمایان بخش خصوصی، دانش شغلی دانش‌آموختگان از سطح متوسط نسبتاً بالاتر است. میانگین بُعد مهارت‌های شغلی ۳۸/۵۰ از ۵۰ است. بیشینه این متغیر در یک طیف ۵ گزینه‌ای ۵۰ و کمینه آن ۱۰ است. مقدار میانگین به نسبت بیشینه و کمینه نشان می‌دهد که از نظر کارفرمایان بخش

خصوصی، مهارت‌های شغلی دانش‌آموختگان از سطح متوسط بالاتر است. میانگین بُعد اخلاقی رفتاری ۴۶/۶۱ از ۶۹ است. بیشینه این متغیر در یک طیف ۵ گزینه‌ای ۶۹ و کمینه آن ۱۹ است. مقدار میانگین به نسبت بیشینه و کمینه نشان می‌دهد که از نظر کارفرمایان بخش خصوصی، شاخصه‌های اخلاقی رفتاری دانش‌آموختگان دز سطح متوسط قرار دارد.

در کل، میانگین نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان ۱۵۱/۸۷ از ۱۹۴ است. بیشینه کل نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان در یک طیف ۵ گزینه‌ای ۱۹۴ و کمینه آن ۹۴ بود. این مقدار حاکی از آن است که نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان از دیدگاه پاسخ‌گویان بخش خصوصی از سطح متوسط نسبتاً بالاتر است. (جدول ۳).

جدول ۳. آماره‌های پراکندگی متغیرهای کیفیت زندگی فارغ‌التحصیلان و نگرش به شایستگی‌های

دانش‌آموختگان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	مینیم	ماکزیمم	چولگی	کشیذگی
مهارت‌های عمومی	۳۶/۲۷	۱۳/۱۵	۱۵	۶۳	۰/۲۷۱	-۰/۰۹۲
دانش شغلی	۲۹/۸۴	۶/۷۹	۱۳	۴۰	-۰/۹۴۲	۰/۱۲۹
مهارت‌های شغلی	۳۸/۵۰	۹/۹۸	۱۰	۵۰	-۰/۳۴۶	۰/۱۴۷
اخلاقی و رفتاری	۴۶/۶۱	۹/۸۷	۱۹	۶۹	-۰/۰۸۰	-۰/۱۶۹
کیفیت زندگی	۳۸/۳۷	۷/۴۸	۱۲	۴۷	۱/۰۶۸	-۰/۰۴۴
نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان	۱۵۱/۸۷	۱۸/۹۹	۹۴	۱۹۴	-۰/۴۵۷	۰/۷۲۱

برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۱ استفاده شده است. مبنای تجزیه و تحلیل در آزمون‌های آماری بر اساس نتایج میزان سطح معناداری است. اگر این عدد کمتر از ۰/۰۵ باشد، داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند. بنابراین، با توجه به اینکه در جدول ۴ مقدار سطح معناداری آزمون محاسبه شده برای هر سه متغیر عملکرد خانواده، کیفیت زندگی در مدرسه و خودکارآمدی تحصیلی بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. بنابراین، در سطح خطای $\alpha = 0/05$ و با ۹۵ درصد اطمینان این نتیجه حاصل می‌شود که متغیرها دارای توزیع

1. K-S

نرمال هستند و داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. بنابراین، برای تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها، استفاده از آزمون‌های آماری پارامتریک مجاز است.

جدول ۴. نتایج آزمون K-S برای بررسی نرمال بودن داده‌ها

منبع: مطالعه حاضر

متغیرها	آماره S-K	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
مهارت‌های عمومی	۰/۸۱۵	۰/۵۸۱	نرمال
دانش شغلی	۰/۹۴۸	۰/۴۱۹	نرمال
مهارت‌های شغلی	۰/۵۱۹	۰/۸۲۴	نرمال
اخلاقی رفتاری	۱/۳۵۵	۰/۰۵۱	نرمال
کیفیت زندگی	۱/۱۹۱	۰/۱۰۸	نرمال

یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که میانگین ابعاد نگرش به شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان به تفکیک سطح تحصیلات کارفرمایان در تمام ابعاد تفاوت معنی داری وجود دارد. و میانگین نگرش به شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان در بین کارفرمایانی که سطح تحصیلات فوق لیسانس و دکتری بودند بیشتر از سایر گروه‌های تحصیلی بود.

میانگین نمره‌های نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان به تفکیک سابقه مدیریت کارفرمایان در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ درصد تفاوت معناداری نشان می‌دهد. با مقایسه میانگین‌ها مشخص می‌شود که سابقه مدیریت در نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان تأثیر دارد. همان‌طور که میانگین نمرات نشان می‌دهد، مدیران جوان‌تر بر مهارت‌های عمومی، دانش شغلی و مهارت‌های شغلی تأکید بیشتری دارند. در مقایسه، مدیرانی که سابقه مدیریت بیشتری دارند ضمن تأکید بر جنبه‌های مورد اشاره، بر بُعد اخلاقی-رفتاری شایستگی فارغ‌التحصیلان تأکید دارند.

جدول ۵. میانگین نمره‌های نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان به تفکیک سطح تحصیلات کارفرمایان

منبع: مطالعه حاضر

میانگین نمره‌ها	F	معناداری	شایستگی‌ها			
			متوسطه و دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس
مهارت‌های عمومی	۳۴/۵۱	۳۴/۰۹	۳۶/۱۱	۳۸/۳۳	۳۹/۷۷	۵/۸۱۷
دانش شغلی	۲۸/۳۶	۲۸/۷۳	۲۹/۸۹	۳۰/۱۲	۳۰/۹۰	۵/۷۸۹
مهارت‌های شغلی	۳۶/۳۰	۳۶/۱۲	۳۵/۵۴	۳۹/۰۷	۴۰/۸۱	۶/۹۱۵
اخلاقی-رفتاری	۴۶/۴	۴۶/۶۷	۴۶/۴۷	۴۷/۸۷	۴۸/۵۴	۸/۱۲۴

میانگین نمره‌های نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان به تفکیک سابقه مدیریت کارفرمایان

شایستگی‌ها	F	معناداری	میانگین نمره‌ها		
			زیر ۹ سال	از ۱۰ تا ۱۹ سال	بالای ۲۰ سال
مهارت‌های عمومی	۳۷/۱۴	۳۶/۴۰	۳۶/۱۰	۴/۵۷۲	۰/۰۰۰
دانش شغلی	۳۲/۸۳	۳۱/۷۵	۳۰	۶/۵۰۹	۰/۰۰۰
مهارت‌های شغلی	۳۸/۵۷	۳۹/۶۳	۴۰	۵/۱۸۳	۰/۰۰۰
اخلاقی-رفتاری	۴۳/۵۰	۴۷	۴۸/۹۲	۵/۴۸۹	۰/۰۰۰

برای بررسی رابطه بین کیفیت زندگی فارغ‌التحصیلان و نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده شد. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل پاسخ‌های کسب‌شده گویای هم‌بستگی بین متغیر کیفیت زندگی و نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان با اطمینان ۰/۹۵ و سطح معنی‌داری ۰/۰۵ است. طبق جدول شماره ۵، متغیر کیفیت زندگی با تمامی ابعاد شایستگی‌های دانش‌آموختگان رابطه معنی‌دار و مستقیمی دارد. بیشترین هم‌بستگی متغیر کیفیت زندگی با مهارت‌های عمومی (۰/۶۷۰) و کمترین هم‌بستگی با دانش شغلی (۰/۲۶۷) بود. شاخص کیفیت زندگی با عنوان نمود رفاه اجتماعی-اقتصادی یک جامعه در رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی و صنعتی نقش اساسی دارد. بنابراین، بالابودن شاخص کیفیت زندگی در کیفیت تحصیلی و نیز شایستگی دانش‌آموختگان تأثیر دارد.

برخورداری دانش‌آموختگان از کیفیت زندگی در سطح خانواده‌ها و دانشگاه به این معناست که وقتی افراد از وضعیت سلامت روانی و اجتماعی نسبتاً بالا، احساس امنیت، جو محیط زندگی سالم برخوردار باشند، همگی این شاخص‌ها گویای این است که کیفیت زندگی، نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هرچه کیفیت زندگی بالاتر باشد، دانش‌آموختگان دانشگاهی در مهارت‌های عمومی، دانشی، مهارتی و شایستگی اخلاقی و رفتاری نمره بالاتری را کسب می‌کنند.

نتایج جدول ۶، حاکی از آن است که هم‌بستگی معنادار و مستقیمی بین متغیرهای میزان درآمد کارفرمایان و نگرش آنان به شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان وجود دارد. مهارت‌های عمومی دارای بیشترین هم‌بستگی (۰/۴۹۳) و مهارت‌های شغلی دارای کمترین هم‌بستگی (۰/۱۸۰) با متغیر درآمد دارند. بُعد اخلاقی-رفتاری نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان با متغیر درآمد کارفرمایان رابطه معناداری ندارد.

جدول ۶. ضریب هم‌بستگی بین متغیرهای مستقل و نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان

منبع: مطالعه حاضر

متغیرها	ضریب هم‌بستگی	معناداری
کیفیت زندگی فارغ‌التحصیلان	مهارت‌های عمومی	۰/۵۷۰
	دانش شغلی	۰/۲۶۷
	مهارت‌های شغلی	۰/۵۱۷
	اخلاقی-رفتاری	۰/۵۱۵
میزان درآمد	مهارت‌های عمومی	۰/۴۹۳
	دانش شغلی	۰/۱۹۰
	مهارت‌های شغلی	۰/۱۸۰
	اخلاقی-رفتاری	۰/۰۲۴

برای تبیین نگرش به شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان بر اساس متغیرهای مستقل از رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شد. در مجموع از ۴ متغیر وارد شده (درآمد، سابقه مدیریت،

میزان تحصیلات مدیران و کیفیت زندگی) به معادله رگرسیونی، ۲ متغیر در مدل رگرسیونی باقی ماندند که ضریب هم‌بستگی آنها برابر با ۰/۴۱۵، ضریب تبیین برابر با ۰/۱۹۸ و ضریب تبیین تصحیح‌شده برابر ۰/۱۹۰ به دست آمده و این ضرایب بیانگر آنست که حدود ۱۹ درصد از واریانس شایستگی فارغ‌التحصیلان توسط متغیرهای موجود در معادله رگرسیونی تبیین می‌شود. همچنین، مدل رگرسیونی تبیین‌شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده، خطی و معنادار است؛ زیرا مقدار آزمون F برای تبیین معنی‌داری اثر متغیرهای مستقل بر شایستگی فارغ‌التحصیلان برابر ۲۷/۲۳۵ و معناداری در سطح ۰/۰۱ محاسبه شده است.

مطابق جدول ۷، مقدار ضرایب بتا در میان کل پاسخ‌گویان نشان می‌دهد متغیر کیفیت زندگی به میزان ۴۰ درصد به صورت جداگانه‌ای تأثیر معنی‌داری بر شایستگی دانش‌آموختگان دارد. متغیر سابقه مدیریت به میزان ۱۶/۵ درصد به صورت جداگانه تأثیر مثبت و معنی‌داری بر میزان شایستگی دانش‌آموختگان دارد. نتایج حاصل‌شده نشان می‌دهد که سابقه مدیریت کارفرمایان در پیش‌بینی شایستگی‌های دانش‌آموختگان از ابعاد مهارتی، دانش شغلی، مهارت‌های شغلی و اخلاقی-رفتاری نقش دارد. آزمون t نیز نشان می‌دهد که ضرایب Beta برای متغیرهای کیفیت زندگی و سابقه مدیریت در سطح ۹۵ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است. متغیرهای درآمد و میزان تحصیلات معنادار نبوده و از مدل خارج شد.

جدول ۷. نتایج رگرسیون چندمتغیره شایستگی‌های دانش‌آموختگان

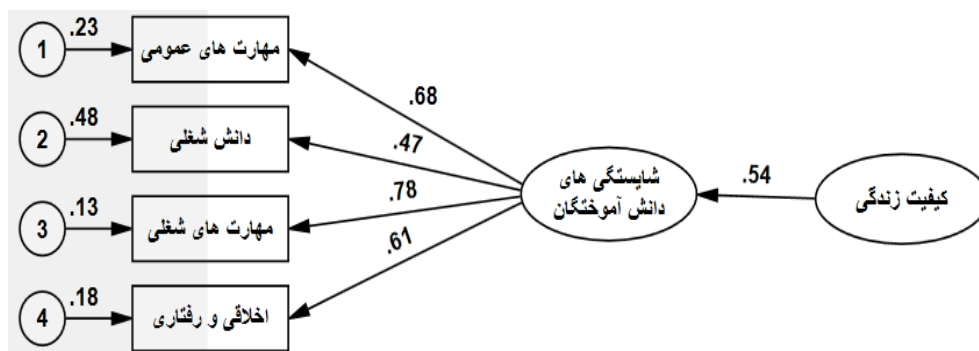
منبع: مطالعه حاضر

متغیرها	B	Beta	T	sig	ضریب هم‌بستگی چند گانه (R)	۰/۴۱۵
سابقه مدیریت	۰/۱۹۸	۲/۳۱۴	۰/۰۲۹	۰/۱۶۵	ضریب تعیین (R square)	۰/۱۹۸
کیفیت زندگی فارغ‌التحصیلان	۰/۹۶۳	۰/۴۰۴	۶/۶۴۰	۰/۰۰۰	ضریب تعیین تصحیح شده (R ² Adj)	۰/۱۹۰
					اشتباه معیار برآورد (S.E.E)	۹/۲۹۳
					کمیت دوربین واتسون (D.W)	۱/۹۲
					کمیت F	۲۷/۲۳۵
					آنالیز واریانس	۰/۰۰۰

مدل معادلات ساختاری

برای توصیف و تبیین تأثیر کیفیت زندگی فارغ‌التحصیلان بر نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان از دیدگاه کارفرمایان بخش خصوصی، از الگویابی معادلات ساختاری استفاده شده است. مهم‌ترین ویژگی این روش، انعطاف آن به لحاظ کاربردی به مثابه یک چهارچوب نظری وسیع، امکان‌پذیری مشارکت متغیرهای پنهان، به کارگیری اندازه‌های گوناگون و نیز قابلیت کار با گروه وسیعی از داده‌هاست.

جدول ۸ نتایج برازش مدل را نشان می‌دهد. همچنین، شکل ۱، بررسی معیارهای برازش ساختاری رابطه بین کیفیت زندگی و نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان نشان می‌دهد که نسبت خي دو (Chi-Square) به درجه آزادی (df) برابر با ۱۵۶/۴۵ با درجه آزادی ۵۹ است که حاصل تقسیم مجذور خی بر درج آزادی (۲/۶۵) کمتر از ۳ (عدد ۳ ملاک سنجش است) گویای برازش مطلوب الگوی تحقیق است. ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) برابر ۰/۰۳۴ است که حد مطلوب آن پایین‌تر از ۰/۰۸ است. با توجه به اعداد به دست آمده از تخمین الگو می‌توان نتیجه گرفت که الگوی مفهومی پژوهش از لحاظ شاخص تناسب خوب است. بررسی وضعیت شاخص‌های تطبیقی (CFI) به مقدار ۰/۹۲، دامنه قبول شاخص برازش هنجار شده (NFI) و شاخص برازش هنجار نشده (NNFI) بالای ۰/۹۰ در نظر گرفته شده است. با توجه به مقدار به دست آمده ۰/۸۱ و ۰/۸۶ از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار هستند. شاخص‌های نیکویی برازش، یعنی GFI و AGFI، که مقدارشان به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۲ است، نشان می‌دهند که مدل با داده‌ها تناسب خوبی دارد.



شکل ۲. الگوی معادله ساختاری تحقیق

منبع: مطالعه حاضر

جدول ۸. شاخص های برازش مدل ساختاری متغیر شایستگی های دانش آموختگان از دیدگاه کارفرمایان

شاخص های برازش	Chi-Square	df	RMSEA	P-value	CFI	NFI	NNFI	GFI	AGFI
مقدار	۱۵۶/۴۵	۵۹	۰/۰۳۴	۰/۰۰۰	۰/۸۱	۰/۸۶	۰/۸۳	۰/۹۰	۰/۹۲

در الگوی معادله ساختاری، مطابق شکل ۲ و جدول ۹، برای بررسی سؤال پژوهش از الگویابی معادلات ساختاری استفاده شد که ملاک قضاوت مقدار سطح معناداری است. شکل ۲ مدل پژوهش را در حالت تأثیر ضرایب نشان می دهد. این مدل درواقع تمامی معادلات ساختاری را با استفاده از آماره t آزمون می کند. بر طبق این مدل، ضریب در سطح اطمینان ۹۵ معنادار است. اگر مقدار آماره t خارج بازه $(+1/96 \text{ تا } -1/96)$ قرار گیرد، ضریب مدل معنادار نیست. همان طور که در شکل ۲ نشان داده شده است، مقادیر t -value برای تمامی ضرایب از مقدار استاندارد قدر مطلق $1/96$ بیشتر است و گواهی بر وجود رابطه معناداری بین متغیرهای پژوهش دارد. مقدار t -value محاسبه شده بین دو متغیر کیفیت زندگی فارغ التحصیلان و نگرش به شایستگی های دانش آموختگان برابر $9/913$ را نشان می دهد که بیانگر تأثیر معنادار کیفیت زندگی

فارغ‌التحصیلان بر نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان است؛ به‌طوری‌که ضریب تأثیر کیفیت زندگی بر نگرش به شایستگی دانش‌آموختگان به مقدار $0/541$ برآورد شد.

مقدار t -value محاسبه‌شده برای ابعاد شایستگی‌های دانش‌آموختگان از مقدار استاندارد قدر مطلق $1/96$ بیشتر است که بیانگر وجود رابطه معناداری برای ابعاد شایستگی‌های دانش‌آموختگان است. از نظر کارفرمایان، مهارت‌های شغلی با بتای $0/783$ بیشترین تأثیر را در بین ابعاد شایستگی‌ها دارد؛ بدین مفهوم که برای کسب شایستگی، فارغ‌التحصیلان نخست باید در مهارت‌های شغلی تبحر داشته باشند. در مراتب بعدی، مهارت‌های عمومی با بتای $0/686$ ، بُعد اخلاقی و رفتاری با ضریب بتای $0/618$ و دانش شغلی با ضریب بتای $0/478$ برآورد شد.

جدول ۹. مقادیر برآورد وزن‌های رگرسیونی متغیرهای تحقیق

منبع: مطالعه حاضر

معناداری	مقدار آماره t	برآورد استاندارد	رابطه
۰/۰۱	۱۲/۲۱۴	۰/۶۸۶	مهارت‌های عمومی
۰/۰۱	۷/۸۱۲	۰/۴۷۸	دانش شغلی
۰/۰۱	۱۵/۲۸۷	۰/۷۸۳	مهارت‌های شغلی
۰/۰۱	۱۱/۸۳۴	۰/۶۱۸	اخلاقی-رفتاری
۰/۰۱	۹/۹۱۳	۰/۵۴۱	شایستگی‌های دانش‌آموختگان

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از مشکلات شایع نظام آموزشی در کشور ما، پایین‌بودن سطح مهارت‌ها و دانش عملی در بین دانش‌آموختگان دانشگاهی است که سالانه زیان‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی زیادی را متوجه دولت‌ها و خانواده‌ها و همچنین انبوهی از دانش‌آموختگان بدون تخصص روانه جامعه می‌کند. بنابراین، برای کم‌کردن میزان بیکاری و ایجاد فرصت‌های شغلی، مطالعه و تحقیق در

زمینه شایستگی‌های تحصیل‌کردگان دانشگاهی، به درک و شناخت بهتر وضعیت شایستگی‌های دانش‌آموختگان می‌انجامد. از این رو، مطالعه حاضر با هدف تعیین تأثیر کیفیت زندگی بر نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان از دیدگاه کارفرمایان بخش خصوصی شهر مشهد است. نگرش به شایستگی فارغ‌التحصیلان از منظر کارفرمایان بخش خصوصی امروزه تبدیل به موضوعی مهم - به‌ویژه با ورود افراد و خیل عظیم متقاضیان به شغل - شده است. پژوهش حاضر با هدف تأثیر کیفیت زندگی بر نگرش به شایستگی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در میان کارفرمایان شهر مشهد انجام شد.

پس از گردآوری اطلاعات و تحلیل آنها، یافته‌ها نشان داد میانگین کیفیت زندگی فارغ‌التحصیلان ۳۸/۳۷ از ۴۷ است. بنابراین، از دید کارفرمایان بخش خصوصی کیفیت زندگی نقش زیادی در شایستگی‌های دانش‌آموختگان دارد. در کل میانگین نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان ۱۵۱/۸۷ از ۱۹۴ است. این مقدار حاکی از شایستگی دانش‌آموختگان از لحاظ مهارت‌های شغلی، دانش شغلی، مهارت‌های عمومی و مؤلفه‌های اخلاقی - رفتاری است.

نتایج حاصل از ضریب هم‌بستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین متغیر کیفیت زندگی و نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان رابطه معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد؛ یعنی ارتقای کیفیت زندگی می‌تواند شایستگی‌های تحصیل‌کردگان دانشگاهی را از نظر دانش شغلی، مهارت‌های شغلی، توانایی‌ها، صفات، ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری، نگرش‌ها و برخوردها، انگیزه‌ها و رفتارها تحت تأثیر قرار دهد و باعث افزایش شایستگی‌های اشاره‌شده شود. با الهام از نظریه‌های یادشده و آزمون متغیرها، می‌توان استنباط کرد که کیفیت زندگی بر نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان تأثیرگذار است. به لحاظ نظری و تجربی و با تأکید بر نظریه‌های مورد استفاده می‌توان گفت که هرچه میزان کیفیت زندگی در خانواده‌های فارغ‌التحصیلان و نیز کیفیت تحصیلی در مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها از مطلوبیت بیشتری برخوردار باشد، باعث ارتقای مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های تخصصی، دانش، مهارت‌های حل مسئله، مهارت‌های تصمیم‌گیری، مهارت‌های تعامل اجتماعی در بین دانش‌آموختگان می‌شود. همچنین، نتایج حاصل از معادله رگرسیونی در میان کل پاسخ‌گویان نشان داد که در مجموع، به ترتیب ۲ متغیر کیفیت

زندگی و سابقه مدیریت توانستند ۱۹ درصد از واریانس نگرش به شایستگی فارغ‌التحصیلان را تبیین کنند.

ضرایب بتای مدل معادله ساختاری کیفیت زندگی بر شایستگی‌های دانش‌آموختگان به مقدار ۰/۵۴۱ تأثیرگذار بود. اگر میزان دامنه تأثیرگذاری را بین ۰ تا ۱ در نظر بگیریم، کیفیت زندگی بر صلاحیت‌های فارغ‌التحصیلان به میزان ۵۴ درصد بوده است. نتایج فوق نشان می‌دهد که سطح بالای کیفیت زندگی در توانایی کار و فعالیت بر اساس برنامه‌ریزی، ارتباط با دیگران، ارائه راه حل‌های مناسب، توانایی تصمیم‌گیری در شرایط دشوار، ارائه فکر و ایده جدید برای تحصیل‌کردگان دانشگاهی تأثیر دارد.

جامعه‌شناسان به نقش الگوها و عوامل اجتماعی و جمعیتی بر رفاه و بهزیستی ذهنی تأکید دارد. بنابراین، کارفرمایان با توجه به میزان مهارت حرفه‌ای، عمومی، شغلی و اخلاقی رفتاری دانش‌آموختگان دانشگاهی می‌توانند نگرش مطلوب‌تری نسبت به دانش‌آموختگان داشته باشند. با توجه به نظریه عاملیت و ساختار گیدنز، رویکرد عاملیتی، برای عاملیت تحصیل‌کردگان دانشگاهی نقش محوری قائل بوده و معتقد است که از یک طرف، کیفیت زندگی بیشتر ناظر بر ذهنیات، قابلیت‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموختگان و از طرف دیگر حمایت‌های اجتماعی از لحاظ فراهم آوردن امکانات و شرایط برای شکوفایی قابلیت‌ها و توانمندی‌های دانش‌آموختگان است.

از متغیرهای مهم در پژوهش حاضر، سطح تحصیلات است. بر اساس یافته‌های پژوهش میانگین ابعاد نگرش به شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان به تفکیک سطح تحصیلات کارفرمایان در تمام ابعاد تفاوت معنی‌داری وجود دارد. و میانگین نگرش به شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان در بین کارفرمایانی که سطح تحصیلات فوق لیسانس و دکتری بودند، بیشتر از سایر گروه‌های تحصیلی بود. نتایج پژوهش طاهری و همکاران (۱۴۰۱) و زارع شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) در راستای تأیید این موضوع است. یکی از متغیرهای بسیار مهم در نگرش به شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان متغیر درآمد است. یافته‌های این پژوهش نشان داد بین متغیرهای درآمد و نگرش به شایستگی‌های دانش‌آموختگان (از دیدگاه کارفرمایان) ارتباط معنی‌داری وجود دارد. بدین معنا

که هرچه درآمد کارفرمایان بیشتر باشد، نگرش آنها به شایستگی فارغ التحصیلان دانشگاهی مطلوب تر خواهد بود. نتایج پژوهش زارع شاه آبادی و همکاران (۱۳۹۷)، طاهری و همکاران (۱۴۰۱)، عفیفی (۱۳۷۴)، کیمیل و واینر (۱۹۹۵) و بی تیل و همکاران (۱۹۷۳) در راستای تأیید این موضوع است.

دانش آموختگان دانشگاهی به عنوان خروجی نظام آموزش عالی یکی از مهم ترین اقشار اجتماع محسوب می شوند؛ زیرا از یک سو دولت به عنوان متولی امر آموزش سال های زیادی را صرف هزینه های آموزش این قشر تحصیل کرده کرده و از طرف دیگر، دانش آموختگان دانشگاهی به طور مستمر خود را در معرض ارزیابی کارفرمایان بخش خصوصی قرار می دهند. کارفرمایان بخش خصوصی به عنوان یکی از گروه هایی که به طور مستمر مهارت های عمومی اخلاقی و رفتاری و شغلی فرد را ارزیابی می کنند، معمولاً جایگاه ویژه ای در نظر دانش آموختگان دانشگاهی دارند. به نظر می رسد که فارغ التحصیلان دانشگاهی خود را در آینه جامعه دیده و ویژگی های مهارتی، دانشی، شخصیتی و شغلی خود را از طریق آنان ارزیابی می کنند. کارفرمایان نیز به عنوان اصلی ترین متقاضیان نیروی انسانی تلاش می کنند که با مهارت پروری در کنار ارتقای دانش فنی، شغلی و اخلاقی رفتاری در کارآموزان حلقه سه گانه دانشگاه، فارغ التحصیلان و کارفرمایان را تقویت کنند. درآمد به عنوان یکی از متغیرهایی که بر ارزیابی کارفرمایان بخش خصوصی در نگرش آنها به شایستگی دانش آموختگان نقش مهمی را ایفا می کند، در پژوهش حاضر یک عامل تأثیرگذار بر نگرش به شایستگی فارغ التحصیلان نقش مهمی را ایفا می کند. بورديو معتقد است برای یک انسان سرمایه های مختلفی اعم از سرمایه های اقتصادی فرهنگی اجتماعی و نمادین وجود دارد. سرمایه اقتصادی قابل تبدیل به پول و شامل درآمد و بقیه انواع منابع مالی است. بنابراین، میزان درآمد نقش پررنگی در تغییر نوع نگرش به شایستگی فارغ التحصیلان دانشگاهی دارد. با توجه به تأثیرگذاری این متغیر می توان پیشنهاد داد که کانون های فارغ التحصیلی در دانشگاه پس از اتمام تحصیلات دانشجویان مهارت های مختلف آنها به طور مداوم و مستمر در معرض ارزیابی قرار دهند تا بدین وسیله بتوان با به روز کردن اطلاعات آنها به ویژه در زمینه فراگیری مهارت های جدید آنها را آماده ورود به بازار کار کنند. میزان تحصیلات به عنوان نمودی

از سرمایه فرهنگی بورديو و از متغیرهای تأثیرگذار بر نگرش به شایستگی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بوده است. کارفرمایانی که تحصیلات دانشگاهی به‌خصوص در سطح کارشناسی ارشد و دکتری داشتند، نسبت به کارفرمایانی که تحصیلات پایین‌تری داشتند، به شایستگی‌های مهارت‌های شغلی، دانش شغلی و مؤلفه‌های اخلاقی-رفتاری توجه بیشتری داشتند. این یافته در جهت تأیید نظر بورديو مبنی بر تأثیر سرمایه فرهنگی (میزان تحصیلات) بر شایستگی‌های دانش‌آموختگان است.

کیفیت زندگی از منظر جامعه‌شناختی به نقش الگوها و عوامل اجتماعی تأکید می‌کند. الگوهایی که دانش‌آموختگان هم در محیط اجتماعی و هم محیط خانوادگی و شغلی باید ایفا کنند، تأثیر زیادی در تغییر نگرش کارفرمایان بخش خصوصی به شایستگی آنها خواهد داشت. کیفیت زندگی دانشگاهی و امید به اشتغال می‌تواند نقش مهمی در این تغییر نگرش کارفرمایان به فارغ‌التحصیلان دانشگاهی داشته باشد. میزان بهزیستی و رفاه فرد که ناشی از میزان تلاش، تخصص، یادگیری و تسلط او به مباحث آموخته‌شده در دوران تحصیل دارد، می‌تواند به آسودگی خیال در دستیابی به موفقیت منجر شود. همچنین، به نظر می‌رسد افزایش کیفیت زندگی می‌تواند متأثر از کیفیت مطالبی باشد که فرد در دوران تحصیل می‌تواند از آنها استفاده کند و آنها را کسب کند. اگر دانشجوی در زمان تحصیل کیفیت مطالب تدریس‌شده را مفید بداند، میزان مشارکت بیشتری در دستیابی به یادگیری و مهارت‌آموزی خواهد داشت و این یادگیری در آینده به صورت مستمر نیز ادامه خواهد داشت.

کتابنامه

۱. تاجبخش، غ.، و ریاحی، س. (۱۳۹۲). بررسی کیفیت زندگی دانشجویان ساکن در خوابگاه دانشجویی دانشگاه رازی کرمانشاه و رابطه آن با عملکرد تحصیلی آنها. *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، ۵(۹۲)، ۶۱-۹۰.
۲. جانعلی‌زاده، ح.، خاکزاد، ز.، و مرادی، ف. (۱۳۹۲). شایستگی‌های کانونی دانشجویان دانشگاه مازندران؛ ارتقا یا افت؟. *مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی*، ۱(۳)، ۶۱-۱۱۲.

۳. رضایت، غلام حسین؛ یمنی دوزی، محمد؛ کیامنش، علیرضا (۱۳۹۰). معماری الگوهای شایستگی؛ ارائه چارچوب مفهومی، پژوهش مدیریت منابع انسانی دانشگاه امام صادق، ۳(۲): ۸۱-۴۹.
۴. رضوی، س. م.، برومند، م.، و دلارستانی، ع. (۱۳۹۹). شناسایی و ارزیابی شایستگی‌های کانونی شغلی دانشجویان و دانش‌آموختگان تربیت‌بدنی و علوم ورزشی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۱(۱۹)، ۶۹-۹۰.
۵. زارع‌شاه آبادی، ا.، سیادی، ف.، و بنیاد، ل. (۱۳۹۷). نقش عوامل خانوادگی در میزان شایستگی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از نظر خانواده‌های یزدی. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱(۹)، ۱۴۰-۱۲۱.
۶. طاهری، م.، حمیدی‌زاده، م.، یزدان‌پناه، ا.، و کاوش، ک. (۱۴۰۱). الگوی برندسازی شخصی مبتنی بر شایستگی‌های فردی و اشتغال فارغ‌التحصیلان. کاوش‌های مدیریت بازرگانی، ۱۴(۲۷)، ۲۵۳-۲۳۳.
۷. طهرانی مقدم، ح.، و شریعت‌باقری، م. (۱۳۹۷). ارتباط عملکرد خانواده با مسئولیت‌پذیری و ارضای نیازهای روانی پایه دانش‌آموزان پسر دبیرستانی. خانواده‌پژوهی، ۱۴(۲)، ۲۳۵-۲۲۱.
۸. عباسیان، م.، شیرمحمدی، ج.، و هادی‌نژاد، ف. (۱۳۹۸). ارزیابی شایستگی‌های دانش‌آموختگان یک دانشگاه نظامی در مراکز آموزشی-فرهنگی. مدیریت نظامی، ۱۹(۳)، ۳۲-۱.
۹. فرزانه، م.، زین‌آبادی، ح.، و یزدانی، ز. (۱۳۹۷). بررسی شایستگی‌های پایه در بین دانش‌آموختگان و ارزیابی میزان اثربخشی آن در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. رهیافت نو در مدیریت آموزشی، ۹(۳۴)، ۲۳-۵۰.
۱۰. قمری، م.، و خوشنام، ح. (۱۳۹۰). بررسی رابطه عملکرد خانواده اصلی و کیفیت زندگی در بین دانشجویان. خانواده پژوهشی، ۷(۲۷)، ۳۵۴-۳۴۳.
۱۱. قموشی، ز.، پورکریمی، ج.، و عزتی، م. (۱۳۹۸). نقش شایستگی اخلاقی فارغ‌التحصیلان در فضیلت سازمانی. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۵(۲)، ۶۸-۳۲.
۱۲. کریمی، م.، و احمدی، س. ع. (۱۴۰۰). ارائه مدل شایستگی اختصاصی استادان دانشگاه. آموزش و ارزیابی، ۱۴(۵۳)، ۱۸۰-۱۵۹.
۱۳. گریفیتس، ب.، و واشنگتن، ا. (۱۳۹۷). شایستگی‌ها در محیط کار (ا. خاکی و م. محمودی، مترجم) تهران: بازرگانی.

۱۴. مظفری، ع.، و بریمانی، ا. (۱۴۰۱). رابطه بین عملکرد خانواده و کیفیت زندگی در مدرسه با نقش میانجی خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان. پژوهش‌های جامعه‌شناخت، ۱۶ (۳)، ۱۰۷-۱۲۷.
۱۵. مهدی، ر. (۱۳۹۴). کیفیت زندگی دانشگاهی دانشجویان مطالعه موردی: دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. انجمن آموزش عالی ایران، ۷ (۳)، ۲۶-۲.
۱۶. ودایع، ر. و رضایی، م. (۱۳۹۵). عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی شهروندان با نقش میانجیگری عدالت اجتماعی مورد پژوهشی: شهر فردوسیه شهرستان شهریار. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۶ (۲۴)، ۲۳۱-۲۴۴.
۱۷. هانگر، د.، و ویلن، ت. (۱۳۹۱). اصول مدیریت استراتژیک (ع. خورشیدی، مترجم) تهران: دانشگاه آزاد تهران مرکز.
۱۸. یوسفی، ن.، امانی، ا.، و حسینی، ص. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و اضطراب امتحان با توجه به نقش واسطه‌ای تمایز یافتگی در بین دانش‌آموزان. روانشناسی مدرسه، ۵ (۴)، ۷۴-۵۲.

19. Altynai, B., Bissenbayeva, Z., Dana, B., Elmira, U., & Saltanat, M. (2013). Modern Approaches in Professional Communicative Competence Formation, *Procedia. Social and Behavioral Sciences*, 89(1), 710-714.
20. Babcock Roberson, M. E., & Strickland, O.J. (2019). The Relationship Between Charismatic Leadership, Work Engagement, and Organizational Citizenship Behaviors. *The Journal of Psychology*, 144(3), 313-326.
21. Brown, M., Bergmann, J., Mackey, T., Eichbaum, Q., McDougal, L., Novotny, T., & Faid, M. (2016). Mapping foreign affairs and global public health competencies: Towards a competency model for global health diplomacy. *Journal of global health governance*, 10(2), 3-49.
22. Cavanagh, J., Burston, M., Southcombe, A. and Bartram, T. (2019). Contributing to a graduate-centred understanding of work readiness: An exploratory study of Australian undergraduate students' perceptions of their employability. *The International Journal of Management Education*, 13(1), 278-288.
23. Einarsen, S., M.S. Aasland, & A. Skogstad. (2017). Destructive Leadership Behaviour: A Definition and Conceptual Model. *The Leadership Quarterly*, 18(3), 207-216.

24. Eurico, S. T., da Silva, J. M. & do Valle, P. O. (2020). A model of graduates satisfaction and loyalty in tourism higher education: The role of employability. *Journal of Hospitality, Leisure, Sport & Tourism Education*, 16 (1), 30–42.
25. Hernández-Pina, F. & Monroy, F. (2015). A preliminary study of teachers' perception of core competencies for undergraduate students. *Psicología Educativa*, 21(1), 11-16.
26. Hua, X.H, & Hua, W.Y. (2009). Training system design for middle-level manager in coalenterprises based on postcompetency model. *Journal of procedia earth and planetary science*, 1(1): 1764-1771.
27. Klassen, R. M., Krawchuk, L. L., & Rajani, S. (2008). Academic procrastination of undergraduates: Low self-efficacy to selfregulate predicts higher levels of procrastination. *Contemporary Educational Psychology*, 33(1), 915–931.
28. Lee, P. L. (2017). The Relationship of Family Closeness with College Students' Self-Regulated Learning And School Adjustment. *College Student Journal*, 41(1), 4-15.
29. Lehto, S., Ojanen, M., & Kellokumpu-lehtinen, P. (2015). Predictors of quality of life in newly diagnosed melanoma and breast cancer patients. *Annals of oncology*, 16(5), 805-816.
30. Massam, H. B (2002). Quality of Life: Public Planning and Private Living. *Progress in Planning*, 58(3), 141-227.
31. Michel, G., Bisegger, C., Fuhr, D.C., & Abel, T. (2009). Age and gender differences in health-related quality of life of children and adolescents in Europe: A multilevel analysis. *Qual Lif Res*, 18(9), 1147-1157.
32. Nganga, L., Roberts, A., Kambutu, J., & James, J. (2020). Examining preservice teachers' preparedness and perceptions about teaching controversial issues in social studies. *The Journal of Social Studies Research*, 44(1), 77–90.
33. Nilsson, S. & Ellstrom, P. (2021). Employability and talent management: challenges for HRD practices, *European Journal of Training and Development*, 36(1), 26-45.
34. Olaeta, J. V. (2017). Ethical Competencies and the Organizational Competency 'Responsible University Social Innovation': looking at new ways of understanding universities and the competency-based education model in the context of significant social changes in Latin America. *Tuning Journal for Higher Education*, 4(2), 311-332.
35. Orr, D. (2019). *Democracy Unchained: How to Rebuild Government for the People*. New York: The New Press.

36. Parajuli, D., Vo, K., Salmi, J., & Tran, N. (2021). *Improving the Performance of Higher Education in Vietnam*. Washington: International Bank for Reconstruction and Development.
37. Prokic-Breuer, T. (2011). The Relative Importance of Social and Cultural Capital for Educational Performance: Eastern versus Western Europe, European University Institute, Italy. [http:// bibliothek. wzb. eu/pdf/2011/i11-403.pdf](http://bibliothek.wzb.eu/pdf/2011/i11-403.pdf). Pp. 1-19.
38. Pryor, M.G., Anderson, D., Toombs, L.A., & Humphreys, J.H. (2017). Strategic implementation as a core competency: The 5P's model. *Journal of management research*, 7(1), 1-13.
39. Rondón García, L. M & Ramírez Navarro, J. M. (2018). The Impact of Quality of Life on the Health of Older People from a Multidimensional Perspective. *Journal of Aging Research*, 1(9), 1-7.
40. Rosander, P., Bäckström, M., Stenberg, G. (2015). Personality traits and general intelligence as predictors of academic performance: A structural equation modelling approach. *Learning and Individual Differences*. 21(5), 590–596.
41. Sirgy, M. J., Widgery, R. N., Lee, D. J., Grace, B. Y. (2010). Developing a measure of community well-being based on perceptions of impact in various life domains. *Social Indicators Research*, 96(2), 295-311.
42. Succi, C., & Canovi, M. (2020). Soft skills to enhance graduate employability: comparing students and employers' perceptions. *Studies in Higher Education*, 45(9), 1834-1847.
43. Teijeiro, M., Rungo, P., Freire, M. (2013). Graduate competencies and employability: The impact of matching firms'needs and personal attainments. *Journal of economics of education review*, 34(7), 286-295.
44. Türküm, A. S., Kiziltas, A., Biyik, N., & Yemenici, B. (2015). The investigation of University student's perceptions about family functioning. *Peer reviewed journal*, 5(1), 253-262.
45. UNESCO Institute of Statistics. (2016). Guide to measuring information and communication technologies (ICT) in education. Montreal: UNESCO Institute of Statistics. Available at: <Http://www.uis.unesco.org>.
46. Walker, R., & Shepherd, C. (2016). Strengthening aboriginal family functioning: What works and why? Telethon institute for child health research [On-line]. Available: [www.aifs.gov.au/afrc/pubs/ briefing/ b7pdf/b7.pdf](http://www.aifs.gov.au/afrc/pubs/briefing/b7pdf/b7.pdf).
47. WIPO & Cornell University and INSEAD (2018). Global Innovation Index Effective Innovation Policies for Development, Fontainebleau

An Analysis of Sustainable Development Indicators in Urban Neighborhoods (Case Study: 14 Neighborhoods in Region 3 of Isfahan)

Kourosh Momeni¹

Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Jundishapur University of Technology, Dezful, Iran

Mahnaz Hossieni Siahgoli

Ph.D. in Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Safiyeh Damanbagh

Ph.D. in Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 29 December 2023

Revised: 16 March 2024

Accepted: 23 March 2024

Abstract

Urban neighborhoods, as the smallest unit of the spatial organization in the city, play an essential role in urban sustainability so that the sustainability of neighborhoods can be a measure against which the outcomes of urban policies that connect diverse aspects and issues of the city could be analyzed. Despite the importance of neighborhood sustainability indices, scant attention has been paid to the issue of sustainable indices of urban neighborhoods in Isfahan. The purpose of this research is to evaluate the sustainability of 14 neighborhoods in Region 3 of Isfahan using a quantitative method. The statistical population includes the citizens of Isfahan. A sample size of 425 people was selected from among the residents of Region 3 of Isfahan using Cochran's formula. Data analysis was conducted using a one-sample T-test and ANP method by Super Decision network analysis software. As shown by the results of the T-test, to many citizens, physical-environmental and health-treatment indicators are in a sustainable state while sociocultural and economic indicators are on the edge of unsustainability, which has provoked dissatisfaction among the citizens. Also, the results of the ANP model, the physical-environmental criterion (normal weight: 0.305) is the first priority, the economic criterion (normal weight: 0.285) is the second priority, the socio-cultural criterion (normal weight: 0.157) is the third priority, and the health-treatment criterion

1. Corresponding Author, Email: k_momeni@jsu.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Momeni, K. , Hossieni Siahgoli, M. and Damanbagh, S. (2024). An Analysis of Sustainable Development Indicators in Urban Neighborhoods (Case Study: 14 Neighborhoods in Region 3 of Isfahan). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 125-155. doi: 10.22067/social.2024.86129.1465

(normal weight: 0.147) is the fourth priority. In terms of sustainable development, Khajo, Charkhab, Baghkaran, Malik, Naqshjahan, Ahmadabad, Shahshahan, Qala Tabara, Sarcheshmeh, Sanbalistan, Golzar, Imamzadeh Ismail, Joybareh, and Sartawa neighborhoods run the gamut from the most sustainable to the most unsustainable neighborhoods, respectively.

Keywords: Urban neighborhood, Sustainable development, Sustainability of urban neighborhoods, Isfahan city.

تحلیلی بر شاخص‌های توسعه پایدار در محلات شهری (نمونه موردی: محلات ۱۴ گانه منطقه ۳ شهر اصفهان)

کوروش مؤمنی (دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول،

دزفول، ایران، نویسنده مسئول)

k_momeni@jsu.ac.ir

مهناز حسینی سیاه گلی (دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز،

ایران)

m.hoseini6768@gmail.com

صفیه دامن باغ (دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران)

safiyeh_damanbagh@yahoo.com

چکیده

محلّه‌های شهری به‌عنوان کوچک‌ترین واحد سازمان فضایی شهر در پایداری شهری نقش اساسی ایفا می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که پایداری محلّه‌ها می‌تواند معیاری برای تحلیل نتیجه سیاست‌های شهری باشد که جنبه‌ها و موضوعات مختلف شهری را باهم مرتبط می‌کند. با وجود اهمیت شاخص‌های پایداری محلّه‌ای، تاکنون کمتر به مسئله شاخص‌های پایدار تأثیرگذار در ساماندهی محلّه‌های شهری اصفهان پرداخته شده است. از این رو، هدف پژوهش حاضر ارزیابی پایداری محلات ۱۴ گانه منطقه ۳ شهر اصفهان است که با استفاده از روش کمی انجام شده است. جامعه آماری شامل شهروندان شهر اصفهان است و حجم نمونه نیز ۴۲۵ نفر از ساکنان محلات منطقه ۳ شهر اصفهان بوده که با استفاده از فرمول کوکران برآورد شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون T در قالب نرم‌افزار SPSS 20 و روش ANP در قالب نرم‌افزار تحلیل شبکه‌ای Super Decision استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون T نشان می‌دهد که از نظر شهروندان دو شاخص کالبدی-زیست‌محیطی و بهداشتی-درمانی در وضعیت پایداری قرار گرفته است؛ درحالی‌که دو شاخص اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی در سطح ناپایداری قرار گرفته که باعث نارضایتی شهروندان شده است. همچنین، نتایج مدل ANP حاکی از آن است که معیار کالبدی-زیست‌محیطی با وزن نرمال ۰.۳۰۵، اولویت اول، معیار اقتصادی با وزن نرمال ۰.۲۸۵ در اولویت دوم، معیار اجتماعی-فرهنگی با وزن نرمال ۰.۱۵۷ در اولویت سوم، معیار بهداشتی-درمانی با وزن

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست‌ویکم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۹ صص ۱۵۵-۱۲۵

تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۰۱/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۸

نرمال ۰.۱۴۷ در اولویت چهارم قرار دارد. از نظر اولویت بندی نهایی نیز به ترتیب محله های خواجو، چرخاب، باغ کاران، ملک، نقش جهان، احمدآباد، شهبهان، قلعه طبره، سرچشمه، سنبلستان، گلزار، امامزاده اسماعیل، جویباره و سرتاوه از پایدارترین تا ناپایدارترین سطح وضعیت از نظر توسعه پایدار محله ای قرار گرفته اند.

واژگان کلیدی: محله شهری، توسعه پایدار، پایداری محلات شهری، شهر اصفهان.

۱. مقدمه

جهان به سرعت در حال شهری شدن است (لطفی و حسنعلی زاده، ۱۳۹۹: ۱۵۳) و برای اولین بار در سال ۲۰۰۷ میلادی نیمی از جمعیت جهان شهری شده اند (کریستین، دی ویرت و کانبور^۱، ۲۰۱۵: ۵۶). این روند افزایش جمعیت و شهرنشینی باعث شده است که شهرها از یکسو کانون های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فضایی (وارول، ارکوسکون و گورر^۲، ۲۰۱۱: ۱) و از سوی دیگر مناسب ترین مکان برای مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی به شمار روند (کانلی^۳، ۲۰۰۷: ۲۵۹). بنابراین، مظاهر اصلی توسعه و دست آوردهای اعم از منفی و مثبت آن عمدتاً در شهرها اتفاق می افتد. یکی از مباحث مهم و حیاتی که امروزه توجه سیاست گذاران و برنامه ریزان شهری را به خود جلب کرده است، بحث محله های شهری و پایداری این محلات است. محله ها به عنوان محیطی که بیشترین وقت افراد در آنها سپری می شود، پلی بین جنبه اجتماعی و زیستی زندگی آنها بوده و تأثیر بسیار عمیقی بر سلامت جسمانی و روانی افراد دارند (آزاده، زربخش، پرویزی و زالی، ۱۳۹۸: ۱۸۶).

تا چند دهه پیش در اغلب شهرها محله ها از اعتبار، نقش و جایگاه ویژه ای در نظام روابط و تعاملات اجتماعی برخوردار بودند و اکثر ساکنان نیازهای خود را در محله تأمین می کردند؛ اما در چند دهه اخیر با توجه به پدیده جهانی شدن و عصر ارتباطات جهانی ما شاهد کاهش روابط در این سطح هستیم (ربانی خوراسگانی، صدیق اورعی و خنده رو، ۱۳۸۸: ۲). همچنین، محله های

1. Christiaensen, De Weerdt, & Kanbur

2. Varol, Ercoskun, & Gurer

3. Conelly

شهری به عنوان کوچک ترین واحد سازمان فضایی شهر، در پایداری شهری نقش اساسی ایفا می کنند، به گونه ای که شکل گیری هویت محله ای، اقتصاد محلی، ایمنی، توسعه فضایی و کالبدی و تحکیم روابط اجتماعی با پایداری محله های شهری، ارتباط می یابد (هوشیار و شریفی، ۱۳۹۶: ۱۵۰). مبحث پایداری در برنامه ریزی شهری روز به روز اهمیت بیشتری می یابد. اگرچه در زمینه برنامه ریزی شهری، پایداری در مرکز توجه برنامه ریزان است، به دلایلی چند در توسعه محلات کمتر به پایداری آنها توجه شده است. در حالی که اگر در توسعه محلات که اجزای تشکیل دهنده یک شهر هستند، به معیارها و شاخص های توسعه پایدار توجه نشود، نخواهیم توانست شهر مذکور را شهری پایدار بنامیم (چوگیول^۱، ۲۰۰۸: ۴۵). بنابراین، برنامه ریزی شهری پایدار بر این اصول استوار است که فضای یک شهر درون محله شکل می گیرد و بر پایه آن تداوم می یابد (عزیزی، ۱۳۸۵: ۴۵).

با این حال، اگر اجزای شهرها مثل محله ها از معیارهای پایداری برخوردار نباشند، نمی توان آنها را توسعه قلمداد کرد (احمدی و توکلی، ۱۳۹۵: ۱۵۴). بحث توسعه پایدار محله ای توانایی جوامع کوچک محلی (محلات) در بهره برداری و استفاده از منابع طبیعی، انسانی و اکولوژیکی است؛ به گونه ای که همه اعضای اجتماعات محله ای در حال حاضر و آینده از سطوح مناسبی در بهداشت و سلامت، زندگی مطلوب، امنیت، یکپارچگی میان محیط زیست و فعالیت انسانی و اقتصادی پویا برخوردار هستند (میمندی پاریزی، ۱۳۹۴: ۸۲). در کنار این مباحث، عدم توجه به مسائل محله ای و جوامع محلی، معضلات عدیده ای را در شهرها به دنبال داشته و سبب ایجاد مانع برای توسعه عمومی کشور شده است (پیربابایی، ۱۳۸۳: ۶۱).

در واقع، معرفی و کاربرد شاخص های توسعه پایدار ضرورتی است که در کشور ایران کمتر به آن توجه شده است؛ بدین معنا که با توجه به روند سریع شهری شدن گستره وسیعی از فضاهای جغرافیایی ایران با تعادل بنیادین در اکثر شهرها به ویژه در کلان شهرها همراه نبوده است. بررسی وضع موجود، برنامه ریزان و مدیران شهری را ناگزیر از توجه به برنامه ریزی در

مقیاس‌های خرد در قالب واحدها و سلول‌های شهری یعنی محله‌ها کرده است؛ زیرا در این صورت است که می‌توان با برنامه‌ریزی مناسب و استفاده از منابع محلی به شاخص‌های توسعه محله‌های شهری دست یافت (اذانی، مختاری ملک آبادی و مولایی بیرگانی، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

شهر اصفهان یکی از کلان‌شهرهای ایران است که از نظر تقسیمات شهری به ۱۴ منطقه تقسیم می‌شود و منطقه ۳ آن دارای ۱۴ محله است و نتایج حاصل از بررسی‌هایی که اخیراً روی محلات آن انجام شده، نشان می‌دهد برقراری کیفیت و عدالت در این مناطق و محلات با مشارکت مردم انجام می‌پذیرد و بدون آن قابل تصور نیست؛ پس می‌توان گفت توسعه پایدار شهرها از توسعه محلات شروع می‌شود (اذانی، مختاری ملک آبادی و مولایی بیرگانی، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

با توجه به اهمیت توسعه پایدار در شهر و با مشخص کردن شاخص‌های توسعه پایدار محله‌ای و با توجه به اینکه کمتر به مسئله شاخص‌های پایدار تأثیرگذار در ساماندهی محله‌های شهری پرداخته شده است، این پژوهش می‌تواند در ماندگاری و حفظ هویت محله‌های شهری تأثیرگذار بوده و مباحث جدیدی را برای بهتر عمل کردن شاخص‌های پایداری مطرح کند. بنابراین، ضرورت پژوهش حاضر، بررسی ارتباط مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی محله با توسعه پایدار محله‌ای و توجه و تأکید بر نقش محله در سیاست‌های برنامه‌ریزی شهری و توسعه پایدار است تا از این رهگذر کیفیت زندگی شهروندان را ارتقاء ببخشد و شهرها را به سمت و سوی پایداری سوق دهد. در واقع، پژوهش حاضر در راستای پاسخ‌دهی به سؤال‌های زیر انجام می‌شود:

کدام شاخص توسعه پایدار محله‌ای مهم‌ترین شاخص برای ارزیابی محلات ۱۴ گانه در منطقه ۳ شهر اصفهان است؟ کدام محله اولویت بیشتری بر اساس معیارهای توسعه پایدار محله‌ای در بین محلات منطقه سه دارد؟

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با محله های شهری و توسعه پایدار محله مطالعاتی انجام شده است که به تعدادی از آنها اشاره می شود.

میرزابیگی، مجتبی زاده خانقاهی و سرور (۱۴۰۱) در پژوهشی به سنجش شاخص های توسعه در پایداری نواحی شهری مطالعه موردی: شهر ایلام پرداخته اند. نتایج نشان داد که بر اساس نظر خبرگان، شاخص های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، امنیت و زیستی به ترتیب با اهمیت ترین شاخص ها شناسایی شده اند. همچنین، نواحی پیرامونی شهر به ویژه نواحی واقع در نواحی شرق، جنوب و جنوب غربی وضعیت نامناسب تری نسبت به سایر نواحی دارند و در مقابل مناطق مرکزی شهر در مجاورت شمالی، وضعیت مناسبی را از نظر شاخص های اجتماعی-اقتصادی را دارند. تحلیل الگوی فضایی نحوه توزیع توسعه یافتگی در شهر نیز علاوه بر اینکه مؤید تمرکز محلات توسعه یافته در نواحی مرکز و میانه شهر و تجمع محلات توسعه نیافته در نواحی پیرامونی جنوب و غرب شهر است که این امر از تصادفی نبودن این وضعیت و وجود الگوی فضایی خوشه ای حکایت دارد.

آزاده، زربخش، پرویزی و زالی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر کیفیت محله های شهری با تأکید بر مؤلفه های شهر پایدار که بر روی محله هوسم، شهر رودسر انجام داده اند، به این نتیجه رسیده اند که بعد اجتماعی با وزن نسبی ۰/۳۹۹ ابعاد اهمیت بیشتری در سطح پایداری محله های شهری دارد. همچنین، نتایج یافته های پژوهش درباره وضعیت محله مورد مطالعه حاکی از آن است که معیار اجتماعی با میانگین ۲/۵۷۸ و امتیاز نسبی ۰/۲۶۳ در جایگاه اول قرار دارد؛ اما باید گفت طبق طیف لیکرت میزان پایداری محله بر اساس این شاخص که نسبت به دیگر شاخص ها رتبه برتر دارد، در حد متوسط به پایین است. این موضوع بیانگر این است که میزان پایداری محله مورد مطالعه در سطح ضعیف و بسیار ضعیف قرار دارد.

احقر و ملک حسینی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر شاخص های برنامه ریزی محله محور در توسعه پایدار شهری بر روی محله گلپا در شهر همدان انجام داده اند به این نتیجه

رسیده‌اند که سطح معناداری دو متغیر جنسیت و شاخص‌های توسعه پایدار برابر با ۰/۱۵۶ (بیشتر از ۰/۰۵) و حاکی از عدم معناداری رابطه بین این دو متغیر است. بین سن و شاخص‌های توسعه پایدار پاسخ‌گویان ساکن محله گلپا سطح معناداری این دو متغیر برابر با ۰/۰۰۰ (کمتر از ۰/۰۵) است، می‌توان گفت رابطه معناداری بین دو متغیر وجود دارد. میزان هم‌بستگی این دو متغیر برابر با ۰/۵۰۷ و نشان‌دهنده هم‌بستگی متوسط به پایین و مستقیم بین این دو متغیر است.

کلبادی، حبیب و طغیانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان بررسی تطبیقی پایداری محلات شهری با تأکید بر کیفیت محیط شهری در جغرافیای شهر تهران در محلات سنگلج و هفت‌حوض، به این نتیجه رسیده‌اند که با در نظر گرفتن قدمت متفاوت محلات، میانگین مؤلفه‌های تبیین‌کننده پایداری همچنین سوی هر یک از این مؤلفه‌ها در تبیین پایداری محلات سنگلج و هفت‌حوض متفاوت است.

اجزاء شکوهی و حسینی (۱۳۹۶) در پژوهشی که با عنوان سنجش و ارزیابی وضعیت توسعه پایدار محله‌ای در چند محله شهر تهران انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص‌های پایداری محله‌ای، محله نیلوفر با مقدار شاخص ویکور ۰/۰۱۷ و محله ولیعصر شمالی با مقدار شاخص ویکور ۱، به ترتیب در بهترین و بدترین شرایط و محله‌های امامیه و آشتیانی نیز با مقدار پایداری ۰/۱۶۰ و ۰/۶۱۳ در رتبه‌های دوم و سوم پایداری محله‌ای قرار دارند.

احدنژاد روشنی، محمدی حمیدی و سبجانی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان سنجش پایداری محلات شهری با تأکید بر رویکرد محلات پایدار شهری (SUN) در شهر میاندوآب، به این نتیجه رسیده‌اند که محلات این شهر در سه طیف با وضعیت مطلوب، نیمه‌مطلوب و نامطلوب رتبه‌بندی شدند که در این طیف‌بندی مجموعاً هشت محله در جایگاه مطلوب از لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه قرار گرفته‌اند که بیشتر متأثر از موقعیت ممتاز آنها در سطح شهر است. این در حالی است که ده محله دیگر در طیف سوم با وضعیت نامطلوب قرار دارند که این محلات به لحاظ بافت جزء محلاتی هستند که ریشه شکل‌گیری آنها مناطق روستایی بوده است و به مرور زمان به محدوده شهر الحاق شده‌اند.

موحد و کرده (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان سطوح پایداری در محله های شهری در محلات شهر مهاباد، به این نتیجه رسیده اند که از لحاظ ابعاد پایداری شامل اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی و خدماتی محله های این شهر در سطوح متفاوتی از کاملاً پایدار، نیمه پایدار تا ناپایدار دسته بندی شده اند.

هوسکارا (۲۰۱۴) در پژوهشی که با عنوان مقدمه ای برای رسیدن به محله پایدار انجام داده است به این نتیجه رسیده که بررسی ویژگی های اصلی یک محله پایدار و درک عوامل بنیادی به منظور ارتقاء سطح از مفهوم پایداری در محله های شهری از طریق افزایش کیفیت زندگی و دستیابی به توسعه پایدار در شهرهاست.

استوئن (۲۰۱۴) در پژوهشی که با عنوان ویژگی های توسعه پایدار محله ای انجام داده به این نتیجه رسیده است که تغییر در بافت اجتماعی از مسائل مهم در کاهش نابرابری های و اجتناب از طرد و جابه جایی گروه های محروم در داخل نواحی شهری است.

میلوانوویچ^۱ و لکیچ^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی به ارزیابی شاخص های توسعه پایدار محله ای و پایداری شهری پرداخته اند. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی به دنبال شناسایی مجموعه ای مختلف از شاخص های قابل اجرا در سطح جهانی بوده است و یک نمای کلی از برخی شاخص های خاص (ترکیب) توسعه پایدار ارائه می دهد.

کمبل و بهادر^۳ (۲۰۲۰) در پژوهشی به ارزیابی پایداری محلات شهری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه پرداخته اند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که موضوعات انرژی، آب و فاضلاب و حمل و نقل در سیستم محله های کشورهای در حال توسعه تأکید می شود؛ در حالی که به موضوع اجتماعی در کشورهای توسعه یافته توجه شده است.

مهره کش و صابری (۱۴۰۱) به شناسایی شاخص های مؤثر در زیست پذیری مناطق شهری^۱، ۵ و ۸ شهرداری اصفهان با استفاده از تحلیل عاملی در شناسایی شاخص های مؤثر در

1. Milovanović

2. Lekić

3. Kamble & Bahadure

زیست‌پذیری محلات شهری انجام داده‌اند. معمار (۱۳۹۰) به تحلیل جامعه‌شناختی نیازهای اجتماعی و کالبدی محلات شهر از دیدگاه توسعه پایدار محله‌ای شهر اصفهان پرداخته است که در این پژوهش اولویت نیازهای شهروندان به طور کلی بررسی شده است و شاخص‌ها اولویت‌بندی شده‌اند.

تیموری، اذانی، مومنی و صابری (۱۴۰۱) به تبیین نقش مؤلفه‌های هویت‌بخش در پایداری محله‌های بافت قدیم و جدید مناطق ۳ و ۷ شهر اصفهان با استفاده از نظر متخصصین، اندیشمندان، صاحب‌نظران، دانشگاهیان و مسئولان بافت قدیم و جدید مناطق سه و هفت شهر اصفهان با استفاده از آزمون هم‌بستگی ارتباط بین هویت و پایداری بافت قدیم و جدید محله‌های منتخب مناطق ۳ و ۷ پرداخته‌اند؛ اما تا کنون منطقه ۳ شهر اصفهان از لحاظ شاخص‌های پایداری محله‌ای بررسی و محلات آن رتبه‌بندی نشده‌اند و از نظر روش مورد استفاده هم این پژوهش با روش‌های پژوهش‌های پیشین تفاوت دارد.

وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین در این است که در پژوهش‌های مذکور، سه جهت‌گیری اساسی را می‌توان مشخص کرد. در برخی از آنها سنجش میزان پایداری و در برخی دیگر، تهیه ابزارهایی برای شناسایی و سنجش شاخص‌های پایداری و در گروهی دیگر، شیوه‌های افزایش پایداری محلات هدف اصلی بوده است. از لحاظ مکانی تا کنون پژوهش‌های گوناگونی در زمینه شاخص‌های پایداری در مناطق دیگر شهر اصفهان انجام شده است. از جمله اذانی، مختاری ملک آبادی و مولایی بیرگانی (۱۳۹۳) به بررسی شاخص‌های توسعه پایدار محله‌ای منطقه ۱ شهر اصفهان پرداخته‌اند که در آن وضعیت محلات از نظر جمعیت و مساحت بررسی شده است. اذانی، مختاری ملک آبادی و مولایی بیرگانی (۱۳۹۲) شاخص‌های توسعه پایدار محله‌ای منطقه ۱۳ اصفهان با استفاده از مدل ارزیابی تاپسیس، شاخص‌های توسعه پایدار محله‌ای را تجزیه و تحلیل کرده‌اند.

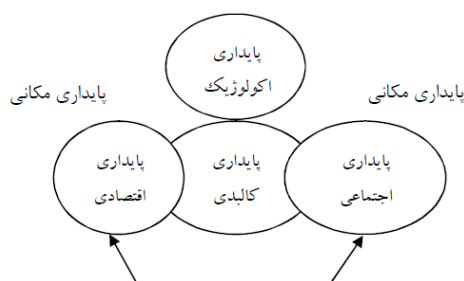
اهمیت انتخاب منطقه ۳ شهر اصفهان برای بحث پایداری محلات نیز به این دلیل بوده است که منطقه سه شهرداری اصفهان با مساحت ۲۹۹/۰۶ هکتار بافت فرسوده بخش عظیمی از بافت تاریخی شهر اصفهان را شامل می‌شود و دارای ۹ پهنه بافت فرسوده است. این بخش از اصفهان

تاریخی با وجود دارا بودن پتانسیل های ویژه در صورت بی توجهی به پایداری محلات آن علاوه بر خالی شدن از سکنه بومی و جایگزینی اقشار مهاجر با منزلت اجتماعی پایین فرسودگی کالبدی و عملکردی بناها و مجموعه ها موجب کاهش جذب گردشگر می شود که بالطبع، تأثیری بس فراگیر به سایر مناطق و محلات شهر خواهد گذاشت. بنابراین، توجه به پایداری محلات این منطقه نه تنها موجب ساماندهی بافت محلات آن منطقه می شود، بلکه در کل شهر اصفهان اثرات مطلوبی را به همراه خواهد داشت. به صورت خلاصه، آنچه از بررسی پیشینه پژوهش در این زمینه قابل درک است، آن است که یا وجود مطالعاتی که در زمینه پایداری و به ویژه در محلات شهری انجام شده است، مطالعه ای درباره تحلیل شاخص های توسعه پایدار در محلات شهری در محلات ۱۴ گانه منطقه ۳ شهر اصفهان به شکلی که در این پژوهش آمده است، انجام نشده است. بنابراین، مطالعه حاضر برای پرکردن این خلأ پژوهشی انجام شده است.

۲.۲. چهارچوب مفهومی

به دنبال افزایش مشکلات و مسائل مختلف از جمله مسائل محیط زیستی در سطح جهان، متفکران و نظریه پردازان در طی سال های اخیر دنبال یافتن راهکارهایی برای حل این مشکلات بوده اند. در این میان نظریه «توسعه پایدار شهری» یکی از نظریه ها و دیدگاه هایی است که برای پاسخ به این مسائل و مشکلات مطرح شده است. این نظریه طی دو دهه اخیر به الگوی نوینی در برابر دیدگاه های علمی و سیاست های عملی مطرح شده است. بر اساس این نظریه و مطرح شدن محله به عنوان «سلول زندگی شهری»، تحقق توسعه پایدار نیز تنها در قالب توسعه محله ای در مقیاس محلی و در ادامه تفکر «جهانی بیندیش و محلی عمل کن» نیز پیگیری شد (موحد، کمان رودی، ساسان پورو قاسمی کفرودی، ۱۳۹۳: ۵۴۴). با قرارگرفتن دو نظریه توسعه پایدار و مکتب محیط گرایان فرهنگی، دیدگاهی با عنوان توسعه محله ای پایدار تبیین گردد (آزاده، زربخش، پرویزی و زالی ۱۳۹۸: ۱۸۶). توسعه محله ای در قالب فرایندی مشارکتی، دموکراتیک و مردم محور از چندین دهه گذشته، در کشورهای توسعه یافته به عنوان محور برنامه های توسعه

پایدار شهری و مناطق کلان شهری تأکید شده است (سالیوان^۱، ۲۰۰۴). هدف نهایی توسعه پایدار محله‌ای ارتباط میان سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی است؛ بدین معنی که از فرایندهای اجتماعی برای بهبود هویت و ساختار کالبدی و ایجاد ظرفیت برای توسعه‌های آتی استفاده می‌شود؛ به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی با مردم و نه برای آنها، عنصر کلیدی توسعه محله‌ای است (ساسان‌پور، موحد، مصطفوی صاحب و یوسفی فشکی، ۱۳۹۳: ۷۵). شکل (۱)، حلقه‌های ارتباط ابعاد پایداری در توسعه پایدار را نشان داده است.



شکل ۱. حلقه‌های ارتباط ابعاد پایداری در توسعه پایدار

منبع: محمدزاده، ۱۳۸۴: ۳۷

امروزه توسعه پایدار محله‌ای، لازمه توسعه پایدار شهری (لویدریتز، جی لانگ و وردن^۲، ۲۰۱۳: ۴۱) است که در چهارچوب توسعه پایدار شهری، هدف نهایی از برنامه‌ریزی برای شهرها و هر نوع اقدام اصلاحی در کالبد شهر، تأمین رفاه شهروندان و دستیابی به پایداری شهری است (مرصوصی و صائبی، ۱۳۸۸: ۷۳). این امر برای برنامه‌ریزی مورد توجه جدی مسئولان و برنامه‌ریزان «فضایی نهادی» محله به‌عنوان بهترین مقیاس یا پهنه شهری واقع شده است (اجزاء شکوهی و حسینی، ۱۳۹۶: ۳۴۳). بنابراین، از آنجا که برنامه‌ریزی پایدار بر این اصل استوار است که فضای یک شهر در درون محله شکل می‌گیرد و بر پایه آن تداوم می‌یابد، می‌توان توسعه پایدار محله‌ای را چنین تعریف کرد: «توسعه پایدار محله‌ای به‌عنوان فرآیندی که ابزارها و

1. Sullivan

2. Luederitz, Lang & Wehrden

سرمایه های گوناگون کالبدی، اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنین محلات را برای ارتقاء و تعالی سطح زندگی فردی و اجتماعی ساکنین یک شهر و یا جامعه به کار می گیرد، اطلاق می شود» (تورکو^۱، ۲۰۱۲: ۱۰۳).

در تعریفی دیگر به عقیده اسکات، جامبک و اسکات (۲۰۱۴)، توسعه پایدار محله ای، فرایندی از کنش ها و ارتباطات متقابل و مداوم است که با افزایش تعامل ها و همبستگی ها در سطح محله، زمینه دستیابی به توسعه ای پایدار را در سطح شهر و در نهایت جامعه به همراه خواهد آورد (اسکات، جامبک و اسکات^۲، ۲۰۱۴). همچنین، توسعه پایدار محله ای توانایی جوامع کوچک محلی (محلات) در بهره برداری و استفاده از منابع طبیعی، انسانی و اکولوژیکی است؛ به گونه ای که همه اعضای اجتماعات محله ای در حال حاضر و آینده از سطوح مناسبی در بهداشت و سلامت، زندگی مطلوب، امنیت، یکپارچگی میان محیط زیست و فعالیت انسانی و اقتصادی پویا برخوردار شوند (میمندی پاریزی، ۱۳۹۴: ۸۲).

به طور کلی می توان گفت که مهم ترین معیارهای دستیابی به پایداری محله ای عبارتند از: افزایش بهره وری و کارایی در سامانه های حمل و نقل و تولید مسکن، بومی سازی و کاربرد شیوه های پایداری در منابع محله ای، توسعه و گسترش استفاده از فناوری اطلاعات، حرفه پایدار گردشگری با محوریت نواحی طبیعی و فرهنگی و تاریخی، طراحی شهرها و مسکن بر مبنای استفاده بهینه از توسعه مردم گرا (روزلند^۳، ۲۰۰۴: ۹۴). بنابراین، شرایط پایداری در شهر به شرایط خاصی مانند استفاده مناسب از منابع شهر، حفاظت از محیط زیست طبیعی، حداقل استفاده ممکن از منابع غیر تجدیدپذیر، تنوع و رشد اقتصادی، افزایش اعتماد به نفس جامعه و رفاه فردی اطلاق می شود (رسولی منش، بدارالزمان و جعفر^۴، ۲۰۱۲: ۶۲۷).

به دنبال مسائل اخیر، پایداری محلات شهری در سال ۲۰۰۹ توسط مؤسسه جوزف راونتری و مؤسسه توسعه اقتصاد شهری برای کشف تجربیات دست اول از مجتمع های جدید در حال

1. Turcu

2. Scott, Jambeck, & Scott

3. Roseland

4. Rasoolimanesh, Badarulzaman, & Jaafar

توسعه در شهرهای جدید انگلستان تهیه و تنظیم شد. پس از آن با مطالعات امکان‌سنجی توسط میشل کارلی و نیکلاس فالک این موضوع ادامه پیدا کرد (فالک و کارلی^۱، ۲۰۱۲: ۳). در این رویکرد، یک محله پایدار شهری باید مکانی برای زندگی نسل‌های آینده، دارای ارزش و اعتبار باشد (رودلین و فالک^۲، ۲۰۰۹: ۶). از دیدگاه دانشمندان برای پایداری محلات اصول زیادی وجود دارد که به گزیده‌ای از مهم‌ترین این دیدگاه‌ها در جدول (۱) اشاره شده است.

جدول ۱. اصول پایداری محلات از دید اندیشمندان

منبع: ساسان‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۵

اندیشمند	اصول و معیارهای پایداری محلات
Anne Power	فعال، جامع و امن / برخورداری از عدالت اجتماعی / حساسیت محیطی / طراحی و اجرای مناسب / خدمات‌رسانی پاسخ ده / شبکه ارتباطات مناسب و منسجم / ایجاد پتانسیل‌هایی جهت پیشرفت و ترقی / مدیریت صحیح
Claire Bonham-Carter	تراکم و جابه‌جایی / اختلاط کاربری‌ها / تنوع گونه‌های ساختمانی و نوع تصرف به علاوه تنوع گونه‌های معماری / قابلیت پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری / طراحی شهری حساس به منابع آب / بهره‌وری انرژی / اکولوژی و قطعه‌های باز / قلمروی عمومی / پاسخ‌دهندگی فرهنگی / شخصیت مجزا / مدیریت محلی
Hugh Barton	ثبات اقلیم / منابع طبیعی / محیط زیست / تدارکات اجتماعی / پایداری اقتصادی / پایداری اجتماعی
Mark Roseland	سرمایه طبیعی / سرمایه کالبدی / سرمایه اقتصادی / سرمایه انسانی / سرمایه اجتماعی / سرمایه فرهنگی
Mike Raco	اختلاط مناسب گروه‌های اجتماعی مختلف / فرصت‌های شغلی / دسترسی به محیط مصنوع
Patrick M. Condon	احیای ترامواهای شهری / طراحی یک سیستم خیابان‌کشی به هم پیوسته / مکانیابی خدمات تجاری، ایستگاه‌های حمل و نقل و مدارس در فاصله پنج دقیقه‌ای پیاده‌روی / مکانیابی مشاغل با ارزش در نزدیکی خانه‌های افراد / ایجاد تنوعی از گونه‌های مختلف خانه‌سازی / خلق سیستم زنجیروار از پارک‌ها و مناطق طبیعی / ایجاد و به کارگیری زیرساخت‌های سبکتر، سبزتر، ارزانتر و هوشمندتر

1. falk & carley

2. Rudlin & falk

درباره محله های شهری دیدگاه های گوناگونی از جمله دیدگاه جامعه شناسی شهری، علوم اجتماعی، جغرافیایی شهری و برنامه ریزی شهری و غیره بیان شده که در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. دیدگاه های مختلف مربوط به محله های شهری

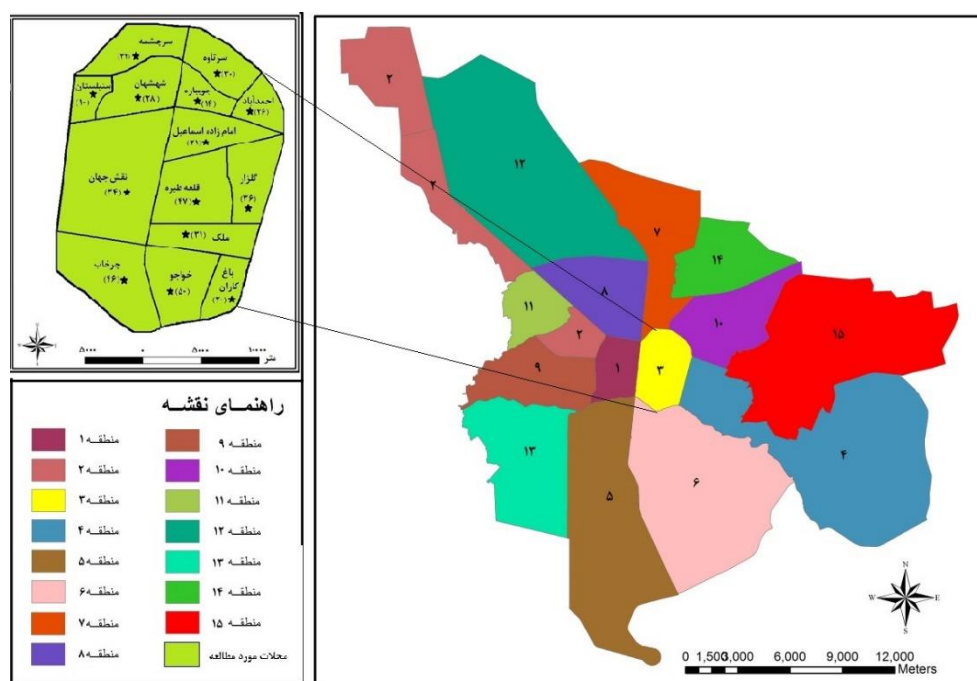
منبع: (ساسان پور، ۱۳۸۷)، (موحد و کرده، ۱۳۹۵)، (Cown, 2005: 256)

دیدگاه	نظریه ها
جامعه شناسی شهری	محله های شهری به مفهوم واحدهای اجتماعی حقیقی هستند که تا حدی به صورت اتفاقی و ناخودآگاه به وجود آمده اند و باگذشت زمان توانسته اند شکل و قالب ثابت و پایداری به خود بگیرند و حریم معینی برای خود تعریف کنند. در حقیقت این محله ها از مجموعه افرادی با ویژگی های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و به خصوص اقتصادی مشابه تشکیل می شود که به واسطه نوعی همبستگی و روابط متقابل جمعی به وجود می آیند. بر این اساس ویژگی هر محله برحسب مورد و مختصات اجتماعی، آن را از سایر محله ها متمایز می سازد.
علوم اجتماعی	محله (الف) حوزه کوچک مسکونی؛ (ب) ساکنان این حوزه؛ (ج) روابطی که میان ساکنان وجود دارد یا واقعیت و کیفیت نزدیکی آنان با یکدیگر، دلالت دارد. کاربرد علمی این اصطلاح در حوزه علوم اجتماعی تا حد زیادی متأثر از نظریات چارلز هورتون کولی بود که بر روابط گروه اختیاری نخستین و حضورشان در محله تأکید می کرد
جغرافیایی شهری	مفهوم محله ضمن دارا بودن مکان معین، به اجتماعی اطلاق می شود که در چنین فضایی سکونت دارند و از برخورد های فراوان نخستین یا رویارویی با یکدیگر بهره مند می شوند. ماهیت محله از دیدگاه جغرافیدان شهری و اجتماعی فرصتی برای مردم فراهم می آورد تا با یکدیگر دیدار کنند، درگذران زندگی روزمره شرکت جویند و در تلاش به منظور غلبه بر مشکلاتشان به همکاری بپردازند به همین دلیل پاور نیز مدعی است که محله و حس همسایگی از تأثیر موقعیت مکانی بر جامعه ناشی می شود، اما به صورت خود به خودی روی نمی دهد.
برنامه ریزی شهری	محله را می توان به صورت بخش قابل شناسایی از محدوده ای شهری یا محدوده ای ترکیب شده از کاربری های تأمین کننده نیازهای ساکنان در ساختار شهر تعریف کرد.

۳.۲. قلمرو پژوهش

محدوده مورد مطالعه در پژوهش حاضر، منطقه ۳ شهر اصفهان با مساحتی برابر ۱۱۴۴ هکتار و با جمعیتی برابر ۱۱۱/۸۸۹ نفر است. تراکم جمعیتی در این منطقه برابر با ۹۸ نفر در هکتار است. این منطقه از طرف شمال به خیابان سروش، از طرف شمال غربی به خیابان مدرس، از

طرف مشرق به خیابان بزرگمهر، از طرف جنوب به رودخانه زاینده رود و از طرف غرب به خیابان چهارباغ عباسی محدود می شود (آمارنامه شهر اصفهان، ۱۳۹۵: ۵۳). قلمرو پژوهش در شکل (۲) نشان داده شده است.



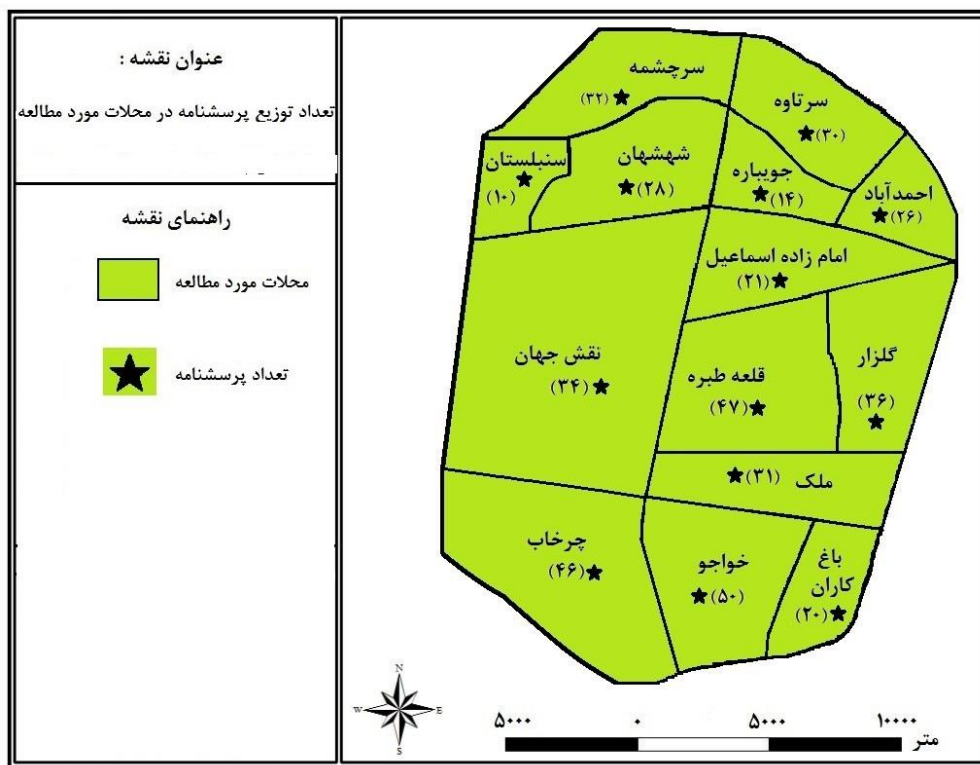
شکل ۲. قلمرو جغرافیایی شهر اصفهان

تنظیم: نگارندگان

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و باتوجه به ماهیت موضوع و مؤلفه های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر فرآیند پژوهش، رویکرد کمی است. جمع آوری اطلاعات و داده ها به دو صورت «اسنادی و پیمایشی» انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شهروندان منطقه ۳ شهر اصفهان است. منطقه ۳ اصفهان دارای ۱۴ محله شامل سرچشمه (۸۴۳۷ نفر)، سر تاوه (۸۰۸۷ نفر)، احمدآباد (۶۸۷۸ نفر)، جویبار (۳۶۲۵ نفر)، شهشهان (۷۳۲۵ نفر)، سنبلستان (۲۶۷۴ نفر)، نقش جهان (۸۹۴۷ نفر)، امامزاده اسماعیل (۵۵۴۸ نفر)، گلزار (۹۴۹۴ نفر)، قلعه طبره (۱۲۴۵۳ نفر).

نفر)، ملک (۸۱۲۸ نفر)، چرخاب (۱۱۸۵۰ نفر)، خواجو (۱۳۱۷۳) و باغ کاران (۵۲۳۴ نفر) است. با توجه به وسعت جامعه آماری و نبود دسترسی به تمامی اعضای جامعه از روش نمونه گیری برای گردآوری اطلاعات استفاده شد. در این پژوهش برای انتخاب نمونه، از روش نمونه برداری ساده و تصادفی استفاده شده است (برای محاسبه حجم نمونه از روش کوکران بهره گرفته شد). حجم نمونه از طریق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به دست آمد که برای بالابردن دقت پژوهش از ۴۲۵ پرسش نامه استفاده شده است. توزیع پرسش نامه در سطح محله های منطقه بر اساس جمعیت هر محله انجام شده است که در شکل (۳) توزیع فضایی تعداد پرسش نامه ها را در محله ها نشان داده شده است.



شکل ۳. تعداد و توزیع پرسش نامه در سطح محلات مورد مطالعه

ترسیم: نگارندگان

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارزیابی پایداری محلات شهری با تأکید بر شاخص‌های توسعه پایدار از آزمون T در قالب نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. این آزمون قادر است که میزان تفاوت اطلاعات گردآوری شده از یک مقدار خاص را نشان داده و معنی‌دار بودن یا نبودن اختلافات مشاهده شده را نشان دهد. در بیشتر موارد از این آزمون برای سنجش معنی‌داری تفاوت میانگین نمونه از میانگین جامعه استفاده می‌شود. از آنجا که در پژوهش حاضر متغیرهای مورد ارزیابی، به صورت گویه‌های پنج‌طیفی لیکرت تنظیم شده است، عدد ۳ می‌تواند حد متوسط در نظر گرفته شود. هرچه میانگین مشارکت پرسش‌شوندگان از این مقدار کمتر باشد، نشان از ناپایداری و هرچه از این میزان بیشتر باشد، نشان از پایداری آنان در شاخص‌های مورد بررسی است. همچنین، مدل ANP، در قالب نرم‌افزار تحلیل شبکه‌ای Super Decision بهره گرفته است. در واقع، استفاده از این مدل برای تعیین وزن معیارها و شاخص‌های پژوهش بوده است. گام‌های حل مسئله به روش ANP به صورت زیر است:

۱- تعیین اولویت معیارهای اصلی از طریق مقایسه زوجی معیارها بر اساس هدف (W_{21})

۲- شناسایی روابط درونی میان معیارهای اصلی با تکنیک دیمتل (W_{22})

۳- مقایسه زوجی زیرمعیارهای هر معیار اصلی (W_{32})

۴- شناسایی روابط درونی میان زیرمعیارها با تکنیک دیمتل (W_{33})

۵- محاسبه سوپر ماتریس اولیه، سوپر ماتریس موزون و سوپر ماتریس حد

۶- تعیین اولویت نهایی شاخص‌ها بر اساس سوپر ماتریس حد

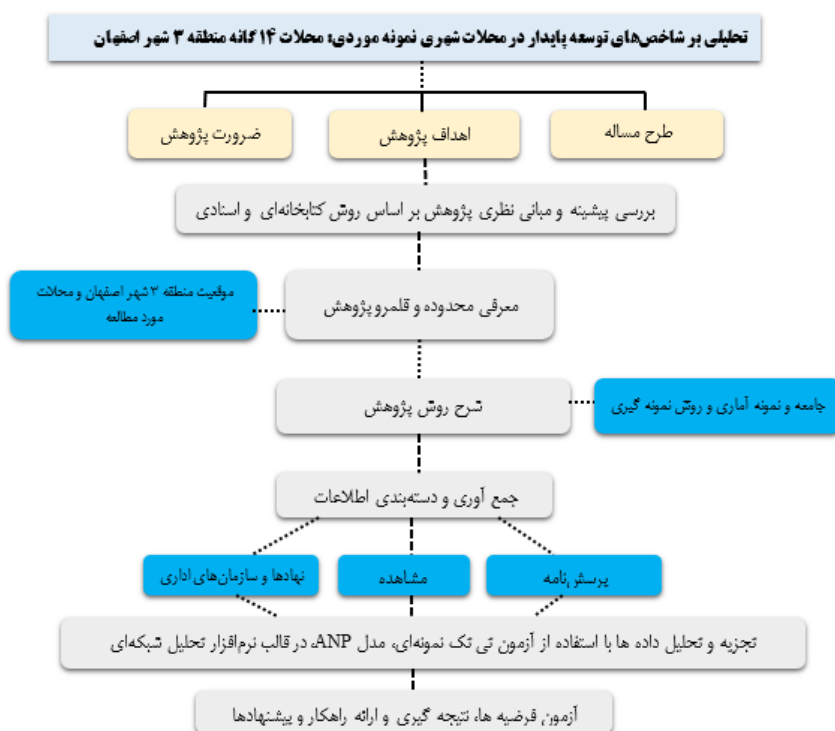
تعیین اولویت معیارهای اصلی بر اساس هدف

برای انجام تحلیل سلسله‌مراتبی نخست معیارهای اصلی بر اساس هدف به صورت زوجی مقایسه شده‌اند. برای انجام تحلیل شبکه نخست معیارهای اصلی بر اساس هدف به صورت زوجی مقایسه شده‌اند. تکنیک ANP یک تکنیک رتبه‌بندی است و رتبه‌بندی در این تکنیک بر اساس مقایسه‌های زوجی انجام می‌شود. مقایسه زوجی بسیار ساده است و تمامی عناصر هر خوشه باید به صورت دوجه‌دو مقایسه شوند. بنابراین، اگر در یک خوشه n عنصر وجود داشته

باشد $\frac{n(n-1)}{2}$ مقایسه صورت خواهد گرفت. چون چهار معیار وجود دارد، تعداد مقایسه های انجام شده برابر است با:

$$\frac{n(n-1)}{2} = \frac{4(4-1)}{2} = 6$$

در شکل (۴)، فرایند انجام پژوهش نشان داده شده است.



شکل ۴. فرایند انجام پژوهش

ترسیم: نگارندگان

۴. یافته های پژوهش

در این بخش از پژوهش به بررسی میانگین شاخص های پژوهش در سطح محلات مورد مطالعه پرداخته شده است که وضعیت برای هر کدام از شاخص های مؤثر در توسعه پایدار محله ای به صورت جداگانه که بر حسب میزان میانگین، انحراف از معیار و انحراف از میانگین به دست آمده، تحلیل و ارزیابی شده و در جداول (۳) تا (۶) نشان داده شده است.

شاخص کالبدی-زیست محیطی

سنجه کالبدی-زیست محیطی با استفاده از اطلاعات گردآوری شده برای ۱۹ گویه ای که در جدول شماره (۳) نیز مشاهده می شود، ارزیابی شده است.

جدول ۳. وضعیت توسعه پایدار محله ای از لحاظ شاخص کالبدی-زیست محیطی

منبع: یافته های پژوهش

سنجه ها	Test Value = 3						
	مقدار T	میانگین	درجه آزادی	معناداری (sig)	اختلاف میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
						حد بالا	حد پایین
فضای سبز	۱/۷۰۸	۳/۱۰	۴۲۴	۰/۰۸۸	۰/۱۰۱	۰/۲۲	-۰/۰۲
آلودگی هوا	۰/۹۶۱	۳/۰۶	۴۲۴	۰/۳۳۷	۰/۰۶۱	۰/۱۹	-۰/۰۶
آلودگی صوتی	-۱/۳۸۶	۲/۹۳	۴۲۴	۰/۱۶۶	-۰/۰۷۳	۰/۰۳	-۰/۱۸
دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی در محله	-۰/۱۴۷	۲/۹۹	۴۲۴	۰/۸۸۳	-۰/۰۰۷	۰/۰۹	-۰/۱۰
وضعیت تردد خودروها در سطح محله	-۰/۵۸۵	۲/۹۷	۴۲۴	۰/۵۵۹	۰/۰۳۱	۰/۰۷	-۰/۱۳
مصونیت از رفت و آمد خودروها	۱/۲۱۶	۳/۰۷	۴۲۴	۰/۲۲۴	۰/۰۶۸	۰/۱۸	-۰/۰۴
عرض پیاده روها	۱/۴۹۸	۳/۰۷	۴۲۴	۰/۱۳۵	۰/۰۷۱	۰/۱۸	-۰/۰۲
فضای مناسب پیاده روی	۳/۳۷۰	۳/۱۹	۴۲۴	۰/۰۰۱	۰/۱۸۶	۰/۲۹	۰/۰۸
امکانات تفریحی جهت گذران اوقات فراغت بزرگسالان در محله	۳/۰۸۳	۳/۱۷	۴۲۴	۰/۰۰۲	۰/۱۶۷	۰/۲۷	۰/۰۶
دسترسی به مدارس و مراکز آموزشی برای فرزندان در محله	۴/۷۳۵	۳/۲۴	۴۲۴	۰/۰۰۰	۰/۲۴۲	۰/۳۴	۰/۱۴
کانون های رشد و پرورش فکری کودکان	-۱/۸۷۲	۲/۹۰	۴۲۴	۰/۰۶۲	-۰/۱۰۴	۰/۰۱	-۰/۲۱
امکانات جهت بازی کودکان	۲/۳۱۳	۳/۱۲	۴۲۴	۰/۰۲۱	۰/۱۱۸	۰/۲۲	۰/۰۲
دسترسی به امکانات ورزشی	۲/۶۶۹	۳/۱۵	۴۲۴	۰/۰۰۸	۰/۱۴۸	۰/۲۶	۰/۰۴

سنجه‌ها	Test Value = 3						
	مقدار T	میانگین	درجه آزادی	معناداری (sig)	اختلاف میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
						حد بالا	حد پایین
میزان دسترسی برای خرید آسان مایحتاج روزانه در محله	۲/۵۶۷	۳/۱۳	۴۲۴	۰/۰۱۱	۰/۱۳۲	۰/۰۳	۰/۲۳
نمای ساختمان‌ها در محله	۳/۱۸۷	۳/۱۸	۴۲۴	۰/۰۰۲	۰/۱۸۴	۰/۰۷	۰/۳۰
وضعیت کانال‌های دفع آب‌های سطحی	۰/۶۶۲	۳/۰۴	۴۲۴	۰/۵۰۸	۰/۰۳۵	-۰/۰۷	۰/۱۴
دسترسی به مسجد در سطح محله	۳/۵۸۸	۳/۳۰	۴۲۴	۰/۰۰۰	۰/۲۹۶	۰/۱۳	۰/۴۶
میزان فضاهای خالی و بدون استفاده در محله	-۱/۲۵۵	۲/۹۴	۴۲۴	۰/۲۱۰	-۰/۰۶۱	-۰/۱۶	۰/۰۳
وضعیت نور و روشنایی محله	۲/۳۷۶	۳/۱۳	۴۲۴	۰/۰۱۸	۰/۱۲۷	۰/۰۲	۰/۲۳
شاخص ترکیبی	۴/۳۴۵	۳/۰۸	۴۲۴	۰/۰۰۰	۰/۰۸۷	۰/۰۴۷	۰/۱۲۷

با توجه به نتایج جدول (۳)، برای سنجش شاخص کالبدی-زیست‌محیطی در این تحلیل، نماگرهای فضای مناسب جهت پیاده‌روی، امکانات تفریحی، دسترسی به مدارس، امکانات بازی کودکان، امکانات ورزشی، دسترسی جهت مایحتاج روزانه، دسترسی به مسجد، میزان فضای خالی، نور و روشنایی در سطح محله معنادار شده‌اند. با توجه به حد بالا و حد پایین اختلاف میانگین این سنجه‌ها مثبت بوده و نشان‌دهنده این است که میزان پایداری از حد متوسط بالاتر بوده و می‌توان گفت پایداری محله در وضعیت فرا پایداری قرار گرفته است.

شاخص بهداشتی-درمانی

طبق جدول (۴) برای سنجش وضعیت شاخص بهداشتی-درمانی از سنجه‌هایی استفاده شده است. در این تحلیل تمام نماگرها در سطح معناداری قرار گرفته‌اند و همه آنها به جز سنجه اجرای برنامه‌ها و کارگاه‌هایی در حوزه آموزش سلامت و امور بهداشتی در سطح محله در وضعیت پایداری قرار گرفته‌اند. در اینجا توجه به اختلاف میانگین مثبت سنجه‌ها می‌تواند تأیید کننده وضعیت پایداری بیش از میانگین باشد.

جدول ۴. وضعیت توسعه پایدار محله‌ای از لحاظ شاخص بهداشتی-درمانی

منبع: یافته‌های پژوهش

سنجه‌ها	Test Value = 3						
	مقدار T	میانگین	درجه آزادی	معناداری (sig)	اختلاف میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
						حد بالا	حد پایین
پاکیزگی و نظافت در محله	۳/۱۸۷	۳/۱۸	۴۲۴	۰/۰۰۲	۰/۱۷۹	۰/۰۷	۰/۲۹
پاک‌سازی زباله‌ها و بازیافت آن‌ها	۴/۳۵۳	۳/۲۲	۴۲۴	۰/۰۰۰	۰/۲۲۱	۰/۱۲	۰/۳۲
دسترسی مراکز بهداشتی-درمانی در محله	۲/۶۲۲	۳/۱۳	۴۲۴	۰/۰۰۹	۰/۱۳۴	۰/۰۳	۰/۲۳
دسترسی تمام منازل مسکونی به آب آشامیدنی سالم	۴/۸۷۸	۳/۲۵	۴۲۴	۰/۰۰۰	۰/۲۵۲	۰/۱۵	۰/۳۵
اجرای برنامه‌ها کارگاه‌هایی در حوزه آموزش سلامت و امور بهداشتی در سطح محله	-۷/۴۸	۲/۶۳	۴۲۴	۰/۰۰۰	-۰/۳۶	-۰/۴۷	-۰/۲۷
شاخص ترکیبی	۲/۷۶۰	۳/۰۸	۴۲۴	۰/۰۰۶	۰/۰۸	۰/۰۲	۰/۱۴

شاخص اجتماعی-فرهنگی

طبق نتایج برگرفته شده از جدول (۵) تمام سنجه‌های معرف این شاخص در وضعیت ناپایداری قرار گرفته‌اند. در این میان تنها سنجه احساس تعلق خاطر نسبت به محله در وضعیت مناسب و پایداری قرار گرفته است. توجه به اختلاف میانگین مثبت این سنجه و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ وضعیت پایداری این سنجه را مشخص می‌کند. قرارگرفتن سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵، فرض جانبی ناپایداری سایر سنجه‌ها رد می‌کند.

جدول ۵. وضعیت توسعه پایدار محله ای از لحاظ شاخص اجتماعی-فرهنگی

منبع: یافته های پژوهش

سنجه ها	Test Value = 3						
	مقدار T	میانگین	درجه آزادی	معناداری (sig)	اختلاف میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
						حد بالا	حد پایین
احساس تعلق خاطر به محله	۲/۰۸۸	۳/۱۲	۴۲۴	۰/۰۳۷	۰/۱۱۵	۰/۲۲	۰/۰۱
تمایل به ادامه زندگی در محله کنونی	۱/۴۲۵	۳/۰۸	۴۲۴	۰/۱۵۵	۰/۰۸۲	۰/۲۰	-۰/۰۳
وجود کتابخانه و مراکز فرهنگی در محله	۰/۲۶۸	۳/۰۱	۴۲۴	۰/۷۸۹	۰/۰۱۴	۰/۱۲	-۰/۰۹
احساس امنیت در سطح محله	۰/۱۷۷	۳/۰۱	۴۲۴	۰/۸۶۰	۰/۰۰۹	۰/۱۱	-۰/۱۰
سطح وقوع جرائم مختلف در محله	-۱/۱۳۱	۲/۹۴	۴۲۳	۰/۲۹۵	-۰/۰۵۹	۰/۰۴	-۰/۱۶
شاخص ترکیبی	۱/۲۶۲	۳/۰۳	۴۲۴	۰/۲۰۸	۰/۰۳۲	۰/۰۸	-۰/۰۱

شاخص اقتصادی

طبق یافته های جدول (۶) برای تبیین شاخص اقتصادی از سنجه های رضایت از نحوه پرداخت بهای خدمات دولتی (آب، برق، گاز، تلفن و غیره) در محله خود، رضایت نحوه توزیع بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری در محله خود، وضعیت قیمت زمین، مسکن و هزینه زیرساخت ها در محله، وضعیت تأمین نیازهای روزمره در سطح محله شما برای ساکنان (قدرت خرید ساکنان) استفاده شده است. تمام این مؤلفه ها به جز وضعیت قیمت زمین، مسکن و هزینه زیرساخت ها در سطح معنی داری قرار نگرفتند. تنها این سنجه با توجه به اینکه حد بالا و حد پایین آن منفی هست و در سطح معناداری قرار دارد ناپایداری آن تأیید می شود.

جدول ۶. شناسایی وضعیت توسعه پایدار محله‌ای از لحاظ شاخص اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش

سنجه‌ها	Test Value = 3						
	مقدار T	میانگین	درجه آزادی	معناداری (sig)	اختلاف میانگین	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
						حد بالا	حد پایین
رضایت از نحوه پرداخت بهای خدمات دولتی (آب، برق، گاز، تلفن و غیره) در محله	-۰/۴۹۵	۲/۹۷	۴۲۴	۰/۶۲۱	-۰/۰۲۶	-۰/۱۳	۰/۰۸
رضایت از نحوه توزیع بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری در محله	-۰/۳۶۷	۲/۹۸	۴۲۴	۰/۷۱۴	-۰/۰۱۹	-۰/۱۲	۰/۰۸
وضعیت قیمت زمین، مسکن و هزینه زیرساخت‌ها در محله	۲۱/۳۶	۳/۸۸	۴۲۴	۰/۰۰۰	۰/۸۷۵	-۰/۷۹	-۰/۹۶
وضعیت تأمین نیازهای روزمره در محله برای ساکنان (قدرت خرید ساکنان)	۰/۰۸۴	۳/۰۰	۴۲۴	۰/۹۹۳	۰/۰۰۵	-۰/۱۰	۰/۱۱
شاخص ترکیبی	۷/۶۹	۳/۲۰	۴۲۴	۰/۰۰۰	۰/۲۰۸	۰/۱۵	۰/۲۶

تعیین اولویت عناصر مدل با استفاده از تکنیک ANP

معیارهای اصلی توسعه پایدار محله‌ای عبارتند از: کالبدی-زیست‌محیطی، بهداشتی-درمانی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی. بنابراین، ۶ مقایسه زوجی برای رتبه‌بندی و وزن‌دهی معیارهای توسعه پایدار محله‌ای با استفاده از تکنیک میانگین هندسی معیارهای توسعه پایدار انجام و برای محاسبه وزن نهایی معیارها استفاده شده است. ماتریس مقایسه زوجی حاصل از معیارهای توسعه پایدار در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول ۷. تعیین اولویت معیارهای اصلی

منبع: یافته‌های پژوهش

شاخص‌ها	اجتماعی-فرهنگی	اقتصادی	بهداشتی-درمانی	کالبدی-زیست‌محیطی
اجتماعی-فرهنگی	۱	۰/۰۸۲۴۷	۰/۱۰۲۳۰۵	۰/۰۷۲۰۳۷
اقتصادی	۰/۱۸۶۸۳۲	۱	۰/۱۷۵۲۸۲	۰/۲۰۲۵۷۷
بهداشتی-درمانی	۰/۰۷۸۸۰۱	۰/۰۵۶۳۰۷	۱	۰/۱۰۶۸۶۹
کالبدی-زیست‌محیطی	۰/۱۸۹۶۳۳	۰/۲۵۷۱۴۱	۰/۱۷۹۵۱۵	۱

گام بعدی محاسبه میانگین هندسی هر سطر برای تعیین وزن معیارها است:

$$\pi_1 = \sqrt[4]{1 * 0.212 * 0.112 * 0.157} = 0.157014$$

به همین ترتیب میانگین هندسی سایر سطرها محاسبه می‌شود.

$$\pi_2 = 0.285394$$

$$\pi_3 = 0.147566$$

$$\pi_4 = 0.305877$$

سپس مجموع میانگین هندسی تمامی سطرها محاسبه می‌شود.

$$\sum_{i=1}^m \pi_i = 0.157014 + 0.285394 + 0.147566 + 0.305877 = 4.021$$

با تقسیم میانگین هندسی هر سطر بر مجموع میانگین هندسی سطرها مقدار وزن نرمال به دست

می‌آید که به آن بردار ویژه نیز گفته می‌شود. خلاصه نتایج در جدول (۸) آمده است:

جدول ۸. تعیین اولویت معیارهای اصلی

منبع: یافته‌های پژوهش

شاخص‌ها	اجتماعی - فرهنگی	اقتصادی	بهداشتی - درمانی	کالبدی- زیست‌محیطی	میانگین هندسی	بردار ویژه
اجتماعی-فرهنگی	۱	۰/۲۱۳۷۳۹	۰/۱۱۲۶۱۴	۰/۱۵۷۶۰۳	۰/۰۰۰۶۰۸	۰/۱۵۷۰۱۴
اقتصادی	۰/۳۵۹۰۳۱	۱	۰/۵۱۴۲۸۲	۰/۳۷۹۲۶۵	۰/۰۰۶۶۳۴	۰/۲۸۵۳۹۴
بهداشتی-درمانی	۰/۳۵۰۵۶۴	۰/۴۰۵۱۵۵	۱	۰/۳۷۳۶۶۳	۰/۰۰۰۴۷۴	۰/۱۴۷۵۶۶
کالبدی-زیست‌محیطی	۰/۲۰۴۶۱	۰/۱۴۴۰۷۴	۰/۱۶۴۹۳۹	۱	۰/۰۰۸۷۵۴	۰/۳۰۵۸۷۷

بر اساس بردار ویژه به دست آمده، معیار کالبدی-زیست محیطی با وزن نرمال ۰.۳۰۵ اولویت اول، معیار اقتصادی با وزن نرمال ۰.۲۸۵ در اولویت دوم، معیار اجتماعی-فرهنگی با وزن نرمال ۰.۱۵۷ در اولویت سوم، معیار بهداشتی-درمانی با وزن نرمال ۰.۱۴۷ در اولویت چهارم قرار دارد. نرخ ناسازگاری مقایسه‌های انجام شده ۰/۰۰۴ به دست آمده که کوچک‌تر از ۱/۰ است و می‌توان به مقایسه‌های انجام شده اعتماد کرد.

تعیین اولویت محله‌ها بر اساس معیارهای توسعه پایدار محله‌ای

در اینجا هر کدام از محله‌ها بر اساس معیارهای با یکدیگر مقایسه زوجی می‌شوند. تعیین اولویت محله‌ها بر اساس معیارهای توسعه پایدار در جدول (۹) ارائه شده است.

جدول ۹. تعیین اولویت محله‌ها بر اساس معیارهای توسعه پایدار محله‌ای

منبع: یافته‌های پژوهش

معیارهای اصلی	سرچشمه	سرتاوه	احمدآباد	جویباره	شهشهان	سنبلستان	نقش جهان	باغ کاران	خواجه	خواجه	چرخان	ملک	نقشه طبره	گلزار	امامزاده اسماعیل	بردار ویژه
سرچشمه	۱.۰۰۰	۰.۷۲۲	۰.۶۹۳	۰.۱۱۲	۰.۵۷۱	۰.۴۴۰	۰.۰۶۵	۰.۱۵۰	۰.۸۰۳	۰.۳۴۴	۰.۷۶۱	۰.۳۰۷	۰.۱۰۷	۱.۵۱۱	۱.۳۵۸	۰.۱۰۱
سرتاوه	۰.۷۸۰	۱.۰۰۰	۰.۷۳۶	۰.۱۸۷	۰.۴۲۹	۰.۳۸۴	۰.۴۰۴	۰.۴۸۵	۰.۳۲۵	۰.۶۷۱	۰.۵۱۱	۰.۳۵۸	۰.۳۴۴	۰.۷۶۱	۱.۴۵۶	۰.۰۶۰
احمدآباد	۰.۵۷۶	۰.۱۰۴	۱.۰۰۰	۰.۱۹۳	۰.۰۶۵	۰.۴۴۴	۰.۵۶۴	۰.۱۰۲	۰.۷۴۶	۰.۳۴۴	۰.۷۶۱	۰.۱۰۴	۰.۱۶۶	۰.۷۱۰	۱.۴۳۳	۰.۱۱۲
جویباره	۰.۸۹۹	۰.۵۳۴	۰.۸۳۹	۱.۰۰۰	۰.۵۵۰	۰.۴۵۶	۰.۰۵۹	۰.۶۱۶	۰.۵۲۷	۰.۶۶۱	۰.۷۱۰	۰.۰۲۶	۰.۲۱۴	۱.۲۸۳	۱.۲۹۶	۰.۰۷۲
شهشهان	۰.۹۴۶	۰.۴۸۴	۰.۴۸۴	۰.۶۴۵	۱.۰۰۰	۰.۳۳۳	۰.۴۳۳	۰.۱۸۷	۰.۳۴۴	۰.۳۴۴	۰.۵۳۴	۰.۴۹۱	۰.۰۰۳	۱.۵۱۱	۱.۳۵۸	۰.۱۱۰
سنبلستان	۰.۶۹۵	۰.۷۲۲	۰.۶۹۳	۰.۶۸۷	۰.۰۷۵	۰.۳۳۳	۰.۲۸۳	۰.۱۸۹	۰.۲۹۶	۰.۴۰۱	۰.۴۹۱	۰.۱۰۴	۰.۰۹۳	۱.۵۵۰	۱.۴۵۶	۰.۱۰۰
نقش جهان	۰.۹۳۹	۰.۷۱۲	۰.۶۳۹	۰.۷۲۲	۰.۶۹۸	۰.۷۷۹	۱.۰۰۰	۰.۴۹۱	۰.۳۴۴	۰.۷۶۱	۰.۱۰۴	۰.۳۴۴	۰.۷۶۱	۱.۳۳۴	۱.۴۳۳	۰.۱۱۶
باغ کاران	۰.۸۶۹	۰.۶۷۳	۰.۶۱۹	۰.۵۳۴	۰.۵۵۰	۰.۷۷۲	۰.۰۶۷	۱.۰۰۰	۰.۶۶۱	۰.۷۱۰	۰.۰۲۶	۰.۱۰۴	۰.۱۶۶	۰.۷۱۰	۱.۲۹۶	۰.۱۸۷
خواجه	۰.۲۴۶	۰.۷۵۵	۰.۵۷۳	۰.۵۵۰	۰.۶۵۵	۰.۵۳۴	۰.۸۴۱	۰.۹۸۶	۰.۹۷۵	۱.۰۰۰	۱.۱۶۶	۰.۶۱۳	۰.۴۷۷	۰.۸۴۱	۱.۵۱۱	۰.۲۸۵

معیارهای اصلی	سرچشمه	سرتاوه	احمدآباد	جویبار	شهشهان	سنبلستان	نقش جهان	باغ کاران	خواجه	خواجه	چرخاب	ملک	قلعه طبره	گلزار	امامزاده اسماعیل	بردار ویژه
چرخاب	۱.۰۳۶	۰.۵۳۴	۰.۸۳۹	۱.۰۰۰	۰.۵۳۴	۰.۷۱۴	۰.۷۶۰	۰.۷۳۳	۰.۸۵۸	۱.۰۰۰	۱.۸۱۲	۱.۳۴۴	۰.۷۶۱	۱.۰۱۴	۱.۳۱۶	۰.۲۸۰
ملک	۰.۸۸۸	۰.۴۸۴	۰.۴۸۴	۰.۶۴۵	۰.۴۸۴	۰.۶۷۰	۰.۹۷۵	۰.۶۵۴	۰.۶۲۰	۰.۵۵۲	۱.۰۰۰	۱.۶۶۱	۰.۷۱۰	۱.۰۲۶	۱.۳۶۴	۰.۱۲۱
قلعه طبره	۰.۶۷۳	۰.۷۲۲	۰.۷۲۲	۰.۶۹۳	۰.۷۲۲	۱.۰۱۴	۰.۹۳۲	۱.۰۱۴	۰.۹۳۲	۰.۵۳۴	۰.۸۴۱	۱.۰۰۰	۱.۳۴۴	۰.۷۶۱	۱.۳۱۶	۰.۱۰۲
گلزار	۰.۷۵۵	۰.۵۳۴	۰.۸۳۹	۱.۰۰۰	۰.۵۳۴	۱.۳۶۴	۰.۸۶۱	۱.۳۶۴	۰.۸۶۱	۰.۶۶۷	۰.۷۱۴	۰.۷۵۵	۱.۰۰۰	۱.۰۲۶	۱.۳۶۴	۰.۰۹۹
امامزاده اسماعیل	۰.۷۲۲	۰.۶۹۳	۰.۶۸۷	۰.۶۹۸	۰.۷۷۲	۰.۹۸۶	۰.۷۳۳	۰.۷۰۲	۰.۶۷۷	۰.۸۳۹	۱.۰۰۰	۰.۵۳۴	۰.۸۳۹	۱.۰۰۰	۱.۰۰۰	۰.۰۹۷

نرخ ناسازگاری مقایسه‌های انجام‌شده ۰/۰۱۶ به دست آمده که کوچک‌تر از ۰/۱ است. بنابراین، می‌توان به مقایسه‌های انجام‌شده اعتماد کرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۸۷). بر اساس بردار ویژه به‌دست‌آمده اولویت محله‌ها بر اساس معیارهای توسعه پایدار به‌صورت زیر است. بر اساس محاسبات انجام‌شده و سوپر ماتریس حد، برونداد نرم‌افزار سوپردسیژن تعیین اولویت نهایی محله‌ها مقدور است. در جدول (۱۰) اولویت نهایی محله‌ها بر اساس معیارهای توسعه پایدار محله‌ای با تکنیک ANP سنجیده شده است.

جدول ۱۰. اولویت نهایی محله‌ها بر اساس معیارهای توسعه پایدار محله‌ای با تکنیک ANP

منبع: یافته‌های پژوهش

رتبه	وزن نهایی	محله‌ها
۹	۰.۱۰۱	سرچشمه
۱۴	۰.۰۶۰	سرتاوه
۶	۰.۱۱۲	احمدآباد
۱۳	۰.۰۷۲	جویبار
۷	۰.۱۱۰	شهشهان
۱۰	۰.۱۰۰	سنبلستان
۵	۰.۱۱۶	نقش جهان

رتبه	وزن نهایی	محلّه‌ها
۳	۰.۱۸۷	باغ کاران
۱	۰.۲۸۵	خواجه
۲	۰.۲۸۰	چرخاب
۴	۰.۱۲۱	ملک
۸	۰.۱۰۲	قلعه طبره
۱۱	۰.۰۹۹	گلزار
۱۲	۰.۰۹۷	امامزاده اسماعیل

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

توسعه پایدار محلات شهری به توازن بین ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی شهر و توسعه هم‌زمان آنها اشاره دارد و از آنجایی که شهر، یک کل به‌هم‌پیوسته از اجزاء و محله‌های مختلف است، محلات پایدار می‌توانند متضمن پایداری شهر باشند.

در واقع، برای حل مشکلات شهرنشینی، رهیافت توسعه اجتماعات محلّه‌ای با تأکید بر پایداری شهری با رویکرد مردم‌محوری در مدیریت شهری جایگاه ویژه‌ای یافته است؛ چراکه محله‌های شهری به‌عنوان بافت و بخشی تفکیک‌ناپذیری از شهر و همچنین واقعیتی اجتماعی در تمام شهرها وجود دارند؛ به‌گونه‌ای که شکل‌گیری هویت محلّه‌ای، اقتصاد محلی، ایمنی، توسعه فضایی و کالبدی و تحکیم روابط اجتماعی با پایداری محله‌های شهری ارتباط می‌یابد.

در این راستا، هدف پژوهش حاضر ارزیابی پایداری محلات شهری با تأکید بر شاخص‌های توسعه پایدار، محلات ۱۴ گانه منطقه ۳ شهر اصفهان است که برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از آزمون T و تکنیک تحلیل شبکه‌ای ANP استفاده شده است.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داده است که از نظر شهروندان دو شاخص کالبدی-زیست‌محیطی و شاخص بهداشتی-درمانی در وضعیت پایداری قرار گرفته است و شهروندان از این دو شاخص رضایتمندی کافی را دارند؛ درحالی‌که دو شاخص اجتماعی-

فرهنگی و شاخص اقتصادی در سطح ناپایداری قرار گرفته است، و نارضایتی شهروندان را به همراه دارد.

همچنین، نتایج مدل ANP حاکی از آن است که معیار کالبدی-زیست محیطی با وزن نرمال ۰.۳۰۵ اولویت اول، معیار اقتصادی با وزن نرمال ۰.۲۸۵ در اولویت دوم، معیار اجتماعی-فرهنگی با وزن نرمال ۰.۱۵۷ در اولویت سوم، معیار بهداشتی-درمانی با وزن نرمال ۰.۱۴۷ در اولویت چهارم قرار دارد و از نظر اولویت بندی نهایی نیز به ترتیب محله های خواجو، چرخاب، باغ کاران، ملک، نقش جهان، احمدآباد، شهبهان، قلعه طبره، سرچشمه، سنبلستان، گلزار، امام زاده اسماعیل، جویبار و سرتاوه از پایدارترین تا ناپایدارترین سطح وضعیت از نظر توسعه پایدار محله ای قرار گرفته اند.

بر اساس نتایج به دست آمده، با توجه به مسائل زیست محیطی-کالبدی، بهداشتی-درمانی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی موجود در محدوده مورد مطالعه، برای ارتقای توسعه پایدار محله ای و تقویت و افزایش تعاملات اجتماعی و هویت بخشی راهکارهایی در سطوح شاخص ها پیشنهاد می شود:

- گسترش هرچه بیشتر محیط های تفریحی و فرهنگی مختص نوجوانان و جوانان در سطح محله ها.

- احداث پارک های محلی برای تعامل بیشتر ساکنان محله در اوقات فراغت.

- کاهش ترافیک در سطح محله ها برای کاهش آلودگی های زیست محیطی.

- توزیع مناسب فضاهای زیستی و ایجاد کاربری های مورد نیاز رفاه عمومی نظیر کاربری ورزشی و گذران اوقات فراغت در مکان های مناسب نظیر زمین های بایر و مخروبه.

- توزیع مناسب خدمات در زمینه های آموزشی، فرهنگی، ورزشی، درمانی و تجاری در سطح محله ها.

- برنامه ریزی صحیح برای جمع آوری زباله و انهدام آن با مشارکت ساکنان.

- ارتقای فرهنگ در زمینه کاهش تولید زباله.

- برنامه ریزی برای ساماندهی شبکه های آب سطحی و هدایت آب به روش بهداشتی از راه نصب سیستم فاضلاب خفر چاه هایی برای زهکشی آب های سطحی در محله.

- افزایش امکانات فرهنگی، از جمله کتابخانه و فرهنگسرا.

- حفظ جمعیت محله ها از راه ارتقای سرویس های خدماتی و ایجاد محیط های امن با عملکرد های گوناگون.

- بالابردن احساس امنیت در محله با اعمال کنترل رسمی و غیر رسمی.

- بالابردن هر چه بیشتر ظرفیت های گردشگری در بافت تاریخی محله ها در قالب برنامه های میان مدت و بلند مدت می تواند باعث درآمدزایی و در نتیجه، سروسامان دادن به این محله ها شود.

کتابنامه

۱. اجزاء شکوهی، م.، و حسینی، س. م. (۱۳۹۶). سنجش و ارزیابی توسعه پایدار محله ای در شهر تهران (مطالعه موردی: محله های ولی عصر شمالی، آشتیانی، نیلوفر و امامیه). پژوهش های جغرافیای انسانی، ۴۹ (۲)، ۳۵۶-۳۴۱.
۲. احدنژاد روشتی، م.، محمدی حمیدی، س.، و سبحانی، ن. (۱۳۹۶). سنجش پایداری محلات شهری با تأکید بر رویکرد محلات پایدار شهری (SUN) مورد مطالعه: شهر میاندوآب. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۷ (۲۷)، ۹۴-۷۷.
۳. احقر، م.، و ملک حسینی، ع. (۱۳۹۸). تحلیلی بر شاخص های برنامه ریزی محله محور در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: محله گلپا شهر همدان). آمایش محیط، ۱۲ (۴۷)، ۱۲۳-۱۰۷.
۴. احمدی، ش.، و توکلی، ف. (۱۳۹۵). ارزیابی و سنجش وضعیت پایداری محله ها در شهر سردشت. جغرافیا و آمایش شهری منطقه ای، ۶ (۲۰)، ۱۷۰-۱۵۳.
۵. اذانی، م.، مختاری ملک آبادی، ر.، و مولایی بیرگانی، ش. (۱۳۹۲). بررسی شاخص های توسعه پایدار محله ای منطقه ۱۳ اصفهان. برنامه ریزی فضایی، ۳ (۲)، ۱۴۲-۱۱۹.
۶. آزاده، س. ر.، زربخش، ش.، پرویزی، ر.، و زالی، ن. (۱۳۹۸). تحلیلی بر کیفیت محله های شهری با تأکید بر مؤلفه های شهر پایدار مطالعه موردی: محله هوسم، شهر رودسر. جغرافیا، ۱۷ (۶۱)، ۲۰۰-۱۸۶.

۷. آمارنامه شهر اصفهان، (۱۳۹۵). شهرداری اصفهان، معاونت برنامه ریزی، پژوهش و فناوری اطلاعات اصفهان.
۸. پیربابایی، م. ت. (۱۳۸۳). ظرفیت سازی توسعه محله ای، اولین کنفرانس ملی توسعه محله ای، تهران، شهرداری تهران.
۹. تیموری، ر.، اذانی، م.، مومنی، م.، و صابری، ح. (۱۴۰۱). تبیین نقش مولفه های هویت بخش در پایداری محله های بافت قدیم و جدید مناطق ۳ و ۷ شهر اصفهان، مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، ۱۷، ۱ (۵۸)، ۲۴۹-۲۶۰.
۱۰. ربانی خوراسگانی، ع.، صدیق اورعی، غ.، و خنده رو، م. (۱۳۸۸). بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن در سطح محله (نمونه موردی: محله های منطقه ۹ مشهد). علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۶ (۲)، ۱۴۹-۱۱۹.
۱۱. ساسان پور، ف. (۱۳۸۷). روش جابای (بوم شناختی) اکولوژیکی در پایداری کلان شهرها با نگرش بر کلان شهر تهران. پژوهش مدیریت شهری، ۱ (۴)، ۱۰۷-۱۰۴.
۱۲. ساسان پور، ف.، موحد، ع.، مصطفوی صاحب، س.، و یوسفی فشکی، م. (۱۳۹۳). ارزیابی پایداری محلات شهری در شهر سقز. پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، ۲ (۱)، ۹۴-۷۳.
۱۳. عزیزی، م. م. (۱۳۸۵). محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک. هنرهای زیبا، ۲۷ (۲۷)، ۴۶-۳۵.
۱۴. کلبادی، ن.، حبیب، ف.، و طغیانی، ش. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی پایداری محلات شهری با تأکید بر کیفیت محیط شهری در جغرافیای شهر تهران مطالعه موردی: محلات سنگلج و هفت حوض. نگرش های نو در جغرافیای انسانی، ۱۰ (۴)، ۱۰۳-۸۹.
۱۵. لطفی، ص.، و حسنعلی زاده، م. (۱۳۹۹). تحلیل فضایی فقر شهری در فضاها شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد). پژوهش های دانش زمین، ۱۱ (۴۱)، ۱۶۸-۱۵۲.
۱۶. محمدزاده، س. (۱۳۸۴). تحلیل پایدار محله های شهری نمونه شهر ماکو. (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری)، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۷. مرصوصی، ن.، و صائبی، م. ح. (۱۳۸۸). تحلیل جغرافیایی تاثیر اکولوژی اجتماعی بر توسعه کالبدی شهر (نمونه موردی: شهر مشهد). جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، ۱ (پیش شماره)، ۹۳-۷۳.

۱۸. موحد، ع.، کمان‌رودی، م.، ساسان‌پور، ف.، و قاسمی کفرودی، س. (۱۳۹۳). بررسی پایداری محله‌های شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۹ شهرداری تهران). پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۲(۴)، ۵۴۱-۵۵۸.
۱۹. موحد، ع.، و کرده، ن. (۱۳۹۶). سطوح پایداری در محله‌های شهری مطالعه موردی: محلات شهر مهاباد. آمایش محیط، ۱۰(۳۹)، ۱-۲۸.
۲۰. میرزاییگی، ف.، مجتبی‌زاده خانقاهی، ح.، و سرور، ر. (۱۴۰۱). سنجش شاخص‌های توسعه در پایداری نواحی شهری مطالعه موردی: شهر ایلام. شهر پایدار، ۵(۱)، ۱-۱۵.
۲۱. میمند پاریزی، ص. (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی سطح پایداری در محلات قدیم و جدید شهری (نمونه موردی: محلات بافت قدیم و جدید شهر کرمان). آمایش محیط، ۱۰(۳۹)، ۱۰۴-۱۷۷.
۲۲. هوشیار، ح.، و شریفی، ب. (۱۳۹۶). ارزیابی وضعیت پایداری محله‌ها در شهرهای مرزی (مطالعه موردی: محله‌های شهر پیرانشهر). مطالعات نواحی شهری کرمان، ۴(۱)، ۱۴۹-۱۷۰.

23. Choguill, C. L. (2008). Developing sustainable neighborhoods. *Journal Habitat international*, 32(1), 41-48.
24. Christiaensen, L., De Weerd, J. & Kanbur, R. (2016). Urbanization and Poverty Reduction: The Role of Secondary towns in Tanzania. *Analysis and policybrief*, 1(18), 1-8.
25. Connelly, S. (2007). Mapping sustainable development as a contested concept. *Local Environment*, 12(3), 259-278.
26. Cowan, R. (2005). *The Dictionary of Urbanism*. London: StreetWise Press.
27. Falk, N., & Carley, M. (2012). *How can local government build sustainable urban neighbourhoods?* New York: Joseph Rowntree Foundation.
28. Dehghanmongabadi, A., Hoşkara, Ş. Ö, & Shirkhanloo, N. (2014). Introduction to achieve sustainable neighborhoods. *International Journal of Arts and Commerce*, 3(9), 16-26.
29. Luederitz, C., Lang, D. J. & Wehrden, H. V. (2013). A Systematic Review of Guiding Principles for Sustainable Urban Neighborhood Development. *Journal of Landscape and Urban Planning*, 118(1), 40-52.
30. Rasoolimanesh, S. M., Badarulzaman, N., & Jaafar, M. (2012). City development strategies (CDS) and sustainable urbanization in developing world. *Journal Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 36(1), 623-631.

31. Roseland, M. (2004). Sustainable community development integrating environmental, Economic and social objective. *Progress in planning*, 54(2), 73-132.
32. Rudlin, D., & Falk, N. (2009). *Sustainable Urban Neighborhood: building the 21st century home*. New York: Architectural Press.
33. Scott, C., Jambeck, J. & Scott, N. (2014). The Sustainable Neighborhoods for Happiness Index (SNHI): A Metric for Assessing a Community's Sustainability and Potential Influence on Happiness. *Journal of Ecological Indicators*, 40 (96), 147-152.
34. Stouten, P. (2014). Features for Sustainable Urban Neighbourhood Development. *Journal for Housing Science*, 38(2), 71-79.
35. Sullivan, H. (2004). *Community governance and local government: a shoe that fits or the emperor's new clothes*. *British Local Government into the 21st Century*. Basingstoke: Palgrave. London: Macmillan.
36. Varol, C., Ercoskun, O., & Gurer. Y. (2010). Local participatory mechanisms and collective actions for sustainable urban development in Turkey. *Habitat International*. 35(1), 9-16.
37. Kamble, T., & Bahadure, S. (2020). Neighborhood sustainability assessment in developed and developing countries. *Environment, Development and Sustainability*, 22(6), 4955-4977.
38. Turcu, C. (2012). Local experiences of urban sustainability: Researching Housing Market Renewal interventions in three English neighborhoods. *Progress in Planning*, 78(3), 101-150.

A Qualitative Study of Cyber Harms Among Students of Arak

Seyed Ahmad Mir Mohamad Tabar

Assistant Professor, Department of Sociology, Arak University, Arak, Iran

Mojtaba Mohammadi Jalali Farahani¹

Assistant Professor, Counseling Department, Farhangian University, Tehran, Iran

Samad Adlipour

Ph.D. in Sociology, Tabriz University, Tabriz, Iran

Received: 11 February 2024

Revised: 23 February 2024

Accepted: 27 February 2024

Abstract

Cyberspace has created a new world for students to explore and learn. Teachers and families encourage students to use cyberspace for learning, but not all contents on cyberspace are suited for students. The online data provides countless benefits to users; however, it comes with serious threats as well. The present research aims to study cyber harm qualitatively among lower secondary school students in Arak City. To achieve this goal, a qualitative method was adopted. The data was collected through semi-structured interviews and data analysis was conducted using thematic analysis. Using a purposive sampling method and based on theoretical saturation criteria, 14 students of the lower secondary school in Arak were interviewed. The collected data were coded and analyzed based on 2 macro themes and 8 organizing themes. The results suggest that six categories of family harm, academic harm, social harm, psychological harm, religious harm and physical harm can be deemed as cyber harms among students. Two categories of the family (broken and troubled family and mismanagement and supervision) and social issues (poor media literacy, normative pressures and leisure time) were proposed as the chief underlying reasons for cyber harms. Finally, it should be noted that cyberspace has become an inseparable part of student's lives, and a greater presence in this space without sufficient media literacy in the absence of attractive real-life spaces such as family and school can inflict irreparable effects on students.

Keywords: Cyber harms, Lower high school students, Family issues, Social reasons.

1. Corresponding Author, Email: m.mohamadijalali@cfu.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Mir Mohamad Tabar, S. A. , Mohammadi Jalali Farahani, M. and Adlipour, S. (2024). A Qualitative Study of Cyber Harms Among Students of Arak. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 157-185. doi: 10.22067/social.2024.86823.1480

مطالعه کیفی آسیب های فضای مجازی در دانش آموزان شهر اراک

سیداحمد میرمحمدتبار (استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه اراک، اراک، ایران)

a-mirmohamadtbar@araku.ac.ir

مجتبی محمدی جلالی (استادیار گروه مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، نویسنده

مسئول)

m.mohamadijalali@cfu.ac.ir

صمد عدلی پور (دکتری جامعه شناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

samadadlipour@gmail.com

چکیده

فضای مجازی دنیای جدیدی برای کشف و یادگیری دانش آموزان ایجاد کرده است. معلمان و خانواده ها دانش آموزان را تشویق می کنند تا از فضای مجازی برای یادگیری خود استفاده کنند؛ اما هر محتوایی در فضای مجازی برای دانش آموزان مناسب نیست. این اطلاعات مزایای بی شماری را برای کاربران فراهم می کند. با این حال، با تهدیدهای جدی نیز همراه است. هدف از تحقیق حاضر مطالعه کیفی آسیب های فضای مجازی در دانش آموزان متوسطه اول شهر بوده است. برای تحقق این هدف از روش کیفی استفاده شد. داده های این مطالعه از روش مصاحبه نیمه ساخت یافته گردآوری و از روش تحلیل مضمون برای تحلیل داده ها استفاده شده است. با کمک نمونه گیری هدفمند و با معیار اشباع نظری با ۱۴ نفر از دانش آموزان متوسطه اول شهر اراک مصاحبه شد و نهایتاً داده های گردآوری شده در قالب ۲ مضمون کلان و ۸ مضمون سازمان دهنده، کدگذاری و تحلیل شد. نتایج نشان می دهد که شش دسته کلی آسیب های خانوادگی، آسیب های تحصیلی، آسیب های اجتماعی، آسیب های روانی، آسیب های مذهبی و آسیب های جسمی را می توان به عنوان آسیب های فضای مجازی دانش آموزان در نظر گرفت. دو دسته دلایل خانوادگی (خانواده گسسته و پریشان و سوء مدیریت و نظارت) و اجتماعی (فقدان سواد رسانه ای، فشارهای هنجاری و گذران اوقات فراغت) مهم ترین دلایل ایجاد آسیب های فضای مجازی مطرح شدند. در انتها باید بیان کرد که استفاده از فضای مجازی به بخش جدانشدنی از زندگی دانش آموزان تبدیل شده است و حضور بیشتر در این فضا بدون داشتن سواد رسانه ای و جذابیت فضای واقعی مثل خانواده و مدرسه می تواند اثرات جبران ناپذیری بر دانش آموزان داشته باشد.

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و یکم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۹ صص ۱۸۵-۱۵۷

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۱۲/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۲

واژگان کلیدی: آسیب‌های فضای مجازی، دانش‌آموزان متوسطه اول، دلایل خانوادگی، دلایل اجتماعی.

۱. مقدمه

یکی از پیچیده‌ترین حوزه‌های علوم اجتماعی، مطالعه و بررسی آسیب‌های اجتماعی در جامعه است که در طی چند دهه اخیر از سوی اعضای جامعه، مدیران و پژوهشگران، به عنوان موضوعی حساس و قابل تحلیل، بررسی شده است. یکی از عوامل مؤثر بر درگیری افراد در آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایران رشد و توسعه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است. با اشاعه فرهنگ غربی و گسترش و دسترسی آسان به وسایل ارتباط جمعی از قبیل اینترنت، ماهواره، و غیره، جوانان با ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی متنوع و متفاوت و حتی مغایر با فرهنگ سنتی و رسمی جامعه مواجه شدند. در واقع انقلاب در فناوری ارتباطات و رسانه‌ها، جهان را بیش از پیش کوچک‌تر ساخته و نوعی فشردگی در زمان و مکان ایجاد کرده و به فرایند جهانی‌شدن سرعت بخشیده است. به موازات این امر، شواهدی حاکی از کاهش پایداری گروه‌هایی از اقشار جامعه به خصوص نوجوانان به ارزش‌ها و هنجارهای سنتی و دینی قابل مشاهده است (سراج‌زاده و بابایی، ۱۳۸۹: ۴۶).

بی‌تردید امروزه فضای مجازی نقش بی‌بدیلی در اثرگذاری بر افکار، ادراکات، نگرش‌ها و نیز رفتارهای افراد جوامع دارد. فضای مجازی و رسانه‌های همگانی به عنوان یکی از عوامل بسیار مهم اجتماعی کردن مطرح هستند. در این میان قشر نوجوان و جوان که اکثراً دانش‌آموز هستند، بیشتر تحت تأثیر فضای مجازی‌اند و پیام‌ها و برنامه‌های رسانه‌ای می‌توانند در شکل‌دهی الگوهای رفتاری مطلوب و یا نامطلوب در نزد این دسته از جمعیت جوان کشور نقش بسزایی داشته باشند. از قرائن و شواهد چنین بر می‌آید که بر اثر نفوذ و گسترش فضای مجازی و همچنین افزایش ضریب نفوذ اینترنت در جامعه، بخش قابل توجهی از قشر نوجوان و جوان جامعه تحت تأثیر هجمه‌های تبلیغاتی و برنامه‌های این رسانه‌ها قرار گرفته‌اند. این هجمه‌ها بر حاکمیت فرهنگ دینی و مذهبی در میان خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، نسل‌های جدید به سنت‌های گذشته وفادار نمی‌مانند و نسبت به باورها و رسوم که مقدس و سنتی شمرده می‌شوند، بی‌توجه

می شوند. بنابراین، تغییرات هنجارها و ایدئولوژی ها به آسانی انجام می پذیرد (فرجاد، ۱۳۸۰: ۱۱۲).

یکی از کارکردهای منفی فضای مجازی عادی سازی هنجارشکنی است. انعکاس کجروی های اجتماعی در رسانه ها در کاهش نفرت از انحرافات و عادی شدن نابهنجاری در جامعه تأثیر بسزایی دارد؛ زیرا فرد ضمن اطلاع از نقض هنجارها توسط رسانه ها، درمی یابد که هنجارهای اجتماعی که به نظر وی غیر قابل تخطی بودند، قابل شکستن و تخلف هستند. بنابراین، انگیزه ارتکاب جرم در فرد تقویت می شود. همچنین، امروزه فضاهای مجازی می توانند زمینه را برای تحمیل هرگونه نظری فراهم کنند و با ابزارهای تبلیغات، از نفوذ و قدرت مطلق بر انسان ها برخوردار شوند. بر همین اساس، می توان گفت که فضاهای با شیوه های خاص از طریق تبلیغات می کوشند به تحمیل کالاها، اندیشه ها و بسط شبکه نیازهای انسان ها بپردازند. ایجاد اختلاف و تجزیه، ایجاد وابستگی اطلاعاتی جریان یک سوئیة اطلاعات و مرکزیت ابررسانه ها، ایجاد گسست فرهنگی و تبلیغ الگوهای جامعه مشتری مبتنی بر ارزش های جامعه مصرفی از دیگر کارکردهای منفی فضاهای مجازی است (حبیب زاده و قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

آنچه مسلم است، در این برهه از زمان هنجارشکنی ها، کاهش آشکار انسجام و ثبات در بازتولید الگوهای تثبیت شده اجتماعی، فردگرایی و غیره که تا حدی به خاطر سیاست های اقتصادی و اجتماعی اعمال شده پس از پایان جنگ تحمیلی، از جمله سیاست تعدیل اقتصادی، تأکید بر مصرف گرایی و مانور تجمل و از سوی دیگر، به علت گسترش ارتباطات ملی و جهانی بوده، تمامی اقشار اجتماعی، شهرهای کوچک و مناطق روستایی را در همان ابعاد و یا حتی بیشتر از مناطق شهری بزرگ تر تحت تأثیر قرار داده است. عمومیت یافتن این آسیب ها و نقض عمده و غیر عمده هنجارهای سنتی و رسمی جامعه و به عبارتی نادیده گرفتن موازین عرفی و شرعی که منجر به اضمحلال تدریجی فرهنگ و هویت اسلامی و برهم زدن نظم و نظامات زندگی می شود، در شرایط کنونی تبدیل به یک مسئله اجتماعی شده و ابعاد گسترده ای را به خود گرفته است (شمس، عموزاده، زینووند و غلامی، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

ربیعی و محمدزاده (۱۳۹۲) استفاده کنترل نشده از فضای مجازی، تکامل فیزیکی و رشد اجتماعی و روانی جوانان و نوجوانان را در معرض خطر قرار داده است. با توجه به اهمیت جامعه مورد مطالعه، ترس و بیم از تخریب مبانی اخلاقی و اجتماعی، و نداشتن امنیت روانی و فرهنگی ناشی از آسیب های فضای مجازی واکنشی منطقی قلمداد می شود (هاتف، ۱۳۸۸). بدون شک گسترش فضای مجازی در بین دانش آموزان از شتابی بی سابقه برخوردار بوده است. هیچ رسانه دیگری بیش از این قادر نبوده در چنین مدت کوتاهی، تحولی چنین عظیم در زمینه آسیب های اجتماعی ایجاد کند و جامعه را این گونه زیر نفوذ خود درآورد (پورشهریاری، ۱۳۸۶). به عنوان مثال، اثر رسانه بر هویت از موضوعات دامنه دار حوزه علوم ارتباطات و اطلاع رسانی است. این اثر از دو طریق بر مخاطب اعمال می شود: از طریق محتوا و از طریق شکل، ایده خشی نبودن رسانه و تأثیر قالب آن بر هویت کاربرانش، یکی از دستاوردهای مهم مارشال است. به نظر مک لوهان مهم ترین اثر رسانه های این است که بر عادات درک و تفکر ما اثر می گذارد (حبیبی، خانیکی و انتظاری، ۱۳۹۲).

نتایج مطالعه دریفوس (۱۳۸۳) درباره تأثیر اجتماعی و روان شناختی اینترنت نشان داد که استفاده از اینترنت با کاهش تعاملات فردی با اعضای خانواده، سبب کاهش اندازه حلقه اجتماعی و افزایش احساس افسردگی و تنهایی بوده است. مطالعات اخیر دانشگاه استنفورد، ایجاد انزوای حاصل از فضای مجازی را ثابت کرد (به نقل از رهبر، نیک قدم حجتی و سلیمانی روزبهرانی، ۱۳۹۴). همچنین، برخی از تحقیقات مدعی اند که استفاده از فضای مجازی یک فعالیت زمانگیر است و مدت تعامل نوجوان را با خانواده کاهش می دهد (ربیعی و محمدزاده، ۱۳۹۲).

از آنجا که نوجوانان دانش آموز، بخش مهمی از سرمایه انسانی جامعه را تشکیل می دهند، تغییرات اجتماعی-فرهنگی این نسل از این ظرفیت برخوردار است که منشأ دگرگونی هایی در دیگر سطوح جامعه باشد. وقوع چنین تغییراتی ممکن است نقش تعیین کننده ای بر فرایند تربیت اجتماعی و کیفیت تعامل جوانان با جامعه داشته باشد و شالوده های نظم اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، شناخت اینکه آنان چگونه از قابلیت های فضای مجازی استفاده می کنند و

از آن تأثیر می پذیرند، به یک دغدغه مهم تبدیل می شود. با این حال، گسترش استفاده از فضای مجازی در تعاملات روزمره منجر به ایجاد تغییر در زندگی روزمره افراد، به ویژه قشر جوان شده است. جاذبه های این فضا منجر شده افراد ساعات زیادی از روز خود را در این فضا گذرانده و تعاملات در این فضا را جایگزین تعاملات با اعضای خانواده و همسالان خود کنند. آسیب های فضای مجازی باعث تغییر سبک زندگی در میان نسل جوان ایرانی شده؛ زیرا این نسل از جامعه به دلیل اینکه با محدودیت ارزشی، هنجاری، خانوادگی و قانونی در جامعه روبه روست، بیشتر شیفته جذابیت های جدید می شود. این معضل باعث شده که این نسل، سبک زندگی خود را تغییر دهد و به سمت استفاده بیشتر از فضای مجازی سوق یابد. افزایش بی رویه ارتباط مجازی در فضاهای اینترنتی، مصرف گرایی شدید را به همراه می آورد. استفاده مفرط از این فضا، فعالیت های بدنی را کاهش می دهد، به سلامت اجتماعی، جسمانی، فردی و خانوادگی ضربه وارد می کند (شربتیان و بخارایی، ۱۳۹۳: ۱۴۸-۱۴۷).

مشاهده آمارها و شواهد افزایش کارکردهای منفی فضای مجازی و آسیب های آن، به خصوص در دانش آموزان، دال بر گسترش و شکل گیری رفتارهای غیرمقبول، ناهم نوایی با هنجارهای رسمی و مورد پذیرش عموم، و در پی آن، به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی است که نیاز به بررسی میزان آسیب های فضای مجازی در قشر نوجوان دارد که در این مطالعه به صورت کیفی آسیب های فضای مجازی در دانش آموزان شهر اراک شناسایی و دلایل بروز آن بررسی خواهد شد.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. چهارچوب مفهومی

یکی از وجوه تمایز پژوهش های کمی و کیفی، شیوه به کارگیری و استفاده آنها از مفاهیم نظری است؛ بدین معنا که در تحقیقات کمی بیشتر بر پایه آزمون فرضیات استخراج شده از چهارچوب نظری هدایت می شوند؛ اما در پژوهش کیفی از نظریه برای صورت بندی سؤال های

پژوهش، شناسایی مفاهیم حساس و حساسیت نظری که راهنمای مراحل مختلف تحقیق است، بهره گرفته می‌شود.

اشترواس و کوربین (۱۳۹۱) نیز معتقدند تحقیقات کیفی، پژوهش‌هایی اکتشافی‌اند. بنابراین، محقق از همه مقولات مناسب و مربوط به نظریه‌اش آگاهی قبلی نخواهد داشت و عموماً بعد از اینکه مقوله‌ای آشکار شد، ممکن است بخواهد به متون تخصصی مراجعه کند و ببیند آیا این مقوله در آنجا یافت می‌شود یا نه و اگر وجود دارد سایر محققان درباره‌اش چه نظری دارند؟ بر این اساس، پژوهش حاضر بر نظریه‌ها و مفاهیم نظری قابلیت ارجاع و استناد مبتنی است که در زیر به آنها پرداخته می‌شود:

تعدد کارکردها و پیچیدگی فضای مجازی موجب شکل‌گیری دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضاد در باب آثار مثبت و منفی آن شده است. در این میان، اندیشمندانی که در قبال فضای مجازی موضعی آرمان‌گرایانه گرفته‌اند، بیشتر نیمه پر لیوان و آثار مثبت را برجسته کرده‌اند؛ ولی آنان که از منظر انتقادی به فضای مجازی نگریسته‌اند، بیشتر بر آثار منفی آن تأکید می‌کنند. در دیدگاه بدبینانه، برخی آثار منفی نیز برای فضای مجازی بیان شده است که از میان آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: پرورش نوع جدیدی از فردگرایی افراطی، بدل‌سازی جهان‌بینی‌ها و برتری فرهنگی آمریکا به وسیله نخبگان سنتی از طریق اینترنت، تسهیل تجاوز به حریم‌های خصوصی، رشد جوامع کاذب در برابر جامعه واقعی، قیچی کردن شبکه‌های اجتماعی و جداسازی افراد از خانواده و دوستان، جایگزینی خویشاوندی‌های اجتماعی برون‌خط با پیوندهای اجتماعی برخط و ترجیح روابط برخط بر روابط برون‌خط به سبب بهره‌مندی از آزادی و ابتکار عمل بیشتر، کاهش سرمایه اجتماعی، گوشه‌گیری و بریدگی از مشارکت‌های محسوس و عینی، تضعیف مسئولیت اجتماعی به علت امکان ابداع هویت‌های گوناگون، درگیر شدن کاربران با محیط برخط به جای تعامل با افراد حقیقی و دگرگونی تعاملات اجتماعی از تعامل انسانی به تعامل با فناوری (روشندل اربطانی و صابر، ۱۳۹۱: ۱۲۱-۱۱۹).

نظریه کاشت^۱ یا پرورش گربنر^۲ بر کنش متقابل میان رسانه و مخاطبانی که از آن رسانه استفاده می کنند و نیز بر چگونگی تأثیرگذاری رسانه ها بر مخاطبان تأکید دارد. فرض اساسی این نظریه این است که بین میزان مواجهه و استفاده از رسانه و واقعیت پنداری در محتوا و برنامه های آن رسانه ارتباط مستقیم وجود دارد. به این صورت که ساعت های متمادی مواجهه با رسانه ای خاص باعث ایجاد تغییر نگرش و دیدگاه های موافق با محتوای رسانه می شود. در واقع، نظریه کاشت با تعیین میزان و نوع برنامه های مورد استفاده از رسانه ها، میزان تأثیر را مطالعه می کند تا به سازوکار و نحوه تأثیر دست پیدا کند (قاسمی، عدلی پور و کیانپور، ۱۳۹۲: ۱۶).

نظریه کاشت به فرایند انباشتی و متراکمی اشاره دارد که به وسیله آن، رسانه اعتقادات و باورها را درباره واقعیت اجتماعی پرورش می دهد. همچنین، بر اساس این نظریه، رسانه اغلب استنباط هایی ویژه و غیر واقعی از دنیا ارائه می دهد و دنیا را مکانی خشن تر و خطرناک تر از آنچه که آمارهای واقعی نشان می دهند، معرفی می کند (باهنر و جعفری کیدقان، ۱۳۸۹: ۱۴۰). وی که اثر اصلی رسانه به خصوص تلویزیون را جامعه پذیری یعنی اشاعه ثبات و پذیرش وضعیت موجود می داند، معتقد است که رسانه تغییرات را به تنهایی به حداقل نمی رساند؛ بلکه این امر با هماهنگی دیگر نهادهای عمده فرهنگی محقق می شود. این نظریه معتقد است که رسانه در بلندمدت موجب تأثیر در جهان بینی و نظام ارزشی بینندگان پرمصرف خود می شود و به آنها نگرش رسانه ای واحد درباره واقعیات می بخشد (قاسمی، عدلی پور و کیانپور، ۱۳۹۳: ۵۸).

در واقع، نظریه گربنر با تفاوت قائل شدن بین مخاطب عادی و پرمصرف، تأثیر زیاد تلویزیون بر مخاطب پرمصرف را اثبات می کند. گربنر بیان می کند که از نظر تماشاگران پرمصرف، تلویزیون عملاً دیگر منابع اطلاعات، افکار و آگاهی ها را به انحصار درآورده و یکی می کند. اثر این مواجهه با پیام های مشابه، چیزی را تولید می کند که وی آن را کاشت یا آموزش جهان بینی، نقش ها و ارزش های رایج، می نامد (مورگان^۳، ۱۹۹۵).

1. Cultivation theory

2. Gerbner

3. Morgan

نظریه امپریالیسم فرهنگی^۱ بیان می‌کند که کشورهای پیشرفته باورها، ارزش‌ها، دانش، هنجارهای اجتماعی و سبک زندگی مخصوص خود را به سایر کشورها تحمیل می‌کنند. امپریالیسم فرهنگی به صورت تحمیل فرهنگی کشورهای قدرتمند بر کشورهای ضعیف هم تعریف می‌شود. این تحمیل به صورت هدفمند و عمدی انجام می‌شود؛ به این خاطر که این تحمیل فرهنگی با علایق و منافع سیاسی ایالات متحده و سایر کشورهای سرمایه‌دار قدرتمند در ارتباط است (سلون^۲، ۱۹۹۱). بنابراین، امپریالیسم فرهنگی را می‌توان جزئی جدانشدنی از روندهای شناخته شده در راستای جهانی شدن در نظر گرفت. به واسطه امپریالیسم فرهنگی ارزش‌های فرهنگ‌های محلی از سوی ارزش‌های فرهنگی مسلط غربی (که با ارزش‌های بنگاه‌های چند ملیتی پیوند دارند) تهدید شده و در نهایت جایگزین می‌شوند (وایت^۳، ۱۹۸۳).

با توجه به نظریه امپریالیسم فرهنگی، کشورهای غربی به علت تسلط بر فناوری ارتباطی و اطلاعاتی و فضای مجازی، ارزش‌ها و هنجارهای غربی را بر کشورهای دیگر تحمیل می‌کنند. پس می‌توان از این نظریه استنباط کرد که استفاده از فضای مجازی باعث کاهش ارزش‌ها و هنجارهای محلی مثل خانواده و مذهب در کشور ایران شود.

در یک جمع‌بندی از این قسمت باید بیان کرد که تغییرات اجتماعی و به تبع آن فرهنگ، با سطح فناوری موجود در جامعه رابطه مستقیمی دارند، به هر حال، تأثیر فناوری همیشه مستقیم نیست و می‌تواند غیر مستقیم و با تأخیر نیز باشد. به عبارت دیگر، فناوری جدید به خودی خود منجر به شکل‌گیری نظام‌های سیاسی، باورهای مذهبی، و نگرش‌های اخلاقی جدید نمی‌شود؛ بلکه در نهادها، هنجارها، و ارزش‌های موجود جامعه تغییر ایجاد می‌کند. بنابراین، در تغییر ارزش‌های دینی هم تأثیر فضای مجازی همیشه مستقیم نیست و بیشتر تابع نوع استفاده از آن و متغیرهایی چون سن، جنس، تحصیلات و ... است. در کنار این موارد، بعضی از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که رسانه‌ها به خودی خود آسیب‌زا هستند. آنان به انفعال مطلق انسان در مقابل

1. cultural imperialism theory

2. Salween

3. White

رسانه و تأثیر اجتناب ناپذیر رسانه ها در حیات انسانی اشاره کرده اند و معتقدند رسانه های جمعی جدید، مهاجمان بیگانه ای هستند که پیام، افکار و مفاهیمشان را به طور مستقیم به اذهان مخاطبان دست بسته خود القا می کنند و می توانند پیامدهای منفی و ضد اجتماعی به دنبال داشته باشند.

۲.۲. پیشینه پژوهش

مطالعات کیفی مربوط به آسیب های فضای مجازی در دانش آموزان، از جمله موضوعاتی است که سابقه بسیار کمی در داخل کشور دارد. با این وجود، در این قسمت مطالعات حوزه آسیب های فضای مجازی دانش آموزان مرور می شود.

حدادیان و همکاران (۱۴۰۲) تحقیقی را با هدف تبیین جامعه شناختی آسیب های اجتماعی فضای مجازی در نوجوانان پسر شهر تهران انجام دادند. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از فن پیمایش است. جامعه آماری پژوهش، دانش آموزان پسر متوسطه دوم شهر تهران هستند که در گروه سنی ۱۸-۱۶ سال قرار دارند و بر اساس فرمول کوکران، تعداد ۳۸۳ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. داده های پژوهش به وسیله پرسش نامه جمع آوری شده که روایی آن با استفاده از روش منطقی و نظرات کارشناسان آسیب های اجتماعی و فضای مجازی به لحاظ کمیت و کیفیت تأیید شده است. گمنامی، گروه همالان، ناکامی های فردی و اجتماعی، عدم دلبستگی خانوادگی و محتوای برنامه رسانه ملی با آسیب های اجتماعی رابطه معناداری داشته و با افزایش میزان استفاده از فضای مجازی، میزان آسیب های اجتماعی متوجه نوجوانان شامل سرقت اطلاعات، زورگیری مجازی، خشونت کلامی، خشونت روانی، خشونت مالی و خشونت جنسی افزایش می یابد. نتایج پژوهش نشان داد که نوجوانان پسر تحت تأثیر استفاده از فضای مجازی، در معرض انواع آسیب های اجتماعی ناشی از این فضا هستند که آموزش و بستر سازی مناسب برای استفاده بهینه از فضای مجازی از طریق دستگاه های ذی ربط مسئول و خانواده ها همراه با تقویت استحکام روابط صمیمانه والدین و فرزندان می تواند در مدیریت استفاده مطلوب از فضای مجازی و کاهش آسیب های اجتماعی این فضا مؤثر باشد.

شیوندی و همکاران (۱۴۰۱) تحقیقی را با هدف مقایسه ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان درگیر در فضای مجازی و دانش‌آموزان معمولی در دانش‌آموزان دوره متوسطه اول و دوم در شهرستان پل‌دختر انجام دادند. این پژوهش مبتنی بر روش علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان مدارس دوره متوسطه شهرستان پل‌دختر در سال ۹۶-۹۷ برابر با ۳۹۹۰ نفر بود. بر اساس جدول کرجسی و مورگان، ۳۵۰ نفر (۱۷۵ دختر و ۱۷۵ پسر) به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. افراد نمونه بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. پرسش‌نامه عشق به یادگیری مک‌فارلن (۲۰۰۳)، شادکامی آکسفورد (۱۹۸۹)، عزت نفس روزنبرگ، جهت‌گیری زندگی شیر و کارور (۱۹۹۴)، انگیزش پیشرفت هرمنس (۱۹۷۰) و مهارت‌های خودتنظیمی بوفارد و همکاران (۱۹۹۵) استفاده شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که دانش‌آموزان درگیر در فضای مجازی به‌طور معناداری، عشق به یادگیری، شادکامی و انگیزش پیشرفت تحصیلی کمتر، عملکرد تحصیلی ضعیف‌تر، عزت نفس پایین‌تر و جهت‌گیری زندگی بدبینانه‌تر نشان دادند و تنها در استفاده از مهارت‌های خودتنظیمی با دانش‌آموزان معمولی تفاوت معنادار نداشتند. یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش حاکی از این است که غرق شدن دانش‌آموزان در فضای مجازی از جنبه‌های گوناگون می‌تواند زمینه آسیب‌رساندن به نوجوانان، به‌عنوان فراگیران دانش، را موجب شود که این آسیب در وهله نخست می‌تواند جنبه عاطفی داشته و عشق به یادگیری، شادمانی، عزت نفس و خوش‌بینی در نوجوانان را به‌عنوان سازه‌های اساسی رشد مورد هجوم قرار دهد و در وهله بعد، افت تحصیلی و عملکرد تحصیلی نامناسب را به دنبال داشته باشد.

رحمانی و ایل‌بیگی (۱۴۰۰) تحقیقی را با هدف بررسی نقش ابعاد شخصیتی هگزاگو و نگرش‌های مذهبی و هوش اخلاقی در پیش‌بینی آسیب‌های فضای مجازی در دانش‌آموزان دختر دوره دوم مقطع متوسطه شهر مشهد انجام دادند. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر مشهد در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ تشکیل داد. حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای ۲۲۸ نفر انتخاب شد. در این پژوهش از

پرسش نامه شخصیت هگزاکو (اشتون و لی، ۲۰۰۰)، سنجش نگرش مذهبی (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۹۷)، هوش اخلاقی (لنیک و کیل، ۲۰۰۵) و آسیب های فضای مجازی (زندوانیان و همکاران، ۱۳۹۲) استفاده شد. یافته ها به روش هم بستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره گام به گام، تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که هیچ یک از مؤلفه های هوش اخلاقی و نگرش های مذهبی با آسیب های فضای مجازی ارتباط معناداری نداشتند و از بین مؤلفه های ابعاد شخصیتی هگزاکو فقط عامل توافق و سازگاری با آسیب های فضای مجازی رابطه مثبت معنادار دارند. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه که توافق و سازگاری می تواند به صورت معناداری تغییرات مربوط به احساس تنهایی را دانشجویان تبیین کنند. همچنین، این نتایج نشان داد که ۱۲ درصد از واریانس آسیب های فضای مجازی دانش آموزان، توسط ابعاد شخصیتی هگزاکو و نگرش های مذهبی و هوش اخلاقی تبیین می شود.

خواجهوند احمدی و ابراهیمی (۱۴۰۰) تحقیقی را با هدف شناسایی رابطه عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی با بزه دیدگی در فضای مجازی انجام دادند. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دختر دوره متوسطه شهر تهران بود که ۳۲۶ نفر از آنها با استفاده از روش نمونه گیری گلوله برفی مجازی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. شرکت کنندگان در این پژوهش به مقیاس های بزه دیدگی در فضای مجازی (بویلگا و همکاران، ۲۰۱۹)، خودپنداره (گارسیا-گراو و همکاران، ۲۰۱۴)، ارتباط والد-نوجوان (پورسل، ۲۰۰۷) و قربانی شدن توسط همسالان (جوزف و استاکتون، ۲۰۱۸) به صورت برخط پاسخ دادند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد خودپنداره، ارتباط والد-نوجوان و قربانی شدن توسط همسالان پیش بینی کننده تجربه بزه دیدگی در فضای مجازی در میان دانش آموزان هستند که در این میان ارتباط بی دردسر والد-نوجوان و قربانی شدن کلامی و دستکاری اجتماعی توسط همسالان به عنوان عامل خطر برای افزایش بزه دیدگی در فضای مجازی و خودپنداره اجتماعی و جسمانی و ارتباط باز والد-نوجوان به عنوان عوامل محافظ در برابر بزه دیدگی در فضای مجازی محسوب می شوند. این نتایج، اهمیت توجه به وضعیت حضور دانش آموزان در فضای مجازی و خطرات ناشی از آن و تدبیر و کاربست

راهکارهایی برای تقلیل عوامل منفی اثرگذار و مرتبط با بزه‌دیدگی در فضای مجازی و ایجاد و بهبود عوامل مثبت محافظ را توسط خانواده و نظام آموزش و پرورش تأکید می‌کند.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۹) تحقیقی را با هدف آزمون کفایت روان‌سنجی مقیاس قربانی‌شدن در فضای مجازی در میان ۳۲۶ نفر از دانش‌آموزان دختر شهر تهران که با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی مجازی است، انجام دادند. در این مطالعه، دانش‌آموزان به مقیاس قربانی‌شدن در فضای مجازی (بویلگا و همکاران، ۲۰۱۹)، مقیاس ارتباط والد-نوجوان (پورسل، ۲۰۰۷) و مقیاس قربانی‌شدن توسط هم‌سالان (جوزف و استاکتون، ۲۰۱۸) پاسخ دادند. برای تعیین روایی عاملی مقیاس قربانی‌شدن در فضای مجازی از روش‌های آماری تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی و برای بررسی هم‌سانی درونی آن از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده شد. همچنین، برای مطالعه روایی سازه، ضریب هم‌بستگی بین مقیاس قربانی‌شدن در فضای مجازی و مقیاس‌های ارتباط والد-نوجوان و قربانی‌شدن توسط هم‌سالان گزارش شد. نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی با استفاده از چرخش واریماکس نشان داد مقیاس قربانی‌شدن در فضای مجازی از دو عامل قربانی مستقیم و قربانی غیر مستقیم در فضای مجازی تشکیل شده است. شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی بر پایه نرم‌افزار آموس، وجود این دو عامل را تأیید کرد. نتایج مربوط به هم‌بستگی مثبت بین ابعاد مقیاس قربانی‌شدن در فضای مجازی با ابعاد مقیاس قربانی‌شدن توسط هم‌سالان و هم‌بستگی ضعیف با ابعاد مقیاس ارتباط والد-نوجوان به‌طور تجربی از روایی سازه مقیاس قربانی‌شدن در فضای مجازی حمایت کرد. مقادیر ضرایب هم‌سانی درونی مقیاس مطلوب گزارش شد. در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان داد که مقیاس حاضر برای سنجش قربانی‌شدن در فضای مجازی در دانش‌آموزان دختر ابزاری روا و معتبر است.

زندوانیان و همکاران (۱۳۹۲) تحقیقی را با هدف شناسایی آسیب‌های فضای مجازی بین دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر یزد انجام دادند. روش، توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر یزد است که با روش نمونه‌گیری تصادفی

خوشه‌ای انتخاب شدند. نتایج نشان داد که استفاده از فضای مجازی در ابعاد خانوادگی، تحصیلی، سازگاری، اعتقادی-عبادی و روانی دانش‌آموزان تأثیر منفی دارد و بین وسایل، «تلفن همراه» بیشترین و بازی‌های رایانه‌ای کمترین آسیب را بر دانش‌آموزان داشته است. دانش‌آموزان در اولویت‌بندی راهکارهای مقابله با آسیب‌های فضای مجازی، تقویت ارتباطات منطقی و عاطفی در خانواده و جایگزین کردن تفریح‌های سالم، درگیر کردن افراد در فعالیت‌ها و برنامه‌های مثبت را مهم‌ترین و افزایش نظارت حوزه‌های سیاسی امنیتی و فیلترینگ را کم‌اهمیت‌ترین راهکار برای کاهش آسیب‌های فضای مجازی دانسته‌اند.

خرازانی (۱۳۹۵) تحقیقی را با هدف بررسی رابطه استفاده از فضای مجازی با گرایش دانش‌آموزان به خشونت انجام داد. این تحقیق با روش توصیفی-پیمایشی و با انتخاب جامعه آماری از دانش‌آموزان منطقه ۲۲ تهران انجام شده است. همچنین، برای نمونه‌گیری ابتدا با محاسبه حجم نمونه از طریق معادله کوکران، تعداد ۱۴۶ نفر انتخاب و نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از سطح دبیرستان‌های منطقه انتخاب شدند. ابزار تحقیق نیز برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق‌ساخته بوده که قبل از اجرا، اعتبار و پایایی آن تأیید شده است و در نهایت، داده‌ها در دو بخش توصیف و آزمون فرضیه‌ها تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نقش خانواده در کنترل گرایش به خشونت دانش‌آموزان بسیار مؤثر بوده و در رتبه اول قرار دارد. همچنین، فضای خشونت‌طلبی در اینترنت و بازی‌های اینترنتی نیز در افزایش خشونت‌طلبی دانش‌آموزان مؤثر بوده و در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. نتایج نشان می‌دهد عضویت دانش‌آموزان در گروه‌های استفاده‌کننده در اینترنت و استفاده از بازی‌های رایانه‌ای سبب گرایش آنان به خشونت می‌شود. از طرفی، کنترل و نظارت بر استفاده آنان از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای سبب کنترل خشونت در این گروه می‌شود.

در یک جمع‌بندی از تحقیق‌های مرور شده پیشین، می‌توان اشاره کرد که بیشتر این پژوهش‌ها به صورت کمی و پیمایشی موضوع آسیب‌های فضای مجازی را بررسی کرده‌اند. همچنین، در بین عوامل مؤثر بر آسیب‌های فضای مجازی، ضعف روابط خانوادگی و مذهبی، و

ضعف برخی مهارت‌های اجتماعی مثل سواد رسانه‌ای و ارتباط مؤثر بیشترین تأثیر را بر این آسیب‌ها می‌گذارند. در پژوهش‌ها کمبود تحقیقی که به صورت کیفی مؤلفه‌ها و دلایل آسیب‌های فضای مجازی در دانش‌آموزان را بررسی کند، احساس می‌شود. بدین ترتیب، می‌توان بیان کرد که به دلیل عدم بررسی کیفی مؤلفه‌ها و دلایل آسیب‌های فضای مجازی در دانش‌آموزان در پژوهش‌های قبلی، این تحقیق با روش کیفی مؤلفه‌ها و دلایل آسیب‌های فضای مجازی بر دانش‌آموزان شهر اراک را بررسی می‌کند.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش، برای دستیابی به پاسخ مسئله و اهداف پژوهش از روش کیفی استفاده شد. روش کیفی، روشی استقرایی است که از اطلاعات مرتبط با افراد مرتبط با موضوع ساخته می‌شود که بستگی به موقعیت یا زمینه‌ای دارد که مشارکت‌کنندگان در آن زندگی می‌کنند. در این روش، مفهوم‌سازی و عملیاتی کردن داده‌ها هم‌زمان با گردآوری داده و تحلیل اولیه داده‌ها انجام می‌شود. این روش از یک مجموعه منظم از گردآوری داده و فرایندهای تحلیل به منظور توسعه نظریه استقرایی مشتق از داده استفاده می‌کند (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷). انجام یک روش کیفی مناسب مستلزم داده‌های متنی-مصاحبه‌ای عمیق است. بنابراین، در تحقیق حاضر برای گردآوری داده از تکنیک مصاحبه نیمه ساخت‌یافته استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در این تحقیق، دانش‌آموزان متوسطه اول شهر اراک هستند. روش نمونه‌گیری برای انتخاب افراد هدفمند و برای گردآوری داده‌ها از نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. برای تعیین حجم نمونه از معیار اشباع نظری استفاده شد. اشباع نظری^۱ به این معنا است که در فرایند گردآوری داده‌ها هیچ داده جدیدی پیدا نشده است که محقق به وسیله آن بتواند ویژگی مقوله را گسترش دهد. به تدریج محقق مطمئن می‌شود که مقوله‌های او اشباع شده‌اند و از جست‌وجو برای دستیابی به داده جدید و تنوع داده‌ها دست می‌کشد (نوغانی و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۷۰). در تحقیق حاضر بعد از انجام ۱۴ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد. برای تحلیل داده‌ها، از تحلیل مضمون و فرایند کدگذاری

1. Theoretical saturation

داده ها مطابق الگوی پیشنهادی اشتروس و کوربین (۱۳۹۱) بهره گرفته شد. این الگو شامل سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است.

برای قابلیت اعتماد در این تحقیق، از تکنیک هایی استفاده شد. قابلیت اعتماد، به بیانی ساده میزانی است که در آن می توان به یافته های یک پژوهش کیفی متکی بود و به نتایج آن اعتماد کرد (محمدپور، ۱۳۸۸: ۴۷). برای بررسی قابلیت اعتماد در این تحقیق از معیار اطمینان پذیری^۱ استفاده شد. این معیار به درجه بازیافت و تکرارپذیری داده ها توسط سایر پژوهشگران اطلاق می شود. در این تحقیق برای دستیابی به اطمینان پذیری از یک مصاحبه گر کمکی برای جمع آوری، تفسیر و مقایسه داده های مصاحبه استفاده شد. همچنین، همه مراحل جمع آوری، کدگذاری و تفسیر داده ها از قبل مشخص شد تا مصاحبه گران یک رویه مشخص و منسجم را طی کنند.

۴. یافته های پژوهش

مشارکت کنندگان در این قسمت تحقیق حدود ۱۴ نفر از دانش آموزان متوسطه اول شهر اراک متشکل از ۸ دانش آموز دختر (۳ نفر پایه هفتم، ۳ نفر پایه هشتم و ۲ نفر پایه نهم) و ۶ دانش آموز پسر (۲ نفر پایه هفتم، ۲ نفر پایه هشتم و ۲ نفر پایه نهم) بودند. یافته های حاصل از مصاحبه های نیمه ساختارمند انجام شده در حوزه آسیب های فضای مجازی از دانش آموزان تحلیل مضمون شدند و در نهایت به دو مضمون فراگیر و ۸ مضمون سازمان دهنده دست یافتیم که در ادامه به آنها اشاره می شود.

۴. ۱. مضمون فراگیر اول: آسیب های حوزه فضای مجازی

در مصاحبه های انجام شده درباره آسیب های حوزه فضای مجازی، به ۱۵ مضمون پایه اشاره شد که این موارد در قالب مضامین فراگیر و سازمان دهنده قابل تقسیم بندی بودند. این مضامین پایه ابتدا به شش دسته کلی آسیب های خانوادگی، تحصیلی، اجتماعی، روانی، مذهبی و جسمی

تقسیم شدند؛ سپس هر کدام از این ۶ دسته کلی به دسته‌های فرعی‌تر تقسیم و مصادیق مورد اشاره در آن به صورت جدول زیر آورده شد.

جدول ۱. آسیب‌های حوزه فضای مجازی از منظر دانش آموزان

منبع: مطالعه حاضر

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	مفاهیم
آسیب‌های فضای مجازی	آسیب‌های خانوادگی	مشکلات تعاملی	کاهش ارتباط با اعضای خانواده عدم علاقه به شرکت در جلسات و مهمانی‌های خانوادگی علاقه به حضور در اتاق شکاف بین نسلی
		مشکلات تهاجمی	بی‌احترامی به اعضای خانواده عدم حرف شنوی فرزندان جر و بحث و دعوا با اعضای خانواده دروغ‌گویی به اعضای خانواده
	آسیب‌های تحصیلی	فرایندی	اتلاف وقت کم‌شدن خلاقیت حواس پرتی پرش ذهنی هنگام درس خواندن
		پیامدی	افت عملکرد تحصیلی حاضر نشدن در سر کلاس
	آسیب‌های اجتماعی	فقدان مهارت‌های ارتباطی	ارتباط با جنس مخالف شکست عشقی دوستی‌های مجازی نداشتن دوست سالم در دنیای واقعی
		انحراف جنسی	رواج بی‌بندوباری جنسی پورنوگرافی خودارضایی دیدن محتوای نامناسب

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	مفاهیم
		مصرف دخانیات، مواد و الکل	مصرف مواد مخدر مصرف الکل مصرف سیگار
		خشونت	تمایل به پرخاشگری دعوا و درگیری
		تقلید افراطی و ناهنجار	پیروی از مدهای جدید پیروی کورکورانه از سلبریتی ها قیح زدایی از رفتارهای ناهنجار رواج فحاشی شوخی های ناهنجار و جنسی مقایسه کردن خود با دیگران الگویابی و گروه مرجع نامناسب فرار از منزل نا امیدی از آینده
	آسیب های روانی	مشکلات روان شناختی	افسردگی اضطراب استرس وابستگی به فضای مجازی
		مشکلات روان شناختی اجتماعی	تمایل به خودکشی اعتماد به نفس پایین قربانی شدن و سوء استفاده جنسی
	آسیب های مذهبی	مشکلات مرتبط با باور دینی	تردیدهای دینی و مذهبی کمرنگ شدن عقاید دینی
		مشکلات مرتبط با مناسک دینی	کم حجابی بی حجابی نماز نخواندن روزه نگرفتن
	آسیب های جسمی	مشکلات مستقیم	ضعیف شدن چشم سردرد

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	مفاهیم
			بی خوابی کمر درد درد ستون فقرات
		مشکلات غیرمستقیم	کم تحرکی چاقی تنبلی کم اشتها و بی اشتها

۴. ۱. ۱. آسیب‌های خانوادگی

نتایج مصاحبه‌ها با دانش‌آموزان حکایت از این داشت که حدود ۸ مشکل اساسی حوزه خانوادگی وجود دارد که در قالب مفاهیم قرار گرفتند. کاهش ارتباط با اعضای خانواده، عدم علاقه شرکت در جلسات و مهمانی‌های خانوادگی، علاقه به حضور در اتاق، شکاف بین نسلی، بی‌احترامی به اعضای خانواده، عدم حرف شنوی فرزندان، جر و بحث و دعوا با اعضای خانواده و دروغ‌گویی به اعضای خانواده از آسیب‌های مورد اشاره‌ای بوده است که در قالب دو مضمون پایه مشکلات تعاملی و مشکلات تهاجمی دسته‌بندی شدند. در ادامه مواردی که مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بدان اشاره کرده‌اند، ذکر می‌شود:

من علاقه زیادی به حضور در فضای مجازی به خصوص اینستا و یوتیوب دارم. این علاقه به حدی است که فقط برای خوردن ناهار و شام و دستشویی از اتاق بیرون می‌روم و اگر این کارها نباشند، دوست ندارم از اتاقم خارج شوم (دانش‌آموز پسر، پایه نهم).

۴. ۱. ۲. آسیب‌های تحصیلی

نتایج مصاحبه‌ها با دانش‌آموزان حکایت از این داشت که حدود ۶ مشکل اساسی حوزه تحصیلی وجود دارد که در قالب مفاهیم قرار گرفتند. اتلاف وقت، کم‌شدن خلاقیت، حواس‌پرتی، پرش ذهنی هنگام درس‌خواندن، افت عملکرد تحصیلی و حاضرنشدن سر کلاس از جمله

آسیب های مورد اشاره ای بوده است که در قالب دو مضمون پایه فرایندی و پیامدی دسته بندی شدند. در ادامه مواردی که مصاحبه شوندگان در این زمینه بدان اشاره کرده اند، ذکر می شود:

بعضی اوقات تا دیر وقت و یا شاید تا نزدیک های صبح تو این شبکه های مجاز هستم و بعدش اصلاً نمی تونم از خواب بیدار بشم و مجبور می شم که ساعت اول یا دوم مدرسه رو غیبت کنم. اینها باعث می شه بعضی اوقات درس ها رو خوب یاد نگیرم (دانش آموز پسر، پایه هشتم).

۴. ۱. ۳. آسیب های اجتماعی

نتایج مصاحبه ها با دانش آموزان حکایت از این داشت که حدود ۲۲ مشکل اساسی حوزه اجتماعی وجود دارد که در قالب مفاهیم قرار گرفتند. ارتباط با جنس مخالف، شکست عشقی، دوستی های مجازی، نداشتن دوست سالم در دنیای واقعی، رواج ب‌بندوباری جنسی، پورنوگرافی، خودارضایی، دیدن محتواهای نامناسب، مصرف مواد مخدر، مصرف الکل، مصرف سیگار، تمایل به پرخاشگری، دعوا و درگیری، پیروی از مدهای جدید، پیروی کورکورانه از سلبریتی ها، قبح زدایی از رفتارهای ناهنجار، رواج فحاشی، شوخی های ناهنجار و جنسی، مقایسه کردن خود با دیگران، الگویابی و گروه مرجع نامناسب، فرار از منزل و ناامیدی از آینده از آسیب های مورد اشاره ای بوده است که در قالب پنج مضمون پایه فقدان مهارت های ارتباطی، انحراف جنسی، مصرف دخانیات، مواد و الکل، خشونت و تقلید افراطی و ناهنجار دسته بندی شدند. در ادامه مواردی که مصاحبه شوندگان در این زمینه بدان اشاره کرده اند، ذکر می شود:

من توی شبکه های مختلف مجازی پیگیری وضعیت بالگرهای معروف هستم و دوست دارم یه روزی مثل اونها بشم. هم بالگرها رو دوست دارم و هم زندگی خصوصی سلبریتی ها برام جذابیت پیگیری داره. خودم می خوام تلاش کنم که یه روز بازیگر بشم (دانش آموز پسر، پایه هشتم).

۴. ۱. ۴. آسیب های روانی

نتایج مصاحبه‌ها با دانش‌آموزان حکایت از این داشت که حدود ۷ مشکل اساسی حوزه روانی وجود دارد که در قالب مفاهیم قرار گرفتند. افسردگی، اضطراب، استرس، وابستگی به فضای مجازی، تمایل به خودکشی، اعتماد به نفس پایین و قربانی شدن و سوء استفاده جنسی از آسیب‌های مورد اشاره‌ای بوده است که در قالب دو مضمون پایه مشکلات روان‌شناختی و مشکلات روان‌شناختی اجتماعی دسته‌بندی شدند. در ادامه مواردی که مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بدان اشاره کرده‌اند، ذکر می‌شود:

برای خودم که اتفاق نیفتاده ولی دوستانم از طریق همین شبکه‌های اجتماعی مثل تلگرام و اینستاگرام با پسرهای غریبه دوست می‌شدند. اول آشنایی هدفشون ازدواج بود؛ ولی بعداً معلوم می‌شد پسر خیلی از دوستانم بزرگ‌تره و برای سوء استفاده بهش دروغ گفته. بعداً هم که دست پسر رو شد کات کردند و دوستانم خیلی افسرده شد (دانش‌آموز دختر، پایه هفتم).

۴. ۱. ۵. آسیب‌های مذهبی

نتایج مصاحبه‌ها با دانش‌آموزان حکایت از این داشت که حدود ۶ مشکل اساسی حوزه مذهبی وجود دارد که در قالب مفاهیم قرار گرفتند. تردیدهای دینی و مذهبی، کم‌رنگ شدن عقاید دینی، کم‌حجابی، بی‌حجابی، نماز نخواندن، روزه‌نگرفتن از آسیب‌های مورد اشاره‌ای بوده است که در قالب دو مضمون پایه مشکلات اعتقادی و مناسکی دسته‌بندی شدند. در ادامه مواردی که مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بدان اشاره کرده‌اند، ذکر می‌شود:

به خاطر اعتراضات پارسال، کلاً از هرچی دین و اعتقادات دینی هست بیزار شدم. من فرد دین‌داری نیستم و به هیچی اعتقاد ندارم. دینی که بنحو مردم را بخاطر یک روسری بکشد رو دوست ندارم (دانش‌آموز دختر، پایه هفتم).

۴.۱.۶. آسیب های جسمی

نتایج مصاحبه ها با دانش آموزان حکایت از این داشت که حدود ۹ مشکل اساسی حوزه جسمی وجود دارد که در قالب مفاهیم قرار گرفتند. ضعیف شدن چشم، سردرد، بی خوابی، کمردرد، درد ستون فقرات، کم تحرکی، چاقی، تنبلی، کم اشتها و بی اشتها از آسیب های مورد اشاره ای بوده است که در قالب دو مضمون پایه مشکلات مستقیم و غیر مستقیم دسته بندی شدند. در ادامه مواردی که مصاحبه شوندگان در این زمینه بدان اشاره کرده اند، ذکر می شود:

من همیشه در حال بازی انجام دادن هستم. هم توگوشی بازی آنلاین انجام می دم و هم با پلی استیشن. برای همین دائم کمردرد دارم. چون دائماً یک جا نشستم نسبت به قبل چاق تر هم شدم (دانش آموز پسر، پایه نهم).

۴.۲. مضمون فراگیر دوم: دلایل آسیب های حوزه فضای مجازی

در مصاحبه های انجام شده درباره دلایل آسیب های حوزه فضای مجازی، به ۵ مضمون پایه اشاره شد که این موارد در قالب مضامین فراگیر و سازمان دهنده قابل تقسیم بندی بودند. این مضامین پایه مورد اشاره ابتدا به دو دسته کلی دلایل خانوادگی و اجتماعی تقسیم شدند. سپس هر کدام از این دو دسته کلی به دسته های فرعی تر تقسیم و مصادیق مورد اشاره در آن به صورت جدول زیر آورده شد.

جدول ۲. دلایل آسیب های حوزه فضای مجازی از منظر دانش آموزان

منبع: مطالعه حاضر

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	مفاهیم
دلایل آسیب های فضای مجازی	دلایل خانوادگی	خانواده گسسته و پریشان	دوری از جر و بحث های والدین طلاق و جدایی والدین فرار و دوری از جو خانواده کمبود محبت و درک نشدن توسط والدین صمیمی نبودن خانواده و فرزندان کمبود محبت و توجه در خانواده ارتباط کم رنگ با خانواده

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	مفاهیم
			سرزنش شدن توسط والدین
		سوء مدیریت و نظارت	عدم نظارت درست والدین تنهایی در خانه به دلیل شاغل بودن والدین کنترل نکردن والدین آگاه نشدن خانواده از رفتار فرزندان فضای خشک نصیحت و امر و نهی به فرزندان
	دلایل اجتماعی	هویت‌یابی اجتماعی مجازی	ابراز وجود تائید شدن توسط افراد مجازی هم‌صحبتی و درک از طرف دوستان و هم‌سالان برای تایید یکدیگر ساختن زندگی‌های خودساخته مجازی معرفی بر اساس معیارهای دلخواه خود نمایش شخصیت دروغین برای بالا بردن خود توجه و دریافت فیدبک‌های تأییدکننده
		فقدان سواد رسانه‌ای	عدم آگاهی از مشکلات فضای مجازی عدم آموزش درست زود وارد شدن به فضای مجازی در سنین پایین صاحب گوشی شخصی شدن نقاب داشتن آدم‌ها تقلید افراطی از دنیای مد و بلاگرها بی‌اعتمادی به افراد دنیای واقعی ترس از طرد شدن از سمت هم‌سالان مجازی بودن تدریس در دوره کرونا
		گذران اوقات فراغت	پرکردن اوقات فراغت با فضای مجازی گذشتن زمان سرگرم شدن با گوشی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	مفاهیم
		(فراغت مندی مجازی)	پناه بردن به فضای مجازی برای شاد بودن گرفتن انگیزه و انرژی مثبت در فضای مجازی کنجکاوی بیش از حد درباره مسائل مختلف

۴.۲.۱. دلایل خانوادگی

نتایج مصاحبه ها با دانش آموزان حکایت از این داشت که حدود ۱۳ دلیل خانوادگی وجود دارد که در قالب مفاهیم قرار گرفتند. دوری از جر و بحث های والدین، طلاق و جدایی والدین، فرار و دوری از جو خانواده، کمبود محبت و درک نشدن توسط والدین، صمیمی نبودن خانواده و فرزندان، کمبود محبت و توجه در خانواده، ارتباط کم رنگ با خانواده، سرزنش شدن توسط والدین، عدم نظارت درست والدین، تنهایی در خانه به دلیل شاغل بودن والدین، کنترل نکردن والدین، آگاه نشدن خانواده از رفتار فرزندان و فضای خشک نصیحت و امر و نهی به فرزندان از دلایل مورد اشاره ای بوده است که در قالب دو مضمون پایه خانواده گسسته و پریشان و سوء مدیریت و نظارت دسته بندی شدند. در ادامه مواردی که مصاحبه شوندگان در این زمینه بدان اشاره کرده اند، ذکر می شود:

پدر و مادرم خیلی خونه نیستند و غروب ها میان خونه من هم سعی می کنم نبودشون را با فعالیت تو اینستا جبران کنم؛ البته وقتی میان هم خیلی بهم گیر میدن و من خیلی سعی می کنم از اتاق بیرون نیام تا در معرض دیدشون و نکته گویی هاشون نباشم (دانش آموز پسر، پایه هشتم).

۴.۲.۲. دلایل اجتماعی

نتایج مصاحبه ها با دانش آموزان حکایت از این داشت که حدود ۲۲ دلیل اجتماعی وجود دارد که در قالب مفاهیم قرار گرفتند. ابراز وجود، تأیید شدن توسط افراد مجازی، هم صحبتی و درک از طرف دوستان و هم سالان برای تأیید یکدیگر، ساختن زندگی های خود ساخته مجازی، معرفی بر اساس معیارهای دلخواه خود، نمایش شخصیت دروغین برای بالا بردن خود، توجه و

دریافت فیدبک‌های تأییدکننده، عدم آگاهی از مشکلات فضای مجازی، عدم آموزش درست، زود وارد شدن به فضای مجازی، در سنین پایین صاحب گوشی شخصی شدن، نقاب داشتن آدم‌ها، تقلید افراطی از دنیای مد و بلاگرها، بی‌اعتمادی به افراد دنیای واقعی، ترس از طرد شدن از سمت هم‌سالان، مجازی بودن تدریس در دوره کرونا، پرکردن اوقات فراغت با فضای مجازی، گذشتن زمان، سرگرم شدن باگوشی، پناه بردن به فضای مجازی برای شادبودن، گرفتن انگیزه و انرژی مثبت در فضای مجازی و کنجکاوی بیش از حد درباره مسائل مختلف از جمله دلایل مورد اشاره‌ای بوده است که در قالب سه مضمون پایه هویت‌یابی اجتماعی مجازی، فقدان سواد رسانه‌ای و گذران اوقات فراغت (فراغتمندی مجازی) دسته‌بندی شدند. در ادامه مواردی که مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بدان اشاره کرده‌اند، ذکر می‌شود:

من دوست‌های مجازی خیلی زیادی دارم که رابطه خوبی باهاشون دارم. اون‌ها همیشه برای هر کاری که دوست دارم انجام بدم مثل نوع لباس پوشیدن، آرایش مو، تصمیم برای درس‌نخوندن من رو تشویق می‌کنند. واقعاً احساس خوبی به اون‌ها دارم و دوست دارم ساعت‌ها باهاشون وقت بگذرونم (دانش آموز دختر، پایه نهم).

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف از تحقیق حاضر، مطالعه کیفی آسیب‌های فضای مجازی در دانش‌آموزان متوسطه اول شهر اراک و دلایل بروز آن بوده است. برای اکتشاف دقیق موضوع از روش کیفی استفاده شد. برای تحقق این اهداف از دانش‌آموزان متوسطه اول شهر اراک مصاحبه‌هایی گرفته شد. سؤال‌های اصلی تحقیق بدین شکل بود: فضای مجازی چه مشکل‌هایی را برای دانش‌آموزان به وجود می‌آورد؟ دلایل بروز این مشکل‌ها برای دانش‌آموزان چه چیزهایی است؟

نتایج نشان داد که شش دسته کلی آسیب‌های خانوادگی، تحصیلی، اجتماعی، روانی، مذهبی و جسمی را می‌توان به‌عنوان آسیب‌های فضای مجازی دانش‌آموزان در نظر گرفت. نتایج این مطالعه در راستای سایر تحقیقات زندوانیان و همکاران (۱۳۹۲)، حدادیان و همکاران (۱۴۰۲) و بهرامی و شاهی (۱۴۰۲) قرار دارد؛ البته مطالعه حاضر طیف بیشتری از آسیب‌های فضای مجازی

را بررسی کرده بود. این در حالی است که تحقیق حدادیان و همکاران (۱۴۰۲) و زندوانیان و همکاران (۱۳۹۲)، آسیب های خانوادگی، تحصیلی، سازگاری، اعتقادی و روانی را بررسی کرده بودند و بهرامی و شاهی (۱۴۰۲) دو آسیب خانوادگی و تحصیلی را بررسی کردند. به نظر می رسد آسیب های فضای مجازی بر روی دانش آموزان شهر اراک بیشتر جنبه های شناختی و اعتقادی دارد که می تواند جهان بینی آنها را تحت الشعاع قرار دهد. با توجه به اینکه دانش آموزان در سن هویت یابی هستند، به شدت هویت های دینی و فردی و سپس هویت تحصیلی آنها دارای مشکل می شود که این موارد می تواند زمینه های آسیب های دیگر مثل تمایل به رفتارهای پرخطر یا رفتارهای مجرمانه را در آینده افزایش دهد.

مطابق با نتایج تحقیق، دلایل خانوادگی و اجتماعی منجر به بروز بیشتر آسیب های فضای مجازی شدند. در این باره می توان بیان کرد که خانواده در بیشتر جوامع، به خصوص جامعه ایران، مهم ترین نهاد اجتماعی کردن فرزندان است و می تواند مانع درگیری اعضای خود در آسیب های اجتماعی شود؛ ولی نتایج تحقیق و مشاهدات محقق نشان می دهد که خانواده دانش آموزان در شهر اراک، به خصوص در مناطق کم برخوردار، انسجام لازم را برای تأثیرگذاری و مدیریت رفتارهای دانش آموزان ندارد. برخی خانواده ها به دلایلی مثل طلاق و تکسرپرست بودن و برخی دیگر به دلایلی مثل مشغله زیاد والدین و نیازهای مبرم مالی، توانایی لازم را برای حفظ و حراست از فرزندان برای درگیر نشدن در آسیب های اجتماعی مختلف، به خصوص آسیب های فضای مجازی ندارند. همچنین، به دلیل شرایط اقتصادی نامناسب در جامعه ایران و شهر اراک مثل تورم، رکود، بالابودن هزینه های زندگی، فشار اجتماعی و اقتصادی یکی از مهم ترین عوامل است که می تواند به طور مستقیم و غیر مستقیم بر آسیب های فضای مجازی دانش آموزان تأثیر بگذارد. خانواده های درگیر مشکلات اقتصادی به دلیل ساعات زیاد کار و عدم حضور در منزل نمی توانند نظارت کافی روی دانش آموزان داشته باشند و حمایت مناسب از فرزندان را انجام دهند. این نتایج در راستای نتایج تحقیقات پیشین مثل شیوندی و همکاران (۱۴۰۱)، رحمانی و ایل بیگی (۱۴۰۰)، خواجه ندامدی و ابراهیمی (۱۴۰۰) و خرازانی (۱۳۹۵) قرار دارد.

پیشنهادهای مطرح شده بیشتر مرتبط با سازمان آموزش و پرورش است و این سازمان باید مسئول اجرای آن باشد.

❖ فقدان سواد رسانه‌ای یکی از نتایج به دست آمده از تحقیق بوده است. دانش‌آموزان و والدین آنها سواد رسانه‌ای ندارند و این یکی از دلایل مهم درگیری بیشتر آنها در آسیب‌های فضای مجازی است. برای مدیریت این موضوع، باید سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان و والدین آنها ارتقاء یابد. همچنین، می‌توان با گنجاندن درس‌ها یا واحدهایی در زمینه آشنایی و نحوه استفاده از فضای مجازی و رسانه‌های نوین در محتوای نظام آموزشی کشور، آسیب‌ها و پیامدهای منفی فضای مجازی را تقلیل داد. علاوه بر این، با برگزاری کلاس‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها درباره فرصت‌ها و چالش‌های فضای مجازی می‌توان آگاهی و هوشیاری نوجوانان و جوانان استان را در زمینه آسیب‌های فضای مجازی افزایش داد.

❖ نتایج تحقیق نشان داد که یکی از دلایل مهم حضور دانش‌آموزان در فضای مجازی نبود فضاها و امکانات گذران اوقات فراغت در شهر اراک است و خانواده‌ها هم اوقات فراغت دانش‌آموزان را به خوبی مدیریت نمی‌کنند و دانش‌آموزان برای مدیریت اوقات فراغت به فضای مجازی پناه می‌برند. برای مقابله با این مسئله پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش با آموزش مهارت‌های حل مسئله، تصمیم‌گیری، ارتباطات فردی و اجتماعی، تقویت معنویات و موضوعات دینی، استفاده مناسب از زمان و غنی‌سازی اوقات فراغت و خودشناسی در ایجاد نگرش درست دانش‌آموزان نسبت به استفاده صحیح از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی کارساز باشد و در دانش‌آموزان ایجاد مصونیت کند. علاوه بر این، آموزش و پرورش می‌تواند با گسترش برنامه‌های ورزشی، اردوهای تفریحی، برگزاری نمایشگاه، مسابقات و جشنواره‌های هنری مختلف ضمن هدایت دانش‌آموزان به استفاده بهینه از زمان زمینه‌ساز ایجاد امید و نشاط در دانش‌آموزان شود.

❖ یکی از مشکلاتی که در تحقیق به آن اشاره شد، این است که والدین آگاهی لازم برای استفاده از گوشی هوشمند و فضای مجازی را ندارند و متعاقباً توانایی مدیریت و نظارت کافی بر فرزندان برای آنها فراهم نیست. بنابراین، برای کاهش این مشکل، ارتقاء سطح آگاهی والدین با برگزاری جلسه‌های اولیاء و مربیان درباره نحوه ارتباط صحیح با فرزندان، نحوه کنترل از راه دور بر استفاده از فضای مجازی و علل گرایش دانش‌آموزان به سمت شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی می‌تواند نقش پیشگیرانه در برابر آسیب‌های فضای مجازی داشته باشد.

کتابنامه

۱. ابراهیمی، س.، و خواجه‌وند احمدی، ع. (۱۳۹۹). تحلیل روان‌سنجی مقیاس قربانی‌شدن در فضای مجازی و ارتباط آن با عوامل روانی و اجتماعی در دانش‌آموزان دختر. *مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان*، ۱۸ (۳)، ۱۸۰-۱۴۵.
۲. اشتراوس، ا.، و کوربین، ج. (۱۳۹۱). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. (ا. افشار، مترجم) تهران: نشر نی.
۳. باهنر، ن.، و جعفری کیذقان، ط. (۱۳۸۹). تلویزیون و تأثیرات کاشتی آن بر هویت فرهنگی ایرانیان. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۴ (۱)، ۱۵۶-۱۳۱.
۴. بهرامی، م.، و شاهی، ف. (۱۴۰۲). بررسی آسیب‌های فضای مجازی برای کودکان و نوجوانان و شیوه‌های مقابله با آن، هشتمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی، تهران: دانشگاه علمی کاربردی.
۵. پورشهریاری، م. (۱۳۸۶). مقایسه افسردگی، انزوای اجتماعی و ارتباطات خانوادگی دانش‌آموزان دختر کاربر و غیر کاربر اینترنتی دب. *مطالعات روان‌شناختی*، ۱ (۲)، ۶۹-۴۹.
۶. حبیب‌زاده ملکی، ا.، و قاسمی، م. (۱۳۸۸). رابطه بین استفاده از رسانه‌های صوتی-تصویری و بزهکاری نوجوانان. *پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۶ (۲)، ۱۲۰-۹۵.

۷. حبیبی فهیم، ح.، خانیکی، ه.، و انتظاری، ا. (۱۳۹۲). رابطه فضای مجازی و عام‌گرایی کاربران اینترنت در میان کارکنان سازمان اسناد کتابخانه ملی ایران. *مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۹۰(۲)، ۱۴۱-۱۶۱.
۸. حدادیان، ع.، حضرتی صومعه، ز.، و ودیعه، س. (۱۴۰۲). تبیین جامعه‌شناختی آسیب‌های اجتماعی فضای مجازی در بین نوجوانان پسر. *پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۱۸(۱)، ۱۰۱-۱۲۴.
۹. خرازانی، س. ح. (۱۳۹۵). رابطه استفاده از فضای سایبر با گرایش دانش‌آموزان به خشونت. *پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی*، ۱۱(۱)، ۱۸۴-۱۶۱.
۱۰. خواجه‌ونداحمدی، ع.، و ابراهیمی، س. (۱۴۰۰). نقش عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در بزه‌دیدگی در فضای مجازی. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۳(۲)، ۲۳-۷.
۱۱. دریفوس، ه. (۱۳۸۳). *درباره اینترنت* (ع. فارسی‌نژاد، مترجم). تهران: ساقی.
۱۲. ربیعی، ع.، و محمدزاده یزد، ف. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی فضای مجازی، بررسی تأثیر استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی دانشجویان. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۲(۶)، ۶۰-۴۳.
۱۳. رحمانی، س.، و ایل‌بیگی، ر. (۱۴۰۰). نقش ابعاد شخصیتی هگزاگو و نگرش‌های مذهبی و هوش اخلاقی در پیش‌بینی آسیب‌های فضای مجازی در دانش‌آموزان دختر دوره دوم مقطع متوسطه شهر مشهد. *رویش روان‌شناسی*، ۱۰(۱۱)، ۲۲۸-۲۱۹.
۱۴. روشندل اربطانی، ط.، و امیری، ع. (۱۳۹۰). بررسی الگوی مصرف رسانه‌ای دانش‌آموزان و تأثیرپذیری آنها از رسانه‌ها با هدف برنامه‌ریزی‌های آموزشی پلیس. *مطالعات امنیت اجتماعی*، ۱(۲۵)، ۵۳-۱۰۵.
۱۵. رهبر، ن.، نیک‌قدم حجتی، س.، و سلیمانی روزبهانی، ف. (۱۳۹۴). تعیین عوامل مؤثر بر آسیب‌های فضای مجازی و راهکارهای مقابله با آن در دانش‌آموزان ایرانی (مطالعه موردی: دانش‌آموزان مقطع متوسطه و پیش‌دانشگاهی مدارس ناحیه ۱ کرج). *دومین همایش بین‌المللی مدیریت و فرهنگ توسعه*، تهران.
۱۶. زندوانیان، ا.، حیدری، م.، باقری، ر.، و عطارزاده، ف. (۱۳۹۲). آسیب‌های فضای مجازی بین دانش‌آموزان دختر. *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۴(۲۳)، ۲۱۶-۱۹۵.

۱۷. سراجزاده، س. ح.، و بابایی، م. (۱۳۸۹). جهانی شدن، فرهنگ جهانی و کجروی فرهنگی. علوم اجتماعی، ۱۷ (۴۸)، ۴۳-۷۱.
۱۸. شربتیان، م. ح.، و بخارایی، ا. (۱۳۹۳). پیامدهای اجتماعی آسیب شناختی اینترنت. مهندسی فرهنگی، ۱ (۷۹)، ۱۴۳-۱۷۲.
۱۹. شمس، س.، عموزاده، م.، زینیوند مقدم، ح.، و غلامی، ب. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به کجروی فرهنگی دانشجویان دختر و پسر. زن و جامعه، ۴ (۱)، ۱۲۳-۱۰۱.
۲۰. شیوندی، ک.، حسنونند، ف.، عبدلهی مقدم، م.، و کوشکی، م. (۱۴۰۱). مقایسه ویژگی های روان شناختی دانش آموزان دبیرستانی درگیر در فضای مجازی و دانش آموزان معمولی. مطالعات رسانه های نوین، ۱ (۳۰)، ۱۵۵-۱۸۰.
۲۱. فرجاد، م. ح. (۱۳۸۰). آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات. تهران: بدر.
۲۲. قاسمی، و.، عدلی پور، ص.، و کیانپور، م. (۱۳۹۲). تعامل در فضای مجازی شبکه های اجتماعی اینترنتی و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان؛ مطالعه موردی فیس بوک و جوانان شهر اصفهان. دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات، ۱۹ (۲)، ۳۵-۹.
۲۳. قاسمی، و.، میرمحمدتبار، س. ا.، و عدلی پور، ص. (۱۳۹۳). تبیین جامعه شناختی تأثیر رسانه های خارجی بر کجروی فرهنگی دانش آموزان دبیرستانی شهر فریدونکنار. مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، ۲ (۳)، ۵۳-۷۸.
۲۴. محمدپور، ا. (۱۳۸۹). طرح های تحقیق با روش های ترکیبی: اصول پارادایمی و روش های فنی. مطالعات اجتماعی ایران، ۴ (۲)، ۱-۲۶.

25. Joseph, S., & Stockton, H. (2018). The Multidimensional Peer Victimization Scale: A systematic review. *Aggression and Violent Behavior*, 42(1), 96-114.
26. Morgan, M. (1995). The Critical Contribution of George Gerbner, Colorado. Westview Press, 19(2), 99-117.
27. Salwen, M. (1991) Cultural imperialism: a media effects approach. *Critical Studies in Mass Communication*, 8(1), 29-38.
28. White, R. (1983). A backwater awash: The Australian experience of Americanisation. *Journal of Theory, Culture and Society*, 1(1), 108-122.



Meta-analysis of Studies on Undesirable Dietary Behaviors in Iran¹

Mahya Azmayesh Asiyabsari

PhD Candidate in Sociology, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

Nader Motie Haghshenas²

Assistant Professor of Demography, Population Economics and Human Capital Research Group, National Population Research Institute, Tehran, Iran

Valiollah Rastamali Zadeh

Associate Professor of Migration and Urbanization, National Population Research Institute, Tehran, Iran

Received: 6 March 2024 Revised: 28 July 2024 Accepted: 30 July 2024

Abstract

One of the most important factors shaping the dietary pattern of a community is the set of habits, food culture, and the nutrition of its people, so the food security of households and planning to ensure healthy nutrition are among the most fundamental concerns of today's societies. However, rising urbanization, growing work responsibilities of women, and the prevalence of fast and pre-cooked foods have led to the formation of the nutritional transition phenomenon (the transition from healthy to unhealthy or undesirable nutritional patterns and behaviors). In this regard, the present research aims to explore the determinants of undesirable dietary behaviors in Iran. For this purpose, a meta-analysis research method has been employed. The statistical population consists of studies conducted on undesirable dietary behaviors and habits in Iran in the period from 2007 to 2020. After designing specific stages

1. Extracted from PhD dissertation submitted to the Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khalkhal, Iran

2. Corresponding author. Email: nader.haghshenas@nipr.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Azmayesh Asiyabsari, M. , Motie Haghshenas, N. and Rastamali Zadeh, V. (2024). Meta-analysis of Studies on Undesirable Dietary Behaviors in Iran. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 187-214. doi: 10.22067/social.2024.84641.1426

(search, screening, eligibility, and inclusion), sampling was conducted, and a total of 25 studies were selected as the final sample. For post-coding data analysis, the comprehensive meta-analysis software (CMA2) was used. The prevalence of fast and ready-to-eat food patterns has led to the phenomenon of nutritional transition (the shift from healthy dietary patterns and behaviors to unhealthy or undesirable ones). The research findings suggest that variables that wield the highest effect on undesirable nutritional habits and behaviors in Iran are: cultural factors (media advertising, body awareness and attitudes, religiosity, media usage), economic factors (socio-economic status and economic capital), demographic factors (age, place of residence, marital status, level of education, sex), and social factors (social capital and social support). In the components of cultural factors, media advertising (0.541), in economic factors, socioeconomic status (-0.314), in demographic factors, age (-0.224), and in social factors, social capital (-0.280) exert the highest impact on undesirable dietary patterns and behaviors.

Keywords: Dietary patterns, Undesirable eating behaviors, Nutritional transition, Fast and ready-to-eat foods, Meta-analysis

فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب در ایران^۱

مهیا آزمایش آسیابسری (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران)

m.azmaysh59@gmail.com

نادر مطیع حق شناس (استادیار جمعیت‌شناسی، گروه پژوهشی اقتصاد جمعیت و سرمایه انسانی، مؤسسه تحقیقات

جمعیت کشور، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

nader.haghshenas@nipr.ac.ir

ولی‌اله رستمعلی‌زاده (دانشیار گروه مهاجرت و شهرنشینی، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران)

v.rostamalizadeh@nipr.ac.ir

چکیده

یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده الگوی غذایی جامعه، مجموعه عادات، فرهنگ غذا و تغذیه افراد آن جامعه است، به‌طوری‌که سلامت غذایی خانواده‌ها و برنامه‌ریزی برای دستیابی به تغذیه سالم از اساسی‌ترین دغدغه‌های جوامع امروز است؛ اما افزایش میزان شهرنشینی، افزایش مسئولیت‌های شغلی زنان و رواج الگوهای غذایی فوری و آماده (فست‌فود) باعث شکل‌گیری پدیده گذار تغذیه‌ای (گذار از الگوها و رفتارهای تغذیه‌ای سالم به ناسالم یا نامطلوب) شده است. در این راستا، هدف پژوهش حاضر مطالعه عوامل مؤثر بر رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب در ایران است. روش پژوهش به کار گرفته‌شده در تحقیق حاضر فرا تحلیل است و جامعه آماری آن را تحقیقات انجام‌شده با موضوع رفتارها و عادات تغذیه‌ای نامطلوب در ایران طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۹ تشکیل داده‌اند. پس از طی مراحل مشخص (جست‌وجو، غربال‌گری، شایستگی و مشمول‌بودن) نمونه‌گیری انجام شد و ۲۵ تحقیق به‌عنوان نمونه انتخاب شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری‌شده، پس از کدگذاری، از نرم‌افزار جامع فرا تحلیل (CMA2) استفاده شد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که به‌ترتیب بیشترین متغیرهای تأثیرگذار بر عادات و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب در ایران عبارتند از: عوامل فرهنگی (تبلیغات رسانه‌ها، توجه و

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول مقاله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال است.

نگرش به بدن، دینداری، میزان استفاده از رسانه‌ها)، عوامل اقتصادی (پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سرمایه اقتصادی)، عوامل جمعیتی (سن، محل سکونت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، جنسیت) و عوامل اجتماعی (سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی). بین مؤلفه‌های عوامل فرهنگی، تبلیغات رسانه‌ها (۵۴۱/۰)، در بین عوامل اقتصادی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی (۳۱۴/۰-)، در بین عوامل جمعیت‌شناختی، سن (۲۲۴/۰-) و در بین عوامل اجتماعی، سرمایه اجتماعی (۲۸۰/۰-) بیشترین تأثیرگذاری را بر الگوها و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب دارند.

واژگان کلیدی: الگوهای تغذیه‌ای، رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب، گذار تغذیه، غذاهای فوری و آماده، فراتحلیل.

۱. مقدمه

یکی از اصلی‌ترین عوامل شکل‌دهنده الگوی غذایی جامعه، مجموعه عادات، فرهنگ غذا و تغذیه افراد آن جامعه است. این عادت از بدو تولد درون خانواده شکل می‌گیرد که خود وابسته به بستری است که جامعه فراهم می‌کند (باتال، دیاکونو و استاینهاوس^۱، ۲۰۲۳: ۳۴). بنابراین، عادات غذایی از یک‌طرف پاسخ‌گویی به نیازهای غریزی و فیزیولوژیک و از سوی دیگر، یک رفتار فرهنگی است (علی و همکاران^۲، ۲۰۲۳: ۱۰۲). امروزه با پیشرفت علم و فناوری و صنعت، سبک زندگی تغییر کرده است و شاهد کم‌رنگ‌شدن سنت‌ها و آداب فرهنگ‌های بومی، ازجمله در زمینه تغذیه و آداب و رفتارهای غذایی هستیم و در بسیاری از جوامع، استفاده از غذاهای فوری و آماده (فست‌فود) رواج پیدا کرده است (رشی، دار و انصار^۳، ۲۰۲۳: ۳۷۹). این در حالی است که غذا یکی از شاخص‌های سبک زندگی است که نقش مهمی در زندگی ما ایفا می‌کند. ما نه تنها برای زنده ماندن به غذا نیاز داریم؛ بلکه غذا دارای جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی نیز است (وینگلد، راث و کلاکو^۴، ۲۰۱۵: ۲۲۵).

1. Batal, Deaconu & Steinhouse

2. Ali, Scheelbeek, Dalzell, Hadida, Segnon, M'boob & Green

3. Reshi, Dar & Ansar

4. Wiegand, Roth & Klakow

عادات تغذیه‌ای نقش اجتماعی فراتر و اساسی‌تری در تغذیه بدن انسان دارند و غذاهای خاص بیشتر از دیگر مصنوعات فرهنگی بیانگر هویت انسان‌هایی است که از آنها استفاده می‌کنند (حسینیان، بنی‌هاشمی و سبحانی، ۱۴۰۰: ۹۳). در واقع، عادات غذایی، الگوهای رفتار تغذیه‌ای و به‌طورکل نحوه تغذیه مردم جزئی از کنش‌های اجتماعی به شمار می‌روند که شکل‌دهنده فرهنگ یک جامعه هستند (نوابخش و مثنی، ۱۳۹۰: ۳۵).

در تعریف عادات غذایی یا رفتارهای تغذیه‌ای باید گفت مجموعه‌ای است از آداب و رسوم، عقاید و افکار و عرف ملت‌ها در زمینه‌های متعدد از قبیل طبخ و نگهداری مواد غذایی، انتخاب نوع غذاها، نحوه توزیع آنها در گروه‌های سنی و تمایلات از نظر علاقه‌مندی یا عدم علاقه‌مندی به انواع خوراکی‌ها (ساعی، ۱۳۹۳: ۲۰). رفتارهای تغذیه‌ای یا الگوهای غذایی در فرهنگ‌ها، نژادها، قومیت‌ها و مناطق جغرافیایی مختلف با هم متفاوتند. رژیم غذایی یک پدیده چندوجهی است که عوامل مختلف زیستی، فرهنگی، دینی و مذهبی، اقتصادی و اجتماعی بر آن تأثیرگذار هستند (گریمیسلوسکا، پوچ، زاودا و گریمیسلوسکی^۱، ۲۰۲۰: ۱۷۰).

تغذیه و الگوهای تغذیه‌ای ازجمله عوامل تأثیرگذار و تعیین‌کننده سلامت افراد هستند و بسیاری از بیماری‌های مزمن مانند دیابت، سرطان‌ها، بیماری‌های قلبی و عروقی و چاقی که از دلایل عمده مرگ‌ومیر و ابتلای انسان‌ها شناخته می‌شوند، ارتباط نزدیکی با وضعیت تغذیه‌ای دارند (رمضانخانی، غفاری، میرزایی، خداکریم، طاهری تنجانی و حیدریان‌زاده، ۱۳۹۵: ۴۷)؛ اما شرایط جدید زندگی و تغییر عادات غذایی، مخاطرات زیادی را برای سلامت سلول‌های بدن به وجود آورده است (تاجفرد، واحدیان شاهرودی، اسماعیلی، علیزاده، و حسینی خبوشان، ۱۳۹۶: ۱۰). شیوع بیماری‌های مرتبط با تغذیه به اندازه‌ای است که بی‌توجهی به آن می‌تواند عوارض جبران‌ناپذیری را برای جامعه به بار آورد (دی رنزو و همکاران^۲، ۲۰۱۹: ۲).

با تحولاتی که در دنیای مدرن به وجود آمده است، فواصل بین کشورهای مختلف کم شده و در نتیجه، آگاهی مردم نسبت به سنت‌های غذایی کشورهای مجاور یا دوردست زیادتر شده

1. Grzymisławska, Puch, Zawada & Grzymisławski

2. Di Renzo, Gualtieri, Romano, Marrone, Noce, Pujia & De Lorenzo

است. این امر خود انقلابی در عادات غذایی ملت‌ها به وجود آورده است. به‌طوری‌که محققان و اندیشمندان جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی از گذار تغذیه‌ای صحبت می‌کنند. گذار تغذیه عبارت است از تغییر رژیم غذایی سنتی سرشار از فیبر و توام با مصرف دانه‌ها، میوه‌ها و سبزیجات به‌نوعی رژیم غذایی توأم با مصرف بالای چربی، شکر، نمک و سایر غذاهای فراوری‌شده. در واقع، در الگوی تغذیه سنتی افراد به دلیل رفع گرسنگی به مصرف غذاها روی می‌آوردند؛ ولی در الگوی تغذیه جدید انتخاب نوع غذای افراد تحت تأثیر رسانه‌ها و عوامل فرهنگی مختلف است. الگوی تغذیه جدید خود پیامدهای نامطلوبی مانند ابتلا به بیماری‌های مختلف (سکته، فشار خون، سرطان و...) در افراد را به همراه داشته است. این نوع الگوی تغذیه به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه که با افزایش شهرنشینی مواجه بوده و در تلاش برای پیمودن راه پیشرفت با تکیه بر الگوهای خارجی یا برون‌مرزی هستند، بسیار نمایان است (گلایی، آقاییاری هیری و ساعی، ۱۳۹۵/الف: ۲۲۴).

در این زمینه یافته‌های پژوهش ساعی (۱۳۹۳) نشانگر آن است که الگوی تغذیه در کل خاورمیانه و ازجمله در ایران به‌سرعت در حال تغییر است. از نظر بیماری‌های مزمن مرتبط با تغذیه، تحلیل وضعیت تغذیه جامعه ایرانی حاکی از آن است که در حال حاضر علاوه بر سوء تغذیه و فقر غذایی، دوران گذار تغذیه‌ای نیز به سرعت در حال طی شدن است. نشانه‌های هشداردهنده گسترش بیماری‌های متابولیک در پی گسترش شهرنشینی و تغییر شیوه زندگی، به‌ویژه در شهرهای بزرگ دیده می‌شوند. در این زمینه، تحقیقات سازمان بهداشت جهانی (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که ابتلا و مرگ‌ومیر ناشی از بیماری‌های مزمن مرتبط با تغذیه ازجمله بیماری‌های قلبی، فشار خون بالا، دیابت و سرطان، بین ایرانیان شایع است (به نقل از عرشی، قنبری، نعمتی، سلیمان اختیاری، ترکمن‌نژاد، و کلاهی، ۱۳۹۳: ۱۰۳). یافته‌های این دست تحقیقات بیانگر آن است که اگرچه طی سال‌های اخیر، عادت‌ها و دانش ما درباره تغذیه تغییرات شگرفی کرده است؛ اما همچنان استفاده از تغذیه ناسالم در جامعه ما رو به افزایش است (علیزاده اقدام، ۱۳۹۱: ۲۹۰).

در سال‌های اخیر، تحقیقات متعددی در زمینه رفتارها و عادات تغذیه‌ای ناسالم در ایران انجام شده است؛ اما نتایج حاصل شده از این تحقیقات به دلیل تنوع اهداف پژوهش، جامعه آماری و نمونه‌های مورد بررسی، دوره‌های زمانی بررسی شده، رویکردهای نظری مورد استفاده و غیره، نارسا، مبهم و غیرکاربردی‌اند که قضاوت در این حیطه را با نوعی پیش‌داوری مواجه کرده‌اند. بنابراین، انجام فراتحلیل در زمینه گذار تغذیه‌ای (گذر از تغذیه سالم به تغذیه ناسالم) می‌تواند نتایج پراکنده تحقیقات در این حوزه را به یکدیگر مرتبط کند و با ارائه راهکارها به حل مسائل در این حوزه یاری رساند. در واقع، بهره‌گیری از اصول و فنون فراتحلیل این امکان را مهیا خواهد کرد تا جمع‌بندی مشخصی از یافته‌های تحقیقات صورت گرفته در مورد عوامل مؤثر بر تغذیه ناسالم حاصل شود. علاوه بر این، «فرا تحلیل با محاسبه اندازه اثر متغیرهای مختلف می‌تواند نقطه اتصال مطالعات را شناسایی کند و آنها را منسجم‌تر کرده و به یک‌پارچگی دانش در این زمینه یاری رساند» (پترسن، دیویس، ویزبرد و تیلور^۱، ۲۰۲۳: ۳). بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، فراتحلیل عوامل مؤثر بر رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب در ایران است.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. پیشینه پژوهش

علیزاده اقدم (۱۳۹۱) در مطالعه سبک غذایی شهروندان تبریزی نشان داد که سبک غذایی شهروندان بر حسب وضعیت تأهل، جنسیت، وضعیت طبقه متفاوت بوده و سن، شاخص حجم بدن، سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به طرق مختلف بر سبک غذایی تأثیرگذار است. کوهی، مبارک بخشایش و عبدی چایکندی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای نشان دادند که سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی، آگاهی‌های تبلیغاتی و دینداری عاملی مهم در گرایش دانشجویان به فست‌فودها هستند. یافته‌های پژوهش گلابی و ساعی (۱۳۹۳) نشانگر آن است که با افزایش سطح دینداری پاسخ‌گویان رفتار تغذیه‌ای سالم در آنها افزایش پیدا می‌کند. همچنین، میانگین

1. Petersen, Davis, Weisburd & Taylor

رفتار تغذیه‌ای پاسخ‌گویان از نظر وضع تأهل، اشتغال، طبقه اقتصادی و تحصیلات پاسخ‌گو متفاوت و معنی‌دار است. دادی‌پور و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه عوامل مرتبط با مصرف غذاهای آماده نشان دادند که در افراد زیر ۲۵ سال مصرف غذاهای آماده بیشتر از سایر گروه‌های سنی دیده شد. افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی بیشتر از سایر مقاطع تحصیلی مصرف‌کننده غذاهای آماده بودند. علیمردی، باریکانی، جوادی، زمانی، نوری و عبدالملکی (۱۳۹۵) نشان دادند که نوع غذای آماده (فست‌فود) مصرفی با توجه به جنسیت افراد متفاوت است و رابطه معنی‌دار بین تحصیلات مادر و آگاهی نوجوانان از غذای آماده وجود دارد. یافته‌های گلابی، آقایی‌هیر و ساعی (۱۳۹۵) بیانگر آن است که میزان گذار تغذیه‌ای با بالا رفتن سن کاهش پیدا می‌کند. همچنین، الگوی غذایی نسل جوان از سایر گروه‌های سنی مورد بررسی به‌طور متوسط بیشتر در معرض گذار تغذیه‌ای قرار داشت.

در پژوهش دیگری، گلابی، آقایی‌هیر و ساعی (۱۳۹۵/ب) نشان دادند که بین متغیرهای میزان تماشای تبلیغات رسانه و میزان اعتماد به تبلیغات رسانه و رفتار تغذیه‌ای هم‌بستگی معکوسی وجود دارد. علاوه بر این، در بررسی میزان تفاوت رفتار تغذیه‌ای پاسخ‌گویان از لحاظ متغیرهای زمینه‌ای (سن، وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و طبقه اقتصادی) می‌توان گفت رفتار تغذیه‌ای پاسخ‌گویان از لحاظ متغیرهای مذکور متفاوت و معنی‌دار است. در مقابل رفتار تغذیه‌ای پاسخ‌گویان از نظر متغیر جنس متفاوت نیست.

یافته‌های عیسی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) و مرزبان، بهاری‌نیا و برزگران (۱۳۹۸) بیانگر آن است که بین نمره نگرش مذهبی و رفتار تغذیه‌ای دانش‌آموزان هم‌بستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

پاپکین^۱ (۲۰۰۱) در مطالعه خود نشان داد که تغییرات در ترجیحات غذایی عمدتاً ناشی از تغییر در درآمد، قیمت محصولات غذایی، میزان در دسترس بودن مواد غذایی و همچنین تأثیر رسانه‌های جمعی بوده است. همچنین، وی یکی از پیامدهای گذار تغذیه را کاهش سوء تغذیه

1. Popkin

همراه با چاقی قابل توجه بیان کرده است. یافته‌های مائو^۱ (۲۰۰۷) در چین نشان می‌دهد که پایگاه اقتصادی-اجتماعی، بعد خانوار، سطح تحصیلات، میزان درآمد، هزینه ماهانه برای اقلام غذایی، دفعات صرف غذا در بیرون از خانه در هفته، دفعات کار سخت بیرون از خانه در هفته هم‌بستگی معنی‌داری با گذار تغذیه دارند. سیورت، لارنس، نایکا و بیکر^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی به مطالعه غذاهای فرآوری‌شده و گذار تغذیه در منطقه پاسفیک پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که کاهشی در فروش مواد غذایی فرآوری‌شده در برخی از کشورهای با درآمد بالا وجود دارد؛ اما در کشورهای با درآمد متوسط بالا و متوسط پایین به سرعت در حال افزایش است. نوشابه‌های گازدار، محصولات پخته‌شده، روغن‌های گیاهی، گوشت‌های فرآوری‌شده، نودل‌ها و بیسکویت‌های شیرین بیشترین فروش را در کشورهای در حال گذار تشکیل می‌دهند. این مشاهدات احتمالاً نتیجه رشد درآمد، افزایش شهرنشینی، تجارت و جهانی‌شدن و سیاست‌های مختلف اعمال‌شده توسط دولت‌های پاسفیک است.

یورکا-جانیا، ناظر، ریواس و مورالس-کامپوس^۳ (۲۰۲۲) به مطالعه گذار تغذیه‌ای در شیلی پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که در شیلی مانند بسیاری از کشورهایی که گذار تغذیه را تجربه کرده‌اند، گزینه‌های غذایی متنوع‌تر شده؛ اما گیاه‌خواری کمتر شده است. مصرف گوشت و محصولات لبنی به‌طور چشمگیری افزایش یافته است و کاهش بی‌سابقه‌ای در مصرف حبوبات و سیب‌زمینی مشاهده می‌شود. با این حال، اگر با گذار تغذیه‌ای تجربه‌شده توسط اکثر کشورهای توسعه‌یافته مقایسه شود، مصرف ترکیبی غلات در شیلی به‌طور غیرمعمولی ثابت مانده است. یافته‌های پاکین و انجی^۴ (۲۰۲۲) و باتال، دیاکونو و استاینهاوس (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که گذار تغذیه در حال حاضر بیشتر در کشورهای با درآمد کم و متوسط مشاهده می‌شود و این کشورها با رشد سریع مصرف مواد غذایی و نوشیدنی‌های فرآوری‌شده مواجه هستند.

1. Mao

2. Sievert, Lawrence, Naika & Baker

3. Llorca-Jaña, Nazer, Rivas, & Morales-Campos

4. NG

۲.۲. چهارچوب مفهومی

تغییر در رژیم غذایی و سبک زندگی می‌تواند ناشی از عوامل زیادی باشد و به نوبه خود باعث تغییراتی در سلامتی افراد شود. گذار تغذیه، مفهومی است که از آن برای توصیف تغییرات در رژیم غذایی، فعالیت بدنی و علل بیماری که توأم با دگرگونی‌هایی در توسعه اقتصادی، سبک زندگی، شهرنشینی و جمعیت‌شناسی است، استفاده می‌شود. از گذار تغذیه معمولاً برای اشاره به تغییر «رژیم‌های غذایی سنتی» به «رژیم‌های غذایی غربی» که پر از چربی‌ها، قندها، گوشت، غذاهای فرآوری شده و کم‌فیبر همراه با افزایش بی‌حرکی است، استفاده می‌شود (پاپکین، ۲۰۰۲: ۹۴).

در یک نگاه کلی می‌توان از چهار رویکرد در بررسی مصرف غذا و تغذیه در علوم اجتماعی سخن به میان آورد. رویکرد فرهنگی که شامل رویکرد انسان‌شناسانه به مسائل غذا و تغذیه می‌شود، معتقد است که فرایندهای تغییر و تحول و اشاعه فرهنگی در یک جامعه هستند که تغییر در مصرف غذا و مسائل تغذیه‌ای را موجب می‌شوند (آقایاری هیر، ۱۳۸۹: ۱۸). از منظر رویکرد انسان‌شناسی، گرایش به غذاهای آماده، ریشه در تغییر ارزش‌های مصرف‌کنندگان دارد و رشد ارزش‌هایی مانند فردگرایی و خودمداری با ارزش‌های سنتی که توقف بیشتر در آشپزخانه را نیاز داشت، متفاوت است (هورسکا، اورجوا و پروکینوا^۱، ۲۰۱۱: ۴۹۵).

رویکرد اقتصادی به غذا و تغذیه، به‌عنوان دومین رویکرد، فرایندهای غذایی، مبادلات و تبادلات آن را و بررسی می‌کند. در این رویکرد بیشتر به نقش جهانی‌سازی و شرکت‌های چندملیتی در فرایندهای جدید تولید، توزیع و مصرف غذا پرداخته شده و بیشتر به اندازه و ابعاد اقتصادی غذا توجه می‌شود. اقتصاددانان معمولاً به تنظیمات غذایی در سطح جهانی، که توسط تعداد معدودی از صنایع بزرگ تولیدی، فرآوری و توزیع مواد غذایی صورت می‌گیرند، توجه ویژه‌ای می‌کنند (ساعی، ۱۳۹۳: ۲۴). به نظر بیکر^۲ تهیه مواد غذایی خانگی، مثل تهیه غذا برای خانواده تابعی از سرمایه و زمان موجود برای هر خانواده است. به نظر او علاوه بر زمان و

1. Horská, Ůrgeová & Prokeinova

2. Beacker

سرمایه، مشارکت زنان در بازار کار، ابعاد خانواده یا خانواده تک نفره و چند نفره در انتخاب غذاهای خانگی و آماده تأثیرگذار است (علیزاده اقدم، ۱۳۹۱: ۲۸۸).

رویکرد سیاسی، بر ابعاد سیاسی غذا و تغذیه تأکید می‌کند. دانشمندان علوم سیاسی علاقه‌مند به توضیح نقش کلیدی دولت‌ها در تولید، توزیع و مدیریت منابع غذایی هستند. در این رویکرد به شیوه‌هایی که غذا و مسائل تغذیه‌ای برای افزایش قدرت، یا مسائل مربوط به آن به کار می‌افتند تا از آن طریق بر رفتارهای شهروندان تأثیر گذاشته شود، می‌پردازند. در کنار آن، نقش دولت به مثابه عامل کلان اصلی در زمینه تأمین غذا برای جامعه به عنوان یکی از ابعاد رفاه اجتماعی بررسی می‌شود (گلابی و ساعی، ۱۳۹۵: ۲۲).

رویکرد اجتماعی در مقابل، در پی فراهم آوردن تبیین‌های اجتماعی برای تحولات غذا و تغذیه است. متخصصان این رویکرد متوجه فرایندهای اجتماعی هستند که منجر به تحول در کم و کیف تغذیه، الگوهای غذایی و مصرف غذا می‌شوند. تعبیر ارائه شده توسط طرفداران این رویکرد در پی آن هستند که نشان دهند چگونه خانواده‌ها، طبقات و نهادهای اجتماعی مرتبط با تولید، توزیع و مصرف مواد غذایی در تحولات غذایی نقش بازی می‌کنند. نقش خانواده و خانوار و ویژگی‌های آنها به عنوان عامل اصلی و تعیین کننده بر تحولات تغذیه‌ای، در این رویکرد از اهمیت بسزایی برخوردارند (ساعی، ۱۳۹۳: ۲۵).

در این رویکرد، لپتون^۱ می‌نویسد، غذا به عنوان غذای خوب و بد، مردانه و زنانه، قوی و ضعیف، زنده و مرده، سالم و ناسالم، حیوانی و گیاهی، حلال و حرام، خام و پخته و غیره تعریف می‌شود. این صفات متضاد معانی اجتماعی را روشن می‌کند، طبقه‌بندی اجتماعی و انگیزه‌هایی که مردم می‌توانند به دست آورند و استفاده کنند برای تعریف اینکه آنها چه کسی هستند، مهم است. همان‌طوری که بوردیو^۲ در کتاب تمایز نشان می‌دهد، در گذشته روش‌های تمایز اجتماعی براساس طبقه بوده است؛ ولی امروزه موضوعات غذایی و تمایزات اجتماعی

1. Lupton

2. Bourdieu

ناشی از عادات‌های غذایی که تحت تأثیر شکل‌های گوناگون عضویت گروهی است، آن را تحت تأثیر قرار داده است (به نقل از علیزاده اقدم، ۱۳۹۱: ۲۸۹).

۳. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، فراتحلیل است. فراتحلیل مجموعه‌ای از روش‌های آماری، برای ترکیب نتایج کمی از چندین مطالعه، برای تولید یک خلاصه کلی از دانش تجربی در حوزه‌ای خاص است (لیپسی و ویلسون^۱، ۲۰۰۱: ۳۲). این روش در حوزه‌هایی از علم که انباشت دانش زیادی اتفاق افتاده استفاده می‌شود تا تأثیر گروهی از عوامل را بر مورد خاص یا تأثیر عامل بر عامل دیگر را در تعدادی از تحقیقات بسنجند (لittel، کورکوران و پیلاي^۲، ۲۰۰۸: ۱۰). امروزه، فراتحلیل را به‌عنوان بخش آماری مرور نظام‌مند در نظر می‌گیرند که یک سؤال مشخص و تعریف‌شده دارد و از روش‌های دقیق و منظم برای شناسایی، انتخاب و ارزیابی تحقیقات مرتبط و جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها از تحقیقاتی که شامل این مرور می‌شوند، استفاده می‌کنند.

در فراتحلیل، ادبیات موضوع از منابع مکتوب، مرور نظام‌مند می‌شود تا مشخص شود که بر مبنای تحقیقات گذشته، اثر یک متغیر روی متغیر دیگر چقدر است. این روش، مشابه تحقیقات مقطعی است که در آن موضوع مورد مطالعه به‌جای افراد، نتایج تحقیقات است. فراتحلیل یک نوع مرور ادبیات است که در آن برای تلخیص یافته‌های پژوهش‌های مختلفی که روی موضوع واحدی انجام شده است، از روش‌های کمی استفاده می‌شود. در اینجا بر این نکته تأکید می‌شود که فراتحلیل فقط زمانی به کار می‌رود که مطالعات مورد بررسی کمی باشند (نوغانی و میرمحمدتبار، ۱۳۹۶: ۱۳). در فراتحلیل، ابتدا موضوع انتخاب می‌شود؛ سپس مسئله فرموله شده و مطالعاتی جمع‌آوری می‌شوند که با موضوع مرتبط بوده و همگی فرضیه یکسانی را بررسی کرده‌اند. مشخصه‌های مطالعات کدگذاری و استخراج شده، آماره‌ها و میانگین و سایر داده‌های آماری به اندازه اثر تبدیل می‌شود. اندازه اثر آماره‌ای است که اهمیت اثر آزمایشی یا شدت رابطه

1. Lipsey & Wilson

2. Littell, Corcoran & Pillai

بین دو متغیر را منعکس می‌کند. ابتدا اندازه اثر هر مطالعه محاسبه می‌شود و سپس اندازه اثر مطالعات مختلف با هم مقایسه می‌شوند و در نهایت، اندازه اثر کلی رابطه بین دو متغیر یا اثر آزمایشی در چند مطالعه محاسبه می‌شود تا درباره تأثیرگذاری آن اثر آزمایشی یا رابطه بین دو متغیر نتیجه‌گیری شود (بورنشتاین، هجیز، هیگینز و روتشتاین^۱، ۲۰۰۹: ۴۹). در نهایت، اندازه اثرها با هم ترکیب شده و اندازه اثرهای ترکیب شده، تفسیر می‌شود.

جامعه آماری این بررسی، کلیه پژوهش‌ها با موضوع رفتارها و عادات تغذیه‌ای نامطلوب است که در مجلات معتبر و پایان‌نامه‌ها از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۹ انجام شده است. شرط انتخاب تحقیقات هم پرداختن به موضوع رفتارها و عادات تغذیه‌ای نامطلوب در موضوع پژوهش است. در نهایت، ۲۵ تحقیق (۵ پایان‌نامه، ۲۰ مقاله) مرتبط با موضوع از مجله‌ها و منابع دیگر انتخاب و تحلیل شدند. اطلاعات این مطالعات در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. اطلاعات تحقیقات انتخاب شده برای فراتحلیل

منبع: یافته‌های پژوهش

پژوهشگر	سال	عنوان پژوهش	جامعه آماری	حجم نمونه
رضایی پور و همکاران	۱۳۸۶	ارتباط رفتارهای تغذیه‌ای و فعالیت فیزیکی دختران نوجوان با درک آنان از شیوه زندگی والدین	دانش آموزان	۲۷۰
باقرنیا و همکاران	۱۳۹۵	بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی با رفتارهای تغذیه‌ای در دختران دانش آموز دارای اضافه وزن و مبتلا به چاقی	دانش آموزان	۱۷۲
گلایی و ساعی	۱۳۹۳	بررسی نقش دینداری در رفتار تغذیه‌ای و زمینه اجتماعی مرتبط با آن در شهروندان بالای ۱۵ سال تبریزی	شهر تبریز	۴۸۳
علیزاده اقدم	۱۳۹۱	تحلیل جامعه‌شناختی سبک غذایی شهروندان تبریزی	شهر تبریز	۷۵۲
علیمرادی و همکاران	۱۳۹۵	عوامل موثر بر گرایش به مصرف فست‌فودها در نوجوانان	دانش آموزان	۵۵۳

1. Borenstein, Hedges, Higgins & Rothstein

پژوهشگر	سال	عنوان پژوهش	جامعه آماری	حجم نمونه
بیرانوندپور و همکاران	۱۳۹۳	عوامل موثر بر مصرف غذاهای فوری در زنان براساس تئوری شناختی اجتماعی	زنان شهر همدان	۳۸۴
دادپور و همکاران	۱۳۹۳	عوامل مرتبط با مصرف غذاهای آماده در شهر بندرعباس	شهر بندرعباس	۶۰۰
کوهی و همکاران	۱۳۹۲	بررسی میزان گرایش دانشجویان به فست فودها و عوامل موثر بر آن	دانشجویان	۳۷۲
امانی و همکاران	۱۳۹۳	بررسی وضعیت مصرف غذاهای فوری در شهرستان اردبیل	شهر اردبیل	۲۰۰
سادات سدیدپور	۱۳۹۵	بررسی سلامت غذایی خانواده معاصر ایرانی و تغییرات آن	شهر تهران	۱۲۰
علی اکبری و تقوایی	۱۳۹۹	نظر شهروندان نسبت به وضعیت فست فود و عوامل موثر بر توسعه آن	شهر اصفهان	۳۸۴
مرزبان و همکاران	۱۳۹۸	رابطه نگرش مذهبی با رفتار تغذیه‌ای در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یزد	دانش‌آموزان	۵۰۰
بدری گرگری و همکاران	۱۳۹۱	رابطه احساس رضایت بدنی و کمال‌گرایی با رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب در دانشجویان دختر دانشگاه تبریز	دانشجویان	۳۴۰
گلایی و همکاران	۱۳۹۵	بررسی گذار تغذیه‌ای در بین نسل‌ها و زمینه اجتماعی مرتبط با آن	شهر تبریز	۴۸۳
عرشی و همکاران	۱۳۹۳	الگوی رفتارهای تغذیه‌ای دختر دبیرستانی منطقه شمال تهران	دانش‌آموزان	۷۲۲
گلایی و همکاران	۱۳۹۵	نقش رسانه در رفتارهای تغذیه‌ای و زمینه اجتماعی مرتبط با آن	شهر تبریز	۴۸۳
بابک و همکاران	۱۳۹۶	رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب در کودکان و نوجوانان استان اصفهان در سال ۱۳۹۴	دانش‌آموزان	۲۳۰۵
عیسی‌زاده و همکاران	۱۳۹۷	رابطه نگرش مذهبی با رفتارهای تغذیه‌ای در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان زرین دشت	دانش‌آموزان	۸۰۰
صباغ و سیدزاده	۱۳۸۸	بررسی عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با گرایش‌های تغذیه‌ای دانشجویان دختر دوره کارشناسی دانشکده	دانشجویان	۲۷۶
حسینی و همکاران	۱۳۸۷	الگوهای غذایی در بزرگسالان و ارتباط آن با عوامل اجتماعی جمعیت‌شناختی و شیوه زندگی	شهر تهران	۷۹۶

پژوهشگر	سال	عنوان پژوهش	جامعه آماری	حجم نمونه
تصدی کاری	۱۳۹۰	الگوی تغذیه و هویت اجتماعی	شهر رشت	۴۰۰
ساعی	۱۳۹۳	بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با رفتارهای تغذیه‌ای بین‌نسلی	شهر تبریز	۴۸۳
فلاح پاکدامن	۱۳۹۸	بررسی عوامل موثر بر گرایش مصرف‌کنندگان به خرید غذاهای سریع در شهر رشت	شهر رشت	۳۹۶
کرفسی دهکردی	۱۳۹۴	عوامل موثر در مصرف خوراکی‌های آماده در بین مردم شهرستان شهرکرد در سال ۱۳۹۴	شهرکرد	۳۸۰
آوینی	۱۳۹۲	بررسی تأثیرات جهانی شدن بر تغییر الگوهای مصرف خوراک	دانش‌آموزان	۳۸۵

برای تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از پژوهش‌های مورد نظر، پس از کدگذاری، از نرم‌افزار جامع فراتحلیل برای انجام محاسبات آماری فراتحلیل استفاده شد. بدین ترتیب که آزمون‌های آماری استفاده‌شده در فرضیه‌ها از طریق فرمول‌های ارائه‌شده توسط وولف^۱ پس از تبدیل به اندازه اثر با ترکیب اندازه‌های اثر به روش هانتز و اشمیت^۲ (۲۰۰۴) تحلیل شدند. همچنین، برای تفسیر اندازه اثر از جدول کوهن (۲۰۱۳) بهره گرفته شد (مطابق جدول ۲).

جدول ۲. توزیع طبقات اندازه اثر بر مبنای برآورد آمارها

منبع: کوهن (۲۰۱۳)

مقدار r	مقدار d	معنی اندازه اثر
کمتر از ۰/۳	کمتر از ۰/۵	اندازه اثر کم
از ۰/۳ تا ۰/۵	از ۰/۵ تا ۰/۸	اندازه اثر متوسط
۰/۵ و بیشتر	۰/۸ و بیشتر	اندازه اثر زیاد

۴. یافته‌های پژوهش

قبل از برآورد اندازه اثر کل، لازم است پیش‌فرض‌های فراتحلیل درباره همگنی این تحقیقات و سوگیری انتشار بررسی شود. برای ارزیابی همگنی تحقیقات انجام‌شده درباره تکرار جرم و

1. Wolfe

2. Hunter & Schmidt

بازگشت به زندان، به منظور انتخاب مدل مناسب برای محاسبه اندازه اثر کل از آزمون Q استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۳ قابل مشاهده است. با توجه به این که مقدار Q به دست آمده از آزمون (۹۰۲/۱۵۷) با درجه آزادی ۲۴ در سطح ($p < ۰/۰۰۱$) معنی دار است. می توان گفت که فرض ناهمگنی پژوهش های انتخاب شده تأیید و فرض همگنی این تحقیقات رد می شود. با توجه به اینکه آزمون Q نسبت به تعداد اندازه اثرها حساس است و با بالا رفتن تعداد اندازه اثرها، توانایی آزمون برای پذیرش ناهمگنی می یابد، از آماره دیگری به نام مجذور I نیز در این آزمون استفاده می شود. دامنه مقدار I از ۰ تا ۱۰۰ متغیر است. هرچه مقدار آماره به ۱۰۰ نزدیک تر باشد، بیانگر این است که میان اندازه اثرها ناهمگنی بیشتری وجود دارد. حال با توجه به اینکه مقدار مجذور I (۹۶/۰۵) که در جدول شماره ۳ قابل ملاحظه است، می توان گفت که ۹۶/۰۵ درصد از تفاوت های مشاهده شده بین اندازه اثرها یا نتایج به دست آمده از تحقیقات، ناشی از ناهمگون بودن آنهاست. بنابراین، بایستی برای دستیابی به اندازه اثر کل در بین پژوهش های مورد بررسی از مدل اثرات تصادفی استفاده شود.

جدول ۳. نتایج آزمون همگنی تحقیقات مرور شده

منبع: یافته های پژوهش

مقدار Q	درجه آزادی	سطح معنی داری	مجذور I
۹۰۲/۱۵۷	۲۴	۰/۰۰۱	۹۶/۰۵

بررسی سوگیری انتشار در تحقیقات مورد بررسی از دیگر پیش فرض هایی است که در روش فراتحلیل مدنظر قرار می گیرد. در روش فراتحلیل برای اینکه بتوانیم یک اندازه اثر نهایی مصون از خطا به دست آوریم، بایستی به همه تحقیقاتی که در زمینه موضوع یا مسئله مدنظر انجام شده اند، دسترسی داشته باشیم تا آنها را ارزیابی کنیم. عدم مطالعه همه این تحقیقات و ظهور دیگر خطاهای خاص، می تواند باعث شکل گیری مسئله ای شود که به آن خطا یا سوگیری انتشار

گفته می‌شود. برای بررسی نبود خطای انتشار در روش فرا تحلیل، از آزمون بگ و مزومدار^۱ و N ایمن از خطا استفاده می‌شود. در جدول ۴ نتیجه آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار قابل مشاهده است. فرضیه صفر در این آزمون بیانگر نبود سوگیری انتشار و فرض یک نشان‌دهنده وجود سوگیری انتشار است. چنانچه سطح معنی‌داری آزمون بگ و مزومدار بالاتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر تأیید می‌شود. در پژوهش حاضر، با توجه به سطح معنی‌داری حاصل شده برای این آزمون که بالاتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت که سوگیری انتشار وجود ندارد.

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون همبستگی رتبه‌ای بگ و مزومدار

منبع: یافته‌های پژوهش

شاخص آماری	مقدار ضریب همبستگی	Z-Value	سطح معنی‌داری	
			تک دامنه	دو دامنه
نتیجه	۰/۳۵	۱/۵۵	۰/۲۱۰	۰/۲۷۴

آزمون N ایمن از خطای روزنتال نیز تعداد مطالعات انجام‌نشده‌ای (مفقود) را برآورد می‌کند که بایستی به تحلیل‌ها افزوده شود تا عدم معنی‌داری آماری اثر نهایی حاصل شود. اطلاعات به دست آمده از این آزمون بیانگر آن است که باید ۴۶۴ تحقیق دیگر انجام شود تا مقدار P دوسویه ترکیب‌شده از ۰/۰۵ افزایش نیابد و تنها در این حالت است که در نتایج نهایی برآوردها و تحلیل‌ها خطا شکل می‌گیرد. مقدار آماره حاصل‌شده، بیانگر دقت و درستی چشمگیر نتایج به دست آمده در این پژوهش است.

جدول ۵. نتایج حاصل از محاسبه آزمون N ایمن از خطا

منبع: یافته‌های پژوهش

مقدار	شاخص
۲۱/۴۳۰	مقدار Z برای مطالعات مشاهده شده
۰/۰۰۱	مقدار P برای مطالعات مشاهده شده

۰/۰۵۰	آلفا
۲	باقی مانده
۱/۹۷۰	Z برای آلفا
۲۵	تعداد مطالعات مشاهده شده
۴۶۴	تعداد مطالعات گم شده ای که مقدار P را به آلفا می رساند

حال بعد از دقت نظر در پیش فرض های روش فراتحلیل و تأیید استفاده از مدل اثرات تصادفی، در جدول ۶ اندازه اثر متغیرهای مورد بررسی در تحقیقات صورت گرفته در زمینه عادات و رفتارهای تغذیه ای نامطلوب قابل ملاحظه است. اطلاعات این جدول بیانگر آن است که در عوامل جمعیت شناختی، سن (۰/۲۲۴-)، محل سکونت (۰/۲۰۱-)، وضعیت تأهل (۰/۱۹۱-) میزان تحصیلات (۰/۱۸۲-) و جنسیت (۰/۱۴۱-) بر عادات و رفتارهای تغذیه ای نامطلوب تأثیر دارند. این بدین معنا است که با بالا رفتن سن افراد از عادات و رفتارهای تغذیه ای نامطلوب کاسته می شود؛ اما با کاهش سن افراد عادات و رفتارهای تغذیه ای نامطلوب بیشتر می شود. از نظر محل سکونت، افرادی که در شهر زندگی می کنند نسبت به افرادی که در روستاها زندگی می کنند عادات و رفتارهای تغذیه ای نامطلوب بیشتری دارند. همچنین، افراد متأهل نسبت به افراد مجرد عادات و رفتارهای تغذیه ای نامطلوب کمتری دارند. از نظر میزان تحصیلات هم می توان گفت که با افزایش سطح تحصیلات افراد از عادات و رفتارهای تغذیه ای نامطلوب کاسته می شود. علاوه بر این، در بین مردان نسبت به زنان عادات و رفتارهای تغذیه ای نامطلوب بیشتر است. با بهره گیری از معیار کوهن (جدول ۲) می توان گفت که همه مؤلفه های عوامل جمعیت شناختی در حد پائینی بر عادات و رفتارهای تغذیه ای نامطلوب تأثیر گذارند.

در بین عوامل اقتصادی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی (۰/۳۱۴-) و سرمایه اقتصادی (۰/۲۷۰-) بر عادات و رفتارهای تغذیه ای نامطلوب تأثیر گذارند. این بدین معنا است که با بالا رفتن پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سرمایه اقتصادی افراد از عادات و رفتارهای تغذیه ای نامطلوب کاسته می شود. با بهره گیری از معیار کوهن می توان گفت که مؤلفه های عوامل اقتصادی در حد متوسطی بر عادات و رفتارهای تغذیه ای نامطلوب تأثیر گذارند.

در میان عوامل فرهنگی، مؤلفه‌های تبلیغات رسانه‌ها (۰/۵۴۱)، توجه و نگرش به بدن (۰/۴۱۱-)، دین‌داری (۰/۳۹۰-) و میزان استفاده از رسانه‌ها (۰/۳۰۴) بر عادات و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب تأثیرگذارند. این بدین معنا است که با افزایش تماشای رسانه‌ها و دیدن تبلیغات آنها، عادات و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب افزایش می‌یابد. همچنین، با افزایش توجه و نگرش به بدن و میزان دین‌داری افراد، از عادات و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب کاسته می‌شود. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که مؤلفه تبلیغات رسانه‌ها در حد بالا و بقیه مؤلفه‌ها در حد متوسطی بر عادات و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب تأثیرگذارند.

در بین عوامل اجتماعی، سرمایه اجتماعی (۰/۲۸۰-) و حمایت اجتماعی (۰/۱۲۰-) بر عادات و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب تأثیرگذارند. این بدین معنا است که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی و حمایت اجتماعی افراد از عادات و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب کاسته می‌شود. با بهره‌گیری از معیار کوهن می‌توان گفت که مؤلفه‌های عوامل اجتماعی در حد متوسطی بر عادات و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب تأثیرگذارند.

جدول ۶. نتایج حاصل از اندازه اثر مطالعات مرور شده در زمینه عادات و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب

منبع: یافته‌های پژوهش

متغیر	مؤلفه‌ها	اندازه اثر (r)	انحراف معیار	Z-Value	P-Value
عوامل جمعیت‌شناختی	سن	-۰/۲۲۴	۰/۱۹۱	-۷/۰۱۸	۰/۰۰۱
	محل سکونت (روستا)	-۰/۲۰۱	۰/۱۸۲	-۸/۵۴۱	۰/۰۰۱
	وضعیت تأهل (متأهل)	-۰/۱۹۱	۰/۱۷۸	-۸/۴۲۰	۰/۰۰۱
	میزان تحصیلات	-۰/۱۸۲	۰/۱۶۴	-۳/۶۵۰	۰/۰۰۱
	جنسیت (زن)	-۰/۱۴۱	۰/۱۵۱	-۹/۲۰۱	۰/۰۰۱
عوامل اقتصادی	پایگاه اقتصادی-اجتماعی	-۰/۳۱۴	۰/۲۳۱	-۸/۶۰۳	۰/۰۰۱
	سرمایه اقتصادی	-۰/۲۷۰	۰/۲۲۸	-۵/۰۸۸	۰/۰۰۱
عوامل فرهنگی	تبلیغات رسانه‌ها	۰/۵۴۱	۰/۳۴۴	۱۱/۳۱۳	۰/۰۰۱
	توجه و نگرش به بدن	-۰/۴۱۱	۰/۲۵۴	-۱۰/۱۳۰	۰/۰۰۱

متغیر	مؤلفه‌ها	اندازه اثر (r)	انحراف معیار	Z-Value	P-Value
عوامل اجتماعی	دین‌داری	-۰/۳۹۰	۰/۲۷۴	-۱۰/۴۱۲	۰/۰۰۱
	میزان استفاده از رسانه‌ها	۰/۳۰۴	۰/۲۱۹	۵/۰۸۹	۰/۰۰۱
	سرمایه اجتماعی	-۰/۲۸۰	۰/۲۱۴	-۳/۹۹۰	۰/۰۰۱
	حمایت اجتماعی	-۰/۱۲۰	۰/۱۷۱	-۷/۰۹۲	۰/۰۰۱

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که گذار تغذیه (گذر از عادت‌ها و رفتارهای غذایی سالم به ناسالم) در ایران تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی، اقتصادی، جمعیت‌شناختی و اجتماعی قرار دارد. این یافته همسو با یافته‌های پژوهش‌های علیزاده اقدام (۱۳۹۱)، کوهی، مبارک بخشایش و عبدی چایکندی (۱۳۹۲)، ساعی (۱۳۹۳)، گلابی و ساعی (۱۳۹۳)، گلابی، آقایی هیر و ساعی (۱۳۹۵/الف)، گلابی، آقایی هیر و ساعی (۱۳۹۵/ب)، علیمردی، باریکانی، جواد، زمانی، نوری، و عبدالملکی (۱۳۹۵)، عیسی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) و مرزبان، بهاری‌نیا وبرزگران (۱۳۹۸) است. در بین مؤلفه‌های عوامل فرهنگی، تماشای تبلیغات رسانه‌ها از بالاترین اندازه اثر برخوردار است. در این زمینه، لازارسفلد و مرتن^۱ معتقدند تبلیغات تجاری می‌کوشند مخاطب را به سمت استفاده از محصولاتی سوق دهند که قبلاً به استفاده از آن عادت کرده است. وقتی الگویی از رفتار یا نگرش برقرار شد، می‌توان آن را در یک مسیر یا مسیر دیگر جهت داد.

از نظر گربرنر^۲ نیز رسانه‌ها به ارائه دیدگاه‌های هم‌شکل و کم‌ویش یکسان از واقعیت اجتماعی تمایل دارند و مخاطبان آنها نیز براساس چنین سازوکاری فرهنگ‌پذیر می‌شوند. گربرنر تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید رسانه‌ها، به‌ویژه تلویزیون، به دلیل نظم و هماهنگی در ارائه پیام در طول یک زمان مشخص، از قدرت تأثیرگذاری فراوانی برخوردارند؛ به‌طوری‌که باید آنها را شکل‌دهنده جامعه دانست. همسو با نظریه کاشت گربرنر، نتایج مطالعاتی که درباره هم‌بستگی بین مدت زمان تماشای آگهی‌های تلویزیون با رفتارها و نگرش‌های مخاطبان انجام شده است، نشان

1. Lazarsfeld & Merton

2. Gerbner

می‌دهد بینندگان دائمی آگهی‌های تلویزیونی در مقایسه با سایر بینندگان، غذاهایی را که در آگهی‌ها تبلیغ شده است، بیشتر دوست دارند و بیشتر از دیگران شیرینی‌ها و مواد غذایی تبلیغ شده را درخواست می‌کنند (اسمی، سعدی‌پور و اسدزاده، ۱۳۸۹؛ ساعی، ۱۳۹۳). پاپکین (۲۰۰۱) نیز رسانه‌ها و تبلیغات آنها را از عوامل مهم و تأثیرگذار در گذار تغذیه‌ای می‌داند.

توجه و نگرش به بدن از دیگر مؤلفه‌های عوامل فرهنگی است که ۰/۴۱۱- بر عادت‌ها و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب تأثیر گذاشته است. در این زمینه، بوردیو^۱ (۱۳۹۰) در تحلیل خود از بدن به کالایی شدن بدن در جوامع مدرن اشاره می‌کند که به صورت سرمایه فیزیکی ظاهر می‌شود. از نظر بوردیو، بدن قطعی‌ترین تحقق مادی سلیقه طبقاتی است که به طرق گوناگونی آن را عیان می‌کند. به قول بوردیو، در جامعه مصرفی بدن به جسمی از سرمایه نمادین تبدیل می‌شود؛ به این معنا که به بدن از این جهت که قادر به انجام چه کاری است، کمتر توجه می‌شود؛ بلکه از این جهت که چگونه و چطور به نظر می‌آید نگریسته می‌شود. در این شرایط به نمایش و تظاهرات بدن توجه می‌شود، تا به کارکردها و توانایی‌های اصل آن.

از دید گیدنز^۲ (۱۳۹۸) نیز روشن است که بدن فقط وسیله‌ای برای کنش و واکنش نیست، بلکه بدن آدمی دستگاهی طبیعی است که صاحبش باید به دقت از آن استفاده کند که یکی از این اشکال نگهداری و مراقبت رژیم‌های غذایی است. رژیم‌ها برای هویت شخصی اهمیت دارند؛ چون عادت‌های رفتاری را با بعضی از جنبه‌های مشهود ظواهر بدن مربوط می‌کنند. آداب و رسوم غذاخوردن، در نفس خود نمایشگاهی از عادت‌های آیینی است؛ ولی در شکل و شمایل بدنی نیز تأثیر می‌گذارند. رژیم‌های مخصوص بدن‌سازی که مستقیماً بر اساس الگوهای الهام گرفته شده از هراسناکی جسم معین می‌شود، مهم‌ترین وسایلی هستند که به کمک آنها بازتاب‌های زندگی اجتماعی مدرن بر کانون پرورش یا آفرینش بدن متمرکز می‌شود. مسئله مدیریت بدن به خصوص برای زنان و دختران به قدری مهم است که آنان ممکن است نسبت به

1. Bourdieu

2. Giddens

چاق شدن خود حالت وسواسی پیدا کنند. ادامه این وسواس همراه با تحمیل محدودیت‌های شدید در رژیم غذایی و ترس از افزایش وزن و چاقی است.

دین‌داری به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های عوامل فرهنگی (۰/۳۹۰-) بر عادات و رفتارهای غذایی نامطلوب تأثیرگذار است. به طوری که افرادی که پایبندی بیشتری به دین و آموزه‌های آن دارند، از الگوی غذایی سالم‌تری برخوردارند. دین و مذهب از عوامل اثرگذار بر رفتار و شناخت بوده و نقش مهمی را در شکل دادن به سبک زندگی افراد ایفا می‌کند. دین با دستورات ارزشمند و کلیدی خود در بحث غذا و تغذیه از عوامل تأثیرگذار بر رفتار تغذیه‌ای فرد است. لازمه دینداری و نگرش مذهبی، پایبندی به اصول و سفارشات آن است. بدیهی است که افراد با نگرش مذهبی قوی‌تر با رعایت توصیه‌ها و قواعد ارائه شده دین درباره تغذیه، رفتار تغذیه سالم‌تری دارند. نتایج پژوهش‌های راثو^۱ (۲۰۰۲) و هیمن، گوردون و زیلبرمن^۲ (۲۰۱۹) بیانگر آن است که خرید مواد غذایی تا حد زیادی تحت تأثیر عوامل فرهنگی و مذهبی قرار دارد و الگوهای رفتاری متفاوت در بین مذاهب مختلف ناشی از هنجارها و ارزش‌های خاصی است که در هر دین وجود دارد.

عوامل اقتصادی نیز با مؤلفه‌های پایگاه اقتصادی-اجتماعی (۰/۳۱۴-) و سرمایه اقتصادی (۰/۲۷۰-) بر عادات و رفتارهای غذایی نامطلوب تأثیرگذارند. در تبیین این یافته با بهره‌گیری از نظریه گیدنز می‌توان گفت که هرچند انسان مدرن انتخاب‌هایش بیشتر است، این انتخاب‌های افراد تحت تأثیر شرایط اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد. گیدنز وضعیتی را متصور می‌شود که در آن سبک‌های زندگی در بین محدودیت‌ها و فرصت‌های ارائه شده توسط موقعیت اجتماعی یک فرد بیان شده است. به نظر بوردیو نیز موقعیت عامل در فضای اجتماعی یا به عبارت دقیق‌تر ویژگی‌های فضا در تبیین رفتار مؤثرند. موقعیت عامل در فضای اجتماعی، نقش عمده‌ای در تبیین رفتار افراد دارد. به نظر بوردیو موقعیت کنشگران در میدان وابسته به سرمایه آنهاست و مقدار و نوع سرمایه‌ای که دارند جایگاه آنها در فضای میدان را تعیین می‌کند. با توجه به این

1. Rao

2. Heiman, Gordon, & Zilberman

نظریه‌ها، اگرچه که سبک غذایی توسط افراد انتخاب می‌شود، این انتخاب تحت تأثیر سرمایه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... آن‌ها انجام می‌شود. در واقع، در خصوص تأثیر سرمایه اقتصادی بر عادات و رفتارهای غذایی افراد می‌توان گفت که استفاده از غذاهای سالم نیازمند صرف هزینه است که در این زمینه آنهایی که سرمایه اقتصادی زیادی دارند، گرایش بیشتری به استفاده از غذاهای سالم دارند. این نتیجه با یافته‌های کاکرهام^۱ (۲۰۰۵) و بوردیو (۱۳۹۰) مطابقت دارد و طبقات پایین جامعه برای انتخاب‌هایشان در این زمینه محدودیت داشته و امکان عملی کردن انتخاب‌هایشان کمتر است.

متغیرهای جمعیت‌شناختی نیز در حد متوسط (۰/۳۰۱-) بر عادات و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب تأثیر گذاشته‌اند. سن، محل سکونت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات و جنسیت، مؤلفه‌های تأثیرگذار جمعیت‌شناختی بررسی شده در مقالات مرور شده در زمینه عادات و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب هستند. درباره نقش سن در عادات و رفتارهای غذایی نامطلوب نتایج بیانگر آن است که با افزایش سن افراد عادات و الگوهای غذایی آنها سالم‌تر و مطلوب‌تر می‌شود و در مقابل با کاهش سن افراد، عادات و الگوهای غذایی آنها ناسالم می‌شود. این مسئله می‌تواند به این دلیل باشد که در دنیای امروز به دنبال کار و تحصیل رفتن مجال آشپزی‌های طولانی و سستی را از افراد جوان می‌گیرد. همچنین، افراد جوان‌تر به علت طعم ویژه، غذاهای آماده و فوری را لذیذتر از غذاهای سستی می‌دانند. همچنین، در مطالعه حاضر یافته‌ها نشانگر آن است که محل سکونت عاملی تأثیرگذار بر مصرف غذاهای آماده و فوری (الگوها و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب) است. احتمالاً دسترسی بیشتر به غذاهای آماده در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی باعث تحت تأثیر قرار دادن افراد ساکن در شهر و گرایش آنان به مصرف غذاهای آماده شده باشد.

دیگر یافته‌ها بیانگر آن است که افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد و زنان در مقایسه با مردان تابعیت بیشتری از الگوی غذایی سالم دارند. این امر شاید به دلیل آن باشد که افراد متأهل در مقایسه با مجردها در گروه سنی بالاتری بوده و نیز آگاهی بیشتری دارند. همچنین، تفاوت

1. Cockerham

شخصیتی زنان و حساسیت و توجه بیشتر آنها به سلامتی خود می‌تواند دلیلی بر این موضوع باشد. مردان معمولاً به علت احساس قوی‌تر بودن که دارند کمتر به امور مربوط به سلامتی که یکی از مهم‌ترین آنها رفتار تغذیه‌ای صحیح است توجه دارند. مردان با توجه به موقعیت شغلی‌شان، کمبود وقت، نداشتن وقت کافی برای تهیه غذاهای سنتی، غذاهای آماده و فوری را ترجیح می‌دهند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد زنان به خاطر خاصیت چاق‌کنندگی غذاهای فوری و آماده، تمایل کمتری را به مصرف این غذاها از خود نشان می‌دهند.

سرمایه اجتماعی (۲۸۰/۰-) و حمایت اجتماعی (۱۲۰/۰-) نیز به عنوان مؤلفه‌های عوامل اجتماعی بر عادات و الگوهای غذایی تأثیر دارند. در تحلیل این یافته می‌توان گفت که عضویت افراد در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی ورزشی، فرهنگی، اجتماعی و... سبب شکل‌گیری روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی، هنجارهای یاری‌گری و تبادل اطلاعات در زمینه‌های مختلف در بین افراد شده و زمینه شکل‌گیری سرمایه اجتماعی آنها را فراهم می‌آورد. شکل‌گیری سرمایه اجتماعی به دلیل دربرداشتن روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی و هنجارهای یاری‌گری در زمینه‌های تندرستی و سلامتی و تبادل اطلاعات مختلف، سطح دانش تغذیه‌ای افراد را تحت تأثیر قرار داده و موجب ارتقای سطح آن می‌شود. در این زمینه، بورديو (۱۳۹۰) ایجاد و اثربخشی سرمایه اجتماعی را بستگی به عضویت افراد در یک گروه اجتماعی می‌داند و سرمایه اجتماعی، به مثابه یکی از اشکال جدید سرمایه، دسترسی به فرصت‌ها، اطلاعات و موقعیت‌های اجتماعی را برای افراد افزایش می‌دهد و دستیابی به اهداف و منافع فردی را تسهیل می‌کند.

حمایت اجتماعی دیگر مؤلفه عوامل اجتماعی بود که در دو مقاله به تأثیر آن بر الگوها و رفتارهای غذایی کودکان و نوجوانان پرداخته شده بود. در این زمینه، یافته‌های باقرنیا و همکاران (۱۳۹۵) بیانگر آن است که زمانی که والدین برای فرزندانشان میان‌وعده‌های سالم فراهم و آنها را به مصرف آن تشویق کنند، احتمال مصرف میان‌وعده‌های سالم در آنها افزایش می‌یابد. برای مثال، هنگامی که والدین برای زنگ‌های استراحت در مدارس برای فرزندان‌شان میوه تهیه کنند.

آتر، اسکرگ، شاف و مورچو^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه خود نشان دادند که تکرار مصرف وعده‌های غذایی در خانواده و حمایت والدین، هر دو به‌طور مثبت و معنی‌داری با رفتارهای تغذیه‌ای مناسب در فرزندان‌شان ارتباط دارد. یافته‌های بابک، فرج‌زادگان، مساح، حیدری، امیدی و شاه‌ثنایی (۱۳۹۶) نیز بیانگر آن است که از عوامل دخیل در شکل‌گیری رفتارهای تغذیه‌ای سالم، حمایت اجتماعی والدین است.

با توجه به یافته‌های پژوهش راهکارهای زیر برای کاهش عادت‌ها و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب طرح می‌شوند:

اولین راهکار برای کاهش و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب، اطلاعات کافی درباره تغذیه صحیح و سالم است. افراد باید آگاهی کافی درباره انواع مواد غذایی، ترکیبات غذایی، نحوه مصرف و مقدار مناسب آنها داشته باشند تا بتوانند تصمیم‌گیری صحیحی در مورد تغذیه خود داشته باشند. ثانیاً، ترویج فرهنگ تغذیه سالم و متنوع می‌تواند به کاهش رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب کمک کند. افراد باید به اهمیت مصرف انواع مختلف مواد غذایی از جمله میوه، سبزیجات، غلات، پروتئین‌ها و لبنیات آگاه شوند و به دیگران نیز آموزش دهند. سومین راهکار، تشویق به ورزش و فعالیت‌های بدنی منظم است. فعالیت‌های بدنی باعث افزایش سوخت‌وساز بدن و تقویت سیستم ایمنی می‌شود که در کاهش رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب تأثیرگذار است. حمایت اجتماعی نقش بسزایی در کاهش عادت‌ها و رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب دارد. خانواده، دوستان و همکاران می‌توانند با حمایت و الگوبرداری مناسب، به فرد در پاسخ‌گویی به نظام تغذیه‌ای سالم کمک کنند. برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی درباره فواید مصرف غذاهای سالم و الگوهای تغذیه‌ای مناسب، می‌تواند به تقویت سرمایه اجتماعی و کاهش رفتارهای تغذیه‌ای ناسالم کمک شایانی کند.

همچنین، داشتن دانش کافی در زمینه تغذیه و اثرات مواد غذایی بر سلامتی می‌تواند به افراد کمک کند تا تصمیم‌های بهتری درباره مصرف مواد غذایی بگیرند. اطلاعات صحیح درباره فواید و مضرات مواد غذایی می‌تواند باعث شود که افراد به‌صورت خودآگاه‌تر و با دانش بیشتر،

انتخاب‌های سالم‌تری درباره تغذیه خود داشته باشند. فعالان حوزه سلامت و تغذیه می‌توانند با ارائه تبلیغات سالم و آگاه‌کننده به ترویج رفتارهای تغذیه‌ای سالم و مفید در مقابل تبلیغات ناسالم و فریبنده به مصرف مواد غذایی نامطلوب، کمک کنند.

کتابنامه

۱. آقایی هیر، ت. (۱۳۸۹). بررسی روند تحولات جمعیتی خانوار و تأثیر آن بر مصرف غذا در ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۸۵. (رساله دکتری منتشر نشده علوم اجتماعی)، دانشگاه تهران، ایران.
۲. اسمی، ر.، سعدی‌پور، ا.، و اسدزاده، ح. (۱۳۸۹). رابطه تماشای آگهی‌های تبلیغاتی تلویزیون با الگوی مصرف در کودکان و نوجوانان تهرانی. پژوهش‌های ارتباطی، ۱۷ (۶۱)، ۹۳-۱۱۷.
۳. بابک، آ.، فرج‌زادگان، ز.، مساح، م.، حیدری، ک.، امیدی، ر.، و شاه‌ثانی، آ. (۱۳۹۶). رفتارهای تغذیه‌ای نامطلوب در کودکان و نوجوانان استان اصفهان در سال ۱۳۹۴. دانشکده پزشکی اصفهان، ۳۵ (۴۶۰)، ۱۸۱۲-۱۸۲۲.
۴. باقرنیا، م.، کشاورز، س. ع.، جزایری، س. ا.، مراثی، م. ر.، عالی‌پور بیرگانی، ر.، دریابیگی خطبه‌سرا، ر.، و مصطفوی، ف. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی با رفتارهای تغذیه‌ای در دختران دانش‌آموز دارای اضافه وزن و مبتلا به چاقی مدارس راهنمایی شهر شاهین‌شهر. تحقیقات نظام سلامت، ۱۲ (۴)، ۴۱۹-۴۱۴.
۵. بوردیو، پ. (۱۳۹۰). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی (ح. چاوشیان، مترجم) تهران: ثالث.
۶. تاجفرد، م.، واحدیان شاهرودی، م.، اسماعیلی، ح.، علیزاده، ن.، و حسینی خبوشان، ز. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر انجام رفتارهای تغذیه صحیح در زنان: مطالعه‌ای مبتنی بر مدل ارتقاء سلامت پندر: ۱۳۹۵. زنان، مامایی و نازایی ایران، ۲۰ (۹)، ۸-۱۵.
۷. حسینیان، غ.، بنی‌هاشمی، س. م.، و سبحانی، ع. (۱۴۰۰). تقابل فرهنگی و دینی محتوای برنامه‌های غذایی ماهواره‌ای با اصول سبک زندگی تغذیه‌ای ایرانی-اسلامی. دین و ارتباطات، ۲۸ (۵۹)، ۱۱۸-۹۱.

۸. دادی پور، س.، مدنی، ع.، قنبرنژاد، ا.، صفری مرادی، ع.، امانی، ف.، حسینی، م.، و یگانه، ح. (۱۳۹۳). عوامل مرتبط با مصرف غذاهای آماده در شهر بندرعباس: یک مطالعه مبتنی بر جمعیت (رفتار تغذیه ای). آموزش بهداشت و ارتقای سلامت / ایران، ۲(۲)، ۸۶-۷۷.
۹. رمضانخانی، ع.، غفاری، م.، میرزایی، ا.، خداکریم، س.، طاهری تنجانی، پ.، و حیدریانزاده، ز. (۱۳۹۵). بررسی رفتارهای تغذیه‌ای سالمندان مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی-درمانی شهر ایلام. آموزش و سلامت جامعه، ۳(۳)، ۵۰-۴۵.
۱۰. ساعی، م. (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با رفتارهای تغذیه‌ای بین نسلی (مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز). (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد علوم اجتماعی)، دانشگاه تبریز، ایران.
۱۱. عرشی، ش.، قبری، ب.، نعمتی، ک.، سلیمان اختیاری، ی.، ترکمن‌نژاد، ش.، و کلاهی، ع. (۱۳۹۳). الگوی رفتارهای تغذیه‌ای دختران دبیرستانی منطقه شمال تهران. سلامت اجتماعی، ۱(۲)، ۹۹-۱۱۰.
۱۲. علیزاده اقدم، م. ب. (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی سبک غذایی شهروندان تبریزی. رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۴)، ۲۸۵-۳۱۸.
۱۳. علیمرادی، ف.، باریکانی، آ.، جوادی، م.، زمانی، ن.، نوری، ا.، و عبدالملکی، س. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر گرایش به مصرف فست‌فودها (غذاهای آماده) در نوجوانان. تحقیقات نظام سلامت، ۱۲(۱)، ۶۴-۶۹.
۱۴. عیسی‌زاده، ن.، برزگران، م.، رحمانیان، و.، دلاوری، س.، مرزبان، آ.، ایاسی، م.، و جعفری، ف. (۱۳۹۷). رابطه نگرش مذهبی با رفتار تغذیه‌ای در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان زرین‌دشت. طب و ترکیه، ۲۷(۱)، ۳۳-۲۳.
۱۵. کوهی، ک.، مبارک بخشایش، م.، و عبدی چایکنندی، ر. (۱۳۹۲). بررسی میزان گرایش دانشجویان به فست‌فودها و عوامل مؤثر بر آن. اخلاق زیستی، ۳(۸)، ۱۸۵-۱۵۷.
۱۶. گلابی، ف.، و ساعی، م. (۱۳۹۳). بررسی نقش دین‌داری در رفتار تغذیه‌ای و زمینه اجتماعی مرتبط با آن در شهروندان بالای ۱۵ سال تبریزی در سال ۱۳۹۳. دین و سلامت، ۲(۲)، ۲۸-۱۹.
۱۷. گلابی، ف.، آقایی هیر، ت. و ساعی، م. (۱۳۹۵/الف). بررسی گذار تغذیه‌ای در بین نسل‌ها و زمینه اجتماعی مرتبط با آن. پایش، ۱۵(۳)، ۲۳۱-۲۲۱.

۱۸. گلابی، ف.، آقایی هیر، ت.، و ساعی، م. (۱۳۹۵/ب). نقش رسانه در رفتارهای تغذیه ای و زمینه اجتماعی مرتبط با آن مورد مطالعه: شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تبریز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۷ (۶۱)، ۲۷-۴۲.
۱۹. گیدنز، آ. (۱۳۹۸). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید* (ن. موفقیان، مترجم). تهران: نشر نی.
۲۰. مرزبان، آ.، بهاری‌نیا، س.، و برزگران، م. (۱۳۹۸). رابطه نگرش مذهبی با رفتار تغذیه‌ای در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر یزد. *دین و سلامت*، ۷ (۲)، ۲۱-۱۲.
۲۱. نوابخش، م.، و مثنی، ا. (۱۳۹۰). بررسی جامعه‌شناختی تحولات تغذیه در جوامع معاصر. *علوم غذایی و تغذیه*، ۹ (۱)، ۴۸-۳۳.
۲۲. نوغانی دخت بهمنی، م.، و میرمحمدتبار، س. ا. (۱۳۹۶). *فراتحلیل: مبانی و کاربردها*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

23. Ali, Z., Scheelbeek, P. F., Dalzell, S., Hadida, G., Segnon, A. C., M'boob, S., & Green, R. (2023). Socio-economic and food system drivers of nutrition and health transitions in The Gambia from 1990 to 2017. *Global Food Security*, 37(6), 101-113.
24. Batal, M., Deaconu, A., & Steinhouse, L. (2023). The nutrition transition and the double burden of malnutrition. *Nutritional Health: Strategies for Disease Prevention*. 28(4), 33-44.
25. Borenstein, M., Hedges, L. V., Higgins, J. P., & Rothstein, H. R. (2021). *Introduction to meta-analysis*. New Jersey: John Wiley & Sons.
26. Cockerham, W. C. (2005). Health lifestyle theory and the convergence of agency and structure. *Journal of health and social behavior*, 46(1), 51-67.
27. Cohen, J. (2013). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. New York: Academic press.
28. Di Renzo, L., Gualtieri, P., Romano, L., Marrone, G., Noce, A., Pujia, A., & De Lorenzo, A. (2019). Role of personalized nutrition in chronic-degenerative diseases. *Nutrients*, 11(8), 1-24.
29. Grzymisławska, M., Puch, E. A., Zawada, A., & Grzymisławski, M. (2020). Do nutritional behaviors depend on biological sex and cultural gender? *Advances in Clinical & Experimental Medicine*, 29(1), 165-172.

30. Heiman, A., Gordon, B., & Zilberman, D. (2019). Food beliefs and food supply chains: The impact of religion and religiosity in Israel. *Food Policy*, 83(1), 363-369.
31. Horská, E., Ůrgeová, J., & Prokešnová, R. (2011). Consumers' food choice and quality perception: Comparative analysis of selected Central European countries. *Agricultural Economics*, 57(10), 493-499.
32. Hunter, J. E., & Schmidt, F. L. (2004). *Methods of meta-analysis: Correcting error and bias in research findings*. New York: SAGE.
33. Lipsey, M. W., & Wilson, D. B. (2001). *Practical meta-analysis*. New York: SAGE.
34. Littell, J. H., Corcoran, J., & Pillai, V. (2008). *Systematic reviews and meta-analysis*. England: Oxford University Press
35. Llorca-Jaña, M., Nazer, R., Rivas, J., & Morales-Campos, D. (2022). The timing and nature of the nutrition transition in Chile, 1930–2019. *Rivar*, 9(1), 135.
36. Mao, J. (2007). *Identifying Factor Affecting Nutrition Transition of Yong Adults in Hubei*. (Unpublished PhD Dissertation in Nutritional Sciences), Iowa State University, United States.
37. Petersen, K., Davis, R. C., Weisburd, D., & Taylor, B. (2022). Effects of second responder programs on repeat incidents of family abuse: An updated systematic review and meta-analysis. *Campbell systematic reviews*, 18(1), 1-37.
38. Popkin, B. M. (2001). Nutrition in transition: the changing global nutrition challenge. *Asia Pacific journal of clinical nutrition*, 10, 13-18.
39. Popkin, B. M. (2002). An overview on the nutrition transition and its health implications: the Bellagio meeting. *Public health nutrition*, 5(1), 93-103.
40. Popkin, B. M., & Ng, S. W. (2022). The nutrition transition to a stage of high obesity and noncommunicable disease prevalence dominated by ultra-processed foods is not inevitable. *Obesity Reviews*, 23(1), 13366.
41. Rao, K. V. (2002). Pattern of Food Consumption and Nutrient Adequacy-a Case Study of Adults by Religion. *The Indian Journal of Nutrition and Dietetics*, 39(4) 160-172.
42. Reshi, I. A., Dar, S. A., & Ansar, S. S. (2023). An empirical study on the factors affecting consumer behavior in the fast-food industry. *Journal of Accounting Research, Utility Finance and Digital Assets*, 1(4), 376-381.

43. Sievert, K., Lawrence, M., Naika, A., & Baker, P. (2019). Processed foods and nutrition transition in the Pacific: regional trends, patterns and food system drivers. *Nutrients*, 11(6), 1328.
44. Utter, J., Scragg, R., Schaaf, D., & Mhurchu, C. N. (2008). Relationships between frequency of family meals, BMI and nutritional aspects of the home food environment among New Zealand adolescents. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 5(1), 1-7.
45. Wiegand, M., Roth, B., & Klakow, D. (2012). Knowledge acquisition with natural language processing in the food domain: Potential and challenges. *Proceedings of the Cooking with Computers workshop (CwC)*, 1, 222-227.

Explaining the Secularization Status of Lower and Upper Secondary School Teachers (Case Study: Isfahan)¹

Naser Nazarian

PhD Candidate in Sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Seyed Ali Hashemian Far²

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Ali Ghanbari Barzian

Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Received: 10 August 2024

Revised: 19 August 2024

Accepted: 22 August 2024

Abstract

The present study aims to explain the status of teachers' secularization (among the lower and upper secondary school teachers) in the Isfahan education department in the school year 2023-2024. The research method is a survey and the statistical population consists of all lower and upper school teachers working in the six districts of Isfahan. The sample size was selected by the SPSS sample power software using a mixed stratified and quota sampling method. The data collection instrument in this cross-sectional research was a questionnaire. The results obtained from SPSS software (Ver. 26) for two demographic hypotheses suggest that for the first hypothesis, there is no significant difference between women and men in terms of the mean secularization variable and its dimensions including hereafterism, psychological symptoms, social tendencies, no tendency for servitude and luxury-orientation ($\text{Sig} < 0.05$). As for the second hypothesis, the one-way analysis of the variance test indicates a significant difference between people with dissimilar work backgrounds in terms of the mean secularization variable ($\text{Sig} \geq 0.05$). The findings of the structural equation model using Amos Graphic software also show that the

1. This article is an excerpt from the first author's doctoral dissertation at the University of Isfahan.

2. Corresponding Author, Email: j.hashemian@ltr.ui.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Nazarian, N. , Hashemian Far, S. A. and Ghanbari Barzian, A. (2024). Explaining the Secularization Status of Lower and Upper Secondary School Teachers (Case Study: Isfahan). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 215-250. doi: 10.22067/social.2024.89310.1547

coefficient of determination for the five sociological variables is $R^2=0.52$ and the influence coefficient for the variables of quality of life, deviance, trauma and internationalization is Beta= 0.36, 0.31, 43, -0.32, respectively, at a significant level of $P<0.05$. In general, the overall evaluation indicators of the structural equation model show that the proposed model is supported by the research data. In fact, the data fit the model and most of the indicators demonstrate that the structural equation model is suited for this purpose.

Keywords: Secularization, Quality of life, Trauma, Pluralism, Deviance, International sub-culture

تبیین وضعیت عرفی شدن دبیران (متوسطه اول و دوم) آموزش و پرورش: مورد مطالعه شهر اصفهان^۱

ناصر نظریان (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

nazarian.sociology@gmail.com

سیدعلی هاشمیان‌فر (دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران،

نویسنده مسئول)

j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

علی قنبری برزبان (استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

a.ghanbari@ltr.ui.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با عنوان و هدف تبیین وضعیت عرفی شدن دبیران (متوسطه اول و دوم) آموزش و پرورش شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۲ طراحی شده است. روش این پژوهش، پیمایش و جامعه آماری آن کلیه دبیران مقاطع متوسطه اول و دوم نواحی شش‌گانه شهر اصفهان است. حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار *spss sample power* و با روش نمونه‌گیری ترکیبی طبقه‌بندی و سهمیه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه و از نظر زمانی مقطعی است. یافته‌ها با استفاده از نسخه ۲۶ نرم‌افزار SPSS در ارتباط با دو فرضیه جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد که در فرضیه اول بین زنان و مردان از نظر میانگین متغیر عرفی‌شدن و ابعاد آن شامل آخرت‌گرایی، علائم روانی، گرایش‌های اجتماعی، عدم گرایش به عبودیت و تجمل‌گرایی تفاوت معناداری وجود ندارد ($\text{Sig} > 0/05$). در فرضیه دوم، برآورد مقادیر آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان‌دهنده این است که بین افراد با سوابق کاری مختلف از نظر میانگین متغیر عرفی‌شدن تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq 0/05$). یافته‌های مدل معادله ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Amos Graphic نیز نشان می‌دهد که ضریب تعیین پنج متغیر جامعه‌شناختی برابر با ($R^2 = 0/52$) است و مقدار ضریب تأثیر متغیرهای کیفیت زندگی، خیام‌وارگی، تروما و بین‌المللی‌شدن به ترتیب برابر ($\beta = -0/32, 0/31, 0/36$) و در سطح ($P < 0/05$)

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول مقاله در دانشگاه اصفهان است

معنادار هستند. در برازش مدل علی تجربی (اثبات شده) اثر متغیر تکثرگرایی بر عرفی شدن دبیران برابر $(\text{Beta} = ۰/۰۸)$ و به لحاظ آماری معنادار نیست. در مجموع، برآورد مقادیر مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شود؛ درواقع برازش داده‌ها به مدل برقرار و اغلب شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

واژگان کلیدی: عرفی شدن، کیفیت زندگی، تروما، تکثرگرایی، خیام‌وارگی، خرده‌فرهنگ بین‌المللی.

۱. مقدمه

آموزش و پرورش گسترده‌ترین دستگاه فرهنگی کشور است که به‌طور مستقیم جمعیت بزرگی را تحت پوشش قرار داده و به شکل و شمایلی کنونی، پدیده‌ای مدرن و زاده عصر مدرنیته است. بی‌تردید آموزش و پرورش بال راست توسعه است که با سایر نهادها ارتباط تنگاتنگی دارد.

امروزه آموزش و پرورش منابع انسانی، به‌عنوان یکی از استراتژی‌های اصلی دستیابی به سرمایه انسانی و سازگاری مثبت با شرایط تغییر قلمداد می‌شود (ایمان و ربیعی، ۱۳۸۷). بنابراین، ترقی هر کشوری رابطه مستقیم با پیشرفت علم، دانش و تکنولوژی آن کشور دارد (ستایش‌فر، ۱۳۹۷: ۴۸). نظام آموزش و پرورش نیز در کسب ارزش‌ها تأثیر بسزایی دارد؛ چراکه یکی از مهم‌ترین مسیرهای کسب ارزش‌ها از طریق آموزش‌های رسمی است که عموماً توسط نظام آموزش و پرورش صورت می‌گیرد (معیدفر، ۱۳۸۶: ۴۵). درواقع، مؤثرترین سازمانی که پایه، شالوده و زمینه رشد و شکوفایی قابلیت‌ها و توانایی‌های افراد جامعه در سنین کودکی و نوجوانی را فراهم می‌کند، سازمان آموزش و پرورش است (ایزدی یزدان‌آبادی، ۱۳۹۳: ۳۴).

بنابراین، مشاهده می‌کنیم که تبیین تفکرات، سازمان‌ها، نهادها و تکنیک‌های تربیتی و چگونگی تکوین و توسعه آن غیرقابل انکار بوده و حتی به‌نوعی الزامی است. در این میان، معلمان یکی از حاملان آگاهی مدرن در جوامع در حال توسعه محسوب شده که ضمن بیشترین تأثیرگذاری، بیشترین تأثیرپذیری را هم دارند.

بخش دیگر و اصلی این پژوهش به مبحث عرفی‌شدن در درون نهاد آموزش و پرورش به‌ویژه در بین مهم‌ترین ابزار سیال در آن، یعنی معلمان، مربوط می‌شود. در جهان امروز آنچه در چند دهه اخیر به‌طور جدی و قابل توجه خود را نشان داده، ظهور برخی مشکلات، مسائل و مطالبات حول محور دین است؛ حتی بسیاری از کشورهای کاملاً سکولار غربی در سال‌های اخیر شاهد منازعات عمومی بر سر مسائلی همچون نمادهای دینی، مناقشات اساسی بر سر روابط کلیسا و دولت و مجادلات و استدلال‌های سیاسی درباره سازش و توافق با اقلیت مذهبی بوده‌اند (زارعی، ۱۳۹۷: ۲۱). علاوه بر هابرماس که بازگشت دین به عرصه عمومی را با مفهوم پست سکولاریسم توصیف کرد، متفکران دیگر نیز نظرات خود را در این زمینه از منظرهای متفاوت فلسفی و جامعه‌شناختی مطرح کرده‌اند (زارعی، ۱۳۹۷: ۲۲). اندیشمندان رادیکالی چون اسلاوی ژیزک^۱ هم بر نقش دین در بازگرداندن منازعه به سیاست در عصر پسامدرنیست تأکید کردند (زارعی، ۱۳۹۷: ۲۲ به نقل از ژیزک، ۲۰۰۱).

در تعریف عرفی‌شدن باید عنوان کرد که آن به معنای حذف یا راندن دین از صحنه اجتماع و عرصه قانون‌گذاری و سیاست نبود؛ بلکه طرد سیاست‌ها و قوانینی بود که توسط روحانیون مسیحی به‌عنوان سیاست‌ها و قوانین دینی وانمود شده بود؛ ولی کسانی به سهو یا عمد، این پدیده را به نام معارضه با دین یا سکولاریزه کردن دین معرفی کردند (کرمی، ۱۳۸۸: ۴۱ - ۴۰). سکولاریزاسیون به معنای عرفی‌شدن و عرفی‌گرایی است. در این اندیشه که برخی جامعه‌شناسان و دین‌شناسان غربی از بنیان آن هستند، امور قدسی از امور دنیوی جدا انگاشته شده و به تعبیر دیگر برخی شاهد قدسی و عده‌ای دیگر شاهد بازاری می‌شوند (کرمی، ۱۳۸۸: ۷۳).

از زاویه‌ای دیگر، با رصد سیر تحول تاریخی و برخورد و رویارویی ایران و غرب در ادوار مختلف، سکولاریسم به‌ویژه در آموزش و پرورش مبدل به ابژه علم شده و مانند مسئله‌ای علمی پروبلماتیک شده است؛ این رویارویی و تلاقی روابط ایران و غرب باعث ایجاد پدیده اندیشه سکولار در جامعه ایران، به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش بر اساس پژوهش‌های موجود شده و به مسئله‌ای برای مطالعات علمی و اجتماعی مبدل شده است.

1. Slavoj Žižek

بنابراین، با توجه به مطالب عنوان شده درمی یابیم، درحالی که فرایند عرفی شدن در ایران در نیمه نخستین قرن بیستم آغاز شد، دولت ایران در عمل هیچ گاه از ایدئولوژی سکولاریسم به طور کامل پیروی نکرد. قانون اساسی ایران و حکومت ایران هیچ گاه خود را غیرمذهبی اعلام نکردند (بروجردی، ۱۳۷۷).

این پژوهش با تأکید بر نهاد آموزش و پرورش، به عنوان کارخانه انسان سازی و مهم ترین ابزار آن یعنی معلمان، با توجه به جامعه سنتی-مدرن ایران که طبعاً معلمان هم به عنوان متحول کنندگان اندیشه و فرهنگ هستند، تلاش می کند تأثیر اندیشه های سکولار را بر روی این قشر بررسی کرده و نشان دهد که این اندیشه ها چگونه پروبلماتیک شده است.

برای علمی تر کردن مبحث با لعاب تئوریک، باید عنوان کرد که از نظر پیتر برگر^۱ عوامل و ابعادی مانند تکثرگرایی در دنیای مدرن، عقلانی شدن، خرده فرهنگ بین المللی، بی خانمانی ذهن که محصول مدرنیته و سرمایه داری است، بر اندیشه های سکولار، دنیاگرا و دین عرفی شده تأثیر بسزایی دارند؛ البته نباید از نظریات اولیه ایشان (دهه های ۶۰ و ۷۰) که صنعتی شدن یا سرمایه داری مدرن و عوامل مؤثر بر آن و همچنین ابعاد آن که شامل: فناوری، آموزش همگانی، تحرک اجتماعی، گسترش ارتباطات، فردی شدن، دیوان سالاری، شهری شدن یا شهرنشینی، است غفلت کرد. باید افزود علاوه بر متغیرهای فوق، متغیرهای دیگری چون روان زخم ها، کیفیت زندگی و خیام وارگی در رفتن به سمت عرفی شدن افراد نقش مهمی ایفا می کند که در ادامه بررسی خواهد شد.

مطالعه عرفی شدن نگرش دبیران آموزش و پرورش که در اینجا از طریق متغیرهای مستقل مانند کیفیت زندگی، خیام وارگی ذهن، تروما (روان زخم ها)، خرده فرهنگ بین المللی، تکثرگرایی سنجیده می شود، به چند دلیل اهمیت دارد. اول، فهم روابط دبیران با سازمان و نهاد آموزش و پرورش می تواند به فهم زیرساخت های فکری واقعی دبیران و نوع نگاه پارادایمی آنان به شغلشان را تا حدودی روشن کند. دوم، می تواند به فهم درون مایه های نگرشی دبیران، در ارتباط با اندیشه های عرفی شدن که محصول صنعتی شدن غرب و سپس ورود آن به کشور ماست، کمک

1. Peter Berger

کند. سوم، می‌توان به فهم رابطه متغیرهای مستقل، میانجی و تعدیل‌گر که بر عرفی‌شدن تأثیرگذارند، به نگرش دبیران پی برده و در صورت لزوم روند آتی سیر آموزش و پرورش را پیش‌بینی کرد.

از سوی دیگر، دلیل دیگر اهمیت و ضرورت بررسی موضوع این است که تحقیقات روان‌شناختی در سال‌های اخیر تأیید کرده‌اند که منش و هوش تا آن درجه که در قدیم فکر می‌کرده‌اند، ذاتی و ارثی نیست؛ بلکه شدیداً متأثر از شرایط محیط است. هر قدر محیط نشو و نما، کودک متعادل‌تر، آگاهانه‌تر، غنی و در جهت شکوفایی کامل او باشد، هوش کودک بیشتر و خلق و خوی او متعادل‌تر است و بحران‌های کودک در مراحل مختلف رشد خفیف‌ترند. امانوئل کانت^۱، فیلسوف مشهور آلمانی نیز که تفکرات او را به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ اندیشه‌های فلسفی غرب به شمار می‌آورند می‌گوید: در بین صناعات بشر دو صنعت از همه مهم‌تر است، یکی حکومت و دیگری تعلیم و تربیت که این موارد نشان از اهمیت نقش معلم به‌عنوان ابزار اصلی آموزش می‌دهد (برون، ۱۳۹۸). افزون بر این، یکی از متغیرهای اصلی این رساله تروما است که معمولاً در حیطه روان‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی مطرح می‌شود.

هدف اصلی این پژوهش پیمایشی و میدانی، تلاشی برای بررسی و تبیین جامعه‌شناختی عرفی‌شدن در نگرش دبیران مقاطع متوسطه (اول و دوم) آموزش و پرورش شهر اصفهان است. اهداف فرعی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. بررسی تأثیر برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنسیت و سنوات یا سوابق کار) با عرفی‌شدن نگرش‌های دبیران مقطع متوسطه (اول و دوم) آموزش و پرورش شهر اصفهان.
۲. مطالعه تأثیر متغیرهای جامعه‌شناختی (کیفیت زندگی، خیام‌وارگی، تروما، خرده‌فرهنگ بین‌المللی و تکثرگرایی) با عرفی‌شدن نگرش‌های دبیران مقاطع متوسطه (اول و دوم) آموزش و پرورش شهر اصفهان.
۳. تبیین تأثیر متغیرهای مستقل پژوهش با عرفی‌شدن نگرش‌های دبیران مقاطع متوسطه (اول و دوم) آموزش و پرورش شهر اصفهان.

1. Immanuel Kant

۲. مبانی نظری پژوهش

۲.۱. چهارچوب مفهومی

در پژوهش حاضر، چهارچوب نظری باتوجه به متغیر وابسته (عرفی شدن) و متغیرهای مستقل طراحی شده است. تلاش بوده است که از نظریه‌های نظریه‌پردازانی استفاده شود که سال‌ها در این زمینه پژوهش و قلم‌فرسایی کرده یا مانند خیام درون‌مایه ذهن، ادبیات و افکارشان به‌خاطر شرایط سیاسی-اجتماعی زمانه، به سمت عرفی شدن سیر نموده است.

ازنظر رونالد اینگلهارت^۱ و ولزل^۲، صنعتی شدن منجر به فرایند عمده‌ای از تغییر شده و بوروکراتیک شدن، سلسله‌مراتب، تمرکز اقتدار، سکولاریته و دگرگونی از ارزش‌های سنتی به سکولار-عقلانی را به همراه می‌آورد. بنابراین، در شرایط مساوی، سطوح بالای توسعه اقتصادی موجب تکوین افرادی می‌شوند که دارای تساهل بیشتری بوده و به دیگران اعتماد بالاتری دارند. دگرگونی از ارزش‌های سنتی و ارزش‌های سکولار-عقلانی با دگرگونی از جامعه روستایی به جامعه صنعتی مرتبط می‌شود. جوامع سنتی بر دین، ارزش‌های سنتی و احترام و اطاعت از ارزش‌های اقتدار تأکید می‌کنند. با رشد سطوح صنعتی شدن، این جوامع، سکولارتر و عقلانی‌تر می‌شوند. هر دو بعد تغییرات به‌شدت با توسعه اقتصادی مرتبط هستند: نظام‌های ارزشی کشورهای ثروتمند از نظام‌های ارزشی کشور فقیر بسیار متفاوت هستند. ملت‌هایی که بانک جهانی آنها را به‌عنوان جوامع ثروتمند مشخص می‌کند، در هر دو بعد، یعنی تأکید شدید بر ارزش‌های ابراز وجود و ارزش‌های سکولار-عقلانی، رتبه نسبتاً بالایی کسب می‌کنند. تمام جوامع کم‌درآمد و متوسط رو به پایین، در هر دو بعد، رتبه نسبتاً پایینی کسب می‌کنند. کشورهای دارای درآمد متوسط رو به بالا، تا اندازه‌ای در مکانی در میانه این پیوستار قرار می‌گیرند. ارزش‌ها و باورهای هر جامعه به احتمال بسیار کم، بازتاب سطح توسعه اقتصادی آن جامعه است، موضوعی که تئوری نوسازی به آن اشاره دارد (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۴).

1. Ronald Inglehart

2. Welzel

اینگلهارت در مقیاسی جهانی نشان داده است که در جوامع ثروتمند اعتماد میان اشخاص و تساهل در برابر تفاوت‌ها بیشتر است، رضایت از زندگی بالاتر است و اعضای آن اهمیت بیشتری به مشارکت سیاسی و احترام و توجه بیشتری به خود آیینی فردی در مقابل حاکمیت جمعی نشان می‌دهند (ولزل، اینگلهارت و کلینگمان، ۱۳۸۲: ۱۴ - ۱۳ به نقل از اینگلهارت، ۱۹۹۷). اینگلهارت عنوان می‌کند که: (۱) در صورت برابری سایر شرایط، توسعه اقتصادی موجب سکولارتر، متساهل‌تر و معتمدتر شدن افراد شده و آنها را به تأکید بر ابراز وجود، مشارکت و تلاش در راستای ارتقای کیفیت زندگی سوق می‌دهد؛ البته عوامل اقتصادی تنها عوامل مهم مؤثر نیستند. (۲) دین و سایر جنبه‌های میراث فرهنگی-سنتی جامعه رو به افول نبوده و همراه با ظهور نوسازی محو نخواهند شد. (۳) صنعتی شدن موجب رشد نوعی فرایند عمده تغییر فرهنگی می‌شود و سکولاریسم و بوروکراتیک شدن را به همراه می‌آورد. اگرچه در کشورهای ثروتمند، اعضای ثروتمند جامعه نسبت به فقرا، تمایل بیشتری به داشتن ارزش‌های سکولار دارند؛ اما این قضیه لزوماً درباره کشور کم‌درآمد صدق نمی‌کند. ساکنان جوامع فقیرتر که در آنها بخش کشاورزی بر بخش صنعت تقدم دارند به حفظ ارزش‌های سنتی گرایش دارند، درحالی‌که شهروندان جوامع ثروتمندتر که در آنها بخش صنعتی از بخش کشاورزی قدرتمندتر است به نگهداشت ارزش‌های سکولار-عقلانی گرایش دارند (همان: ۱۱۲ - ۱۰۷).

هرگونه تبعیض مبتنی بر نژاد یا جنسیت با ایده دموکراتیک برابری انسانی در تضاد است (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۳۵۹ و ولزل، ۲۰۰۳). برابری جنسیتی سنجه مهم و حساسی از میزان پیشرفت و توسعه انسانی در هر جامعه است. خاطرنشان می‌کنیم که برابری جنسیتی، همراه با تساهل نسبت به برون‌گروه‌ها مانند مردم سایر نژادها، بیگانگان و هم‌جنس‌گرایان، در حال تبدیل به عنصر اساسی دموکراسی است (اینگلهارت و نوریس^۱، ۲۰۰۳).

پیتر برگر یکی از پیش‌قراولان توسعه نظریه عرفی شدن بود. می‌توان اذعان کرد که مهم‌ترین نظریه برگر به بحث سکولاریسم و تغییر و تحولات آن در دوران مدرنیته، برمی‌گردد (برگر، ۱۹۶۷). برگر در تعریف سکولارشدن عنوان می‌کند: «فرایندی که طی آن بخش‌هایی از جامعه و

فرهنگ از سلطه‌ی نهادها و نهاد دین خارج می‌شوند» این فرایند در مغرب‌زمین با صورت عقب‌نشینی مذاهب مسیحی، از حوزه‌هایی که قبلاً تحت کنترل آنها بود، قابل مشاهده است؛ مانند جدایی دولت و کلیسا و خالی‌شدن نهادهای آموزش از اختیار کلیسا، مصادره زمین‌های کلیسا توسط دولت. برگر به سکولارشدن هم در سطح اجتماعی-ساختاری (سکولارشدن عینی) و هم در سطح ذهنی (سکولارشدن ذهنی) قائل است (همان، ۱۲۷).

جهان امروز جهانی به‌شدت دینی است و نمی‌توان آن را چنانکه بسیاری از تحلیلگران نوگرا اعلام کرده‌اند، جهانی سکولار نامید. با این حال، در این زمینه استثنائاتی هم وجود دارد. این استثنا که در زمینه نظریه سکولارزدایی وجود دارد و از ابهام کمتری برخوردار است همانا وجود «خرده‌فرهنگ بین‌المللی» است که افراد آن از نوعی آموزش عالی کاملاً سکولار، به سبک غرب، به‌ویژه ادبیات، علوم انسانی، علوم تجربی و علوم اجتماعی بهره‌مند هستند. از نظر برگر آنچه در اینجا می‌توانیم بدان اشاره کنیم این است که ما از یک فرهنگ نخبه جهانی برخورداریم. بنابراین، خیزش‌های دینی در کشورهای مختلف دارای ویژگی کثرت‌گرایانه هستند. این حرکات بیش از آنکه از انگیزه‌های دینی صرف نشئت گرفته باشند، اعتراض و مقاومت در برابر نخبگان سکولار را نشان می‌دهند. می‌توان به این نکته اشاره کرد که صحت و اعتبار نظریه سکولاریسم، به میزان فراوانی مدیون این خرده‌فرهنگ بین‌المللی است (برگر، ۱۳۸۰: ۲۶-۲۳).

برگر که برجسته‌ترین هوادار سنت دین رقابتی و پلورالیستی نیز هست، چنین تبیین می‌کند که تنوع ایمان‌ها، سایبان تقدس را ویران ساخته، خودپسندی همه ادیان را کاسته است (برگر، ۱۹۶۷). هر قدر که بازار دینی رقابتی و کثرت‌گرا باشد، میزان مشارکت دینی افزایش خواهد یافت. این گزاره از سنتی جامعه‌شناختی که سابقه طولانی دارد منشأ می‌گیرد، سنتی که معتقد بود قدرت دین از توانایی‌اش در به انحصار درآوردن تمامی جنبه‌های فرهنگی ناشی می‌شود (والاس^۱ و آلیسون^۲، ۱۹۹۹).

1. Wallace

2. Alison

از نظر برگر دو عامل؛ یعنی گردآمدن جوامع ناهمگون و ارتقاء سطح ارتباطات فرهنگی، علاقه‌مندی به تکثرگرایی را تقویت می‌کنند و با ایجاد انحصارطلبی‌های دینی سازگاری ندارند. به بیان ساده‌تر، تجربه دین سکولاریزه شده عموماً با شکست مواجه شده است؛ اما حرکت‌های دینی به همراه اعتقادات و رویه‌هایی که از گرایش‌های مافوق طبیعی منبعث می‌شدند با موفقیت‌های چشمگیری مواجه بودند (برگر، ۱۳۸۰: ۲۰-۱۸).

منظور برگر از «تکثر» موقعیتی است که در آن گروه‌های متنوع انسانی (قومی، مذهبی یا به‌هرحال متفاوت) در شرایط صلح مدنی و تعامل اجتماعی کنار هم زندگی می‌کنند. فرایندی را که منجر به چنین موقعیتی می‌شود «تکثرگرایی» می‌نامیم. بنابراین، به نظر برگر «مدرنیته باعث تکثر می‌شود.» (برگر، ۱۳۸۰: ۲۸-۲۴).

در ارتباط با مبحث خیام‌وارگی باید عنوان کرد که جان‌مایه عرفی شدن، لذت‌گرایی است. به داوری ژان باتیست نیکلا، طبق نظر بسیاری از اندیشمندان و خیام‌شناسان، جان‌مایه رباعیات و اندیشه‌های خیام نیز همان لذت‌گرایی و خوش‌باشی است که در این باب با اندیشه‌های عرفی شدن سنخیت دارد.

نیکلا^۱، مترجم فرانسوی رباعیات خیام، در تضاد با دیدگاه فیتز جرال^۲ قرار می‌گیرد و لعاب عرفانی به شراب مادی می‌دهد (جربزه‌دار، ۱۳۷۱: ۲۱-۱۹). فیتز جرال، برخلاف نیکلا، خیام را انسانی این‌جهانی و عرفی‌شده می‌نگرد که نقد دنیا را فدای نسیه آخرت نمی‌کند و شراب را به می‌ناب که بعضی در اشعار حافظ و مولانا از آن تعبیر عرفانی می‌کنند، تعبیر نمی‌کند و آن را با همان شکل مادی و مست‌کننده می‌نگرد.

از نظر صادق هدایت، برای خیام ماورای ماده چیزی نیست. دنیا در اثر اجتماع ذرات به وجود آمده که برحسب اتفاق کار می‌کنند (هدایت، ۲۵۳۶: ۳۵). هدایت معتقد است که خیام، بهشت و دوزخ را در نهاد اشخاص دانسته: «دوزخ شرری ز رنج بیهوده ماست / فردوس دمی ز وقت

1. Nicola

2. Fitzgerald

آسوده ماست» (هدایت، ۱۳۸۱: ۱۱۷). بنابراین، برخی رباعی‌های وی نیز بیانگر آدمی بسیار ناامید و مأیوس از زندگی است که درد زندگی و شرایط اجتماعی زمان او را به ستوه آورده است. بحث تروما نیز یکی از مباحث مهم در ارتباط با جامعه فرهنگیان است. اسلاوی ژیژک عنوان می‌کند که فروید نظریه خود را با این مفهوم آغاز کرد که تروما چیزی است که از بیرون به عالم روانی ما حمله می‌کند و توازن آن را برهم می‌زند و در نتیجه، مختصات نمادینی را برهم می‌زند که سازمان‌دهنده تجربیات ما است؛ برای مثال می‌توانیم یک تجاوز وحشیانه و یا شاهد یا مورد شکنجه واقع شدن را ذکر کنیم. گاهی صحنه فقط به صورت پساکنشی تبدیل به تروما می‌شود و به سطح یک واقعه ترومای ارتقاء می‌یابد تا بدین ترتیب فرد بتواند بن بست عالم نمادین خود را حل کند؛ یعنی ناتوانی خود در یافتن پاسخ برای ما. هماهنگ با تغییر موضع انیشتین می‌توان گفت که در اینجا واقعیت اولی عبارت است از اینکه یک بن بست نمادین گذار از نظریه نسبیت خاص به نسبیت عام رخداد تروما به این دلیل احیا می‌شود که شکاف‌های موجود در عالم معنا را پر کند (ژیژک، ۱۳۹۱: ۹۱ - ۷۲).

ژیژک معتقد است که به باور لاکان^۱ عارضه‌ها کشانه‌هایی هستند بی معنا، کشانه‌هایی که معنای آنها قابل کشف یا استخراج از اعماق پنهان گذشته نیست؛ بلکه باید آن را به گونه‌ای «پساکنشی» بازسازی کرد (ژیژک، ۱۳۸۹: ۱۱۲). یکی از گزاره‌های مبنایی لاکان است و در نقطه مقابل این تز قرار دارد که اعتقاد امری است درونی و آگاهی و دانایی امریست بیرونی به این معنی که می‌توان به کمک یک اقدام بیرونی صحت یا سقم آن را مسجل کرد. از نظر لاکان برعکس اعتقاد چیزی است یک‌سر بیرونی که در اقدامات عملی و بالفعل اشخاص طنابنده می‌شود و همین است که کارکرد کلاسیک نقد ایدئولوژی را ممکن و یا دقیق‌تر بگوییم بیهوده می‌کند (ژیژک، ۱۳۸۹: ۷۲-۹۸). ژيژک بر این باور است: «اگر ردپای اتفاقی در گذشته ناگهان پیامدی به بار آورد، به این دلیل است که دنیای نمادین فعلی سوژه، طوری شکل گرفته که به آن رویداد شک دارد» (ژیژک، ۱۹۹۱: ۲۰۲).

1. Lacan

به باور ژيژک تروما عاملیت و مقام فاعلیت و صاحب اختیار بودن زندگی و سرنوشت فرد را از او ساقط می‌کند. در این بین آنچه در مکانیسم پدیدآمدن تروما فراموش می‌شود، روابط نابرابر و غیرعادلانه و سرکوب‌گر اجتماعی است؛ به این ترتیب فرد به جای آن که انرژی‌اش را صرف اندیشیدن به جهان آزاد و عدالت‌محور کند، کلیه توانش را در جهت به رسمیت شناساندن شکل عاطفی‌اش و رنج‌دیدگی روحش می‌کند و البته در این روند خودشیفتگی خشونت‌هایی نیز به دست می‌آورد. روان‌زخم جمعی یا اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که اعضای یک اجتماع حس کنند که گرفتار واقعه فاجعه‌باری شده‌اند؛ به نحوی که این فاجعه اثرات ماندگاری بر آگاهی جمعی آنها به جا گذارده، خاطرات فردی و جمعی‌شان را برای همیشه تحت تأثیر قرار دهد و هویتشان را به صورت برگشت‌ناپذیری خدشه‌دار کند. مطالعه روان‌زخم جمعی، رابطه معناداری میان وقایع گذشته با ساختارها و رفتارهای بعدی در جوامع نشان می‌دهد. در روان‌زخم جمعی، این خود واقعه نیست که در سطح اجتماع آسیب‌زاست؛ بلکه برساخته اجتماعی آن است که در قالب خاطره جمعی از اهمیت برخوردار است. از روان‌زخم‌های جمعی می‌توان به تجربه‌های زیسته معلمان آموزش و پرورش رجوع کرد و از دیدگاه آنها، که طبق پژوهش‌های متعدد یک برساخته اجتماعی است، به مسئله نگریست.

۲.۲. پیشینه پژوهش

در پژوهش حاضر، پیشینه پژوهش به صورت موضوعی بر اساس مفاهیم و متغیرهای اصلی و بنیانی پژوهش عنوان شده است؛ هرچند نقدی که بر بیشتر آنها وارد است استفاده صرف از روش پیمایش است. بنابراین، سنجش متغیرها با روش و ابزارهای کیفی و ترکیبی و همچنین پرداختن به آنها از زوایای مختلف احساس می‌شود.

پژوهشی بین نسلی توسط سراج‌زاده و پویافر (۱۳۹۱) با عنوان «مطالعه عرفی شدن در میان ایرانیان مسلمان، مقایسه بین نسلی در تهران بزرگ» صورت گرفت. عرفی شدن یکی از مفاهیم مهم در عرصه جامعه‌شناسی دین به شمار می‌رود که محل مناقشه نظریه‌پردازان گوناگون بوده است. بر اساس نتایج پژوهش‌های مختلف، برخی چنین استدلال می‌کنند که عرفی شدن آینده حتمی تمامی جوامعی است که رو به توسعه داشته یا چنین برنامه‌ای را در پیش گرفته‌اند. در

مقابل، برخی دیگر، با تردید در این نظر، بروز و گسترش عرفی شدن را در جامعه مرتبط با عوامل مختلفی از جمله دین رایج در آن جامعه می‌دانند. بر اساس نظریه عرفی شدن، ظهور و گسترش این فرایند در یک جامعه با عوامل مختلفی در ارتباط است. از جمله متغیرهایی که برخی نظریه‌پردازان آن را با زمینه‌های مساعد برای عرفی شدن مرتبط می‌دانند، سن است. آنها معتقدند که گروه‌های سنی جوان در جامعه نسبت به گروه‌های با سنین بالاتر بیشتر مستعد تغییر در ارزش‌ها، نگرش‌ها و کنش‌های سنتی خود هستند. در نتیجه، این گروه بیشتر امکان تغییر از اندیشه دینی به اندیشه عرفی را دارند. روش این پژوهش، پیمایش بوده است. جمعیت آماری شامل تمامی شهروندان ۱۵ تا ۷۵ سال تهران بزرگ بوده که از این میان ۱۲۰۰ نفر به روش اتفاقی انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش دو محور اساسی داشت. نخست این‌که شاخص عرفی شدن و ابعاد گوناگون آن نزدیک به سطح متوسط قرار داشته است. علاوه بر این، نشان داده شد که گرایش‌های عرفی در میان جوانان بیشتر از گروه‌های سنی بالاتر بوده است. به بیان دیگر، عرفی بودن با سن رابطه‌ای معکوس دارد.

پژوهشی توسط دیبایی صابر و میرعرب رضی (۱۳۹۶) با عنوان «تحلیل رابطه معنویت در کار و کیفیت زندگی کاری معلمان دوره متوسطه شهر قم» انجام شد. نتایج نشان داد، بین تمام ابعاد معنویت در کار و کیفیت زندگی کاری معلمان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ «I» محاسبه شده در سطح $p \leq 0/05$ مبین رابطه معنی‌دار و مثبت بین معنویت در کار و ابعاد آن با کیفیت زندگی کاری معلمان دوره متوسطه است.

در پژوهشی دیگر که توسط فاضلی (۱۳۷۸) با هدف و عنوان «نظام فکری خیام» انجام شد، خیام را مظهر و نماینده جهان‌بینی ویژه و صدای بسیاری از اندیشمندان و شاعران خاموشی معرفی کرده است که دم فرو بسته‌اند و با نام وی صدایشان را انتشار می‌دهند. نویسنده، درون‌مایه اصلی پیام خیام را مفهوم ناپایداری [دنیا] می‌داند که این باعث شده است، عده‌ای اندیشه‌های او را پوچ‌گرایانه تفسیر کنند و او را طرفدار فلسفه خوش‌باشی به شمار آورند؛ در حالی که از نظر نویسنده با تأسی از آیه ۱۵۶ سوره بقره، تصریح می‌کند: «تأکید خیام و بی‌ثباتی عالم، گواهی است بر حقیقت تنها موجود جاوید، یعنی خداوند».

پژوهشی نیز توسط پریزاده، درکه و بشلیده (۱۳۹۹) در ارتباط با مبحث تروما با عنوان و هدف «بررسی اثربخشی آموزش مهارت مقابله با استرس بر فرسودگی شغلی و پرخاشگری معلمان مقطع متوسطه شهر اهواز» انجام شد. نتایج نشان داد که بین گروه‌های آزمایش و کنترل در تفاضل پیش‌آزمون و پس‌آزمون فرسودگی شغلی و پرخاشگری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین، معلمانی که فرسودگی شغلی بالایی داشتند، دارای استرس شغلی بالایی نیز بودند. دیگر اینکه معلمانی که دارای پرخاشگری بالایی بودند، استرس شغلی بالاتری نیز داشتند.

نایی و آزاد ارمکی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی» با روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه بین جوانان و دانشجویان در جامعه شهری تهران انجام دادند. متغیرها و فرضیه‌های مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: اعتقاد بنیادین به دین، خرده‌فرهنگ سکولار و تکثرگرایی است که از نظر برگر با سکولاریزاسیون مرتبطند. یافته‌های پژوهش جامعه آماری حاکی از آن است که در ایران، اعتقاد بنیادین به دین در بین جوانان عمومیت دارد و عمومیت اعمال دینی کمتر از اعتقاد بنیادین به دین بوده و نسبت به گذشته نیز کمتر است. ضمن اینکه عمومیت ابعاد دین در بین افراد تحصیل‌کرده تا حدی کمتر است. نتیجه اینکه تحصیلات عالی در سکولارکردن افراد نقش دارد؛ اما این نقش بسیار اندک است.

پژوهشی دیگر توسط کافی (۱۳۸۸) با عنوان «طرح سنجش تأثیر کثرت‌گرایی بر سکولارشدن افراد با تحصیلات عالیه» انجام شد. سؤال اصلی پژوهش این بود که آیا کثرت‌گرایی نیز می‌تواند مسیری برای سکولارشدن آنان باشد؟ در این مورد، این تحقیق به دو نتیجه مشخص می‌رسد: یکی اینکه کثرت‌گرایی معرفتی، سبب سکولارشدن افراد با تحصیلات عالیه می‌شود و دوم اینکه در ایران به علت پیروی از دین واحد و یک‌دست و تشکیل حکومت دینی بر پایه آن و اینکه کشوری به لحاظ دینی واحد است، کثرت‌گرایی اجتماعی در آن موردی ندارد. بنابراین، از مسیر کثرت قرائت‌های دینی (کثرت‌گرایی معرفتی) اگرچه تا سکولارشدن راهی بس طولانی در پیش دارد، نسل جوان و قشر تحصیل‌کرده امروز، تحت تأثیر جریان‌های روشنفکری غربی هستند که احتمالاً در آینده، به سکولارشدن جامعه ایران خواهد انجامید.

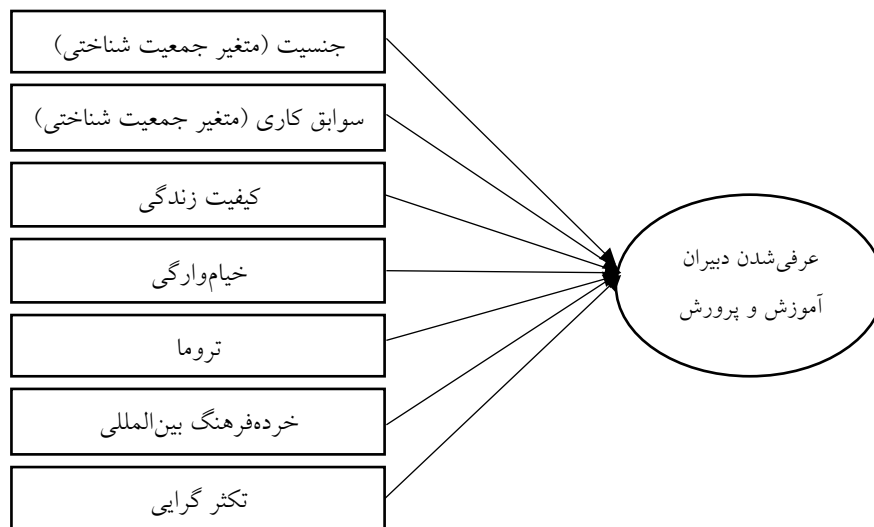
پژوهشی توسط دشتی و همکاران (۱۳۹۱) در مبحث تروما با عنوان «بررسی عوامل مرتبط با فرسودگی شغلی کارکنان مراکز بهداشتی-درمانی شهرستان همدان در سال ۱۳۹۱» انجام شد. یافته‌ها با توجه به نرم‌افزار SPSS نشان می‌دهند که میانگین نمره خستگی هیجانی ۴۴/۲۱، مسخ شخصیت ۷۱/۴ و کفایت شخصی ۱۷/۳۲ بوده و میزان خستگی هیجانی با مسخ شخصیت و میزان کفایت شخصی با خستگی هیجانی رابطه معناداری داشت.

پژوهشی در کشور همسایه و مسلمان ترکیه توسط ساعی و محمدزاده (۱۳۹۲) با عنوان «حزب عدالت و توسعه و هژمونی کمالیسم» در ارتباط با مبحث سکولار انجام شد. در این مقاله نویسنده بیان می‌کند که از سال ۲۰۰۲ با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، چرخش محسوسی در جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور به وجود آمد. این چرخش، خاطر کمالیست‌ها و نظامیان سکولار و همچنین طرفداران غربی آنکارا را بیشتر تیره ساخت. شاید آن‌ها همانند احزاب اسلام‌گرای قبلی با پشت کردن به اصول و آموزه‌های کمالیسم و رویگردانی از غرب، در پی تقویت اسلام‌گرایی و ایجاد ائتلاف مذهبی در منطقه بودند. هرچند در این مقطع زمانی، اصول جدیدی برای سیاست خارجی و داخلی این کشور تعریف شد؛ اما کارکرد و خروجی یک دهه از سیاست خارجی این حزب و تطبیق آن با اصول اساسی سیاست خارجی کمالیستی نشان می‌دهد که آنها با در پیش گرفتن رویه اسلامی نوگرا، نه تنها نسبت به اسلام‌گرایان قبلی متفاوت می‌اندیشند، بلکه با رقبای سرسخت و دیرینه خود در داخل (کمالیست‌های سکولار)، بر سر اصول مهم کمالیسم به آشتی رسیده و به کارگیری رویکردهای جدید در سیاست خارجی فقط تغییر تاکتیک برای رسیدن به هدف‌های سنتی است که بیشتر در سیاست خارجی سکولارها اولویت اصلی بوده‌اند.

۳.۲. متغیرهای پژوهش

با استناد به رویکردهای نظری پژوهش و مرور پیشینه پژوهش، متغیرهای مستقل استخراج شده شامل متغیرهای جمعیت‌شناختی: (جنسیت، سوابق کاری) و متغیرهای جامعه‌شناختی: (کیفیت زندگی، خیام‌وارگی، تروما (روان‌زخم‌ها)، خرده‌فرهنگ بین‌المللی و تکررگرایی) و متغیر وابسته نیز عرفی‌شدن دبیران آموزش و پرورش است که این متغیر نیز با ابعادی چون

(آخرت گرایی، گرایش های اجتماعی، عدم گرایش به عبودیت، علائم روانی، عدم تعبد به احکام و تجمل گرایی)، تبیین و تجزیه و تحلیل شد. ضمناً ابعاد متغیرهای مستقل برای سنجش در بخش تعریف عملیاتی متغیرها ذکر شده است.



شکل ۱. مدل علی پژوهش

منبع: مطالعه حاضر

۲.۴. مدل علی پژوهش

۳. روش پژوهش

انتخاب یک روش با تکنیک، همواره بستگی به شرایط دارد (رفیع پور، ۱۳۸۳). با توجه به اینکه، هدف پیمایش مشخص کردن دامنه تغییر پاسخ هاست (بیکر^۱، ۱۳۷۷: ۳۱-۲۰) و پرسش نامه، عمده ترین ابزار مورد استفاده در این روش است (دواس^۲، ۱۳۸۳)؛ همچنین نظر به عنوان و اهداف پژوهش حاضر، از روش پیمایش و ابزار پرسش نامه به بررسی موضوع مورد مطالعه پرداخته شده است.

1. Baker
2. De Vaus

جامعه آماری مجموعه‌ای از افراد هستند که یک یا چند صفت مشترک دارند (ساعی، ۱۳۸۱). بنابراین، جامعه آماری این پژوهش کلیه دبیران (مقاطع متوسطه اول و دوم) مشغول به تدریس در شهر اصفهان هستند. آمار کلی تعداد دبیران شاغل در مناطق شش گانه شهر اصفهان در دوره اول متوسطه ۳۱۸۹ نفر، در دوره دوم ۱۵۸۲ نفر است. تعداد دبیران زن در مجموع حدود ۳۰۰۰ نفر و تعداد دبیران مرد در مجموع حدود ۱۵۰۰ نفر است (معاونت پژوهش برنامه‌ریزی و توسعه منابع اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، ۱۴۰۲-۱۴۰۱).

نمونه آماری نیز مجموعه‌ای از افرادی هستند که از طریق روش‌های نمونه‌گیری از جامعه آماری انتخاب می‌شوند (ساعی، ۱۳۸۱: ۲۷). در پژوهش حاضر، با توجه به ناهمگن بودن جامعه آماری (از نظر نوع نگاه به دین و سکولار) و حساس بودن موضوع مورد مطالعه و آزمودنی‌ها، با نظر اساتید کمیته رساله از ترکیب نمونه‌گیری سهمیه‌ای و طبقه‌بندی استفاده شده است؛ زیرا حساس بودن موضوع مورد مطالعه، انتخاب نوع نمونه‌گیری را بیشتر توجیه می‌کند. بنابراین، طبقه‌بندی [سهمیه‌بندی] چهارچوب نمونه‌گیری به‌طور هم‌زمان برحسب خصوصیات مختلف (دواس، ۱۳۸۳) مانند ناحیه محل خدمت، به طبقه‌بندی پیچیده‌تری رسید. یکی از روش‌های غیر احتمالی رایج، نمونه‌گیری سهمیه‌ای است. این روش هنگامی به کار می‌رود که شناسایی اعضای یک جمعیت غیرممکن، دشوار یا پرهزینه باشد. مزیت این روش آن است که می‌تواند نمونه‌ای به دست دهد که توزیع ویژگی‌های مهم آن مشابه توزیع ویژگی‌های جمعیت باشد. مزایای نمونه‌گیری سهمیه‌ای عبارت‌اند از اقتصادی بودن، سهولت اجرا و سرعت اجرا در میدان (بلیکی^۱، ۱۳۸۷: ۲۶۵-۲۶۶).

در پژوهش حاضر به منظور محاسبه حجم نمونه از نرم‌افزار spss sample power استفاده شد. با مد نظر قراردادن پیش‌فرض‌های مربوط به محاسبه حجم نمونه (سطح اطمینان، توان آزمون، حجم اثر و آزمون مورد استفاده جهت تحلیل داده‌ها) حجم نمونه آماری در قالب یک طیف از ۲۷۰ تا ۴۵۰ برآورد شد که در ذیل شکل یا نمودار آن پیوست می‌شود.

1. Blakey

در پایان، لازم به ذکر است که تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح «آمار توصیفی» و «آمار استنباطی» انجام شده است. در سطح آمار توصیفی، کلیه متغیرهای جمعیت‌شناختی با استفاده از شاخص‌های توصیفی (گرایش مرکزی، پراکندگی و شکل توزیع) متغیرهای اصلی پژوهش توصیف شده‌اند که ۶۵/۲ درصد از نمونه آماری پژوهش زن و ۳۴/۸ درصد مرد هستند. در ارتباط با سابقه کار نیز ۲۳/۹ درصد از نمونه آماری پژوهش کمتر از ۵ سال، ۸/۳ درصد بین ۵ تا ۱۰ سال، ۶/۶ درصد بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۱۲ درصد بین ۱۶ تا ۲۰ سال، ۹/۲ درصد بین ۲۱ تا ۲۵ سال، ۱۶/۶ درصد بین ۲۶ تا ۳۰ سال و ۲۳/۴ درصد بیش از ۳۰ سال است. بنابراین، افراد با سابقه کار بین کمتر از ۵ سال و بالاتر از ۳۰ سال درصد بیشتری از نمونه آماری پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند که ۰/۹ درصد از نمونه آماری پژوهش دارای تحصیلات دیپلم، ۲/۸ درصد فوق دیپلم، ۵۹/۸ درصد لیسانس، ۳۳ درصد فوق لیسانس و ۳/۵ درصد دارای تحصیلات دکتری هستند. براین اساس، درصد بیشتری از نمونه آماری پژوهش به افراد دارای تحصیلات لیسانس اختصاص یافته است.

هدف عمده آمار استنباطی، استنباط پارامتر از آماره است (شیولسون^۱، ۱۳۷۳: ۱۳). در سطح آمار استنباطی با توجه به سطوح مختلف متغیرها از شیوه‌های تحلیل رگرسیون خطی ساده و چندمتغیره، تحلیل پراکنش (آنالیز واریانس)، نمودار مسیر و مدل معادله ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای Amos Graphics و SPSS استفاده شده است.

۳. ۱. نمودار برآورد حجم نمونه پژوهش

در پژوهش حاضر برای محاسبه حجم نمونه از نرم‌افزار spss sample power برای برآورد «حجم نمونه» استفاده شده است. با در نظر گرفتن پیش‌فرض‌های مربوط به محاسبه حجم نمونه (سطح اطمینان، توان آزمون، حجم اثر و آزمون مورد استفاده جهت تحلیل داده‌ها)، حجم نمونه آماری در قالب یک طیف از ۲۷۰ تا ۴۵۰ نفر برآورد شد. طبق برآوردها از نرم‌افزار ذکر شده دو سناریو قابل بررسی و اجرا است: ۱. سناریویی که مربوط به «وضعیت مطلوب» است، این روش تحلیل آماری و طبق آن حجم نمونه مورد نیاز آن ۲۷۰ نفر برآورد شده است. ۲. سناریویی

1. Shivelson

که مربوط به «وضعیت ایده‌آل» است، این روش تحلیل آماری است و طبق آن حجم نمونه بین ۳۰۰ تا ۴۵۰ نفر برآورد شده است. در این پژوهش سناریوی دوم با مقدار درصد خطای ۰/۰۵، توان بالاتر از ۰/۰۸ و حجم اثر ۰/۰۲۰ مبنای محاسبه قرار گرفت و در نتیجه تعداد حجم نمونه ۴۵۲ نفر برآورد شد.

۲.۳. تعاریف عملیاتی متغیرها

جنس: منظور زن یا مرد بودن پاسخ‌گو است. این متغیر در دو بعد (زن و مرد) سنجیده شد. سابقه کار: تعداد سال‌هایی است که فرد مشغول به کار بوده است. این متغیر با دامنه ۵ ساله در ارتباط با اشتغال سنجیده شد.

کیفیت زندگی: برداشت فرد و درک او از موقعیت خود در زندگی در چهارچوب اهداف و نظام ارزش‌های مورد قبول وی است. این ساختار، عوامل ذهنی و عینی را شامل شده و به احساسات، برداشت‌ها و ارزیابی‌های فرد از رفاه و آسایش در حیطه‌های مختلف اقتصادی، شغلی و ارتباط با سایرین اطلاق می‌شود و دارای ابعادی همچون سلامت فیزیکی، وضعیت روانی، استدلال و تعاملات اجتماعی است (ماکه^۱، کازاگرانده^۲، ساراته^۳ و سیلوا^۴، ۲۰۱۸). این متغیر بر اساس ابعاد و موارد ذکرشده سنجیده و مطالعه شد.

خیام‌وارگی: این متغیر برگرفته از اندیشه‌های حکیم عمر خیام نیشابوری است. جان‌مایه نظرات و اندیشه‌های خیام، «لذت‌گرایی» است. برخی مضامین خیام در رباعیات را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد: ناپایداری دنیا و جست‌وجوی معنای زندگی، حضور در لحظه حال (در حال زیستن)، چسبیدن به نقد دنیا و رهایی از نسیئه آخرت. گفتمان خیام، گفتمان رهایی‌بخشی است. گفتمان در لحظه زندگی کردن و خوش‌باشی است که احساس «بودن در کاشانه خود» در جهان هستی را برای انسان تداعی می‌کند. ضمناً این متغیر با موارد و شاخص‌هایی مانند (شرایط

-
1. Macke
 2. Casagrande
 3. Sarate
 4. Silva

اقتصادی-اجتماعی، نقد دنیا و نسیه آخرت، معیارهای بهشت و جهنم، ناپایداری زندگی و واقع‌بینی) سنجش و بررسی شد.

تروما (روان‌زخم‌ها): از نظر فروید «هر هیجان خارجی که آن‌قدر قدرتمند باشد که بتواند سپر دفاعی و روان ما را بشکند»، روان‌زخم نام می‌گیرد (لاکهرست^۱، ۲۰۰۸: ۹). تروما با ابعادی چون (خستگی عاطفی، مسخ شخصیت و فقدان موفقیت فردی) سنجیده شد.

خرده‌فرهنگ بین‌المللی: یک خرده‌فرهنگ نخبه جهانی است که منادی اندیشه‌های سکولار و دنیاگرا هستند. افراد آن از نوعی آموزش عالی کاملاً سکولار، به سبک غرب، به‌ویژه ادبیات، علوم انسانی، علوم تجربی و علوم اجتماعی بهره‌مند هستند. این خرده‌فرهنگ حامل اصلی ارزش‌ها و اعتقادات مترقی و اعتقادات عصر روشنگری است. با اینکه حاملان این خرده‌فرهنگ اندکند، نسبتاً بانفوذند (برگر، ۱۹۹۹: ۱۰). این متغیر با ذکر سؤال‌هایی در ارتباط با (تحصیلات غربی، تأثیر تفکرات تحصیل‌کردگان دانشگاه‌های غربی و تخصص در برابر تعهد) سنجش و بررسی شد.

تکثرگرایی: یعنی گذار از انحصارگرایی دینی و ارزش‌قائل‌شدن برای اندیشه‌های متنوع (یوسف‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۹). ضمناً تکثرگرایی با مواردی چون (اعتقاد به تکثر ادیان، مشارکت اجتماعی پیروان مذاهب مختلف، دخالت دین در سیاست و مناسک مذهبی و حقوق مدنی) سنجیده شد.

۳.۳. پایایی پژوهش

جدول ۱. برآورد مقادیر شاخص متوسط واریانس استخراج‌شده^۲، آلفای کرونباخ^۳ و پایایی ترکیبی^۴

متغیر	ابعاد	متوسط واریانس استخراج‌شده	ضریب آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
کیفیت زندگی	ذهنی	۰/۵۱	۰/۷۷	۰/۸۳

1. Luckhurst

2. Average Variance Extracted

3. Cronbach Alpha

4. Composite Reliability

۰/۸۰	۰/۷۱	۰/۵۰	عینی	
۰/۷۵	۰/۷۱	۰/۵۱	-	خیام‌وارگی
۰/۸۵	۰/۷۷	۰/۵۹	فرسودگی عاطفی	تروما
۰/۸۱	۰/۷۳	۰/۵۲	فرسودگی شخصیت	
۰/۷۷	۰/۷۰	۰/۵۵	فرسودگی فقدان موفقیت فردی	
۰/۸۳	۰/۷۵	۰/۵۶	-	خرده‌فرهنگ بین‌المللی
۰/۸۰	۰/۷۲	۰/۵۱	-	تکنرگرایی
۰/۷۸	۰/۷۰	۰/۵۲	آخرت‌گرایی	عرفی شدن
۰/۸۲	۰/۷۴	۰/۶۰	علائم روانی	
۰/۷۵	۰/۷۲	۰/۵۳	گرایش‌های اجتماعی	
۰/۸۳	۰/۷۶	۰/۶۱	عدم گرایش به عبودیت	
۰/۸۹	۰/۸۵	۰/۷۳	عدم تعبد به احکام	
۰/۷۶	۰/۷۲	۰/۵۰	تجمل‌گرایی	

برآورد مقادیر مربوط به شاخص متوسط واریانس استخراج‌شده، دلالت بر اعتبار ابزار سنجش مربوط به متغیرهای پژوهش و مقادیر ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی نیز نشان‌دهنده دقت ابزار اندازه‌گیری و به عبارت دیگر، قابلیت اعتماد این ابزار است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱. یافته‌های توصیفی

در این بخش، نخست برحسب متغیرهای جمعیت‌شناختی و با استفاده از جدول‌های فراوانی و نمودارهای مربوطه نمونه آماری پژوهش توصیف و در ادامه با استفاده از شاخص‌های توصیفی (گرایش مرکزی، پراکندگی و شکل توزیع) متغیرهای اصلی پژوهش توصیف شده‌اند.

جدول ۲. توصیف متغیرهای مستقل با استفاده از شاخص‌های توصیفی

شاخص					متغیر
میانگین	انحراف معیار	واریانس	کجی	کشیدگی	
۳/۹۵	۰/۵۱	۰/۲۶	۰/۰۵	۰/۰۹	کیفیت زندگی
۳/۵۰	۰/۶۷	۰/۴۴	-۰/۳۹	-۰/۱۱	خیام‌وارگی

تروما	۳/۱۳	۰/۶۶	۰/۴۴	۰/۲۴	-۰/۲۲
خرده فرهنگ بین المللی	۳/۵۰	۰/۸۲	۰/۶۷	-۰/۲۲	-۰/۱۰
تکثرگرایی	۳/۴۹	۰/۷۶	۰/۵۸	۰/۰۸	-۰/۲۳

مقادیر برآوردشده در جدول بالا، بیانگر این است که میانگین متغیرهای کیفیت زندگی، خیام‌وارگی، تروما، خرده فرهنگ بین المللی و تکثرگرایی در بین نمونه آماری پژوهش بالاتر از حد متوسط (۳) برآورد شده است. مقادیر مربوط به شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار و واریانس) نشان‌دهنده پراکندگی در حد معمول داده‌های مربوط به این متغیرها از شاخص میانگین و مقادیر شاخص‌های شکل توزیع (کجی و کشیدگی) نشان‌دهنده تمایل شکل توزیع داده‌های این متغیرها به سمت توزیع نرمال است.

جدول ۳. توصیف متغیر عرفی شدن با استفاده از شاخص‌های توصیفی

متغیر	شاخص				
	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کجی	کشیدگی
عرفی شدن	۲/۸۳	۰/۵۸	۰/۳۴	-۰/۳۳	-۰/۴۱
آخرت‌گرایی	۲/۴۷	۰/۷۴	۰/۵۵	۰/۳۴	-۰/۰۴
علائم روانی	۳/۰۳	۰/۷۸	۰/۶۰	۰/۱۴	۰/۳۷
گرایش‌های اجتماعی	۲/۶۷	۰/۶۷	۰/۴۶	۰/۰۷	-۰/۰۸
عدم گرایش به عبودیت	۲/۸۹	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۱۸	-۰/۶۱
عدم تعبد به احکام	۳/۵۰	۱/۱۱	۱/۲۳	-۰/۳۸	-۰/۷۶
تجمل‌گرایی	۲/۴۷	۰/۷۰	۰/۴۹	-۰/۵۲	۰/۶۲

باتوجه به مقادیر جدول بالا، میانگین متغیر عرفی شدن دبیران و ابعاد آخرت‌گرایی، گرایش‌های اجتماعی، عدم گرایش به عبودیت و تجمل‌گرایی پایین‌تر از حد متوسط (۳) و میانگین بعد علائم روانی در حد متوسط و بعد عدم تعبد به احکام بالاتر از حد متوسط برآورد شده است. مقادیر مربوط به شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار و واریانس) نشان‌دهنده پراکندگی در حد معمول داده‌های مربوط به این متغیر و ابعاد آن از شاخص میانگین و مقادیر

شاخص‌های شکل توزیع (کجی و کشیدگی) نشان‌دهنده تمایل شکل توزیع داده‌های این متغیر و ابعاد آن به سمت توزیع نرمال است.

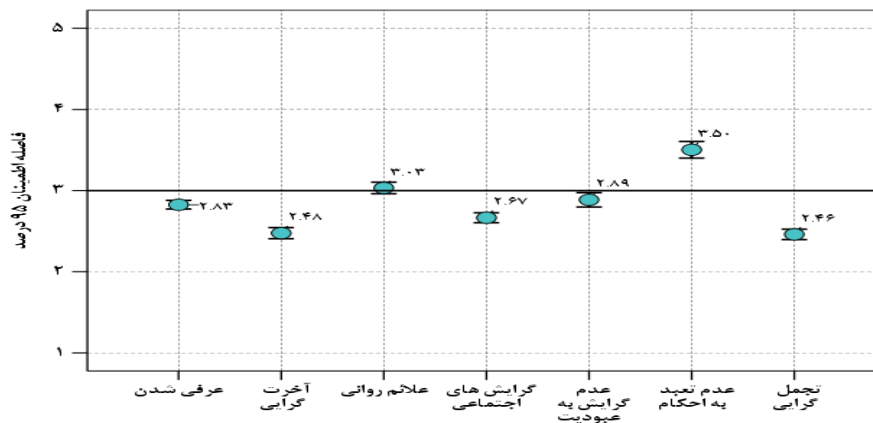
۲.۴. یافته‌های استنباطی

سؤال (۱). عرفی شدن در جامعه آماری پژوهش دارای چه وضعیتی است؟ برای پاسخ به این پرسش از آزمون تی تک‌نمونه‌ای^۱ استفاده شد. با توجه به دامنه تغییرات متغیر عرفی شدن (۱ تا ۵)، عدد ۳ به عنوان میانگین فرضی و مبنای برآورد وضعیت این متغیر مدنظر قرار گرفت. برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۴. برآورد آزمون تی تک‌نمونه‌ای جهت برآورد وضعیت عرفی شدن دبیران

آمار استنباطی				آمار توصیفی		متغیر
Test Value: 3						
Sig	DF	آماره t	تفاوت میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۱	۴۵۹	-۶/۴۰	-۰/۱۷	۰/۵۸	۲/۸۳	عرفی شدن
۰/۰۰۱		-۱۵/۱۰	-۰/۵۲	۰/۷۴	۲/۴۸	آخرت گرایی
۰/۳۶۷		۰/۹۰	۰/۰۳	۰/۷۸	۳/۰۳	علائم روانی
۰/۰۰۱		-۱۰/۶۲	-۰/۳۳	۰/۶۷	۲/۶۶	گرایش های اجتماعی
۰/۰۱۲		-۲/۵۳	-۰/۱۱	۰/۹۶	۲/۸۹	عدم گرایش به عبودیت
۰/۰۰۱		۹/۷۱	۰/۵۰	۱/۱۱	۳/۵۰	عدم تبعید به احکام
۰/۰۰۱		-۱۶/۵۷	-۰/۵۴	۰/۷۰	۲/۴۶	تجمل گرایی

برآورد مقادیر آزمون تی تک‌نمونه‌ای در جدول بالا نشان‌دهنده این است که میانگین متغیر عرفی شدن و ابعاد آخرت‌گرایی، گرایش‌های اجتماعی، عدم گرایش به عبودیت و تجمل‌گرایی به‌طور معناداری پایین‌تر از حد متوسط، میانگین بعد علائم روانی در حد متوسط و عدم تعبد به احکام به‌طور معناداری بالاتر از حد متوسط برآورد شده است.



شکل ۲. برآورد میانگین متغیر عرفی شدن و ابعاد آن در جامعه آماری پژوهش

۴.۲.۱. فرضیه های جمعیت شناختی

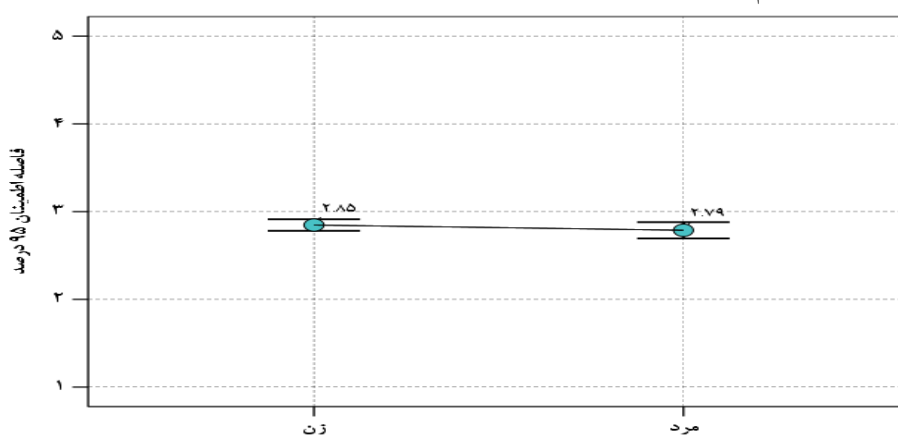
بین جنسیت (زنان و مردان) به لحاظ میانگین عرفی شدن تفاوت وجود دارد. برای بررسی فرضیه بالا از آزمون تی مستقل استفاده شد. برآوردهای این آزمون در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۵. برآورد مقادیر آزمون تی مستقل جهت مقایسه میانگین عرفی شدن بین زنان و مردان

Sig	درجه آزادی	آماره t	تفاوت میانگین	انحراف معیار	میانگین	جنس	متغیر
۰/۲۹۵	۴۵۸	۱/۰۵	۰/۰۶	۰/۵۷	۲/۸۵	زن	عرفی شدن
				۰/۵۹	۲/۷۹	مرد	
۰/۷۰۳		۰/۶۰	۰/۰۳	۰/۷۳	۲/۴۸	زن	آخرت گرایی
				۰/۷۷	۲/۴۶	مرد	
۰/۰۹۰		-۱/۷۰	-۰/۱۳	۰/۷۶	۲/۹۹	زن	علائم روانی
				۰/۸۰	۳/۱۲	مرد	
۰/۲۴۳		۱/۱۷	۰/۰۸	۰/۶۷	۲/۶۹	زن	گرایش های اجتماعی
				۰/۶۷	۲/۶۱	مرد	
۰/۱۴۷		۱/۴۵	۰/۱۴	۰/۹۷	۲/۹۳	زن	عدم گرایش به عبودیت
				۰/۹۵	۲/۸۰	مرد	
۰/۰۲۲		۲/۲۹	۰/۲۵	۱/۱۱	۳/۵۹	زن	عدم تعبد به احکام

				۱/۱۰	۳/۳۴	مرد	
				۰/۶۸	۲/۴۵	زن	
۰/۶۵۲		-۰/۴۵	-۰/۰۳	۰/۷۲	۲/۴۸	مرد	تجمل گرایی

برآورد مقادیر آزمون تی مستقل در جدول بالا نشان‌دهنده این است: الف. بین زنان و مردان به لحاظ میانگین متغیر عرفی شدن و ابعاد آخرت گرایی، علائم روانی، گرایش‌های اجتماعی، عدم گرایش به عبودیت و تجمل گرایی تفاوت معناداری وجود ندارد ($Sig > 0/05$)؛ به عبارت دیگر، مقدار تفاوت اندک بین زنان و مردان به لحاظ میانگین متغیر عرفی شدن و ابعاد ذکر شده در بین نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد. ب. بین زنان و مردان به لحاظ میانگین بعد عدم تعبد به احکام تفاوت معناداری وجود دارد ($Sig \leq 0/05$)؛ به این معنا که میانگین عدم تعبد به احکام در بین زنان به‌طور معناداری بالاتر از مردان برآورد شده است.



شکل ۳. برآورد میانگین متغیر عرفی شدن در بین زنان و مردان

بین افراد با سوابق کار مختلف به لحاظ میانگین متغیر عرفی شدن تفاوت وجود دارد. برای آزمون فرضیه بالا از تحلیل واریانس یک‌طرفه^۱ استفاده شد. برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است:

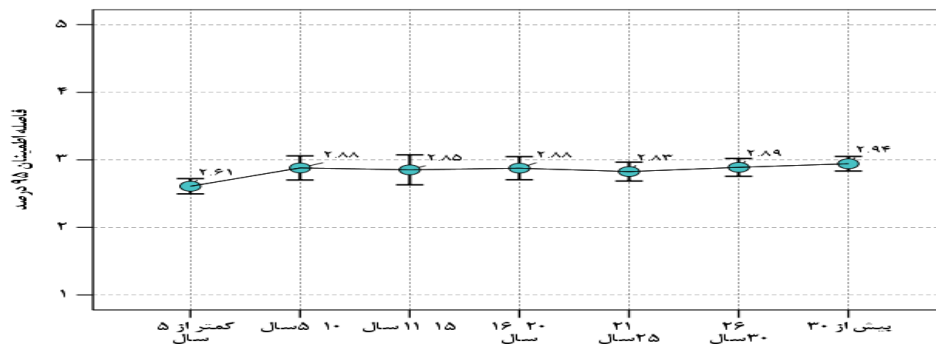
1. One Way ANOVA

جدول ۶. برآورد مقادیر آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه میانگین متغیر عرفی شدن

سطح معناداری	آماره F	همگنی واریانس		انحراف معیار	میانگین	سابقه کار	متغیر
		Sig	آماره لوین				
۰/۰۰۲	۳/۶۲	۰/۱۶۳	۱/۵۴	۰/۵۹	۲/۶۱	کمتر از ۵ سال	عرفی شدن
				۰/۵۴	۲/۸۸	۵ تا ۱۰ سال	
				۰/۵۹	۲/۸۵	۱۱ تا ۱۵ سال	
				۰/۶۳	۲/۸۸	۱۶ تا ۲۰ سال	
				۰/۴۵	۲/۸۲	۲۱ تا ۲۵ سال	
				۰/۵۸	۲/۸۹	۲۶ تا ۳۰ سال	
				۰/۵۶	۲/۹۴	بیشتر از ۳۰ سال	

برآورد مقادیر آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان دهنده این است که بین افراد با سوابق کاری مختلف به لحاظ میانگین متغیر عرفی شدن تفاوت معنی داری وجود دارد. بنابراین، برای بررسی دقیق تر و جزئی تر تفاوت بین افراد با سوابق کاری مختلف به لحاظ میانگین متغیر عرفی شدن از آزمون تعقیبی شفه^۱ استفاده شد. برآورد آزمون تعقیبی شفه برای مقایسه میانگین متغیر عرفی شدن دبیران نشان می دهد که تنها بین دو گروه کمتر از ۵ سال سابقه کار و بیشتر از ۳ سال سابقه کار به لحاظ میانگین متغیر عرفی شدن تفاوت معنی دار وجود دارد؛ به این معنا که میانگین متغیر عرفی شدن در بین گروه زیر ۵ سال سابقه کار به طور معناداری پایین تر از گروه بیشتر از ۳۰ سال سابقه کار است.

1. Scheffe



شکل ۴. برآورد میانگین متغیر عرفی شدن دبیران در بین افراد با سوابق کاری مختلف

۲.۲.۴. فرضیه‌های جامعه‌شناختی

بین متغیرهای جامعه‌شناختی (کیفیت زندگی، خیام‌وارگی، تروما، خرده‌فرهنگ بین‌المللی و تکثرگرایی) و عرفی شدن دبیران رابطه وجود دارد.

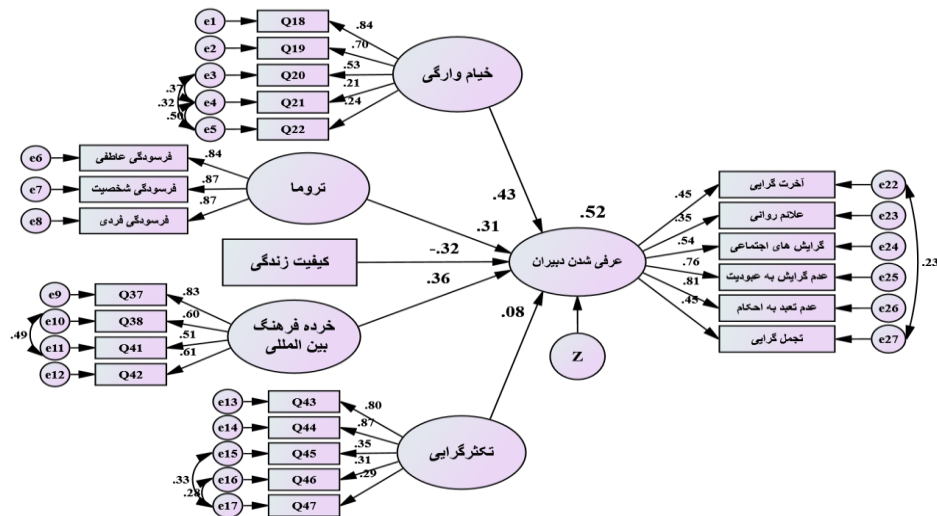
جدول ۷. برآورد ضریب هم‌بستگی متغیر مستقل کیفیت زندگی با متغیر عرفی شدن

متغیر	عرفی شدن		
	ضریب پیرسون	سطح معناداری	حجم نمونه
کیفیت زندگی	-۰/۴۳	۰/۰۰۱	۴۶۰
خیام‌وارگی	۰/۲۷	۰/۰۰۱	۴۶۰
تروما	۰/۴۸	۰/۰۰۱	۴۶۰
خرده‌فرهنگ بین‌المللی	۰/۴۱	۰/۰۰۱	۴۶۰
تکثرگرایی	۰/۴۲	۰/۰۰۱	۴۶۰

برآورد مقادیر ضریب هم‌بستگی پیرسون در جدول بالا نشان‌دهنده این است که متغیر مستقل کیفیت زندگی با متغیر عرفی شدن رابطه معناداری دارد؛ البته این رابطه معکوس و در حد متوسط برآورد شده است. همچنین، متغیر مستقل خیام‌وارگی با متغیر عرفی شدن رابطه معناداری دارد؛ هرچند این رابطه مستقیم و ضعیف برآورد شده است. ولی متغیرهای مستقل تروما، خرده‌فرهنگ بین‌المللی و تکثرگرایی با متغیر عرفی شدن رابطه معناداری دارند؛ البته این رابطه‌ها مستقیم و در حد متوسط برآورد شده است.

۴.۲.۳. برازش مدل علی تجربی (اثبات شده)

در این قسمت، اثرات مستقیم متغیرهای مستقل به صورت یکجا آزموده شده است. برآوردهای مربوط به برازش کلیت مدل معادله ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر برخی متغیرهای مستقل پژوهش بر عرفی شدن دبیران) در شکل و جدول‌های زیر گزارش شده است:



شکل ۵. مدل معادله ساختاری اثر متغیرهای مستقل بر عرفی شدن دبیران

جدول ۸. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

هاتر	برازش مقتصد			برازش تطبیقی			برازش مطلق		شاخص
	RMSEA	CMIN/DF	DF	PCFI	CFI	TLI	GFI	CMIN	
۱۰۶	۰/۰۸	۵	۲۴۴	۰/۶۶	۰/۷۵	۰/۷۱	۰/۸۳	۱۲۲۶/۴۵	مقدار

برآورد مقادیر مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شود. درواقع، برازش داده‌ها به مدل برقرار و اغلب شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۹. برآورد مقادیر اثر متغیرهای مستقل بر عرفی شدن دبیران

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب تأثیر	CR	P. Value
-------------	------	--------------	------------	------------	----	----------

۰/۰۰۱	-۷	-۰/۳۲	۰/۵۲	عرفی شدن	--->	کیفیت زندگی
۰/۰۰۱	۶/۶۹	۰/۴۳				خیام‌وارگی
۰/۰۰۱	۵/۶۷	۰/۳۱				تروما
۰/۰۰۱	۵/۹۲	۰/۳۶				خرده‌فرهنگ بین‌المللی
۰/۰۸۷	۱/۷۱	۰/۰۸				تکثرگرایی

برآورد مقادیر جدول بالا نشان‌دهنده این است که: الف. ضریب تعیین برابر با ($R^2 = ۰/۵۲$) است؛ به عبارت دیگر، ۵۲ درصد از تغییرات متغیر عرفی‌شدن دبیران بر اساس متغیرهای مستقل پژوهش قابل تبیین است. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار دلالت بر توان بالای این متغیرها در تبیین واریانس متغیر عرفی‌شدن دبیران دارد. ب. مقدار ضریب تأثیر متغیرهای کیفیت زندگی، خیام‌وارگی، تروما و بین‌المللی‌شدن به ترتیب برابر (۰/۳۶، ۰/۳۱، ۰/۳۲، ۰/۴۳) و در سطح ($P < ۰/۰۵$) معنادار هستند. با توجه به مقادیر ضریب تأثیر، می‌توان گفت اثر متغیر کیفیت زندگی بر عرفی‌شدن دبیران معکوس و در حد متوسط است؛ به این معنا که در بین بخش قابل توجهی از جامعه آماری پژوهش افزایش کیفیت زندگی می‌تواند منجر به تضعیف عرفی‌شدن شود و برعکس.

اثر متغیرهای خیام‌وارگی، تروما و خرده‌فرهنگ بین‌المللی بر این متغیر مستقیم و در حد متوسط برآورد شده است؛ به این معنا که در بین بخش قابل توجهی از جامعه آماری پژوهش تقویت خیام‌وارگی، افزایش تروما و تقویت خرده‌فرهنگ بین‌المللی می‌تواند منجر به تقویت عرفی‌شدن دبیران شود و برعکس. ج. اثر متغیر تکثرگرایی بر عرفی‌شدن دبیران برابر ($۰/۰۸ = \text{Beta}$) و به لحاظ آماری غیر معنادار است. درواقع، مقدار اثر ضعیف این متغیر بر عرفی‌شدن دبیران در نمونه آماری پژوهش ناشی از تصادف یا خطای نمونه‌گیری برآورد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر باهدف تبیین وضعیت عرفی‌شدن در بین دبیران آموزش و پرورش مقاطع متوسطه (اول و دوم) شهر اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲، طراحی شده است. این پژوهش، با مطالعه نظریه‌های مختلف به این نتیجه منجر شد که نظریه‌های اندیشمندانی نظیر پتر

برگر، اسلاوی ژیتک، فروید، رونالد اینگلهارت و حکیم عمر خیام، بیشترین ارتباط را با موضوع و عنوان این پژوهش داشته و بیشتر از سایرین می‌توانند تبیین‌کننده وضع موجود در این نهاد حساس باشند.

روش پژوهش، پیمایش، جامعه آماری کلیه دبیران مقاطع متوسطه نواحی شش‌گانه شهر اصفهان است که با روش نمونه‌گیری ترکیبی طبقه‌بندی و سهمیه‌ای (به دلیل حساسیت موضوع) انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه و از نظر زمانی مقطعی است.

یافته‌ها در دو بخش مجزا شامل یافته‌های توصیفی (شاخص‌های گرایش مرکزی، پراکندگی و شکل توزیع) و استنباطی (آزمون تی تک‌نمونه‌ای، آزمون تی مستقل، تحلیل واریانس یک‌طرفه، مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور) گزارش شده است. برای انجام محاسبات تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نسخه ۲۶ نرم‌افزار SPSS و Amos Graphic استفاده شد. برای محاسبه حجم نمونه از نرم‌افزار spss sample power استفاده و با مد نظر قراردادن پیش‌فرض‌های مربوط به محاسبه حجم نمونه (سطح اطمینان، توان آزمون، حجم اثر و آزمون مورد استفاده جهت تحلیل داده‌ها) حجم نمونه آماری ۴۶۰ نفر برآورد شد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از مباحث نظری که از سوی نظریه‌پردازانی چون: اینگلهارت، برگر، ژیتک، فیتز جرال، نیکلا، هدایت و خیام درباره مبحث عرفی شدن ارائه شده است، در بستر مورد مطالعه مصداق دارد. نتایج پژوهش همچنین حکایت از تأیید شش فرضیه از مجموع هفت فرضیه دارد.

در ارتباط با بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی (فرضیه‌های اول و دوم) لازم به ذکر است که برآورد مقادیر مربوط به شاخص آزمون تی مستقل استخراج شده نشان می‌دهد که در فرضیه اول، بین زنان و مردان از نظر میانگین متغیر عرفی شدن و ابعاد آخرت‌گرایی، علائم روانی، گرایش‌های اجتماعی، عدم گرایش به عبودیت و تجمل‌گرایی تفاوت معناداری وجود ندارد ($Sig > 0/05$)؛ ولی بین زنان و مردان به لحاظ میانگین بعد عدم تعبد به احکام تفاوت معناداری وجود دارد ($Sig \leq 0/05$)؛ به این معنا که میانگین عدم تعبد به احکام در بین زنان به‌طور معناداری بالاتر از مردان برآورد شده است که در مجموع این مورد، البته تنها از نظر مبحث عرفی شدن، با یافته‌های

ساعی و محمدزاده (۱۳۹۲) همسو است. از نظر اینگلهارت برابری جنسیتی، همراه با تساهل نسبت به برون‌گروه‌ها، در حال تبدیل به عنصر اساسی دموکراسی است که در ارتباط با جامعه آماری این پژوهش به وضوح قابل مشاهده است و در این زمینه، در ارتباط با بحث نارضایتی شغلی و عرفی شدن تفاوت قابل تأملی بین دو جنس مشاهده نشد.

در فرضیه دوم نیز برآورد مقادیر آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه نشان‌دهنده این است که بین افراد با سوابق کاری (سنوات) مختلف به لحاظ میانگین متغیر عرفی شدن تفاوت معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq 0/05$). به این معنا که میانگین متغیر عرفی شدن در بین گروه زیر ۵ سال سابقه کار به طور معناداری پایین‌تر از گروه بیشتر از ۳۰ سال سابقه کار است که در مجموع با یافته‌های سراج‌زاده و پویا فر (۱۳۹۱) و ساعی و محمدزاده (۱۳۹۲) همسو است.

در مبحث متغیرهای جامعه‌شناختی (فرضیه‌های سوم تا هفتم)، شاخص ضریب هم‌بستگی پیرسون حکایت از آن دارد که هر پنج متغیر کیفیت زندگی، خیام‌وارگی، تروما، خرده‌فرهنگ بین‌المللی و تکثرگرایی با عرفی شدن دبیران آموزش و پرورش رابطه معناداری دارند. برآورد مقادیر مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شود. درواقع، برازش داده‌ها به مدل برقرار و اغلب شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند؛ زیرا ضریب تعیین کل مدل برابر با ($R^2 = 0/52$) است و مقدار ضریب تأثیر تک‌تک متغیرها یعنی کیفیت زندگی، خیام‌وارگی، تروما و بین‌المللی شدن به ترتیب برابر ($\text{Beta} = -0/32, 43, 0/31, 0/36$) و در سطح ($P < 0/05$) معنادار هستند که در مجموع، خرده‌فرهنگ بین‌المللی با یافته‌های ناییبی و آزاد ارمکی (۱۳۸۵) و کافی (۱۳۸۸)، کیفیت زندگی با یافته‌های دیبایی صابر و میرعرب رضی (۱۳۹۶)، تروما با یافته‌های دشتی و همکاران (۱۳۹۱)، کثرت‌گرایی با یافته‌های کافی (۱۳۸۸) همسو هستند؛ ولی خیام‌وارگی با یافته‌های فاضلی (۱۳۷۸) ناهمسو است.

تبیین یافته‌های پژوهش میدانی حاضر در سطح نظری حرف‌های ناگفته زیادی برای گفتن دارد. بحث کیفیت زندگی یکی از مباحث مهم دنیای مدرن است و به شکل کنونی مانند عرفی شدن زاده عصر صنعتی شدن و مدرنیته است؛ تا آنجا که از نظر اینگلهارت، صنعتی شدن،

سکولاریته و دگرگونی از ارزش‌های سنتی به سکولار-عقلانی را به همراه می‌آورد. از نظر ایشان، ملت‌هایی که بانک جهانی آنها را به عنوان جوامع ثروتمند مشخص می‌کند، در هر دو بعد، یعنی تأکید شدید بر ارزش‌های ابراز وجود و ارزش‌های سکولار-عقلانی، رتبه نسبتاً بالایی کسب می‌کنند. اینگلهارت عنوان می‌کند که در صورت برابری سایر شرایط، توسعه اقتصادی موجب سکولارتر، متساهل‌تر و معتمدتر شدن افراد شده و آنها را به تأکید بر ابراز وجود، مشارکت و تلاش در راستای ارتقاء کیفیت زندگی سوق می‌دهد. هرچند نتایج پژوهش حاضر تا حدودی از تمایلات دینی و ته‌نشست‌های پاره‌تویی در اذهان معلمان حکایت می‌کند، نظریات فروید و اینگلهارت را نقض می‌کند و حداقل در این پژوهش، جامعه و نمونه آماری مهر عدم تأیید بر پیشانی این نظریات زده شده است؛ زیرا در این پژوهش دبیرانی که وضعیت معیشت و کیفیت زندگی بالایی ندارند، بیشتر به سمت عرفی‌شدن تمایل دارند و بالعکس. همچنین، بین کیفیت زندگی و عرفی‌شدن رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ یعنی هرچه کیفیت زندگی معلمان پایین باشد و وضعیت اقتصادی-اجتماعی شایسته‌ای نداشته باشند، میزان عرفی‌شدن افزایش می‌یابد. معلمانی که با مقایسه خود با سایر کارمندان دولت احساس تبعیض و بی‌عدالتی می‌کنند و آن را علناً در اعتراضات صنفیشان در چند دهه اخیر فریاد می‌زنند، بالطبع آن را به دولت‌هایی که با زبان و ادبیات دینی سخن می‌رانند نسبت داده و بحران انعکاسی یا پساکنش ژيژک و فروید را که مسبوق به سابقه بودن عمل را نشان می‌دهد، تداعی می‌کنند.

در بحث خیام‌وارگی که تبیین آن به شکل موجود و کمی در نوع خود جدید است نیز باید گفت که از نظر نیکلا آنچه مبرهن است، جان‌مایه رباعیات و اندیشه‌های خیام همان لذت‌گرایی و خوش‌باشی است که در این باب با اندیشه‌های عرفی‌شدن سنخیت دارد. فیتز جرالده، برخلاف نیکلا، خیام را انسانی این‌جهانی و عرفی‌شده می‌نگرد که نقد دنیا را فدای نسیه آخرت نمی‌کند که البته این مرهون شرایط سخت اجتماعی خیام است. از سوی دیگر، بحث تروما مطرح است که از نظر فروید، زبان تروما زبان غیاب و فقدان چیزی است. تروما ناشی از مجموعه‌ای از تجربیات اجتماعی و فردی است. اختلال تنش‌پساترومایی برگرفته از «استنباط روانی از یک رویداد خارجی و تبدیل آن به نشانه‌های روانی، زیستی و اجتماعی است. این نمودها ناشی از

رویدادهای خارجی و نیز روحيات فرد بازمانده پيش از درگيري با اين بيماري است». از نظر ژيژک نيز سوژه پساترومائي فردی بی تفاوت است که حس مشارکت عاطفی خویش را از دست داده است. عکس العمل معلمان به پرسش نامه پژوهش حاضر و البته نتایج به دست آمده، حاکی از تأیید این نظریه هاست.

نظریه های پيتر برگر اکثر متغيرهای مستقل موجود پژوهش را در ارتباط با متغير وابسته عرفی شدن، پوشش می دهد. به باور و داوری برگر، در هر کشوری بیشتر تحصیل کردگان به جهان بینی های مدرن تمایل دارند و هرچه سطح تحصیلات افزایش می یابد، جهان بینی های دینی سستی به طور اجتناب ناپذیری در مقابل جهان بینی های عقلانی- سکولار تضعیف شده و رو به افول می گذارند. این پژوهش نشان می دهد ضمن اینکه معلمان به بسیاری از مسائل دین باور دارند؛ به خاطر شرایط دشوار زندگی که از طرف دولتمردان، دولت ها و مسئولانی که در رأس نهاد آموزش و پرورش یا نهادهای اجرایی قرار گرفته اند فراموش شده و به محاق رفته اند. بنابراین، چون آنها به اصطلاح سنگ دین را در ادبیاتشان به سینه می زنند و به قول خودشان قانونی را که برگرفته از دین است اجرا می کنند، با این تفاسیر معلمان خواه ناخواه در تلاطم روزگار و شرایط سخت زندگی به ویژه از نظر اقتصادی، نه تنها شرایط ایجاد شده را از چشم مسئولان نالایق در رأس آموزش و پرورش می بینند، بلکه به نوعی احتمالاً آن را خواسته یا ناخواسته متوجه دین و استفاده ابزاری از آن دانسته و به عنوان پساکنش و بحران انعکاسی ژيژک، به سمت اندیشه های عرفی شده گرایش پیدا کرده اند. معلمی که کیفیت زندگی پایینی دارد و در مقایسه خود با سایر کارمندان احساس تبعیض می کند، دچار تشویش و بی خانمانی ذهنی می شود که تعبیر برگر از این حالت، شخصی شدن دین است که همان عرفی شدن در سطح فردی است؛ زیرا از نظر فروید و ژيژک، تروما خصلت پساکنشی دارد و به شکل های متنوع از خیام وارگی (خوشباشی، لذت گرایی و...) و انزوای خیام وار و مرتونیسیم گرفته تا فرار به جلو، فرد گرایی و عرفی شدن و ... را به دنبال دارد.

برگر همچنین معتقد است، یکی از استثنائات در زمینه سکولارزدایی، همانا وجود یک خرده فرهنگ بین المللی است که حاملان آن افرادی با تحصیلات عالی، خاصه در علوم انسانی و

علوم اجتماعی، از نوع غربی هستند. این خرده فرهنگ حامل ارزش‌ها و اعتقادات متری و اعتقادات عصر روشنگری است. با اینکه حاملان این خرده فرهنگ اندکند، نسبتاً بانفوذند. بنابراین، این خرده فرهنگ‌های جهانی از نفوذ فراوانی برخوردارند و بر نهادهایی که تعریف «رسمی» پدیده‌هایی نظیر نظام آموزشی، وسایل ارتباط جمعی و حدود نظام حقوقی را ارائه می‌دهد، احاطه دارند. صحت و اعتبار نظریه سکولاریسم، به میزان فراوانی مدیون این خرده فرهنگ بین‌المللی است. باتوجه به معنادار بودن این فرضیه که تأثیر خرده فرهنگ بین‌المللی بر عرفی شدن دبیران آموزش و پرورش شهر اصفهان را نشان می‌دهد، می‌توان گفت که آن بخش از نظریه برگر را که حکایت از اهمیت خرده فرهنگ بین‌المللی دارد، تأیید و آن بخش که این موضوع را عنوان می‌کند که گاهی این خرده فرهنگ نقش عرفی‌زدایی را به همراه دارد، رد می‌کند. این می‌تواند بیانگر تأثیرات نظام جهانی باشد که از طریق روشنفکران غرب‌گرا بر جامعه نفوذ یافته‌اند.

البته با توجه تأیید فرضیه تروما و عرفی شدن می‌توان نتیجه گرفت که تروماهای روانی - اجتماعی که به نظر ژیک و فروید، مسبوق به سابقه‌اند، نقش استخوان در گلو را ایفا کرده و به مرور سر باز نموده‌اند. بنابراین، طبق نظریه بحران انعکاسی یا پساکنش ژیک، این گونه عکس‌العمل نشان دادن (تأیید فرضیه‌های پژوهش)، شاید بیانگر آن باشد که همه چیز را از چشم برنامه‌ریزان و مسئولانی ببینند که حداقل به‌خاطر حفظ ظاهر هم که شده، عنوان میکنند که با بیش متافیزیکی می‌خواهند فعالیت‌های این سیستم آموزشی را پیش ببرند. افزون بر آن، باتوجه به جامعه دینی ایران که مسئولان باید در چهارچوب قانون اساسی که لعاب دینی و مذهبی داشته و مانند جوامع غربی سکولار نیست، قانون وضع و اجرا کنند و پیامدهای درست و نادرست آن خواه‌ناخواه گریبان دین موجود را نیز خواهد گرفت. می‌توان باتوجه به نظریه عرفی شدن برگر عنوان کرد که روان‌زخم‌ها، آلترناتیوهای رفتن به سمت وسوی عرفی شدن، هم در سطح عینی و هم در سطح ذهنی را در درون خود نهفته دارند. در کل، این می‌تواند نتیجه تأثیر اندیشه‌های روشنفکران عرفی شده باشد. می‌تواند نتیجه تبلور روان‌زخم‌های کهنه‌سواری باشد که با

سخت شدن شرایط اقتصادی زندگی، بالطبع نارضایتی این قشر را به همراه داشته و به اعتراضات آن‌ها منجر شود.

درمجموع، یافته‌ها هرچند حکایت از دین‌داربودن برخی معلمان آموزش و پرورش و بعضاً حفظ تهنشست‌های پاره‌تویی آنان دارد، شکل جدیدی از دین‌ورزی یا همان «واسازی و شالوده‌شکنی» یا «بی‌شکلی دین‌ورزی» را نشان می‌دهد.

کتابنامه

۱. ایزدی یزدان‌آبادی، ا. (۱۳۹۳). *آسیب‌شناسی مدیریت آموزش و پرورش کشور و ارائه راهبردها و راهکارهای مطلوب*. تهران: دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی.
۲. ایمان، م. ت.، و ربیعی، م. (۱۳۸۷). نیازسنجی آموزشی در برنامه‌ریزی استراتژیک آموزشی با استفاده از الگوی عناصر سازمانی. تهران: *اطلاع‌رسانی مدیریت*، ۱۹ (۱۳۳، ۱۳۴)، ۲۷-۲۲.
۳. اینگلهارت، ر.، و ولزل، ک. (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی* (ی. احمدی، مترجم). تهران: کویر.
۴. برگر، پ. ا. (۱۳۸۰). *افول سکولاریسم* (ا. امیری، مترجم). تهران: پنگان.
۵. بروجردی، م. (۱۳۷۷). *روشنفکران ایرانی و غرب* (ج. شیرازی، مترجم). تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.
۶. بلیکی، ن. (۱۳۸۷). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی* (ح. چاوشیان، مترجم). تهران: نشر نی.
۷. بیکر، ت. ا. (۱۳۷۷). *نحوه انجام تحقیقات اجتماعی* (ه. نایی، مترجم). تهران: روش.
۸. پریزاده، س.، درکه، م.، و بشلیده، ک. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی آموزش مهارت مقابله با استرس بر فرسودگی شغلی و پرخاشگری معلمان مقطع متوسطه شهر اهواز. *توسعه حرفه‌ای معلم*، ۵ (۴)، ۶۳-۴۳.
۹. جریزه‌دار، ع. (۱۳۷۱). *رباعیات خیام*. تهران: اساطیر.
۱۰. دشتی، س.؛ فردمال، ج.؛ سهیلی‌زاد، م.، و شهرآباد، ر. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط با فرسودگی شغلی کارکنان مراکز بهداشتی-درمانی شهرستان همدان در سال ۱۳۹۱. *مجله علمی پژوهان*، ۱۳ (۱)، ۹-۱.
۱۱. دواس، د. ا. (۱۳۸۳). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی* (ه. نایی، مترجم). تهران: نشر نی.

۱۲. دیبایی صابر، م. و میرعرب رضی، ر. (۱۳۹۶). تحلیل رابطه معنویت در کار و کیفیت زندگی کاری معلمان دوره متوسطه شهر قم. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱ (۵۴)، ۱۷۰-۱۵۳.
۱۳. رفیع پور، ف. (۱۳۸۳). کندوکاوها و پنداشته‌ها: مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی. تهران: سهامی انتشار.
۱۴. زارعی، آ. (۱۳۹۷). پست سکولاریسم دین، دولت و حوزه عمومی در غرب، تهران: نشر نی.
۱۵. ژیتک، ا. (۱۳۸۹). خشونت (ع. پاکنهاد، مترجم) تهران: نشر نو.
۱۶. ژیتک، ا. (۱۳۸۹). عینیت/ایدئولوژیک (ع. بهروزی، مترجم) تهران: طرح نو.
۱۷. ژیتک، ا. (۱۳۹۱). چگونه لاکان بخوانیم (ع. بهروزی، مترجم) تهران: رخ داد نو.
۱۸. ساعی، ا. و محمدزاده، م. (۱۳۹۲). حزب عدالت و توسعه و هژمونی کمالیسم. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۶ (۲)، ۴۱-۶۰.
۱۹. ساعی، ع. (۱۳۸۱). تحلیل آماری در علوم اجتماعی با نرم‌افزار SPSS. تهران: کیان مهر.
۲۰. ستایش‌فر، م. (۱۳۹۷). بررسی نقش معلم و آموزش و پرورش در ایجاد روحیه و نشاط معلمی. مطالعات علوم اجتماعی، ۴ (۴)، ۵۱-۴۳.
۲۱. سراج زاده، س. ح. و پویافر، م. (۱۳۹۱). مطالعه عرفی‌شدن در میان ایرانیان مسلمان؛ مقایسه بین‌نسلی در تهران بزرگ. مطالعات اجتماعی ایران، ۴ (۴)، ۸۸-۶۵.
۲۲. شیولسون، ر. (۱۳۷۳). استدلال آماری در علوم رفتاری (جلد اول) (ع. کیامنش، مترجم) تهران: ماجد.
۲۳. فاضلی، م. (۱۳۷۸). نظام فکری خیام. پژوهش‌های ادبی، ۵ (۲۰)، ۸۹-۶۱.
۲۴. کافی، م. (۱۳۸۸). طرح سنجش تأثیر کثرت‌گرایی بر سکولارشدن افراد با تحصیلات عالیه. اسلام و علوم اجتماعی، ۱ (۲)، ۸۰-۴۹.
۲۵. کرمی، س. (۱۳۸۸). سکولاریسم (خاستگاه، مبانی و مؤلفه‌ها). تهران: امیرکبیر.
۲۶. معاونت پژوهش برنامه‌ریزی و توسعه منابع اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان. (۱۴۰۱-۱۴۰۲). سالنامه آماری آموزش و پرورش استان اصفهان. بازیابی در ۱۴۰۱، از isf.medu.ir.
۲۷. معیدفر، س. (۱۳۸۶). دانشگاه و دگرگونی ارزش‌ها. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۸. نایی، ه. و آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۵). تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دین‌داری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی. جامعه‌شناسی ایران، ۷ (۳)، ۹۳-۷۶.

۲۹. ولزل، ک.، اینگلهارت، ر.، و کلینگمان، ه. د. (۱۳۸۲). *توسعه انسانی نظریه‌ای درباره تغییر اجتماعی* (ه. جلیلی، مترجم). تهران: طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد.
۳۰. هدایت، ج. (۱۳۸۱). *خیام صادق*. تهران: چشمه.
۳۱. هدایت، ص. (۱۴۰۰). *ترانه‌های خیام*. تهران: جاویدان.
۳۲. یوسف‌زاده، ح. (۱۳۹۹). *بررسی تحول آراء پیتربگر درباره دین و عرفی‌شدن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

33. Berger, P. L. (1967). *The Sacred Canopy; Elements of a Sociological Theory of Religion*, Garden City. New York: Doubleday.
34. Berger, P. L. (1999). *The De Secularization of the World: Resurgent Religion and World Politics*. Washington, D.C.: Ethics and Public Policy Center.
35. Inghart, R. (1997). *Modernization and Postmodernization*. Princeton: Princeton University Press.
36. Inglehart, R. & Norris, P. (2003). *Rising Tide: Gender Equality and Cultural change around the world*. Cambridge: Cambridge University Press.
37. Luckhurst, R. (2008). *The Trauma Question*. London & New York: Routledge.
38. Macke, J., Casagrande, R. M., Sarate, J. A. R., & Silva, K. A. (2018). Smart city and quality of life: Citizens' perception in a Brazilian case study. *Journal of Cleaner Production*, 182(1), 717-726.
39. Wallace, R. & Wolf, A. (1999). *Contemporary Sociological Theory: Expanding the Classical Tradition*, New Jersey: Prentice Hall.
40. Wellzel, C. (2003). Effective Democracy, Mass Culture and the Quality of Elites: The human Development Perspective. *International Journal of Comparative Sociology* 43,(3-5), 269-298.
41. Žižek, S. (2001). *On Belief*. London: Routledge.

Explaining the Secularization Status of Lower and Upper Secondary School Teachers (Case Study: Isfahan)¹

Naser Nazarian

PhD Candidate in Sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Seyed Ali Hashemian Far²

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Ali Ghanbari Barzian

Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Received: 10 August 2024

Revised: 19 August 2024

Accepted: 22 August 2024

Abstract

The present study aims to explain the status of teachers' secularization (among the lower and upper secondary school teachers) in the Isfahan education department in the school year 2023-2024. The research method is a survey and the statistical population consists of all lower and upper school teachers working in the six districts of Isfahan. The sample size was selected by the SPSS sample power software using a mixed stratified and quota sampling method. The data collection instrument in this cross-sectional research was a questionnaire. The results obtained from SPSS software (Ver. 26) for two demographic hypotheses suggest that for the first hypothesis, there is no significant difference between women and men in terms of the mean secularization variable and its dimensions including hereafterism, psychological symptoms, social tendencies, no tendency for servitude and luxury-orientation ($\text{Sig} < 0.05$). As for the second hypothesis, the one-way analysis of the variance test indicates a significant difference between people with dissimilar work backgrounds in terms of the mean secularization variable ($\text{Sig} \geq 0.05$). The findings of the structural equation model using Amos Graphic software also show that the

1. This article is an excerpt from the first author's doctoral dissertation at the University of Isfahan.

2. Corresponding Author, Email: j.hashemian@ltr.ui.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Nazarian, N. , Hashemian Far, S. A. and Ghanbari Barzian, A. (2024). Explaining the Secularization Status of Lower and Upper Secondary School Teachers (Case Study: Isfahan). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 215-250. doi: 10.22067/social.2024.89310.1547

coefficient of determination for the five sociological variables is $R^2=0.52$ and the influence coefficient for the variables of quality of life, deviance, trauma and internationalization is Beta= 0.36, 0.31, 43, -0.32, respectively, at a significant level of $P<0.05$. In general, the overall evaluation indicators of the structural equation model show that the proposed model is supported by the research data. In fact, the data fit the model and most of the indicators demonstrate that the structural equation model is suited for this purpose.

Keywords: Secularization, Quality of life, Trauma, Pluralism, Deviance, International sub-culture



Meta-analysis of Studies on Undesirable Dietary Behaviors in Iran¹

Mahya Azmayesh Asiyabsari

PhD Candidate in Sociology, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

Nader Motie Haghshenas²

Assistant Professor of Demography, Population Economics and Human Capital Research Group, National Population Research Institute, Tehran, Iran

Valiollah Rastamali Zadeh

Associate Professor of Migration and Urbanization, National Population Research Institute, Tehran, Iran

Received: 6 March 2024 Revised: 28 July 2024 Accepted: 30 July 2024

Abstract

One of the most important factors shaping the dietary pattern of a community is the set of habits, food culture, and the nutrition of its people, so the food security of households and planning to ensure healthy nutrition are among the most fundamental concerns of today's societies. However, rising urbanization, growing work responsibilities of women, and the prevalence of fast and pre-cooked foods have led to the formation of the nutritional transition phenomenon (the transition from healthy to unhealthy or undesirable nutritional patterns and behaviors). In this regard, the present research aims to explore the determinants of undesirable dietary behaviors in Iran. For this purpose, a meta-analysis research method has been employed. The statistical population consists of studies conducted on undesirable dietary behaviors and habits in Iran in the period from 2007 to 2020. After designing specific stages

1. Extracted from PhD dissertation submitted to the Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khalkhal, Iran

2. Corresponding author. Email: nader.haghshenas@nipr.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Azmayesh Asiyabsari, M. , Motie Haghshenas, N. and Rastamali Zadeh, V. (2024). Meta-analysis of Studies on Undesirable Dietary Behaviors in Iran. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 187-214. doi: 10.22067/social.2024.84641.1426

(search, screening, eligibility, and inclusion), sampling was conducted, and a total of 25 studies were selected as the final sample. For post-coding data analysis, the comprehensive meta-analysis software (CMA2) was used. The prevalence of fast and ready-to-eat food patterns has led to the phenomenon of nutritional transition (the shift from healthy dietary patterns and behaviors to unhealthy or undesirable ones). The research findings suggest that variables that wield the highest effect on undesirable nutritional habits and behaviors in Iran are: cultural factors (media advertising, body awareness and attitudes, religiosity, media usage), economic factors (socio-economic status and economic capital), demographic factors (age, place of residence, marital status, level of education, sex), and social factors (social capital and social support). In the components of cultural factors, media advertising (0.541), in economic factors, socioeconomic status (-0.314), in demographic factors, age (-0.224), and in social factors, social capital (-0.280) exert the highest impact on undesirable dietary patterns and behaviors.

Keywords: Dietary patterns, Undesirable eating behaviors, Nutritional transition, Fast and ready-to-eat foods, Meta-analysis

A Qualitative Study of Cyber Harms Among Students of Arak

Seyed Ahmad Mir Mohamad Tabar

Assistant Professor, Department of Sociology, Arak University, Arak, Iran

Mojtaba Mohammadi Jalali Farahani¹

Assistant Professor, Counseling Department, Farhangian University, Tehran, Iran

Samad Adlipour

Ph.D. in Sociology, Tabriz University, Tabriz, Iran

Received: 11 February 2024

Revised: 23 February 2024

Accepted: 27 February 2024

Abstract

Cyberspace has created a new world for students to explore and learn. Teachers and families encourage students to use cyberspace for learning, but not all contents on cyberspace are suited for students. The online data provides countless benefits to users; however, it comes with serious threats as well. The present research aims to study cyber harm qualitatively among lower secondary school students in Arak City. To achieve this goal, a qualitative method was adopted. The data was collected through semi-structured interviews and data analysis was conducted using thematic analysis. Using a purposive sampling method and based on theoretical saturation criteria, 14 students of the lower secondary school in Arak were interviewed. The collected data were coded and analyzed based on 2 macro themes and 8 organizing themes. The results suggest that six categories of family harm, academic harm, social harm, psychological harm, religious harm and physical harm can be deemed as cyber harms among students. Two categories of the family (broken and troubled family and mismanagement and supervision) and social issues (poor media literacy, normative pressures and leisure time) were proposed as the chief underlying reasons for cyber harms. Finally, it should be noted that cyberspace has become an inseparable part of student's lives, and a greater presence in this space without sufficient media literacy in the absence of attractive real-life spaces such as family and school can inflict irreparable effects on students.

Keywords: Cyber harms, Lower high school students, Family issues, Social reasons.

1. Corresponding Author, Email: m.mohamadijalali@cfu.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Mir Mohamad Tabar, S. A. , Mohammadi Jalali Farahani, M. and Adlipour, S. (2024). A Qualitative Study of Cyber Harms Among Students of Arak. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 157-185. doi: 10.22067/social.2024.86823.1480

An Analysis of Sustainable Development Indicators in Urban Neighborhoods (Case Study: 14 Neighborhoods in Region 3 of Isfahan)

Kourosh Momeni¹

Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Jundishapur University of Technology, Dezful, Iran

Mahnaz Hossieni Siahgoli

Ph.D. in Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Safiyeh Damanbagh

Ph.D. in Geography and Urban Planning, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 29 December 2023

Revised: 16 March 2024

Accepted: 23 March 2024

Abstract

Urban neighborhoods, as the smallest unit of the spatial organization in the city, play an essential role in urban sustainability so that the sustainability of neighborhoods can be a measure against which the outcomes of urban policies that connect diverse aspects and issues of the city could be analyzed. Despite the importance of neighborhood sustainability indices, scant attention has been paid to the issue of sustainable indices of urban neighborhoods in Isfahan. The purpose of this research is to evaluate the sustainability of 14 neighborhoods in Region 3 of Isfahan using a quantitative method. The statistical population includes the citizens of Isfahan. A sample size of 425 people was selected from among the residents of Region 3 of Isfahan using Cochran's formula. Data analysis was conducted using a one-sample T-test and ANP method by Super Decision network analysis software. As shown by the results of the T-test, to many citizens, physical-environmental and health-treatment indicators are in a sustainable state while sociocultural and economic indicators are on the edge of unsustainability, which has provoked dissatisfaction among the citizens. Also, the results of the ANP model, the physical-environmental criterion (normal weight: 0.305) is the first priority, the economic criterion (normal weight: 0.285) is the second priority, the socio-cultural criterion (normal weight: 0.157) is the third priority, and the health-treatment criterion

1. Corresponding Author, Email: k_momeni@jsu.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Momeni, K. , Hossieni Siahgoli, M. and Damanbagh, S. (2024). An Analysis of Sustainable Development Indicators in Urban Neighborhoods (Case Study: 14 Neighborhoods in Region 3 of Isfahan). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 125-155. doi: 10.22067/social.2024.86129.1465

(normal weight: 0.147) is the fourth priority. In terms of sustainable development, Khajo, Charkhab, Baghkaran, Malik, Naqshjahan, Ahmadabad, Shahshahan, Qala Tabara, Sarcheshmeh, Sanbalistan, Golzar, Imamzadeh Ismail, Joybareh, and Sartawa neighborhoods run the gamut from the most sustainable to the most unsustainable neighborhoods, respectively.

Keywords: Urban neighborhood, Sustainable development, Sustainability of urban neighborhoods, Isfahan city.

The Effect of Quality of Life on Attitude Towards Qualifications of Graduates (Case study: Private Sector Employers in Mashhad)¹

Masoud Hajizadeh Meymandi²

Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Social science, University of Yazd, Yazd, Iran

Musa Afzalyan Salami

PhD Candidate in Economic Sociology and Development, Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Yazd, Yazd, Iran

Received: 14 November 2023

Revised: 1 January 2024

Accepted: 2 January 2024

Abstract

In recent years, the expansion of universities and the ease of admission have prompted a surge in the number of graduates in most fields of study in Iran. Along with this quantitative growth of graduates, the skills and competencies of graduates have been raised as a key challenge. It appears that one of the common problems of the educational system in Iran is the low level of skills and practical knowledge of university graduates. The aim of the research is to explore the effect of the quality of life on the attitude towards graduates' competencies among the employers of Mashhad. In this applied research, a field survey method has been adopted. The statistical population of the research comprised the private sector employers in Mashhad, from whom a sample of 350 people was selected from a wide range of managers through judgmental sampling method using Cochran's formula. SPSS and Amos software were used for data analysis. According to the findings, the graduates' quality of life has a significant effect on the attitude towards competencies among university graduates in Mashhad. Accordingly, the model variables can explain 19% of variance in the graduates' attitude towards competences. The standard estimation of the structural equation model regarding the effect of graduates' quality of life on their attitude towards qualifications was estimated at 0.541. According to the findings, it can be concluded that by improving the quality of life, especially the quality of education at universities and paying greater attention to the practical and practical aspects of students' education, their professional and vocational skills could be enhanced. In addition, the relevant organizations, especially the alumni

1. This paper is extracted from a PhD dissertation submitted by Musa Afzalyan Salami to the Department of Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Yazd.

2. Corresponding Author, Email: masoudhajizadehmeymandi@gmail.com



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Hajizadeh Meymandi, M. and Afzalyan Salami, M. (2024). The Effect of Quality of Life on Attitude Towards Qualifications of Graduates (Case study: Private Sector Employers in Mashhad). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 87-123. doi: 10.22067/social.2024.85345.1448

associations, need to build up the students' skill training and develop their expertise relative to the demands of the society after graduation.

Keywords: Quality of life, Qualifications of graduates, Job skills, Ethical-behavioral, Private sector employers

Exploring the Harms of Lifestyle Among Welfare Organization's Help-Seekers and Presentation of Solutions (Case study: Help-seekers in Damghan County)

Shahram Basy¹

Associate Professor of Anthropology, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

Monireh Moradinasab

Lecturer in Sociology, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

Received: 29 August 2023

Revised: 23 November 2023

Accepted: 7 December 2023

Abstract

Identifying the lifestyle harms of the help-seekers and providing solutions for their mitigation is one of the most important goals of the present study, which was conducted using a qualitative method and narrative analysis. To achieve this goal, first, all staff and female heads of households of help seekers supported by the Welfare Organization of Damghan were selected as the statistical population. Then, the purposive sampling method was adopted to select the samples. The sample included 20 female heads of households of help seekers and 10 staff of the Welfare Organization. Data collection was conducted using a semi-structured interview and the findings suggest that physical harms, as a ground for risks, have affected the lives and lifestyles of the help seekers. They face serious psychological injuries including psychological pressure, stress, depression, loneliness, suicide, and low self-confidence, which have overshadowed their lifestyles. In parallel, harms and a lack of skills to deal with them, as well as cultural issues and cultural impoverishment of the families have intensified their social and cultural instability. Inadequate welfare pension and unemployment were the main economic factors identified. The help-seekers acknowledged the institutional and functional weakness of the Welfare Organization. The results reveal an unsustainable lifestyle at the social, economic, and cultural levels. In this regard, solutions are presented to improve lifestyle and alleviate harms, including counseling and education, coordination and cooperation

1. Corresponding Author, Email: basity@pnu.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Basy, S. and Moradinasab, M. (2024). Exploring the Harms of Lifestyle Among Welfare Organization's Help-Seekers and Presentation of Solutions (Case study: Help-seekers in Damghan County). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 55-85. doi: 10.22067/social.2023.84162.1414

of institutions, employment creation, increasing pensions, and positive representation of the lifestyle of the help-seekers.

Keywords: Lifestyle, Narrative analysis, Welfare Organizations' help seekers, Damghan County

The Sociocultural Contexts for Women's Inclination Toward Emerging Patterns of Religiosity (Case study: Mysticism, Success and Yoga Classes in Tehran)

Mohammad Taghi Karami Ghahi

Professor, Department of Women's Studies, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Ali Khanmohammadi¹

Ph.D. Candidate, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Samira Nouri

M.A. in Cultural Studies, Department of Cultural Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Received: 29 April 2023

Revised: 6 July 2023

Accepted: 10 July 2023

Abstract

Religiosity represents one of the most significant dimensions of women's lived experiences. This realm is exceedingly shaped by the transformative wave of global cultural shifts, encompassing the revolution in information technology, individualism, secularization, religious radicalism, social differentiation, integration into global culture, the rise of new lifestyles, and widespread migration. These changes have given rise to novel patterns of religiosity. The everyday life of Iranians, from antiquity to the present, has been intertwined with Abrahamic religions, Zoroastrianism, Manichaeism, and various mystical traditions. This pluralistic religious culture has been influenced by global cultural transformations. Women living in Iran's metropolises are among the most devout demographic groups. This study employs the grounded theory method with Strauss's approach to map the religiosity of women in Tehran during this era of change. The analysis focuses on four components of the coding paradigm, underlined by the positivist psychology and Buddhist spirituality in these emerging patterns of religiosity. Causal conditions include religious behavior, social identity, tolerance, psychological types, and peaceful pathways or places. Contextual and intervening conditions included the

1. Corresponding Author, Email: ali1992khanmohammadi@gmail.com



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Karami Ghahi, M. T. , Khanmohammadi, A. and Nouri, S. (2024). The Sociocultural Contexts for Women's Inclination Toward Emerging Patterns of Religiosity (Case study: Mysticism, Success and Yoga Classes in Tehran). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 29-54.
doi: 10.22067/social.2023.82155.1340

cultural background of families, participants' use of cultural products, and their leisure activities. The strategy Tehran women adopt—attending virtual courses and classes—often stems from encouragement by close friends and family and serves as a response to medical or social risks. The anticipated outcomes reported by interviewees include self-improvement, self-awareness, enhanced resilience, patience, success, tranquility, spirituality, and positive thinking. Through mechanisms of “innovation” and “heresy,” Tehran women engage in reconstructing or rethinking their identities, particularly in confronting challenges such as illness.

Keywords: Emerging patterns of religiosity, Positivist psychology, Reconstructing, Rethinking, Risk.

Exploring the Relationship between Social Rejection and Social Entrepreneurship Capacities in Relation to Drug Withdrawal Among Addicted Women and Girls

Ali Akbar Majdi¹

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities,
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Seyed Alireza Anvari

Ph.D. in Economic Sociology and Development, Faculty of Literature and Humanities,
Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 17 October 2022 Revised: 18 December 2022 Accepted: 14 March 2023

Abstract

This research investigates the relationship between social rejection and social entrepreneurship in relation to addiction withdrawal among addicted women and girls. The research method is a field survey and the statistical population consists of all addicted women and girls in Khorasan Razavi province. Sampling was conducted in the care centers of female addicts and the Association of Narcotics Anonymous. A sample size of $n=354$ people was calculated by Cochran's formula. Sampling was conducted randomly from the existing lists. The findings of the correlation table show that entrepreneurial capability is inversely related to social rejection such that social rejection drops as the entrepreneurial ability of the addicted women and girls improves. The regression analysis as the final model presented variables in the social rejection that deteriorated social entrepreneurship ability, which included insults suffered due to addiction, sarcasm for addiction, limited socialization, loss of a job, and break of social relationships. In this way, social entrepreneurship can offer a solution to help addicts overcome social exclusion and get on the path to addiction withdrawal. Hence, social entrepreneurial ability based on the social rejection index such as building social networks related to entrepreneurship for specific groups (addicted women and girls) helps overcome addiction by mitigating the effects of social rejection and isolation. An outcome of entrepreneurship is escaping isolation and social exclusion, and the strategy of social entrepreneurship to address the problem of social exclusion is to create a social network with an entrepreneurial approach for addicted women and girls. This network consists of a group of

1. Corresponding Author, Email: majdi@um.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Majdi, A. A. and Anvari, S. A. (2024). Exploring the Relationship between Social Rejection and Social Entrepreneurship Capacities in Relation to Drug Withdrawal Among Addicted Women and Girls. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 21(3), 1-27. doi: 10.22067/social.2023.73597.1102

individuals and groups active in the field of entrepreneurship to lead addicted women and girls toward entrepreneurial activities and starting businesses.

Keywords: Women and Girls, Addiction, Social Rejection, Social Entrepreneurship, Khorasan Razavi



FERDOWSI UNIVERSITY
OF MASHHAD

Ferdowsi University of Mashhad

Journal of Social Sciences

Quarterly, research-based journal

Vol. 21, No. 3, Autumn 2024, Serial Number 49

- **Exploring the Relationship between Social Rejection and Social Entrepreneurship Capacities in Relation to Drug Withdrawal Among Addicted Women and Girls** 1
Ali Akbar Majdi, Seyed Alireza Anvari
- **The Sociocultural Contexts for Women's Inclination Toward Emerging Patterns of Religiosity (Case study: Mysticism, Success and Yoga Classes in Tehran)** 2
Mohammad Taghi Karami Ghahi, Ali Khanmohammadi, Samira Nouri
- **Exploring the Harms of Lifestyle Among Welfare Organization's Help-Seekers and Presentation of Solutions (Case study: Help-seekers in Damghan County)** 3
Shahram Basity, Monireh Moradinasab
- **The Effect of Quality of Life on Attitude Towards Qualifications of Graduates (Case study: Private Sector Employers in Mashhad)** 4
Masoud Hajizadeh Meymandi, Musa Afzalyan Salami
- **An Analysis of Sustainable Development Indicators in Urban Neighborhoods (Case Study: 14 Neighborhoods in Region 3 of Isfahan)** 5
Kourosh Momeni, Mahnaz Hossieni Siahgoli, Safiyeh Damanbagh
- **A Qualitative Study of Cyber Harms Among Students of Arak** 6
Seyed Ahmad Mir Mohamad Tabar, Mojtaba Mohammadi Jalali Farahani, Samad Adlipour
- **Meta-analysis of Studies on Undesirable Dietary Behaviors in Iran** 7
Mahya Azmayesh Asiyabsari, Nader Motie Haghshenas, Valiollah Rastamali Zadeh
- **Explaining the Secularization Status of Lower and Upper Secondary School Teachers (Case Study: Isfahan)** 8
Naser Nazarian, Seyed Ali Hashemian Far, Ali Ghanbari Barzian



Ferdowsi University of Mashhad

Ferdowsi University of Mashhad
Journal of Social Sciences
Quarterly, research-based journal
Vol. 21, No. 3, Autumn 2024, Serial
Number 49

License Holder
Ferdowsi University of Mashhad

General Director
Dr. Mohsen Noghani Dokht Bahmani
Ferdowsi University of Mashhad

Editor-in-Chief
Dr. Hossein Behravan
Ferdowsi University of Mashhad

Editorial Board

Dr. Taghi Azad armaki
University of Tehran

Dr. Hossein Behravan
Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Gholamreza Jamshidiha
University of Tehran

Dr. Mohsen Noghani Dokht Bahmani
Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Seyed Mohammad Seyed Mirzaie
Shahid Beheshtie University

Dr. Ali Asghar Seylanian Toosi
Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Mohammad Taghi Sheikhi
Alzahra University

Dr. Rampoor Sadr Nabavi
Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Abdolali Lahsaeizadeh
Shiraz University

Dr. Mansoor Vosooghi
University of Tehran

Dr. Ali Yousofi
Ferdowsi University of Mashhad

Dr. Fatemeh Golabi
University of Tabriz

Dr. Yaghoob Foroutan
University of Mazandaran

Dr. Mahmoud Sadri
Texas Woman's University

Dr. Rafal Smoczynski
Institute of Philosophy and Sociology

Internal Manger:
Dr. Hossein Mirzaei
Ferdowsi University of Mashhad

English Language Editor:
Dr. Vahid Mardani Kalate Gheshtlagh

Executive Coordinator:
Zahra Baniasad

Persian Editor:
Mina Reyhani

Typesetting:
Mahboubeh Iranpak

Printing & Binding:
Ferdowsi University of Mashhad
Press

Circulation: 30

Subscription: 25 USD (USA)
20 USD (other)

Address:
Faculty of Letters and Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq.
Mashhad-Iran

Post Code: 9177948883

Tel: (+98 51) 38806724

Fax: (+98 51) 38807060

E-mail: JSS@ferdowsi.um.ac.ir
Website: <https://social.um.ac.ir>

In the Name of God

EXTENDED ABSTRACTS

- **Exploring the Relationship between Social Rejection and Social Entrepreneurship Capacities in Relation to Drug Withdrawal Among Addicted Women and Girls** 1
Ali Akbar Majdi, Seyed Alireza Anvari
- **The Sociocultural Contexts for Women's Inclination Toward Emerging Patterns of Religiosity (Case study: Mysticism, Success and Yoga Classes in Tehran)** 2
Mohammad Taghi Karami Ghahi, Ali Khanmohammadi, Samira Nouri
- **Exploring the Harms of Lifestyle Among Welfare Organization's Help-Seekers and Presentation of Solutions (Case study: Help-seekers in Damghan County)** 3
Shahram Basy, Monireh Moradinasab
- **The Effect of Quality of Life on Attitude Towards Qualifications of Graduates (Case study: Private Sector Employers in Mashhad)** 4
Masoud Hajizadeh Meymandi, Musa Afzalyan Salami
- **An Analysis of Sustainable Development Indicators in Urban Neighborhoods (Case Study: 14 Neighborhoods in Region 3 of Isfahan)** 5
Kourosh Momeni, Mahnaz Hossieni Siahgoli, Safiyeh Damanbagh
- **A Qualitative Study of Cyber Harms Among Students of Arak** 6
Seyed Ahmad Mir Mohamad Tabar, Mojtaba Mohammadi Jalali Farahani, Samad Adlipour
- **Meta-analysis of Studies on Undesirable Dietary Behaviors in Iran** 7
Mahya Azmayesh Asiyabsari, Nader Motie Haghshenas, Valiollah Rastamali Zadeh
- **Explaining the Secularization Status of Lower and Upper Secondary School Teachers (Case Study: Isfahan)** 8
Naser Nazarian, Seyed Ali Hashemian Far, Ali Ghanbari Barzian